



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

تفسیر قرآن مجید

مفسر: علامہ محمد رفیع رحمانی صاحب دہلی مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند

ویسٹ جوائنٹ



جلد ۱۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۹ | تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم |
| ۹ | مشخصات کتاب |
| ۹ | یادآوری |
| ۱۰ | درآمد |
| ۱۰ | بخش اول: سوره‌ی عنکبوت |
| ۱۰ | اشاره |
| ۱۰ | اول: سیمای سوره‌ی عنکبوت |
| ۱۱ | اشاره |
| ۱۱ | شمارگان |
| ۱۱ | نزول |
| ۱۱ | فضایل |
| ۱۱ | اهداف |
| ۱۱ | مطالب |
| ۱۲ | دوم: محتوای سوره‌ی عنکبوت |
| ۱۲ | اشاره |
| ۱۷ | ماجرای نوح (ع) |
| ۱۷ | ماجرای ابراهیم (ع) و دلایل شرک ستیزی او |
| ۲۲ | ماجرای لوط |
| ۲۵ | ماجرای شعیب |
| ۲۶ | ماجرای عاد و ثمود |
| ۲۷ | مثال جالب عنکبوت |
| ۲۹ | تاثیر نماز در تربیت فرد و جامعه |

| | |
|----|---|
| ۳۷ | دنیا بازیچه است و آخرت حیات حقیقی |
| ۳۹ | بخش دوم: سوره‌ی روم |
| ۳۹ | اشاره |
| ۳۹ | اول: سیمای سوره‌ی روم |
| ۳۹ | اشاره |
| ۳۹ | شمارگان |
| ۳۹ | نزول |
| ۳۹ | فضایل |
| ۳۹ | اهداف |
| ۴۰ | مطالب |
| ۴۰ | دوم: محتوای سوره‌ی روم |
| ۴۰ | اشاره |
| ۴۴ | رستاخیز |
| ۴۵ | نشانه‌های خدا |
| ۴۹ | فطرت چیست؟ |
| ۵۳ | قوانین الهی |
| ۵۶ | نشانه‌های خدا در چرخه آب در طبیعت |
| ۶۰ | بخش سوم: سوره‌ی لقمان |
| ۶۰ | اشاره |
| ۶۰ | اول: سیمای سوره‌ی لقمان |
| ۶۰ | اشاره |
| ۶۰ | شمارگان |
| ۶۰ | نزول |
| ۶۰ | فضایل |

| | |
|----------------------------------|----|
| اهداف | ۶۰ |
| مطالب | ۶۱ |
| دوم: محتوای سوره‌ی لقمان | ۶۱ |
| عظمت و حکمت قرآن | ۶۱ |
| ویژگی‌های نیکوکاران | ۶۲ |
| اعجازهای علمی قرآن | ۶۶ |
| حکمت‌های لقمان | ۶۷ |
| تسخیر موجودات برای انسان | ۷۴ |
| سه صفت خدا (مالک- توانگر- ستوده) | ۷۶ |
| دنیا و شیطان عوامل فریب و غفلت | ۷۹ |
| بخش چهارم: سوره‌ی سجده | ۸۲ |
| اشاره | ۸۲ |
| اول: سیمای سوره‌ی سجده | ۸۲ |
| اشاره | ۸۲ |
| شمارگان | ۸۲ |
| نزول | ۸۲ |
| فضایل | ۸۲ |
| اهداف | ۸۳ |
| مطالب | ۸۳ |
| دوم: محتوای سوره‌ی سجده | ۸۳ |
| قرآن حقیقی تردید ناپذیر | ۸۳ |
| مراحل شش‌گانه آفرینش جهان | ۸۴ |
| مراحل آفرینش انسان | ۸۵ |
| رستاخیز | ۸۶ |

| | |
|-----|---|
| ۸۸ | نشانه های مومنان حقیقی |
| ۸۹ | مقایسه مومنان و نافرمانبرداران |
| ۹۲ | نشانه های خدا |
| ۹۳ | بخش پنجم: سوره‌ی احزاب |
| ۹۳ | اشاره |
| ۹۳ | اول: سیمای سوره‌ی احزاب |
| ۹۳ | اشاره |
| ۹۳ | شمارگان |
| ۹۳ | نزول |
| ۹۳ | فضایل |
| ۹۳ | اهداف |
| ۹۴ | مطالب |
| ۹۴ | دوم: محتوای سوره‌ی احزاب |
| ۹۴ | معیارهای پیرو اطاعت |
| ۹۵ | مبارزه قرآن با فرهنگ جاهلیت |
| ۹۷ | قوانین خاص |
| ۹۹ | ماجرای جنگ احزاب |
| ۱۰۷ | خانواده پیامبر (ص) |
| ۱۰۹ | آیه تطهیر |
| ۱۱۱ | صفات ارزشمند و همگون زن و مرد |
| ۱۱۲ | پیامبر (ص) و رسالت ها و قوانین |
| ۱۲۶ | رستاخیز |
| ۱۲۹ | منابع |
| ۱۳۴ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور: تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی اصفهانی، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر: قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳ - مشخصات ظاهری: ج. شابک: ۵۲۰۰۰ ریال: ج. ۱۶ یادداشت: فهرست‌نویسی بر اساس جلد هجدهم □ ۱۳۸۸. یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: **The mehr commentary on the holy Quran**. یادداشت: ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴، ۱۷ □ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت: عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ج. ۱۶. سوره‌های عنکبوت، روم، لقمان، سجده و احزاب. - عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴ رده بندی کنگره: BP۹۸/رت ۶۶ ۱۳۰۰ ای رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری

تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق کنندگان و حامیان: حجج اسلام قمی، دکتر کلانتری، دکتر علی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه بر اساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر بر اساس آموزه‌های مذهب اهل بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن - روایی - عقلی - اجتهادی - علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹ بسم الله الرحمن الرحيم وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين «۱» وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲»؛ و آگاه کننده (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکر کنند.

درآمد

قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰ قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۱» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۲» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۳» نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتواند از آن بهتر بهره ببرند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱ این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجة ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن پژوه و مفسر سترگ حضرت آیه الله محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظر علمی این اثر بودند و مرحوم استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلالی محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکازمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی، نصرت الله نیکزاد و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲ قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجة الاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصرالله سلیمانی، نعمت الله صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمد رضایی، اکبر جعفری و یدالله رضائزاد سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد لله رب العالمین قم - ۱۳۸۷ / ۹ / ۲۱ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳

بخش اول: سوره‌ی عنکبوت

اشاره

یادآوری توحید و رستاخیز آزمایش همگانی مردم درس ناخوانده بودن پیامبر صلی الله علیه و آله دلیل حقایق او داستان عبرت آموز برخی پیامبران و اقوام تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵

اول: سیمای سوره‌ی عنکبوت

اشاره

سیمای سوره‌ی عنکبوت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز

شمارگان

سوره‌ی عنکبوت دارای ۶۹ آیه، ۱۹۸۱ کلمه و ۴۱۹۵ حرف است.

نزول

سوره‌ی عنکبوت که در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده «۱»، هشتاد و چهارمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی روم و قبل از سوره‌ی مطففین) است و زمان نزول آن نزدیک به زمان هجرت بوده است. این سوره در چینش کنونی قرآن بیست و نهمین سوره است. نام‌ها: تنها نام این سوره عنکبوت است، که از آیه‌ی ۴۱ این سوره گرفته شده است و در آن جا خانه‌ی عنکبوت را سست‌ترین خانه‌ها معرفی کرده است.

فضایل

در مورد فضیلت قرائت این سوره از امام صادق علیه السلام حکایت شده که به خدا سوگند یاد کرد: هر کس سوره‌ی عنکبوت و روم را در ماه رمضان تلاوت کند، از اهل بهشت است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶ تذکر: البته این پاداش‌های تلاوت سوره‌ها برای کسی است که آن‌ها را بخواند و به مضامین آنها عمل کند که در این صورت اهل بهشت خواهد بود. ویژگی‌ها: این سوره نیز از سوره‌هایی است که با حروف مقطعه (الم) شروع می‌شود و نام عنکبوت در قرآن فقط دو بار آمده است که در آیه‌ی ۴۱ این سوره قرار دارد.

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید و نشانه‌های خدا در جهان آفرینش؛ ۲. یادآوری به قیامت؛ ۳. یادآوری سنت الهی امتحان.

مطالب

مطالب عمده‌ای که در سوره‌ی عنکبوت به چشم می‌خورد عبارت‌اند از: الف) عقاید ۱. یادآوری توحید و بطلان شرک (در آیات ۶۵-۶۱)؛ ۲. امتحان ایمان مردم به خدا با بلاها و مشکلات (در آیات ۲-۶)؛ ۳. توجه به قیامت (در آیات ۵۳-۵۴)؛ ۴. اشاره‌ای به دلایل حقیقت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از جمله این که پیامبر خط نمی‌نوشت (در آیه‌ی ۴۸). ب) اخلاق ۱. به مسلمانان دستور می‌دهد که با اهل کتاب به صورت نیکویی بحث تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷ نمایند (در آیه‌ی ۴۶)؛ ۲. سفارش در مورد نیکو رفتار نمودن با پدر و مادر (در آیه‌ی ۸)؛ ۳. دنیا بازیچه است و حیات واقعی از آن آخرت است (در آیه‌ی ۶۴). ج) احکام ۱. دستور به جا آوردن نماز و این که نماز سبب منع فحشا و منکر می‌شود (در آیه‌ی ۴۵)؛ ۲. اگر پدر و مادر انسان را به شرک دعوت کنند، حق اطاعت آنها را ندارد (در آیه‌ی ۸). د) داستان‌ها ۱. اشاره‌ای به داستان نوح علیه السلام (در آیات ۱۴-۱۵)؛ ۲. اشاره‌ای به داستان ابراهیم علیه السلام (در آیات ۱۶-۳۱)؛ ۳. اشاره‌ای به داستان لوط علیه السلام (در آیات ۲۶-۳۰ و ۳۲-۳۵)؛

۴. اشاره‌ای به داستان شعیب علیه السلام (در آیات ۳۶-۳۸)؛ ۵. اشاره‌ای به داستان موسی علیه السلام (در آیه ۳۹)؛ ۶. اشاره‌ای به اسحاق و یعقوب علیهما السلام (در آیه ۲۷)؛ ۷. اشاره‌ای به قوم عاد و ثمود (در آیه ۳۸)؛ ۸. اشاره‌ای به قارون و هامان و فرعون (در آیه ۳۹). ه) مطالب فرعی ۱. دل‌داری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مؤمنان با یادآوری مشکلات پیامبران گذشته؛ ۲. یادآوری عظمت قرآن (در آیه ۵۱)؛ ۳. اشاره‌ای به لجاجت مخالفان؛ ۴. تذکراتی درباره‌ی منافقان (در آیات ۱۰-۱۱)؛ ۵. دعوت به مسافرت در زمین (در آیه ۲۰)؛ ۶. همگانی بودن مرگ (در آیه ۵۷)؛ ۷. اشاره‌ای به فطرت خداجوی بشر (در آیه ۶۵).
تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹

دوم: محتوای سوره‌ی عنکبوت

اشاره

آیه‌ی اول سوره‌ی عنکبوت حروف مقطعه است: ۱. الف، لام، میم الف، لام، میم نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حروف مقطعه‌ی قرآن، در آغاز سوره‌های بقره، آل عمران و بسیاری از سوره‌های دیگر آمده است که ما مطالبی در این مورد ذیل همان آیات بیان کردیم. ۲. حروف مقطعه یا اسراری بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است و یا نشان دهنده‌ی آن است که قرآن با تمام عظمت و اعجازش از همین حروف معمولی ساخته شده است. حروفی که در دسترس همه‌ی افراد بشر است ولی باز هم کسی نمی‌تواند از این حروف کتابی همانند قرآن تألیف کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر در مورد حروف الفبا و رابطه‌ی آن با قرآن تفکر کنید، به عظمت قرآن پی می‌برید. «۲» ۲. قرآن از حروف معمولی عربی ساخته شده است (اگر می‌توانید همانند آن بیایید). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰ قرآن کریم در آیات دوم و سوم سوره‌ی عنکبوت به قانون عمومی آزمایش ایمان انسان‌ها و هدف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲ و ۳. أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ آیا مردم پنداشتند، همین که بگویند: «ایمان آوردیم.» رها می‌شوند، در حالی که آنان آزمایش نمی‌شوند؟! * و به یقین، کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم، و حتماً، خدا کسانی را که راست گفته‌اند معلوم می‌دارد (و شناخته می‌شوند)، و البتّه دروغ‌گویان را (نیز) معلوم می‌دارد. شأن نزول: حکایت شده که عمار یاسر و جمعی از مسلمانان نخستین تحت شکنجه و آزار مشرکان واقع شدند و این آیه در مورد پای‌مردی و امتحان ایمان آنان نازل شد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به قانون عمومی امتحان الهی برای همه‌ی افراد بشر اشاره شده است؛ یعنی همه‌ی انسان‌هایی که ادعای ایمان می‌کنند امتحان می‌شوند تا حقیقت ادعای آنان و ارزش و نیت درونی آنها روشن شود. ۲. در این آیات، هدف آزمایش، علم خدا به درستی و نادرستی ادعای ایمان انسان‌ها معرفی شده است، در حالی که خدا از همه چیز آگاه است؛ پس منظور از این علم چیست؟ مقصود از علم خدا در این جا تحقق عینی و خارجی مسائل است؛ یعنی خدا تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱ می‌خواهد عملاً معلوم دارد که چه کسانی در ادعای ایمان خود راست‌گو و چه کسانی دروغ‌گو هستند و هنگامی که مقاصد و نیات درونی و صفات باطنی افراد، در خارج متحقق شد و به صورت عمل ظاهر شد، حجّت بر او تمام می‌شود و این مطلب زمینه‌ساز کیفر و پاداش انسان می‌شود. از تعبیر این آیات و مطالب پیشین استفاده می‌شود که هدف آزمایش الهی، پرورش و شکوفایی استعدادهای انسان است؛ یعنی جهان هم‌چون دانشگاهی است که انسان‌ها در آن تعلیم می‌بینند و مرتب امتحان می‌شوند و برخی درجات عالی را طّی می‌کنند و برخی مردود می‌شوند. غم نیست زخم خورده‌ی راه خدای را دردی خوش بود که حبیبش کند دوا (سعدی) به عبارت دیگر، در طّی این آزمایش‌ها استعداد های انسان‌ها شکوفا شده، در خارج تحقق می‌یابد و ایمان خالص افراد ظاهر می‌شود. «۱» خاصان حق، همیشه بلّیت کشیده‌اند هم بیش‌تر عنایت و هم بیش‌تر عنا (سعدی) ۴. آزمایش ایمان انسان‌ها به

صورت‌های گوناگون انجام می‌شود: - گاهی افراد در فشار و محرومیت قرار می‌گیرند تا میزان صبر و تقوای آنان امتحان شود. - گاهی افراد در ناز و نعمت غرق می‌شوند تا میزان شکرگزاری آنان آزمایش شود. - گاهی افراد در محیط‌های آلوده قرار می‌گیرند تا میزان پاکی آنان امتحان شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲ - و گاهی افراد گرفتار مصیبت‌ها و جنگ‌ها و حکومت‌های خودکامه می‌شوند تا میزان استقامت آنان آزمایش شود. آری؛ آزمایش الهی چهره‌های گوناگون دارد و هر کس به صورتی امتحان می‌شود تا ارزش ایمان او روشن شود. ۵. در احادیث اسلامی از امام علی علیه السلام روایت شده که این آیه را قرائت کردند و فرمودند: آزمایش همان دین است و مردم آزمایش می‌شوند همان طور که طلا آزمایش می‌شود و مردم خالص می‌شوند همان طور که طلا خالص می‌شود. «۱» و در برخی احادیث نیز این آیه بر فتنه‌ها و آزمایش‌های مردم بعد از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تطبیق شده است که البته این گونه احادیث از باب بیان مصداق‌های آیه است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آزمایش ایمان مردم، یک قانون عمومی الهی است. ۲. هدف آزمایش انسان‌ها، روشن ساختن درستی و نادرستی ادعاهای افراد در عمل است. ۳. آزمایش، یکی از راه‌های تشخیص صحت ادعاهای افراد است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳ امتحان و علل و وسایل آن امتحان سنت و قانون حتمی الهی است که همه‌ی افراد را فرا می‌گیرد. الف) چرا خدا انسان‌ها را امتحان می‌کند؟ ۱. برای جداسازی افراد پاک از ناپاک (آل عمران، ۱۷۹)؛ ۲. برای معلوم کردن مؤمنان و مجاهدان و شکیبایان (آل عمران، ۱۲۸-۱۴۲)؛ ۳. برای خالص کردن مؤمنان و نیت‌های آنان (آل عمران، ۱۴۱ و ۱۵۴)؛ ۴. تا روشن شود که کیفیت عمل نیکوی چه کسانی بالاتر است (ملک، ۳؛ هود، ۷ و کهف، ۷)؛ ۵. «بلا برای ستمکار ادب است و برای مؤمن امتحان و برای پیامبران درجه است.» «۱» ۶. «هر گاه خدا بنده‌ای را دوست دارد او را گرفتار بلا (و امتحان) می‌کند.» «۲» (امام باقر و امام صادق علیه السلام). یادآوری: خدا بندگان محبوب خود را گرفتار بلا و امتحان می‌کند تا در مشکلات رشد یابند و بندگان بد را امتحان می‌کند تا حجت بر آنان تمام شود یا بیدار شوند. ب) با چه وسایلی امتحان می‌شویم؟ ۱. با نیکی‌ها امتحان می‌شوید (انبیاء، ۳۵). ۲. با بدی‌ها امتحان می‌شوید (همان). ۳. با ترس امتحان می‌شوید (بقره، ۱۵۵). ۴. با گرسنگی امتحان می‌شوید (همان). ۵. با زیان‌های اقتصادی امتحان می‌شوید (همان). ۶. سختی‌ها و زیان‌های روحی و جسمی وسیله‌ی امتحان است (بقره، ۲۱۴). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴ ۷. «هیچ تنگی و گشادگی (در امور) نیست مگر این که در آن منت و امتحان است.» «۱» (امام صادق علیه السلام). ج) فواید امتحان و بلا: ۱. امتحان و بلا- موجب تذکر و یادآوری است (اعراف، ۱۳۰). ۲. «هیچ بلا- و امتحانی نیست مگر آن که نعمتی الهی بر آن احاطه کرده است.» «۲» (امام حسن عسگری علیه السلام). ۳. بلا و امتحان زمینه‌ساز توبه و تذکر و بازگشت (به سوی خدا) است (توبه، ۱۲۶). ۴. «چهل شب بر مؤمن نمی‌گذرد مگر این که چیزی بر او عارض می‌شود که ناراحتش می‌کند و او را متذکر (و بیدار) می‌سازد.» «۳» (امام صادق علیه السلام). ۵. «بلاء و امتحان‌های سخت موجب می‌شود که بندگان مؤمن دوستدار ملاقات خدا شوند و بر دنیا تکیه نکنند.» «۴» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). د) در برابر مشکلات و امتحانات چه کنیم؟ ۱. شکیبایی پیشه سازید و استقامت کنید (بقره، ۱۵۵). ۲. جمله‌ی: «أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ ما از خداییم و فقط به سوی او می‌رویم» را بگویید (بقره، ۱۵۶). ۳. استغفار کنید: «هر گاه خدا بخواهد به بنده‌ای نیکی کند پس وقتی گناه کرد او را گرفتار ناراحتی می‌کند و استغفار را به یاد او می‌آورد.» (امام صادق علیه السلام) «۵». ۴. «در هنگام هر (مشکل و بلا)ی شدیدی بگو: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» که تو را کفایت کند.» (امام علی علیه السلام). «۶» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵ قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی عنکبوت به پندارگرایی بدکاران و تلاش منفی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴. أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ بلکه آیا کسانی که [کارهای بد می‌کنند پنداشتند که بر ما پیشی می‌گیرند؟! چه بد داوری می‌کنند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بدکاران گمان نکنند که دست خدا به آنها نمی‌رسد و از چنگال آزمایش الهی فرار کرده‌اند، بلکه همین کارها آزمایش آنان است و براساس همین کارها کیفر و پاداش داده می‌شوند. ۲. برخی مفسران این آیه را اشاره به مشرکان و کافران دانسته‌اند و برخی

اشاره به مؤمنان گناهکار، «۱» ولی آیه مطلق است و مانعی ندارد که اشاره به همه‌ی بدکاران باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بدکاران گرفتار پندارگرایی هستند. ۲. بدکاران تلاش بیهوده نکنند که نمی‌توانند از حوزه‌ی قدرت الهی خارج شوند. *** قرآن کریم در آیات پنجم و ششم سوره‌ی عنکبوت به لزوم تلاش مثبت انسان‌ها و فواید آن برای خودشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ* وَمَنْ تَفَسَّرَ قُرْآنَ مَهْر جلد شانزدهم، ص: ۳۶ جَاهِدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ هر کس به ملاقات خدا امید دارد، پس (آماده شود، چرا) که سرآمد (معین شده از طرف) خدا آمدنی است؛ و او شنوا [و] داناست.* و هر کس کوشش کند، پس تنها برای خودش کوشیده است؛ [چرا] که مسلماً، خدا از جهانیان بی‌نیاز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «لِقَاءَ اللَّهِ» همان ملاقات شهودی و باطنی خداست که در قیامت پرده‌ها و حجاب‌های مادی از مقابل چشم دل انسان کنار می‌رود و حالت روحانی شهود برای انسان حاصل می‌گردد و حقایق برایش آشکار می‌شود. «۱» ۲. فرصت برای تلاش انسان کوتاه است و مرگ انسان‌ها و ملاقات با خدا در رستاخیز به زودی فرا خواهد رسید؛ پس هر کس ایمان آورده و امیدوار است باید فرصت را غنیمت بشمرد و کارهای شایسته انجام دهد و برای خود ذخیره سازد. ۳. در این آیات بیان شده که خدا توانگر است و نیازی به کارها و گفتارهای نیک انسان‌ها و عبادت و اطاعت بندگان ندارد؛ پس اگر کسی در این رابطه تلاش کند، فقط به نفع خود اوست، چراکه عبادت و اطاعت عامل رشد و سعادت خود انسان است و حتی اگر جامعه هم از کارهای نیک انسان بهره می‌برند در مرحله‌ی ثانوی است. ۴. «جاهد» در اصل به معنای جهاد کردن و در این آیه به معنای هرگونه تلاش در راه خداست و لزوماً به معنای جهاد مسلحانه نیست، بلکه شامل هر کوششی برای مبارزه با نفس، حفظ ایمان، تقوا و انجام کارهای نیک و مبارزه با مشکلات و تحمّل سختی‌هاست. ۵. از این آیه و آیات مشابه استفاده می‌شود که اگر خدا شما را به سوی ایمان و عمل شایسته فرا می‌خواند، نهایت لطف اوست، چون سود این اعمال به خود شما می‌رسد نه او. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. امید به لقای خدا عامل تلاش و حرکت انسان است. ۲. فرصت تلاش برای شما کوتاه است و اجل در راه است (پس عجله کنید). ۳. هر کس تلاش کند به نفع خود کرده‌است. ۴. اگر سود خویش را می‌طلبد (در راه خدا) جهاد و کوشش کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی عنکبوت به نتایج ایمان و عمل انسان در بخشش گناهان و پاداش نیکوی الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ و کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام دادند، قطعاً، بدی‌هایشان را از آنان می‌زداییم؛ و مسلماً، آنان را طبق بهترین چیزی که انجام می‌دادند، پاداش می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه موارد و مصادیق جهاد و تلاش سودمند انسان را بیان می‌کند که عقیده‌ی صحیح و کردار شایسته است؛ عقیده‌ای مبتنی بر ایمان و همراه با اعمال شایسته که انسان را به سعادت می‌رساند و سود آن به خود انسان می‌رسد. ۲. یکی از ثمرات ایمان و عمل شایسته آن است که خدا بدی‌های انسان را می‌پوشاند، که این تعبیر کنایه از بخشش گناهان است. ۳. خدا با مؤمنان شایسته کردار براساس لطف خود رفتار می‌کند و اگر برخی اعمال خوب و عالی دارند، همه‌ی اعمال آنها را براساس کارهای عالی پاداش می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا با لطف و بخشش نسبت به مؤمنان شایسته کردار رفتار می‌کند. ۲. مؤمن شوید و کار شایسته انجام دهید، تا گناهان شما بخشیده شود و پاداش نیکوتر دریافت کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی عنکبوت با سفارش در مورد نیکی به پدر و مادر مرز اطاعت از آنان را روشن می‌کند و می‌فرماید: ۸. وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند؛ و اگر آن دو تلاش کنند برای این که [تو] چیزی را که بدان هیچ دانشی نداری، همتای من قرار دهی، پس از آن دو اطاعت نکن. بازگشت شما فقط به سوی من است و شما را به آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهم. شأن نزول: روایت شده که یکی از افراد در مکه مسلمان شد و مادرش از اسلام آوردن او ناراحت گردید و تهدید به اعتصاب غذا کرد، تا از اسلام بازگردد. این آیه بدین مناسبت فرود آمد و مرز اطاعت از پدر و مادر را

روشن ساخت، که در مورد دستور به شرک نباید از آنها اطاعت کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشابه این آیه در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره لقمان آمده است و مضمون تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹ کلی آیه آن است که اگر پدر و مادر کسی مشرک بودند، نباید در شرک از آنان پیروی کرد، ولی این مطلب نباید موجب بدرفتاری با پدر و مادرش شود. ۲. در این آیه در مورد نیکی به پدر و مادر نه فقط به مؤمنان، بلکه به کل انسان‌ها سفارش شده است؛ یعنی هر انسانی باید در برابر پدر و مادرش حق شناس و سپاس‌گزار باشد و با نیکی کردن به آنها گوشه‌ای از زحماتشان را جبران کند. ۳. در این آیه وظیفه‌ی انسان را در هنگام تضاد پیوندهای عاطفی با پیوندهای الهی بیان کرده است؛ یعنی اگر پیوند خویشاوندی انسان با پدر و مادر عامل قطع پیوند او با خدا و روی آوردن او به شرک می‌گردد، پیوند الهی مقدم است و انسان نباید دستور پدر و مادر را بردستور خدا مقدم بدارد و دست از توحید بردارد. ۴. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که اطاعت از مخلوق در نافرمانی خالق روا نیست. «۱» ۵. در این آیه از شرک به عنوان چیزی یاد شده که هیچ دانشی برای آن نیست و این مطلب اشاره به آن است که اصولاً شرک منطقی نیست و دلیلی بر آن وجود ندارد و انسان نباید از چیزی که علم بدان ندارد پیروی کند. البته در مورد شرک دلیل بر بطلان آن نیز داریم. ۶. در اصول عقاید هم چون مسأله‌ی توحید و شرک، انسان باید تابع علم و دلیل باشد و نباید حتی از پدر و مادر در این مورد تقلید کورکورانه کند. ۷. در پایان این آیه می‌فرماید: «بازگشت شما به سوی من است.» و این تهدیدی است برای مشرکانی که راه شرک را می‌پویند و فرزندان خود را نیز به شرک فرامی‌خوانند و نیز می‌تواند تهدیدی برای فرزندان آنها باشد که تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰ مراقب اعمال و عقاید خود باشید که اگر از شرک پدر و مادر اطاعت کردید، یا با آنان بد رفتاری نمودید، بازگشت شما به سوی خداست و خدا شما را از کارهایتان آگاه می‌کند و طبق آن مجازات می‌نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نیکی به پدر و مادر مشرک نیز لازم است. ۲. فرمان غیر خدا را بر خدا مقدم مدارید. ۳. مطالب بدون دلیل، هم چون شرک را نپذیرید. ۴. فرجام شما به سوی خداست، پس مراقب اعمال خودتان باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی عنکبوت به یکی دیگر از نتایج ایمان و عمل صالح اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ و کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام دادند، قطعاً، آنان را در [زمره‌ی شایستگان وارد خواهیم کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی هفتم همین سوره، دو نتیجه‌ی ایمان و کردار شایسته بیان شد که نخست پوشاندن و بخشش گناهان بود و دوم پاداش براساس بهترین اعمال افراد. و اینکه در این آیه سومین نتیجه‌ی ایمان و کردار شایسته را داخل شدن در زمره‌ی صالحان و شایستگان معرفی کرده است. ۲. ایمان و عمل شایسته به روح انسان رنگ می‌دهد و او را در ردیف صالحان قرار می‌دهد؛ یعنی انسان به مرحله‌ای می‌رسد که هم‌نشین و همراه شایستگان در گاه الهی می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱. اگر انسان هم‌نشین و همراه شایستگان باشد، یک ارزش و امتیاز برای او به شمار می‌آید؛ چراکه کمال هم‌نشین در انسان اثر می‌کند و مجالست با شایستگان انسان را به سوی صفات عالی و شایسته سوق می‌دهد و تأثیرات روانی و اجتماعی برای انسان به همراه دارد و به شخصیت او ارزش بیش‌تری می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمن شایسته‌کردار شوید تا مورد عنایت خدا قرار بگیرید و هم‌ردیف شایستگان شوید. ۲. هم‌نشینی با شایستگان یک امتیاز و ارزش است. *** قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی عنکبوت شخصیت متزلزل و دوگانه‌ی منافقان را به تصویر می‌کشد و با یادآوری علم الهی به حالات افراد می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ * وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ و برخی از مردم کسانی هستند که می‌گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم.» و [الی هنگامی که در [راه خدا آزار می‌شوند، فتنه [گری مردم را هم چون عذاب الهی قرار می‌دهند؛ و اگر از سوی پروردگارت یاری (و پیروزی) فرا رسد، حتماً می‌گویند: «البته ما با شما بودیم.» و آیا خدا به آنچه در سینه‌های جهانیان است داناتر نیست؟! * و مسلماً، خدا کسانی را که ایمان آوردند معلوم می‌دارد (و می‌شناسد)؛ و حتماً، منافقان را (نیز) معلوم می‌دارد. تفسیر قرآن مهر جلد

شانزدهم، ص: ۴۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منافقان شخصیتی دوگانه دارند و از آن‌جا که ایمان واقعی و ثابت ندارند، در پیروزی‌ها و کام‌یابی‌ها خود را شریک مؤمنان می‌دانند، اما در هنگام مشکلات و فتنه‌ها عقب‌گرد می‌کنند و دست از ایمان برمی‌دارند. ۲. بنا بر قول مشهور، سوره‌ی عنکبوت در مکه نازل شده است «۱» ولی در همان محیط از منافقان سخن می‌گوید. این نشان می‌دهد که خط نفاق از مکه شروع شده و در مدینه ادامه یافته و شدت گرفته است، به طوری که منافقان در مدینه به صورت گروهی منسجم و توطئه‌گر درآمدند. ۳. برخی مفسران بر آن‌اند که منافقان دو گروه هستند: الف) کسانی که اصولاً در باطن خویش ایمان ندارند. ب) کسانی که ایمان سستی دارند و در شرایط عادی و در هنگام پیروزی اظهار ایمان می‌کنند، ولی در هنگام مشکلات و در شرایط سخت عقیده‌ی خود را عوض می‌کنند. و آیه‌ی فوق از گروه دوم سخن می‌گوید. «۲» ۴. در این آیه به پیروزی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه اشاره شده است. این پیروزی اشاره به چه مطلبی است؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که اولاً، در این آیه مطلب به صورت شرطی بیان شده که «اگر خدا در آینده به تو پیروزی بدهد.» و این مطلب دلیل بر تحقق آن در مکه نیست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۳ و ثانیاً، مسلمانان در مکه پیروزی‌های غیر نظامی داشتند؛ هم‌چون پیروزی تبلیغاتی و پیشرفت اسلام در میان مردم. «۱» ۵. در این آیه از آزارهای مردم با عنوان «فتنه» یاد شده است، ولی از مجازات الهی با عنوان عذاب یاد شده است. این اختلاف تعبیر اشاره به آن است که آزارهای مردم در حقیقت عذاب نیست، بلکه وسیله‌ی آزمایش و تکامل انسان و جزئی از برنامه‌ی کلی امتحان الهی است؛ پس نباید این آزارها عذاب الهی به شمار آید و بهانه‌ای برای دست برداشتن از ایمان شود. «۲» ۶. عذاب الهی معمولاً کیفر عملکرد افراد کافر و ناسپاس است، در حالی که فتنه‌ها و مشکلات و آزمایش‌ها برای مؤمنان است و نیز عذاب الهی هنگامی که فرود آید، راه فراری از آن نیست، در حالی که انسان می‌تواند در برابر مشکلات و فتنه‌ها مقاومت کند و بر آنها پیروز شود و از امتحان الهی سربلند بیرون آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان دو چهره‌اند (آنها را به خوبی بشناسید). ۲. نشانه‌ی منافق آن است که در پیروزی‌ها شریک شماست، اما در مشکلات همراه شما نیست (پس آنها را بشناسید و مواظب باشید). ۳. مرز فتنه‌های مردم و آزمایش‌ها، از عذاب الهی جداست. ۴. خدا از حالات درونی و ایمان واقعی افراد آگاه است (پس دست از نفاق بردارید). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۴ قرآن کریم در آیات دوازدهم و سیزدهم سوره‌ی عنکبوت به توطئه‌ی کافران برای فریب مؤمنان و به دو قانون در مورد خطاها و گناهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ* وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ و کسانی که کفر ورزیدند، به کسانی که ایمان آوردند گفتند: «از راه ما پیروی کنید، و باید خطاهای شما را بر دوش کشیم.» و [لی آنان هیچ چیزی از خطاهایشان را بر دوش نخواهند گرفت؛ [چرا] که آنان مسلماً دروغ‌گو هستند.* و قطعاً، بارسنگین (گناهان) آنها را، و بار سنگین (گناهان دیگران) را، با بار سنگین (گناهان) شان بردوش می‌کشند؛ و مسلماً، روز رستاخیز از آنچه (برخدا به دروغ) می‌بستند، بازپرسی خواهند شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به وسوسه‌گرانی اشاره می‌کند که در هنگام تحریک دیگران به کار خلاف می‌گویند: اگر گناهی دارد به گردن ما! در حالی که هیچ کس نمی‌تواند بار گناه دیگری را به دوش کشد. ۲. در این آیه به دو قانون و سنت الهی در مورد گناه اشاره شده است. الف) هر کس بار گناه خود را به دوش می‌کشد و هیچ کس نمی‌تواند گناه دیگری را به عهده گیرد؛ زیرا خدا عادل است و کسی را به خاطر جرم دیگران مجازات نمی‌کند. ب) اگر کسی در راه گمراه کردن دیگران و تشویق به گناه تلاش کند، در گناه دیگران شریک است و بار آن به عهده‌ی اوست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۵ ۳. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس روش بدی را پایه‌گذاری کند، گناه آن روش و گناه کسانی که بدان عمل می‌کنند به عهده‌ی اوست، بدون آن که از گناه آن عمل (در مورد عمل‌کنندگان) چیزی کاسته شود. «۱» ۴. در این آیه بیان شده که روز رستاخیز از کافران در مورد دروغ‌هایی که بسته بودند پرسش می‌شود، مقصود از این دروغ‌ها چیست؟ پاسخ آن است که مقصود یا دروغی است که به خدا می‌بستند (و بت‌پرستی

را به خدا نسبت می‌دادند) و یا این که کفر را بدون گناه جلوه‌دادند و این دروغ محض بود و یا ظاهر سخنان آنان این بود که هر کس می‌تواند گناه دیگری را به دوش گیرد و این هم دروغ بود. و یا این که واقعاً در رستاخیز از آنان خواسته می‌شود که گناهان دیگران را به دوش گیرند و آنان سر باز می‌زنند و دروغشان آشکار می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریب سخنان و وعده‌های توخالی کافران را نخورید (که آنان در پی گمراه ساختن شما هستند). ۲. هر کس مسئول اعمال خویش است و بار گناه خود را به دوش می‌کشد. ۳. گمراه کنندگان، علاوه بر گناه خود، بار گناه دیگران را نیز به دوش می‌کشند. ۴. روز رستاخیز روز پاسخ‌گویی در مورد نسبت‌هایی است که می‌دهید (پس مراقب سخنان خود باشید و برای آن روز آماده شوید). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۶

ماجرای نوح (ع)

قرآن کریم در آیات چهاردم و پانزدهم سوره‌ی عنکبوت به رسالت نوح علیه السلام و نابودی عبرت آموز ستمکاران و نجات مؤمنان قوم او اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۴ و ۱۵. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سِنٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ * فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ و به یقین، نوح را به سوی قومش فرستادیم و در [میان آنان هزار سال، جز پنجاه سال، درنگ کرد؛ و (سرانجام) سیلاب آنان را فراگرفت، در حالی که آنان ستمکار بودند. * او و همراهان کشتی را نجات دادیم؛ و آن را نشانه‌ای (عبرت آموز) برای جهانیان قرار دادیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات نوعی دل‌داری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یاران اوست که در شرایط سخت مکه تحت فشار بودند؛ یعنی این آیات با بیان سرگذشت نوح علیه السلام و مشکلات او در هدایت مردم و فرجام مؤمنان و کافران قوم او، به مسلمانان دل‌داری می‌دهد که سرانجام مؤمنان نجات می‌یابند و کافران هلاک می‌شوند. ۲. سرگذشت حضرت نوح علیه السلام در سوره‌های هود و شعراء به طور مفصل بیان شده است. این پیامبر الهی ۹۵۰ سال در میان قوم خود درنگ کرد و آنان را به سوی توحید فراخواند، ولی جز گروه اندکی (حدود هشتاد نفر) ایمان نیاوردند و در پایان، عذاب الهی به صورت سیلابی عظیم بر قوم نوح فرستاده شد و همه‌ی کافران هلاک شدند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۷. ۳. برخی مفسران بر آن‌اند که ۹۵۰ سال مدت تبلیغ نوح بود و مدت عمر او بیش از این بود. «۱» البته عمر انسان در اعصار گذشته طولانی‌تر از حال بود، ولی عمر نوح علیه السلام فوق‌العاده و اعجاز‌گونه بود. «۲» ۴. تعبیر به هزار سال به جز پنجاه سال، به جای تعبیر نهصد و پنجاه سال، برای اشاره به عظمت این زمان طولانی است که واژه‌ی «هزار» آن را بیش‌تر جلوه می‌دهد. ۵. قوم نوح تا لحظه‌ی نزول عذاب به ستمکاری خود ادامه دادند و در حالی سیلاب آنان را فراگرفت که به شرک و ستم مشغول بودند. «۳» ۶. ماجرای قوم نوح و هلاکت کافران و کشتی عجیب و معجزه‌آسای او که عامل نجات مؤمنان شد، همگی نشانه‌ای عبرت‌آموز برای جهانیان بود «۴» تا از سرنوشت این قوم درس عبرت بیاموزند و راه شرک و ستم نپایند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاری عامل نزول عذاب الهی و هلاکت است. ۲. از سرگذشت قوم نوح و فرجام کافران و مؤمنان درس عبرت بگیرید. ۳. صبر و تلاش طولانی نوح الگویی برای رهبران الهی و مبلغان دینی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۸

ماجرای ابراهیم (ع) و دلایل شرک ستیزی او

قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی عنکبوت به سرنوشت ابراهیم و دعوت توحیدی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶. وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ و (یاد کن) ابراهیم را هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و خودتان را از [عذاب او حفظ کنید، که این برای شما بهتر است، اگر بدانید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرگذشت ابراهیم علیه السلام در سوره‌های متعددی از قرآن هم‌چون سوره‌ی بقره، آل عمران، انعام، توبه، هود، انبیاء، مریم، حج، ابراهیم و حجر آمده

است و در این سوره نیز از آیه‌ی شانزدهم تا بیست و هفتم به سرگذشت این پیامبر توحیدی اشاره شده است. تا رهبران الهی و مردم از سرگذشت او اطلاع یابند و الگوی زندگی و مبارزات آنان گردد. ۲. در این آیه به دو رکن اساسی از برنامه‌های اعتقادی و عملی ابراهیم علیه السلام اشاره شده است که از اصول اساسی دعوت همه‌ی پیامبران است. این دو اصل عبارت‌اند از: دعوت به توحید و دعوت به تقوا. ۳. توحید ابعاد گوناگونی دارد که در این آیه به توحید در پرستش اشاره شده است؛ زیرا بت پرستان قوم ابراهیم علیه السلام در این مطلب گرفتار انحراف شده و به دامن شرک افتاده بودند. ۴. در این آیه اشاره شده که اگر شما آگاه باشید، متوجه می‌شوید که توحید و تقوا برای شما نیکوتر است؛ چون شما را از انحرافات عقیدتی و آلودگی‌های شرک و گناه نجات می‌دهد و سعادت دنیا و آخرتتان را تأمین می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید و تقوا را سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهید، که این‌ها برای شما بهتر است. ۲. آگاهی، زیرساخت هدایت جامعه است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی عنکبوت به استدلال‌های ابراهیم علیه السلام برای نفی شرک و بت پرستی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًَا إِنَّ الَّذِينَ يُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (شما) تنها بتانی (سنگی) را که غیر از خدا هستید، می‌پرستید و فقط دروغی بزرگ می‌سازید؛ در واقع کسانی را که جز خدا پرستش می‌کنید، برای شما مالک هیچ روزی‌ای نیستند؛ پس روزی را نزد خدا بجوید و وی را پرستش کنید و او را سپاس گوید؛ که فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام با استدلال‌ها و بیان‌های مختلف مردم را از بت پرستی منع می‌کرد و بطلان شرک را برای آنان روشن می‌ساخت. آری؛ یکی از خدمات پیامبران الهی به بشریت، مبارزه با خرافه‌ی بت پرستی بود. ۲. «اوثان» دراصل به معنای سنگ‌هایی است که می‌تراشیدند و عبادت می‌کردند. «۱» ابراهیم علیه السلام با این تعبیر اشاره می‌کند که شما چگونه سنگ‌های بی‌جانی را که خودتان می‌تراشید، سزاوار پرستش می‌دانید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۰. «افک» به معنای چیزی است که از صورت حقیقی خود دگرگون شده باشد و به دروغ‌های بزرگ نیز افک می‌گویند. مشرکان دروغ بزرگی ساخته و بافته بودند. آنان با ساختن و تراشیدن بت‌ها و شریک خدا قرار دادن آنها، بزرگ‌ترین تهمت و دروغ را بر خدا می‌بستند. «۱» ۴. در این آیه اشاره شده که یکی از انگیزه‌های پرستش، حس سپاس‌گزاری در برابر نعمت‌دهنده است و از آن جا که خدا نعمت‌دهنده‌ی حقیقی است، پس سپاس‌گزاری و پرستش نیز مخصوص اوست. «۲» ۵. در پایان آیه، رستاخیز و بازگشت همگان به سوی خدا یادآوری شده است؛ این ممکن است نوعی تهدید برای مشرکان باشد که پس از اثبات بطلان شرک بازم با لجاجت به بت پرستی ادامه می‌دهند. و یا استدلال دیگری برای بطلان بت پرستی است که اشاره می‌کند اگر شما سعادت اخروی را می‌طلبید، بدانید که از دست بت‌ها کاری ساخته نیست و بازگشت شما فقط به سوی خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بت پرستی نوعی دروغ‌آفرینی است. ۲. کسی را بپرستید و سپاس‌گزاری کنید که فرجام شما به سوی او و رزق شما به دست اوست. *** قرآن کریم در آیه‌ی هیجدهم سوره‌ی عنکبوت با یادآوری وظیفه‌ی پیامبران و مخالفت‌های مردم می‌فرماید: ۱۸. وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۱ و اگر (مرا) تکذیب کنید، پس به تحقیق امت‌های پیش از شما (نیز پیامبران را) تکذیب کردند؛ و بر فرستاده [ی خدا] وظیفه‌ای جز رساندن [پیام روشنگر و] آشکار نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد این آیه دو دیدگاه دارند: الف) این آیه ادامه‌ی سخنان ابراهیم علیه السلام با ملت خویش است. ب) این سخن خطاب به مشرکان مکه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله است. «۱» البته سیاق آیات و ارتباط و پیوستگی این آیه با آیات قبل و بعد، مؤید دیدگاه اول است. «۲» ۲. این آیه به رهبران الهی دل‌داری می‌دهد که شیوه‌ی مردم در طول تاریخ یکسان بوده است و همیشه گروهی موافق و گروهی مخالف تعالیم پیامبران بوده‌اند، پس نباید از این مسأله نگران و ناراحت باشید. ۳. وظیفه‌ی فرستادگان خدا فقط ابلاغ آشکار و روشن‌گر آموزه‌های دینی است؛ البته مقصود آن نیست که پیامبران وظیفه‌های فردی و اجتماعی دیگری هم چون امر به معروف و نهی از منکر و یا تشکیل حکومت و مانند آن

ندارند، بلکه حصر در این آیه نسبی است؛ یعنی وظیفه‌ی آنان نسبت به مشرکان تکذیب‌گر فقط ابلاغ روشن تعالیم الهی است و وظیفه ندارند که با آنان بجنگند و یا آنان را مجبور به پذیرش توحید نمایند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغان الهی از مخالفت دیگران نگران نباشند که این شیوه‌ی تاریخی مشرکان است. ۲. وظیفه‌ی رهبران الهی پیام‌رسانی و روشن‌گری است. *** قرآن کریم در آیات نوزدهم و بیستم سوره‌ی عنکبوت با سفارش به جهان‌گردی، انسان‌ها را متوجه آغاز و انجام آفرینش می‌کند و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. «أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ آيَا اِطْلَاعِ نِيافته‌اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند؟! [چرا] که آن (کار) بر خدا آسان است. * بگو: «در زمین گردش کنید و بنگرید که چگونه (خدا) آفرینش را آغاز کرد؛ سپس خدا پدیده‌ی آخرت را پدید می‌آورد؛ [چرا] که خدا بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات نوزدهم تا بیست و سوم سوره‌ی عنکبوت به صورت جملات معترضه‌ای در میان داستان سرگذشت ابراهیم علیه السلام است؛ یعنی قرآن گاهی داستان را رها می‌کند و نتیجه‌گیری‌هایی را بیان می‌کند، تا فایده‌ی تربیتی داشته باشد. ۲. این آیات امکان معاد را از طریق مشاهده و اطلاع از قدرت بی‌کران الهی اثبات می‌کند. آری؛ اگر انسان از طریق علم کیهان‌شناسی به عجایب آغاز خلقت جهان و از طریق علم زمین‌شناسی و فسیل‌شناسی به کیفیت آغاز خلقت زمین و موجودات پی ببرد، متوجه برخی از اسرار حیات می‌شود و به قدرت لا‌یزال الهی در آفرینش موجودات و نیز قدرت او بر اعاده‌ی آنها در رستاخیز آگاه می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۳. ۳. مقصود از «رؤیت» در این جا، یا مشاهده‌ی علمی است؛ یعنی اطلاع یافتن انسان از چگونگی آغاز آفرینش و قدرت خدا برای اعاده‌ی آن در رستاخیز، زیرا قدرت بر خلق چیزی، دلیل بر قدرت بر خلق دوباره و یا خلق نظایر آن است. و یا منظور، مشاهده‌ی با چشم است؛ یعنی انسان با چشم زنده شدن زمین‌های مرده و رویدن گیاهان و مراحل خلقت کودکان را می‌بیند و به قدرت خدا بر زنده کردن مردگان در معاد آگاه می‌شود. «۱» البته مانعی ندارد که مقصود از رؤیت هر دو معنا باشد. ۴. وقتی کسی قادر باشد یک بار چیزی را بیافریند، آفرینش مجدد آن برای او آسان‌تر است. البته تعابیر ساده و مشکل در کارهای بشری معنا دارد و گرنه در برابر قدرت بی‌انتهای الهی همه چیز آسان است. ۵. قرآن کریم بارها انسان‌ها را به گردشگری و سیر و سفر دعوت کرده است؛ «۲» چرا که انسان در جهانگردی می‌تواند آثار گذشتگان و نشانه‌های قدرت خدا را مشاهده کند و بر علم و معرفت خویش بیفزاید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در آغاز خلقت، به فرجام آن پی ببرید. ۲. قدرت خدا نامحدود و معاد برای او آسان است. ۳. به جهانگردی هدفمند پردازید. ۴. هدف گردشگری و سیر و سفر را شناخت بهتر توحید و معاد قرار دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۴ قرآن کریم در آیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی عنکبوت به قدرت خدا برای رحمت و عذاب انسان‌ها و ناتوانی آنها در برابر آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. «يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ * وَمَا أَنتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، مجازات می‌کند و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، رحم می‌کند؛ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. * و شما عاجز کننده (ی خدا) در زمین و در آسمان نیستید، و جز خدا، هیچ سرپرست و یآوری برای شما نیست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات مقصود از عذاب و رحمت، مجازات و پاداش دنیوی یا اخروی و یا هر دو است. «۱» ۲. در این آیه فرمود هر کس را خدا بخواهد عذاب یا رحمت می‌کند؛ البته اراده‌ی خدا همراه با حکمت و عدل است و کسی را بدون دلیل مجازات نمی‌کند، بلکه هر کس را شایسته و مستحق پاداش یا مجازات ببیند، همان طور با او رفتار می‌کند. ۳. در این آیات اشاره شده که انسان به سوی خدا «دگرگون و منقلب» می‌شود. این نکته اشاره به آن است که انسان در قیامت از صورت خاک بی‌جان به صورت موجود زنده‌ای منقلب می‌شود، یا این که انسان در رستاخیز کاملاً دگرگون و زیرورو می‌شود و اسرار درونش آشکار می‌گردد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۵. ۴. با این که رحمت خدا بر غضب او پیشی گرفته است، چرا در این آیه، اول از عذاب

سخن گفته، سپس از رحمت او یاد کرده است؟ در پاسخ باید گفت: مقصود این آیه تهدید مخالفان است و در مقام تهدید عذاب را اول بیان می‌کنند، و گرنه رحمت الهی بر غضب او مقدم است. ۵. مخالفان نمی‌توانند از گستره‌ی قدرت الهی فرار کنند و او را از تعقیب خود عاجز سازند؛ چون همه‌ی آسمان‌ها و زمین قلمرو حکومت اوست (۱) و نمی‌توانند از قلمرو قدرت او خارج شوند و نیز در درون کشور او هم نمی‌توانند بر کسی تکیه کنند و در برابر خدا بایستند. پس همه‌ی راه‌های برونی و درونی فرار بسته است. ۶. «ولئ» به معنای سرپرست و «نصیر» به معنای یاور است. برخی از مفسران در مورد تفاوت این دو واژه گفته‌اند که ولی اشاره به سرپرستی است که بدون درخواست به انسان کمک می‌کند و نصیر اشاره به یآوری است که بعد از درخواست کمک، به یاری انسان می‌شتابد. ۷. تعبیر «ولا- فی السّماء»، یا اشاره به معبودان پنداری مشرکان، هم‌چون فرشتگان است و یا تأکید و مبالغه است بر این که اگر بر فرض می‌توانستید به آسمان بروید باز هم نمی‌توانستید از قدرت خدا خارج شوید. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدرت خدا در مورد عذاب و رحمت محدود نیست. ۲. فرار از تحت حکومت خدا ممکن نیست. ۳. بازگشت شما به سوی خدای قدرتمند است که هیچ یآوری و راه تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۶ فراری به سوی غیر او ندارید (پس مراقب عقاید و اعمال خود باشید). ۴. در اندیشه‌ی امدادگیری از غیر خدا و راه گریز از قدرت او نباشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی عنکبوت به ناامیدی و کفر کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۳. وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَسُؤُونَ مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ و کسانی که نشانه‌های خدا و ملاقات او را منکر شدند، آنان از رحمت من ناامیدند؛ و آنان برایشان عذاب دردناکی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «آیات خدا» در این آیه، یا نشانه‌های عظمت پروردگار در نظام آفرینش (یعنی آیات تکوینی) است، همان طور که منظور از «لقاء» معاد است و در نتیجه، آیه اشاره به توحید و معاد دارد و یا مقصود آیات تشریحی است که خدا بر پیامبرش وحی کرده است که در این صورت آیه اشاره به توحید، نبوت و معاد دارد. البته ممکن است آیه به هر دو معنا اشاره داشته باشد. «۱» ۲. انکار توحید و معاد، عامل یأس و ناامیدی از رحمت الهی است و کافران نباید هیچ امید به رحمت خدا در رستخیز داشته باشند، بلکه عذاب دردناک در انتظار آنهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید و معاد را انکار نکنید که گرفتار یأس و محرومیت از رحمت الهی می‌شوید. ۲. کفر زمینه‌ساز عذاب اخروی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۷ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی عنکبوت به پاسخ غیرمنطقی و تهدیدآمیز مشرکان به ابراهیم و نجات عبرت آموز او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴. فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ و [لی پاسخ قوم او]: ابراهیم جز این نبود که گفتند: «او را بکشید؛ یا وی را بسوزانید.» و خدا او را از آتش نجات داد. قطعاً، در آن (ماجرا) نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. با این که ابراهیم علیه السلام استدلال‌های متعددی برای اثبات توحید و نفی شرک آورد، مشرکان پاسخ منطقی برای او نیاوردند و اصولاً پاسخی نداشتند؛ از این رو به سراغ تهدید و روش‌های غیر منطقی رفتند. ۲. گروهی از مشرکان طرفدار اعدام معمولی ابراهیم علیه السلام بودند ولی گروهی دیگر سوزندان او را پیشنهاد می‌کردند که بدترین نوع اعدام است. ۳. ماجرای در آتش انداختن ابراهیم علیه السلام و سرد شدن آتش به فرمان خدا و نجات ابراهیم در آیات ۶۸-۷۱ سوره‌ی انبیاء بیان شد. ۴. در این آیه بیان شده که در ماجرای ابراهیم علیه السلام نشانه‌های عبرت‌آموزی برای مؤمنان است؛ چون: از طرفی به صورت معجزه‌آسایی آتش در جسم ابراهیم علیه السلام تأثیر نکرد و از طرف دیگر ستمکاران بسیار نتوانستند بر یک پیامبر تنها، پیروز شوند و دیگر این که مکتب توحیدی ابراهیم در طول تاریخ باقی ماند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان دین، پاسخ منطقی در برابر رهبران الهی ندارند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۸. ۲. مخالفان رهبران الهی، خشونت طلب‌اند. ۳. خدا دوستان خود را در چنگال دشمنان تنها نمی‌گذارد و آنان را نجات می‌دهد. ۴. از سرگذشت ابراهیم درس عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی عنکبوت به سخنان ابراهیم علیه السلام در مورد برخی اهداف بت پرستان و فرجام عذاب آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵. وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَأَكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (ابراهيم) گفت: «شما تنها بتانی (سنگی) را که غیر از خدا هستند، (به پرستش) گرفته‌اید، تا مایه‌ی دوستی بین شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس در روز رستاخیز برخی از شما برخی را انکار می‌کند و برخی از شما برخی را لعنت می‌کند؛ و مقصد شما آتش است و هیچ یآوری برای شما نخواهد بود!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام پس از آن که از آتش نجات یافت، باز هم از مبارزه در راه هدف توحیدی خود دست برداشت و به افشاگری در مورد بت پرستان و هشدار به آنان پرداخت. ۲. در این آیه اشاره شده که بت‌ها مایه‌ی دوستی مشرکان می‌شدند. این مطلب به خاطر آن بود که بت‌ها رمز وحدت گروه‌ها و قبیله‌های بت پرست و نیز مایه‌ی پیوند آنان با گذشتگان و سران آنها بودند؛ چراکه آنان مردم را به پیروی از بت‌ها فرامی‌خواندند. ۳. در روز رستاخیز تمام پیوندهای کافران گسسته می‌شود و هر یک گناه را به تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۹ گردن دیگری می‌اندازد و سخنان و عقاید هم‌دیگر را انکار می‌کنند و حتی هم‌دیگر را لعنت می‌کنند، چون باعث گمراهی و عذاب یک‌دیگر شده‌اند. «۱» آری؛ شرک و بت پرستی که مایه‌ی دوستی مشرکان در دنیا بود، مایه‌ی تفرقه و برخورد آنان در رستاخیز می‌شود. ۴. از برخی احادیث استفاده می‌شود که مؤمنان در رستاخیز برای یک‌دیگر طلب آمرزش و شفاعت می‌کنند، در حالی که مشرکان به لعنت یک‌دیگر مشغول می‌شوند. آری؛ پیوند محبت مؤمنان که براساس توحید و تقوا پایه‌گذاری شده است، در رستاخیز رنگ جاودانی به خود می‌گیرد و محکم‌تر می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک، در دنیا محور دوستی مشرکان و در رستاخیز محور دشمنی آنان است. ۲. فرجام مشرکان، تنهایی و آتش است. ۳. رهبران و مبلغان الهی دست از مبارزه با شرک برندارند و به افشاگری و هشدارگری بپردازند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی عنکبوت به پیامد قیام ابراهیم علیه السلام و ایمان لوط به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶. فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و لوط به او [: ابراهیم ایمان آورد و گفت: «در واقع، من هجرت کننده به سوی پروردگارم هستم، که تنها او شکست ناپذیر [و] فرزانه است.» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حضرت لوط علیه السلام پیامبری الهی بود که هم‌زمان با ابراهیم علیه السلام زندگی می‌کرد و او را پسر خواهر «۱» ابراهیم یا پسرخاله‌ی او «۲» دانسته‌اند. هر چند افراد معدودی در سرزمین بابل به ابراهیم ایمان آوردند، از آن جا که ایمان لوط مهم بود، خدا آن را به صورت جداگانه و برجسته‌ای مطرح کرده است. ۲. در مورد گوینده‌ی جمله‌ی «من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم.» در بین مفسران دو دیدگاه وجود دارد: گروهی گوینده‌ی آن را ابراهیم علیه السلام دانند و شواهد تاریخی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند، «۳» ولی برخی احتمال داده‌اند که گوینده‌ی سخن لوط باشد و ظاهر آیه نیز موافق این دیدگاه است. ۳. حضرت ابراهیم علیه السلام پس از مبارزات فراوان و نجات از خطر آتش نمرودیان، تصمیم گرفت که از منطقه‌ی بابل مهاجرت کند تا در منطقه‌ی ای آزاد به دعوت الهی خود ادامه دهد؛ از این رو از بابل به سرزمین شام مسافرت کرد و در این هجرت لوط و همسرش ساره را به همراه برد. ۴. ابراهیم علیه السلام گفت: من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم، در حالی که به سوی سرزمین شام رفت، این به خاطر آن بود که هجرت او در دین و راه رضای پروردگار بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقصود هجرت پروردگار است. ۲. رهبران و مبلغان الهی به ایمان آوردن افراد برجسته توجه کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۱ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی عنکبوت به مواهب پنج‌گانه‌ی الهی به ابراهیم علیه السلام در دنیا و آخرت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوت و کتاب [الهی] را در نسلش قرار دادیم و در دنیا پاداشش را به وی دادیم و قطعاً، او در آخرت از شایستگان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا به ابراهیم علیه السلام فرزندی هم‌چون اسحاق و نوه‌ای هم‌چون یعقوب و نسلی پاک عطا کرد تا خط توحیدی او را ادامه دهند و کتاب‌های آسمانی را در نسل او قرار داد و جریان نبوت در نسل او تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ادامه یافت و این‌ها از مواهب بزرگ خدا به ابراهیم علیه السلام بود. ۲. مقصود از پاداش دنیوی ابراهیم علیه السلام، همان

نام نیک و اموال فراوان و استعجاب دعا و دربارهی مکه و مراسم پرشکوه حج ابراهیمی بود که هر سال یاد و راه ابراهیم علیه السلام را در دنیا زنده می‌سازد و تداوم می‌بخشد. ۳. قرآن یکی از بزرگ‌ترین افتخارات ابراهیم علیه السلام را این گونه معرفی می‌کند که او از شایستگان در گاه الهی شد. و این درخواست ابراهیم علیه السلام و دیگر پیامبران الهی بود. «۱» آری؛ شایستگی اعتقادی، عملی و اخلاقی یکی از افتخارات انسان‌های بزرگ است که در آخرت نیز جلوه‌گر می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرزند و نسل خوب از مواهب الهی است. ۲. خدا پاداش مبارزان مهاجر را در دنیا و آخرت عطا می‌کند. ۳. بکوشید در رستخیز از جمله‌ی شایستگان باشید. ***

ماجرای لوط

قرآن کریم در آیه بیست و هشتم سوره‌ی عنکبوت به سرگذشت قوم لوط و هم‌جنس‌گرایی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأَنْتُمْ لَأَوْلَىٰ بِالْفَالِحِ لَتَأْتُنَّ الْفَالِحِينَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ وَ (یادکن) لوط را هنگامی که به قومش گفت: «قطعاً، شما [عمل زشت (-ی) را مرتکب می‌شوید که هیچ یک از جهانیان در آن (کار) بر شما پیشی نگرفته است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرگذشت قوم لوط در سوره‌ی اعراف آیات ۸۰-۸۴ و در سوره‌ی هود آیات ۷۴-۸۳ آمده و مشابه مطالب آیه‌ی فوق در آیه‌ی ۸۰ سوره‌ی اعراف آمده است. این تأکید و تکرار سرگذشت قوم لوط به خاطر آن است که خطر هم‌جنس‌بازی بزرگ و مداوم است. ۲. حضرت «لوط» خویشاوند ابراهیم علیه السلام «۱» بود که به او ایمان آورد و همراه ایشان هجرت کرد و ابراهیم علیه السلام پیامبر بزرگ خدا، لوط را به منطقه‌ای ثروتمند از شامات فرستاد که در آنجا فحشا رواج داشت و در احادیث آمده است که قوم لوط مردمی بخیل بودند و به همین جهت با هم‌جنس‌گرایی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۳ مهمانان خویش را اذیت می‌کردند تا از آنان بترسند «۱» (یعنی ریشه‌ی انحراف آنان بخل و دنیا دوستی بود) و در برخی دیگر از احادیث آمده است که هم‌جنس‌گرایی توسط شیطان به آنان آموزش داده شد «۲» و آنان چنان به این عمل زشت علاقه‌مند شده بودند که حتی پیشنهاد ازدواج با دختران لوط را نمی‌پذیرفتند. «۳» ماجرای قوم لوط در سوره‌های اعراف، هود، حجر، شعراء، انبیاء و نمل آمده است. ۳. هم‌جنس‌گرایی عملی زشت و ننگین است که توسط قوم لوط تأسیس شد؛ یعنی در ملت‌های پیشین سابقه نداشت و این زشتی آن را چندین برابر می‌کند؛ چون که قوم لوط پایه‌گذار یک روش غلط شدند و زمینه‌ی گناه دیگران را فراهم ساختند. «۴» ۴. بخش مهمی از تبلیغات حضرت لوط، مبارزه با فحشا و منکرات جنسی بود؛ چرا که مهم‌ترین مشکل جامعه‌ی او هم‌جنس‌گرایی بود. «۵» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منادیان دین، با اعمال زشتی هم‌چون هم‌جنس‌گرایی مخالف هستند. ۲. با زشتی‌های نوپدید، مبارزه کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۴ قرآن کریم در آیه بیست و نهم سوره‌ی عنکبوت به انحرافات قوم لوط و پاسخ غیر منطقی آنان به لوط اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. أَنْتُمْ لَأَوْلَىٰ بِرِجَالِكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا لَأَوْلَىٰ بِالْغَالِبِينَ وَ (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در محفلتان [کار] ناپسند انجام می‌دهید؟! و پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «اگر از راست‌گویانی، عذاب خدا را برای ما بیاور.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل گناه قوم لوط به صورت سربسته و مبهم تحت عنوان «فحشاء» بیان شد و اینک در این آیه به صورت صریح از گناه هم‌جنس‌گرایی نام می‌برد و آنان را بر این عمل سرزنش می‌کند. این یکی از فنون بلاغت است که قرآن رعایت کرده است که در بیان مسائل مهم ابتدا مطلب به صورت سربسته و مبهم و بعد به صورت واضح بیان می‌شود، تا مخاطب به تدریج آماده شود و به اهمیت گناه خویش پی ببرد. «۱» ۲. هم‌جنس‌گرایی دارای آثار و عواقب شومی است که برخی از آنها عبارت‌اند از: الف) زیان‌های بهداشتی که هم‌جنس‌گرایی برای هر دو طرف دارد؛ «۲» ب) از بین بردن هدف اصلی آمیزش جنسی که همان ادامه‌ی نسل است؛ ج) متزلزل شدن نظام خانواده. به عبارت دیگر در ازدواج طبیعی انسان ثمراتی است که در لواط

نیست؛ مثل دوستی و محبت، ادامه‌ی نسل انسان، تشکیل نظام خانواده، رعایت مسائل غریزی و طبیعی و دینی. (۳) تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۵ اما متأسفانه در جهان کنونی در برخی از کشورهای مدعی ترقی و پیشرفت هم‌جنس‌گرایی به صورت قانونی درآمده است. ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام در مورد فلسفه‌ی تحریم هم‌جنس‌گرایی آمده است: هم‌جنس‌گرایی، علاقه‌ی خانوادگی میان زن و شوهر را کم و نسل را قطع می‌کند و آمیزش جنسی طبیعی را از بین می‌برد و فسادهای زیادی دارد. (۱) ۴. مقصود از «قَطْعُ سَبِيلٍ» در این آیه قطع کردن راه مسافران یا سرقت اموال آنان و یا قطع کردن راه تکثیر نسل انسان است، که معنای اخیر با سیاق آیه و روایات سازگارتر است، چون یکی از خطرهای هم‌جنس‌بازی قطع نسل آدمی است. (۲) ۵. مقصود از «نادی» در این آیه مجالس عمومی است که گاهی مرکز تفریح است و از آن جا که مردم در آن جا هم‌دیگر را ندا می‌دهند، به آن مجالس نادی گفته می‌شود. قوم لوط در این مجالس کارهای ناپسند می‌کردند؛ قمار می‌کردند و فحش می‌دادند و در حضور جمع بدن خود را برهنه می‌ساختند (۳) و سنگ‌ریزه به هم پرتاب می‌کردند و یک‌دیگر را مسخره می‌نمودند. (۴) ۶. حضرت لوط قوم خویش را تهدید کرده بود که اگر دست از اعمال زشت بردارید گرفتار عذاب الهی می‌شوید و اکنون که آنان در برابر سخنان منطقی لوط پاسخی نداشتند، جاهلانه از او درخواست کردند که عذاب الهی را بیاورد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به خطر قطع نسل در هم‌جنس‌بازی توجه کنید (و به سراغ این راه انحرافی نروید). ۲. در مجالس عمومی و تفریحی، کارهای ناپسند نکنید. ۳. هم‌جنس‌گرایان اهل منطق و استدلال نیستند و خواستار عذاب الهی‌اند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی عنکبوت به دعای لوط اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ (لوط) گفت: «پروردگارا! مرا برگروه فسادگر پیروز گردان.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند قوم لوط از روی جهل و ریشخند تقاضای نزول عذاب الهی کردند، ولی لوط پیامبر باز هم تقاضای عذاب نکرد و فقط از خدا خواست که او را در برابر این قوم فسادگر یاری رساند و پیروز گرداند. هر چند این دعای لوط، همراه با تقاضای قبلی قوم لوط در مورد نزول عذاب، نتیجه‌ای جز مجازات آنان نداشت. ۲. در این آیه بر فسادگری قوم لوط تأکید شده است و از این تعبیر استفاده می‌شود که هم‌جنس‌بازی فساد و تباهی در پی دارد؛ چرا که اخلاق انسان‌ها را فاسد می‌سازد و جامعه را به آلودگی و ستمکاری سوق می‌دهد و نسل آینده‌ی انسان را تباه می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر مردم لجاجت کردند و راه‌های هدایت را به روی خود بستند رهبران و مبلغان دینی، از خدا کمک بجویند. ۲. هم‌جنس‌بازی نوعی فسادگری و تبه‌کاری است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۷ قرآن کریم در آیات سی و یکم و سی و دوم سوره‌ی عنکبوت به گفت‌وگوی ابراهیم علیه السلام با فرشتگان در مورد عذاب قوم لوط و نجات مؤمنان آن قوم اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۱ و ۳۲. وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ * قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهٗ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ وَهَنگامی که فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند، گفتند: «در واقع، ما مردم این آبادی (لوط) را هلاک می‌کنیم، [چرا] که مردمش ستمکار هستند.» (ابراهیم) گفت: «به یقین، لوط در این (آبادی) است.» (فرشتگان) گفتند: «ما به کسانی که در آن (جا) هستند داناتریم؛ قطعاً، او و خاندانش را نجات می‌دهیم؛ جز زنش که از بازماندگان (در آبادی) بود.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشابه این آیات در سوره‌ی هود ضمن آیات ۶۹-۷۷ آمده است و داستان فرشتگان الهی را بیان کرده که خدمت ابراهیم علیه السلام رسیدند و مژده‌ی تولد اسحاق را به او دادند و بیان کردند که ما برای عذاب قوم لوط آمده‌ایم و ابراهیم علیه السلام در مورد قوم لوط با آنان سخن گفت و یادآور شد که لوط پیامبر در میان آن قوم است، اما فرشتگان خبر دادند که ما لوط و خانواده‌اش را از عذاب نجات می‌دهیم. ۲. شهر قوم لوط نزدیک سرزمین ابراهیم علیه السلام بود و لوط پیامبر در آن زمان تابع رسالت ابراهیم علیه السلام بود و فرشتگان اخبار غیبی عذاب قوم لوط را نخست برای ابراهیم بیان کردند و سپس به سراغ خود لوط رفتند. ۳. قوم لوط ستمکار بودند؛ زیرا آنان با هم‌جنس‌بازی به خویش‌نظمی می‌کردند، همان طور که به دیگران و مسافران ظلم می‌کردند؛ و همین ستمکاری آنان عامل هلاکت آنها شد. تفسیر قرآن مهر جلد

شانزدهم، ص: ۶۸. در شهر قوم لوط، جز یک خانواده، مؤمن نبودند و آن هم خانواده‌ی لوط پیامبر بود، ولی در همین خانواده نیز، همسر لوط منحرف شده بود و از این رو گرفتار عذاب شد. «۱» البته این احتمال هست که افراد دیگری نیز ایمان آورده و قبل از عذاب از آن شهر هجرت کردند و یا جزئی از اهل لوط شدند. ۵. چرا ابراهیم علیه السلام به فرشتگان تذکر داد که لوط در میان قوم خویش است؟ شاید این مطلب برای یادآوری و اطمینان‌آفرینی بود؛ یعنی ابراهیم می‌خواست مطمئن شود که لوط نجات می‌یابد و فرشتگان نیز این اطمینان را دادند. «۲» و شاید ابراهیم می‌خواست به وسیله‌ی وجود لوط، دلیلی برای رفع عذاب از شهر قوم لوط فراهم کند، ولی فرشتگان بیان کردند که عذاب آنان قطعی است و خانواده‌ی لوط هم نجات می‌یابد. «۳» ۶. «غایر» به کسی گفته می‌شود که همراهانش بروند و او باقی بماند و از آن جا که خانواده‌ی لوط از شهر رفتند و همسر او در شهر باقی ماند، به او غایر گفته شد. «۴» ۷. «اهل» به معنای خویشاوندان نزدیک است. پیروان لوط و مؤمنان به او، همگی از خویشاوندان او و در نتیجه، یک گروه بودند. «۵» ۸. از آیات دیگر قرآن «۶» استفاده می‌شود که همسر لوط، در آغاز منحرف نبود، ولی بعد راه خیانت را در پیش گرفت و اسرار لوط را برای دشمنان او بازگو می‌کرد و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۹ کافران گناهکار را دوست داشت و از این رو همراه آنان گرفتار عذاب شد. «۱» ۹. نکته‌ی عجیبی که از این آیه و آیات سوره‌ی تحریم استفاده می‌شود آن است که در خانه‌ی پیامبر بودن سبب نجات انسان نمی‌شود. زن لوط در خانه‌ی مقدسی بود و دچار عذاب شد، ولی زن فرعون که در کاخ فساد و طغیان بود، با ایمان آوردن به راه موسی نجات یافت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاری عامل نابودی ملت‌ها و شهرهاست. ۲. خویشاوندی با شخصیت‌های الهی مانع عذاب گناهکاران نمی‌شود. ۳. پیوند با خدا عامل نجات است، نه پیوند خویشاوندی با پیامبران. ۴. دوستان خدا از میان عذاب نجات می‌یابند و منحرفان باقی می‌مانند. ۵. در هنگام مجازات، مراقب بی‌گناهان باشید. ***

قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی عنکبوت به برخورد فرشتگان با لوط پیامبر و دل‌داری دادن به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳. وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلِكَ إِلَّا مَا أُرْسَلْتَ مِنَ الْغَابِرِينَ و هنگامی که فرستادگان ما به سوی لوط آمدند، به‌خاطر (آمدن) آنان ناراحت شد و به جهت آنان، دست (قدرتش از حمایت کوتاه گشت و دل) تنگ شد و (فرشتگان) گفتند: «ترس و اندوهگین مباش! [چرا] که ما تو و خاندانت را نجات می‌دهیم، جز زنت که از بازماندگان (در آبادی) است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. داستان برخورد لوط با فرشتگان در آیات ۷۷-۸۱ سوره‌ی هود به طور مفصل بیان شده است. هم‌جنس‌بازان شهر به سوی خانه‌ی لوط هجوم بردند و قصد تعرض به فرشتگان را داشتند؛ چرا که آنان به صورت جوانانی خوش‌سیما مهمان لوط شده بودند و هر قدر لوط تلاش کرد آنان را از این کار باز دارد موفق نشد. ۲. در احادیث روایت شده که لوط در مزرعه‌ی خود کار می‌کرد که ناگهان فرشتگان الهی را به صورت جوانانی زیبا دید که به سراغ او می‌آیند و مایل‌اند مهمان او باشند. او که مردی مهمان‌نواز بود، از حضور این جوانان زیبا در شهری که گرفتار انحراف جنسی بودند، ناراحت شد و مشکلات و آبروریزی را پیش‌بینی کرد. «۱» ۳. لوط از دیدن فرشتگان ناراحت و بد حال شد؛ «۲» چون قوم خود را می‌شناخت و می‌دانست که چه پیش خواهد آمد. آری؛ او از این مهمان‌های ناخوانده دلش گرفت و ناراحت شد. «۳» ۴. فرشتگان الهی وقتی ناراحتی لوط را دیدند، خود را معرفی کردند و به او دل‌داری دادند و گفتند ما برای عذاب این قوم و نجات تو آمده‌ایم، پس ترس و اندوهگین نباش که آنان نه تنها به ما دست‌رسی پیدا نمی‌کنند، که به تو و خانواده‌ات نیز آزاری نمی‌رسد ولی همه‌ی هم‌جنس‌گرایان هلاک می‌شوند. ۵. «خوف» (ترس) در مورد حوادث ناگوار احتمالی، اما «حزن» (اندوه) در مورد حوادث ناگوار قطعی به کار می‌رود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۱ به عبارت دیگر، خوف مربوط به حوادث خطرناک آینده و حزن مربوط به حوادث دردناک گذشته است. «۱» آری؛ ترس و اندوه لوط به خاطر حوادث خطرناکی بود که در مورد میهمانان خود به خاطر انحراف جنسی قومش پیش‌بینی می‌کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسبت به میهمانان خود احساس مسئولیت داشته باشید و در مورد خطرهایی که آنان را تهدید می‌کند بیمناک و اندوهگین شوید. ۲. برای دوستان خدا،

ترس و اندوهی نیست؛ چرا که خدا مؤمنان را نجات می‌دهد. *** قرآن کریم در آیات سی و چهارم و سی و پنجم سوره‌ی عنکبوت به عذاب عبرت آموز قوط لوط اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴ و ۳۵. إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ* وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ در حقیقت، ما بر مردم این آبادی به خاطر آن که نافرمانی می‌کردند، (عذابی) اضطراب آور از آسمان فرو می‌فرستیم. * و به یقین، از این (آبادی) نشانه‌ی (عبرت آموز) روشنی، برای گروهی که خردورزی می‌کنند، برجای گذاشتیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «قریه» در این آیه همان شهر «سَیْدُوم» و آبادی‌های اطراف آن است که قوم لوط در آنها زندگی می‌کردند. ۲. «رِجْز» در اصل به معنای اضطراب است و به هر چیزی که موجب اضطراب شود، هم چون بلاهای سخت، طاعون، برف و تگرگ شدید، و سوسه‌ی شیطان و عذاب الهی گفته می‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۲ و در این جا مقصود عذاب قوم لوط است که طبق آیات دیگر قرآن نخست زلزله‌ای شدید شهرهای آنان را زیرورو کرد، سپس بارانی از سنگ متراکم بر سر آنان بارید و نابود و مدفون شدند. «۱» ۳. در این آیه علت عذاب قوم لوط را فسق و نافرمانی آنان بیان کرده است و تعبیر قرآن نشان می‌دهد که نافرمانی آنان مستمر بوده است «۲» و آنان اهل بازگشت و توبه نبودند تا بخشیده شوند. ۴. ویرانه‌های شهر قوم لوط (یعنی شهر سَیْدُوم)، نشانه‌ی روشنی برای خردمندان است. آری؛ این ویرانه‌ها در مسیر کاروان‌های مردم حجاز قرار داشت و صبح و شام از کنار آنها می‌گذشتند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فسق و نافرمانی عامل هلاکت ملت‌هاست. ۲. فرجام هم‌جنس‌گرایان فاسق عذاب آلود است. ۳. خردمندان از سرنوشت قوم لوط عبرت بگیرند. ***

ماجرای شعب

قرآن کریم در آیات سی و ششم و سی و هفتم سوره‌ی عنکبوت به اصول دعوت شعب پیامبر و مخالفت قوم او و عذاب آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶ و ۳۷. وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ* فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ تَفْسِيرُ قُرْآنِ مَهْر جِلْدِ شَانْزَدَهْم، ص: ۷۳ فَأَصَابَهُمْ فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ وَبِهِ سَوَى (مردم) «مَدْيَن»، برادرشان شُعَيْب را (فرستادیم)؛ و گفت: «ای قوم! من! خدا را پرستش کنید و به روز باز پسین امیدوار باشید، و در زمین تبهکارانه فساد نکنید.» * پس او را تکذیب کردند و (در نتیجه) زلزله آنان را فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پای در آمدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مَدْيَن» نام شهر و قبیله‌ی شعب پیامبر علیه السلام بود، که در شرق خلیج عقبه قرار داشت. مردم این شهر که از فرزندان اسماعیل بودند، با لبنان، مصر و فلسطین تجارت داشتند. «۱» امروز این شهر را «مَعَان» می‌خوانند. آنان توحید را رها کردند و گرفتار شرک و بت‌پرستی شدند و برای رونق بازار خویش دست به کم‌فروشی و تقلب زدند و خدا شعب پیامبر را به سوی آنان فرستاد تا آنان را هدایت کند. ۲. تعبیر «اِخَاهُمْ» در مورد شعب یا اشاره به آن است که او از مردم قبیله‌ی «مَدْيَن» بود و یا آن که او رفتاری برادرانه و خیرخواهانه با مردم داشت. ۳. «تَعْتُوا» به معنای فساد کردن است و واژه‌ی «مُفْسِدِينَ» بر آن تأکید می‌کند. ۴. فساد در جامعه شکل‌های گوناگونی دارد؛ گاهی در کم‌فروشی، گاهی در تغییر میزان‌ها و مقیاس‌های اجتماعی و گاهی از طریق عیب گذاشتن بر اموال و اشخاص و یا تجاوز به آبرو، ناموس و جان مردم است. ۵. شعب سه اصل اساسی را برای دعوت خود مطرح کرد: الف) توحید در عبادت؛ ب) امید به رستخیز؛ ج) جلوگیری از فساد (یعنی پاکی جامعه). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۴. ۶. ایمان و امید به معاد، عامل کنترل درونی و دایمی انسان است، به طوری که آدمی همواره مراقب اعمال خویش است و نفس خود را تربیت کند تا به پاداش‌های اخروی نایل شود و از دوزخ نجات یابد. ۷. در آیه‌ی ۹۴ سوره‌ی هود، عامل هلاکت قوم شعب را «صیحه»، و در این جا، زلزله‌ی شدید معرفی کرده است. شاید صدای آسمانی شدید همراه با زلزله‌ای مهیب شهر مدین را ویران ساخته باشد. ۸. عذاب قوم شعب آن قدر شدید بوده که مردم بر زانو نشستند و در همان حال هلاک شدند «۱» و زلزله و صیحه‌ی ناگهانی به آنان فرصت فرار نداد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغان دینی برادرگونه با مردم برخورد کنند. ۲. توحید، معاد

و نفی فساد از اصول دعوت پیامبران الهی است. ۳. فرجام مخالفت با پیامبران، عذاب است. ***

ماجرای عاد و ثمود

قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی عنکبوت به سرگذشت عبرت آموز قوم عاد و ثمود و عامل انحراف آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُشْتَبِعِينَ رَيْنَ وَ (قوم) عاد و ثمود را (نیز هلاک کردیم)؛ و به یقین، (این) از خانه‌های (ویران شده‌ی) آنان برای شما آشکار شده است؛ و شیطان کارهایشان را برای آنان آراست و آنان را از راه (خدا) بازداشت، در حالی که آنان بینا بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ماجرای قوم عاد و پیامبرشان هود در آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی اعراف و آیات ۵۰ به بعد سوره‌ی هود و برخی سوره‌های دیگر قرآن بیان شد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۵ و ماجرای قوم ثمود و پیامبرشان صالح در آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی هود و آیه‌ی ۲۱ به بعد سوره‌ی احقاف و برخی سوره‌های دیگر قرآن بیان شد. و در این جا فقط اشاره‌ای به این سرگذشت‌های عبرت آموز شده است. ۲. در این آیه اشاره شده که پس از سرکشی قوم عاد و ثمود و هلاکت آنان، ویرانه‌های شهرهایشان در منظر شماست، چون مردم مکه هر سال برای تجارت به سوی شام می‌رفتند و از کنار سرزمین حِجْر که در شمال جزیره‌ی العرب است می‌گذشتند و ویرانه‌ی شهر قوم ثمود را می‌دیدند. و نیز هنگام مسافرت به یمن از کنار احقاف که در جنوب جزیره‌ی العرب بود، می‌گذشتند و ویرانه‌های شهر قوم عاد را می‌دیدند. ۳. مقصود از بینا بودن اقوام عاد و ثمود چیست؟ برخی مفسران این تعبیر را به معنای داشتن عقل و درک کافی و برخی به معنای دارا بودن فطرت سالم و برخی به معنای راه‌نمایی پیامبران دانسته‌اند. ولی مانعی ندارد که مقصود آیه هر سه مطلب باشد؛ یعنی قوم عاد و ثمود با آن که فطرت و وجدان بیدار و عقل کافی و پیامبرانی هم چون هود و صالح علیهما السلام داشتند و جاهل قاصر نبودند، باز هم لجاجت کردند و به دنبال وسوسه‌های شیطان رفتند. ۴. یکی از روش‌های شیطان آن است که کارهای زشت را در نظر گناهکاران زیبا جلوه می‌دهد؛ یعنی ارزش‌ها را دگرگون می‌سازد و معیارهای حق و باطل و زشت و زیبا را در نظر افراد تغییر می‌دهد و آنان را از راه خدا باز می‌دارد و گمراه می‌سازد. ۵. در جهان کنونی نیز شیطان و شیطان صفتان با تبلیغات وسیع خود برخی اقوام را فریب می‌دهند، به طوری که بزرگ‌ترین جنایت‌ها و ظلم‌ها را با نام‌های زیبا به بشریت روا می‌دارند؛ کودکان فلسطینی را در وطن خودشان به خاک و خون می‌کشند و نام آن را مبارزه با تروریسم می‌گذارند و حقوق ملت‌های جهان سوم را پای مال می‌کنند و نام آن را دفاع از آزادی، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۶ دموکراسی و حقوق بشر می‌گذارند. آری؛ شیطان صفتان جهان تلاش می‌کنند که زشتی‌ها را زیبا جلوه دهند، ولی ملت‌ها بیدار شده‌اند و با چشم خرد و فطرت و با راه‌نمایی راهبران الهی جنایات آنها را می‌شناسند و افشا می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به آثار باستانی قوم عاد و ثمود بنگرید و از سرنوشت عذاب‌آلود آنان عبرت بگیرید. ۲. مراقب فریبکاری شیطان و تأثیر او در تغییر دیدتان باشید. ۳. از چشم بینا (عقل و فطرت و نبوت) استفاده کنید و به کج‌راهه نروید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی عنکبوت به سرگذشت عبرت آموز موسی با سه مستکبر بزرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹. وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَأَشْتَتَكَبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ رَا (نیز هلاک کردیم)؛ و به یقین، موسی با دلیل‌های روشن (معجزه‌آسا) به سراغشان آمد؛ و در زمین تکبر ورزیدند، و [لی پیشی گیرنده (بر ما) نبودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قارون مظهر ثروت‌اندوزی و غرور و غفلت بود که در برابر موسی علیه السلام ایستاد و با ثروت خویش فخرفروشی کرد و در پایان هلاک گردید. شرح ماجرای قارون در آیات ۷۶-۸۱ سوره‌ی قصص گذشت. ۲. فرعون از بزرگ‌ترین مستکبران جهان بود که در برابر موسی گردن‌کشی کرد و در نهایت غرق شد. شرح ماجرای فرعون در سوره‌های متعددی از قرآن از جمله بقره، اعراف، یونس، هود، اسراء، طه، شعراء و قصص بیان شد و در سوره‌ی غافر نیز خواهد آمد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۷. ۳. هامان، وزیر

و فرمانده نظامی فرعون بود که الگوی کسانی است که همکار و یاور ستمکاران می‌شوند و بر نیروی نظامی خویش تکیه می‌کنند. آری؛ سرانجام او نیز غرق شد. شرح ماجرای هامان در آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی قصص گذشت و در آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی غافر خواهد آمد. ۴. مقصود از عبارت «این سرکشان برخدا پیشی نگرفتند.» آن است که آنان نتوانستند اراده‌ی خود را برخدا تحمیل کنند و مسیر تاریخ را به نفع خویش تغییر دهند و نور حق موسی را خاموش سازند، بلکه آنان پس از سرکشی نتوانستند از قلمرو حکومت الهی فرار کنند و از عذاب او رهایی یابند و هرگاه خدا اراده کرد هلاک شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت موسی و مستکبران جهان درس عبرت بگیرید. ۲. مستکبران ثروتمند و قدرتمند جهان نیز نتوانستند برخدا پیشی بگیرند (پس شما هم نمی‌توانید). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی عنکبوت به نقش ظلم در هلاکت اقوام سرکش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰. فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسِفْنَا بِيَهُ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَعْرَفْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَتَفْسِئَهُمْ يُظْلَمُونَ و هر کدام [از آنان را به خاطر پیامد (گناه) ش گرفتار (عذاب) کردیم؛ پس، از آنان کسی بود که بر او طوفان شن فرستادیم؛ و از آنان کسی بود که بانگ (مرگبار) او را فرو گرفت؛ و از آنان کسی بود که او را در زمین فرو بردیم؛ و از آنان کسی بود که (او را) غرق کردیم؛ و خدا هرگز به آنان ستم نکرد و لیکن بر خودشان ستم می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به عذاب‌های اقوام و افرادی اشاره کرده که در آیات قبل از آنان نام برده شد، تا درس عبرتی برای آیندگان باشد. آری؛ قوم عاد با طوفان شن نابود شدند؛ طوفانی که هفت شب و هشت روز ادامه داشت و خانه‌های آنان را درهم کوبید و همه را هلاک ساخت. «۱» قوم ثمود با بانگ (: صیحه) آسمانی که نتیجه‌ی صاعقه است و همراه با زمین لرزه‌ای شدید، نابود شدند. «۲» قارون ثروتمند نیز در زمین فرو رفت. «۳» و فرعون و هامان در دریا غرق شدند و آبی که مایه‌ی حیات است عامل مرگ آنان شد. ۲. در این آیه تأکید شده که عامل نابودی این اقوام و افراد سرکش همان گناهکاری و ستمکاری آنان بود. آنها با شرک ورزیدن، به خود ستم کردند و با سرکشی، بر مردم ستم کردند و برخی از آنان با ثروت‌اندوزی، بر مردم ستم اقتصادی روا داشتند. ۳. در این آیه بیان شده که خدا حتی بر مستکبران عالم ستم نمی‌کند. آری؛ خدا عادل است و نیازمند چیزی نیست، تا بر کسی ستم کند و قدرت و اموال و جان او را بگیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب، عکس‌العمل گناه و ستم انسان است. ۲. خدا ستمکاران را به شیوه‌های مختلفی مجازات می‌کند. ۳. خدا بر کسی ستم نمی‌کند و ستمکاری انسان‌ها از ناحیه‌ی خود آنهاست. ۴. گناه و ستم نکند تا گرفتار عذاب نشوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۹

مثال جالب عنکبوت

قرآن کریم در آیات چهل و یکم و چهل و دوم سوره‌ی عنکبوت با مثالی جالب، سستی تکیه‌گاه مشرکان را آشکار می‌سازد و با اشاره به علم و حکمت الهی می‌فرماید: ۴۱ و ۴۲. مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ * إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ مثال کسانی که غیر از خدا سرپرستانی گزیده‌اند، هم‌چون مثال عنکبوت است که (خانواده) و خانه‌ای برگزیده، در حالی که قطعاً، سست‌ترین خانه‌ها خانه‌ی عنکبوت است، اگر (بر فرض) می‌دانستند. * در حقیقت، خدا آن چیزی را که غیر از او می‌خوانند (و می‌پرستند) می‌داند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیه مثالی جالب از عنکبوت می‌زند، در مورد این مثال دو تفسیر شده است: الف) مقصود خانه‌ی عنکبوت است که بسیار سست است، به طوری که با اشاره‌ی دست انسان پاره می‌شود، پس دوستی و سرپرستی غیرالهی نیز این گونه است. «۱» ب) مقصود خانواده‌ی عنکبوت است؛ چرا که در برخی انواع عنکبوت‌ها، بعد از ازدواج و کام‌گیری، عنکبوت ماده، عنکبوت نر را می‌کشد و یا این که صبر می‌کند تا بچه‌ها متولد شوند و پدر را به قتل برسانند؛ از این رو می‌توان گفت سست‌ترین خانواده‌ها، خانواده‌ی عنکبوت است که بدون طلاق از هم فرو می‌پاشد و در این آیه دوستی‌های

غیرالهی به دوستی خانواده‌ی عنکبوت تشبیه شده که کم‌دوام است و منتهی به دشمنی می‌گردد و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۰ دوستان غیرالهی پس از بهره‌کشی از افراد، آنها را نابود می‌کنند. «۱» ۲. بنا بر تفسیر اول، در این آیه سستی کار و تکیه‌گاه مشرکان به سستی خانه‌ی عنکبوت تشبیه شده است. خانه‌ای که از تارهای نازک ساخته شده و در برابر هر حادثه‌ای متزلزل می‌شود. خانه‌ای که با نسیم بادی یا بارش بارانی نابود می‌شود. آری، سرپرستان و تکیه‌گاه‌های مشرکان، هم‌چون خانه‌های عنکبوت سست و متزلزل هستند. چرا که آن تاج و تخت فرعونیان و گنج‌قارون و شوکت اقوامی هم‌چون عاد و ثمود (در برابر عذاب الهی) کوچک‌ترین مقاومتی نکردند و هم‌چون تارهای عنکبوت در هم فرو ریختند. حال، کسانی که این مستکبران و بت‌ها را سرپرست خود قرار می‌دهند، به چه تکیه‌گاه سست و ناپایداری اعتماد کرده‌اند؟! ۳. عنکبوت‌ها از مایع لزجی که در زیر شکم آنان تولید می‌شود، به وسیله‌ی چنگال‌های خود تارهای نازکی می‌تنند و این مایع وقتی در معرض هوا قرار گیرد، سخت می‌شود، به طوری که اگر مقداری از آن به اندازه‌ی یک طناب جمع شود، هم‌چون آهن محکم می‌گردد؛ از این رو طرف‌داران تفسیر دوم آیه گفته‌اند که این تارها هر چند به ظاهر سست‌اند، اما در واقع محکم‌اند، پس آیه به سستی خانواده‌ی عنکبوت اشاره دارد نه خانه‌ی او. «۲»

تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۱ البته مانعی ندارد که آیه به هر دو مطلب اشاره کرده باشد. «۱» ۴. در این جا از معبودان مشرکان با واژه‌ی «اولیاء» یاد شده است، شاید این تعبیر اشاره به بت‌ها و پیشوایان مستکبر است که برخی از آنان هم‌چون فرعون ادعای پروردگاری داشتند. ۵. مشرکان ناآگاه‌اند و نمی‌دانند که تکیه‌گاه‌ها و معبودان آنان تا چه اندازه سست هستند و همین جهل آنهاست که آنان را به گمراهی کشانده است. «۲» ۶. عنکبوت خود خانه یا خانواده‌ی خویش را انتخاب می‌کند و مشرکان نیز با اختیار خود سرپرستی معبودان و مستکبران را می‌پذیرند و به بیراهه می‌روند. ۷. در این آیات به سه صفت علم، حکمت و عزت الهی اشاره شده است؛ یعنی خدا از شرک مخفی و بهانه‌های مشرکان هم آگاه است که می‌گویند: ما این بت‌ها را سمبل می‌دانیم و آنها را برای خودشان نمی‌پرستیم، بلکه سود و زیان ما در دست آنهاست. «۳» ولی در همان حال که عزیز و شکست‌ناپذیر است به مشرکان مهلت می‌دهد، تا شاید هدایت گردند و یا حجت بر آنان تمام شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در زندگی تکیه‌گاه‌های سست انتخاب نکنید. ۲. هر سرپرستی غیر از خدا، ناپایدار است. ۳. از جهان حیوانات برای امور تربیتی الهام بگیرید و مثال بزنید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۲ ۴. خدا از شرک مشرکان آگاه است، ولی بر اساس حکمت و عزت عمل می‌کند. *** قرآن کریم در آیات چهل و سوم و چهل و چهارم سوره‌ی عنکبوت به فایده‌ی مثال‌های قرآن و هدف‌داری آفرینش جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۳ و ۴۴. وَتَلَمَّكَ الْأَمْثَالُ نَصْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ * خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ و آن، مثال‌هایی است که آنها را برای مردم می‌زنیم؛ و جز دانایان آنها را درک نمی‌کنند. * خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؛ قطعاً، در آن نشانه‌ای (آموزنده) برای مومنان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مخالفان اسلام اشکال می‌کردند که چگونه خدایی که آفریدگار آسمان‌ها و زمین است، به حشره‌ی کوچکی هم‌چون عنکبوت مثال می‌زند، این آیه به آنان پاسخ داد و اشاره کرد که این مثال‌ها برای تفکر و عبرت‌آموزی است. «۱» ۲. مثال‌های حکمت‌آمیز قرآن برای افراد خردمند معنادار است؛ چون آنان در مورد این مثال‌ها تفکر و آنها را درک می‌کنند. آری؛ اهمیت مثال به بزرگی و کوچکی مورد مثال نیست، بلکه در انطباق آن بر مقصود و ظرافت‌های آن است. ۳. در احادیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله آیه‌ی چهل و سوم این سوره را قرائت می‌کرد و می‌فرمود: دانشمند کسی است که از خدا اندیشه کند و به فرمان او عمل نماید و از خشم او بپرهیزد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۳ ۴. در این آیات به هدف‌داری جهان اشاره شده است؛ یعنی خدا در آفرینش آسمان و زمین و یا حتی حشره‌ای مثل عنکبوت هدفی را دنبال کرده است و اگر به این امور مثال می‌زند، کار باطل و بیهوده نمی‌کند، بلکه این مثال‌ها هم برای بیان حق است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مثال‌های قرآن تفکر کنید. ۲. فهم مثال‌های قرآن نیازمند دانش و تعقل است. ۳. جهان آفرینش هدف حقی دارد. ۴. مؤمنان در هدف‌داری جهان، نشانه (ی خداشناسی) را ببینند. ***

تأثیر نماز در تربیت فرد و جامعه

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی عنکبوت به نقش اجتماعی نماز در نفی آلودگی‌ها و عظمت یاد خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵. اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ آنچه از کتاب (قرآن) به سوی تو وحی شده، بخوان [و پیروی کن]، و نماز را برپا دار؛ [چرا] که نماز از [کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد؛ و البته یاد خدا بزرگ‌تر است؛ و خدا آنچه را با زیرکی انجام می‌دهید می‌داند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «تلاوت» به معنای خواندن و پیروی کردن است؛ بنابراین در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله (و همه‌ی رهروان او) دستور می‌دهد که قرآن را بخوانید و برنامه‌ی زندگی خود قرار دهید و از اندرزها و دستورات آن پیروی کنید تا جان شما نورانی و آگاه شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۴. در این آیه به سه فایده‌ی مهم نماز اشاره شده است: الف) نماز مانع کارهای زشت می‌شود و آنها را ممنوع می‌سازد. ب) نماز مانع کارهای ناپسند می‌شود و آنها را ممنوع می‌سازد. ج) یکی از برکات نماز یاد خداست که آن بزرگ‌تر و والاتر است. ۳. انسانی که پنج بار در شبانه روز نماز می‌گذارد و در برابر خدا سجده می‌کند و به یاد نعمت‌های او می‌افتد و از او کمک می‌جوید، به همان اندازه‌ای که این نماز در روح او اثر می‌گذارد و به همان اندازه‌ای که کمال می‌یابد و از روح عبادت برخوردار می‌شود، این نماز او را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد. یعنی نماز به صورت تکوینی و تشریحی انسان را از کارهای زشت منع می‌کند، اما این ممنوعیت درجاتی دارد و هر نمازی مرتبه‌ای از فحشا و منکر را دور می‌سازد و نماز گزار را مرحله به مرحله پاک می‌سازد. «۱» باد خشم و باد شهوت، باد آز برد او را که نبود اهل نماز (مولوی) ۴. در حدیثی روایت شده که جوانی از انصار، نمازهای خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله به جماعت می‌گزارد، اما کارهای زشت انجام می‌داد. مردم این مطلب را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش دادند و حضرت فرمود: نماز او روزی او را از کار زشت باز می‌دارد. و پس از مدت کوتاهی (پیش‌بینی پیامبر صلی الله علیه و آله تحقق یافت و آن جوان توبه کرد) و دست از کارهای زشت برداشت. «۲» ۵. در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس نمازش او را از کارهای زشت و ناپسند باز ندارد، هیچ چیز جز دوری خدا بر او افزوده نشده است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۵ و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس دوست دارد ببیند آیا نمازش مورد قبول (خدا) قرار گرفته است یا نه، ببیند که آیا این نماز او را از زشتی‌ها و منکرات باز داشته است یا نه؟ و به قدری که او را باز داشته است، نمازش قبول شده است. «۱» ۶. یکی از بزرگ‌ترین برکات و فلسفه‌های نماز یاد خداست که سرچشمه‌ی هر نیکی و سعادت است و قرآن یاد خدا را مایه‌ی آرامش دل‌ها معرفی کرده «۲» و دستور داده که نماز را برای یاد خدا بر پادارید. «۳» آری؛ روح نماز و هر عبادتی ذکر و یاد خداست. ۷. نماز فواید و ثمرات زیادی در زندگی بشر دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: الف) انسان را به یاد خدا می‌اندازد؛ ب) عامل شست‌وشوی انسان از گناهان است؛ ج) سدی در برابر گناهان است؛ د) غفلت‌ها را می‌زداید؛ ه) حالت خودبینی و تکبر را رفع می‌کند؛ و) وسیله‌ی پرورش فضایل اخلاقی و تکامل معنوی است؛ ز) عامل پاکی لباس، بدن و زندگی انسان از نجاسات و امور حرام است؛ ح) به سایر اعمال انسان ارزش می‌دهد و اگر قبول شود بقیه‌ی اعمال نیز قبول می‌شوند «۴»؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۶ ط) انضباط و نظم را در زندگی انسان تقویت می‌کند. ۸. در برخی از احادیث و سخنان مفسران اشاره شده که مقصود از ذکر الله در این آیه، ما اهل بیت علیهم السلام هستند «۱» و یا این که منظور یاد خدا به وسیله‌ی رحمت است (در برابر نماز که یاد خدا به وسیله‌ی اطاعت است «۲»). البته روشن است که این تفسیرها و روایات اشاره به بطن آیه است؛ زیرا هر کس به یاد اهل بیت علیهم السلام باشد، به یاد راه آنان و به یاد خدا می‌افتد. ۹. «ذکر الله» و یاد خدا که انسان را به کمال و سعادت می‌رساند گاهی در الفاظ و گاهی در قلب و گاهی در عمل ظاهر می‌شود و همه‌ی آنها مراتب و اقسام ذکرند و انسان را به یاد خدا و دستورات او می‌اندازند و از گناه و نافرمانی باز

می‌دارند. ۱۰. چه ذکری بگوییم؟ امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: بالجمله برای زنده نمودن دل، ذکر خدا، خصوص اسم مبارک «یا حی و یا قیوم» با حضور قلب مناسب است... از حضرت زین العابدین و سید الساجدین علی بن الحسین علیه السلام منقول است که سنگ خشن زبری را ملاحظه فرمود، سر مبارک را بر آن نهاد و سجده نمود و گریه کرد و هزار مرتبه گفت: «لا اله الا الله حقاً حقاً، لا الا اله الله تعبداً ورقاً، لا الله الا الله ايماناً و تصديقاً». (۳) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با تلاوت قرآن آموزش ببینید و با برگزاری نماز پرورش یابید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۷. ۲. برپایی نماز از عوامل پاکی انسان و جامعه است. ۳. یاد خدا، والا-ترین ثمره‌ی نماز است. ۴. خدا از کارهای زیرکانه‌ی شما آگاه است (پس مراقب باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی عنکبوت به روش گفتمان سازنده‌ی بین ادیان و اصول زیربنایی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶. وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ و با اهل کتاب جز به آن (شیوه‌ای) که آن نیکوتر است مناظره نکنید، مگر با کسانی از آنان که ستم کرده‌اند؛ و بگویید: «به آنچه به سوی ما فرو فرستاده شده و به سوی شما فرود آمده، ایمان آورده‌ایم و معبود ما و معبود شما یگانه است و ما تنها به فرمان او هستیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مجادله» در اصل از ماده‌ی جدال و به معنای تابیدن طناب و محکم کردن آن است و گاهی به معنای کشتی گرفتن هم می‌آید و هنگامی که دو نفر با یکدیگر بحث و مجادله می‌کنند، در حقیقت هر کدام می‌خواهد عقیده‌ی دیگری را در هم بیچد (۱) و ادعای خود را محکم سازد و از این رو در بحث با دیگری کشتی می‌گیرد. ۲. «جدال احسن» به معنای مباحثه و گفتمان صحیح و سازنده است که شامل روش صحیح در کاربرد الفاظ، محتوای سخن، آهنگ گفتار و حرکات دیگر می‌شود؛ یعنی در گفت‌وگویی با دیگران از توهین، خشونت، فریاد، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۸ برتری‌جویی، اظهار کبر و غرور، عدم احترام به افکار دیگران و تحقیر آنان پرهیزید و به صورت صمیمی و مؤدبانه و مستدل بحث کنید؛ (۱) که این یکی از روش‌های قانع ساختن و نفوذ در دیگران است. ۳. در احادیث اسلامی تأکید شده است که از جدال و مراء پرهیزید و از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هیچ گروهی پس از هدایت گمراه نشدند، مگر این که از راه جدال (و بحث‌های برتری‌جویانه و تحقیرآمیز و خشونت‌بار) وارد شدند. (۲) و در حدیث دیگری از سلیمان پیامبر علیه السلام حکایت شده که به فرزندش گفت: پسر من! از جدال پرهیز؛ زیرا نه تنها سودی در آن نیست، بلکه آتش دشمنی را در میان برادران شعله‌ور می‌سازد. (۳) ۴. مقصود از «مراء» بحث‌هایی است که روح حقیقت‌جویی در آنها نباشد بلکه هدف اظهار فضل و برتری‌طلبی و به کرسی نشاندن سخن خویش است و برخی دانشمندان مراء را اعم از جدال دانسته‌اند؛ چون جدال نوعاً در مسائل علمی به کار می‌رود. ۵. در این آیه اشاره شده که یک گروه از اهل کتاب استثنا هستند که نمی‌توان با آنان مجادله‌ی احسن و گفت‌وگویی سازنده داشت. آنها افرادی از اهل کتاب‌اند که اهل ستمکاری هستند و آیات الهی را کتمان می‌کنند و دستورات الهی را زیر پا می‌گذارند و خرافات و مطالب شرک‌آمیز را در ادیان الهی وارد می‌کنند و یا در برابر اسلام به توطئه و زور و خشونت متوسل می‌شوند. با این گونه افراد نمی‌توان گفت‌وگویی سازنده داشت؛ چراکه آن را حمل بر ضعف مسلمانان می‌کنند؛ پس باید در برابر آنان از روش‌های متناسب با تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۹ توطئه‌های آنان استفاده کرد. ۶. در این آیه سه اصل مشترک و اساسی برای گفتمان بین ادیان بیان شده است؛ اصولی که الهیون جهان را به وحدت و توحید فرا می‌خواند. این سه اصل عبارت‌اند از: ایمان به وحی الهی، معبود واحد و تسلیم در برابر او. ۷. در حقیقت، این آیه که به مسلمانان دستور می‌دهد این سه اصل مشترک را با اهل کتاب مطرح کنید، یکی از نمونه‌های مجادله‌ی احسن و گفتمان سازنده را به مسلمانان آموزش می‌دهد که در برخورد با مخالفان چگونه سخن بگویید که ذهن‌ها به هم نزدیک شود و آتش دشمنی شعله‌ور نشود و زمینه‌ی هدایت دیگران فراهم گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به گفتمان سازنده بین ادیان پردازید. ۲. زیربنای گفت‌وگویی بین ادیان، اصول سه‌گانه‌ی مشترک، ایمان به وحی، توحید و تسلیم در برابر خدا باشد. ۳. با روش نیکو و سازنده با اهل کتاب بحث و گفت‌وگو کنید. ۴. با ستمکاران اهل کتاب، مدارا نکنید. *** قرآن کریم در

آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی عنکبوت به واکنش‌های متفاوت در برابر قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷. وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ و این گونه، کتاب (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، و کسانی که کتاب (الهی) به آنان داده‌ایم بدان ایمان می‌آورند؛ و برخی از آن (مشرک) ها کسانی هستند که بدان ایمان می‌آورند؛ و آیات ما را جز کافران انکار نمی‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه نزول قرآن شبیه نزول کتاب‌های آسمانی پیشین شمرده شده است. این تشبیه ممکن است در مورد اصل نزول وحی و یا در مورد محتوای آنها و اصول سه‌گانه‌ی مشترکی باشد که در آیه‌ی قبل بیان شد؛ یعنی قرآن نیز هم‌چون کتاب‌های آسمانی قبلی به ایمان به وحی، توحید و تسلیم در برابر خدا سفارش می‌کند. «۱» البته سیاق آیات با تفسیر دوم سازگار است، ولی مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. ۲. در این آیه بیان شده که مردم در برابر قرآن سه گروه شدند: الف) گروهی از اهل کتاب بدان ایمان آوردند؛ یعنی برخی یهودیان و مسیحیان که نشانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و اصول محتوای قرآن را با بشارت‌های کتاب‌های خود هماهنگ دیدند بدان ایمان آوردند. ب) گروهی از مشرکان عرب نیز به حقایق قرآن پی‌برده و بدان ایمان آورده بودند. ج) گروهی از اهل کتاب و مشرکان کافر ماندند و لجاجت کردند و به قرآن ایمان نیاوردند. ۳. «جحد» آن است که انسان در قلبش به چیزی اقرار داشته باشد ولی آن را به زبان انکار کند. «۲» این تعبیر نشان می‌دهد که کافران در دل به حقایق قرآن و اعجاز آن پی‌برده بودند، ولی در ظاهر به خاطر تعصب و تقلید یا برای حفظ منافع خود آن را انکار می‌کردند. ۴. «کافر» در اصل به معنای پوشاندن است و در این جا شاید اشاره به آن است که اهل کتاب و مشرکان که قبلاً نیز کافر بودند، پس از آن که آگاهانه قرآن را انکار کردند و حق را پوشاندند، کافر حقیقی و لغوی شدند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن نیز بر اساس اصول مشترک ادیان الهی فرود آمده است. ۲. آیات قرآن را انکار نکنید که جز کافران حق‌پوش، آنها را انکار نمی‌کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی عنکبوت با اشاره به درس ناخواندگی و خط نوشتن پیامبر صلی الله علیه و آله به ردّ شبهات مخالفان در مورد قرآن می‌پردازد و می‌فرماید: ۴۸. وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَأَزْتَابِ الْمُبْطِلُونَ و پیش از این (قرآن) هیچ کتابی نمی‌خواندی [و پیروی نمی‌کردی و با دست راست آن را نمی‌نوشتی؛ در صورتی که (اگر می‌خواندی و می‌نوشتی) حتماً، باطل‌گرایان شک می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به یک اشکال احتمالی پاسخ داده شده است؛ یعنی اشاره کرده که اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، قبل از بعثت خواننده‌ی کتاب‌ها و نویسنده بود، ممکن بود کسی شک کند و بگوید شاید او مطالب قرآن را در کتاب‌های دیگر خوانده و نسخه‌برداری کرده است. ولی با توجه به امی بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و این که او هیچ‌گاه کتابی نوشته و درس نخوانده بود، این اشکال احتمالی دفع می‌شود. ۲. در حقیقت درس ناخواندگی و خط نوشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و امی بودن او دلیل حقایق و اصالت وحی قرآن و اعجاز آن و دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. آری؛ چگونه ممکن است فردی درس ناخوانده کتابی با معارف بلند بیاورد که هیچ کس نتواند مثل آن را بیاورد. این دلیل آن است که وی به منبع وحی الهی متصل بوده است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۲. ۳. باسواد بودن یک ارزش است، اما در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بی‌سواد بودن یک نشانه است؛ چرا که بدین وسیله حقایق او و کتابش ثابت می‌شود. ۴. ادعای امی بودن پیامبر صلی الله علیه و آله در محیط مکه توسط قرآن مطرح شد و بارها بر آن تأکید شد، ولی هیچ کس از مخالفان آن را انکار نکرد؛ چرا که در آن محیط، حدود ۱۷ نفر باسواد بودند که مردم همه را به نام می‌شناختند و پیامبر اسلام جزء آنان نبود. «۱» ۵. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سفری تجاری به شام داشت که در آن سفر فرصت درس خواندن نبود و در مکه نیز چنین تعلیماتی نداشت. تنها حکایت شده که ایشان در جریان صلح حُدی بیه قلم به دست گرفت. «۲» این خبر تاریخی نیز واحد است و بر فرض آن که صحیح باشد، اثبات می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نبوت قادر بر نوشتن بوده است، اما قبل از نبوت را ثابت نمی‌کند و این مشکلی را ایجاد نمی‌کند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. «نگار من

که به مکتب نرفت و خط نوشت به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد.» ۲. حقانیت قرآن و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را در سوابق و شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله ببینید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی عنکبوت به جایگاه واقعی قرآن و نقش ستمکاران در انکار آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۹. بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۳ بلکه آن (قرآن) آیات روشنی است که در سینه‌های کسانی است که به آنان دانش داده شده است؛ و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «آیات بینات» به معنی نشانه‌های روشن است. این تعبیر اشاره به آن است که نشانه‌های حقایق قرآن در خود آن است؛ یعنی محتوا و الفاظ آن اعجاز‌آمیز و دلیل صدق آن است. ۲. در این آیه اشاره شده که طرف‌داران قرآن کسانی هستند که بهره‌ای از دانش دارند و یکی از راه‌های شناخت هر مکتب، بررسی شخصیت طرف‌داران آن است. اگر وفاداران به یک مکتب افرادی ممتاز و دانشمندان با اخلاص، هم‌چون علی علیه السلام، سلمان و عمار باشند، همین مطلب دلیل حقایق آن مکتب است. ۳. در احادیث اسلامی روایت شده که مقصود از دانشمندان در این آیه ائمه علیهم السلام هستند؛ «۱» البته این گونه احادیث بیان مصداق روشن و کامل آیه است که مرحله‌ی کامل علوم قرآن نزد آنان است، ولی دیگران نیز بر اساس استعداد و ظرفیت و دانش خود از قرآن بهره می‌برند. ۴. در این آیه بیان شده که منکران آیات قرآن، جز ستمکاران نیستند. آری؛ کسانی که آیات روشن الهی را منکر می‌شوند، در حقیقت خود و جامعه را از نور هدایت محروم می‌کنند و این محرومیت ستم به خویش و جامعه است؛ به عبارت دیگر، وقتی کسی راه ستم را در پیش گیرد، با قرآن مخالفت می‌کند، چرا که قرآن مخالف ستمکاری است. ۵. در آیه‌ی چهل و هفتم بیان شد که کافران منکر آیات الهی می‌شوند و در این جا بیان شد که ظالمان منکر آیات الهی می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۴ این دو تعبیر به دو جنبه‌ی عقیدتی و عملی انکار اشاره دارد؛ یعنی گاهی افراد به خاطر پیش‌داوری‌های نادرست و تقلید از نیاکان، راه کفر و انکار را می‌پیمایند و گاهی راه ستم به خویش و جامعه را برگزیده‌اند و قرآن را مخالف این روش عملی خود می‌بینند و آن را انکار می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس می‌خواهد قرآن در دلش جای گیرد اهل دانش شود. ۲. ستمکاری، باعث انکار آیات قرآن می‌شود. *** قرآن کریم در آیات پنجاهم تا پنجاه و دوم سوره‌ی عنکبوت به معجزه‌خواهی بهانه‌جویانه‌ی مشرکان پاسخ داده و با یادآوری ویژگی‌های قرآن و داوری خدا و زیانکاری کافران می‌فرماید: ۵۰-۵۲. وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ * أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ * قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ * و گفتند: «چرا نشانه‌های (اعجاز‌آمیز) از سوی پروردگارش بر او فرو فرستاده نشده؟! بگو: «نشانه‌های (اعجاز‌آمیز) تنها نزد خداست و من فقط هشدارگری روشن‌نگرم.» * و آیا برای آنان کافی نبود که ما کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم، در حالی که بر آنان خوانده می‌شود؟! قطعاً، در این، رحمت و یادمانی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. * بگو: «گواهی خدا بین من و بین شما کافی است؛ در حالی که آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و کسانی که به باطل ایمان آورده و به خدا کفر ورزیدند، تنها آنان زیانکارند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. معجزه‌ی جاویدان پیامبر صلی الله علیه و آله که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها در دست‌رس بشر است، همین قرآن است و با وجود قرآن که همگان را به مبارزه طلبیده است، دیگر نیازی نبود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معجزه‌ای بیاورد، هرچند از پیامبر صلی الله علیه و آله معجزات دیگری نیز حکایت شده است. ۲. کافران مخالف پیامبر صلی الله علیه و آله با وجود اطلاع از قرآن و عاجز بودن در برابر آن، باز هم بهانه‌جویی می‌کردند و معجزه‌های جدید می‌طلبیدند. گاهی قصری از طلا می‌خواستند و گاهی نهرها و چشمه‌های آب و گاهی صعود به آسمان «۱» و معجزات را به صورت چیزهای بی‌ارزش و دل‌خواه در می‌آوردند. ۳. در این آیات دو پاسخ به بهانه‌جویی مشرکان می‌دهد: الف) معجزه به دل‌خواه پیامبر نیست که در هر زمان و هر مکان بخواهید پیدا شود، بلکه معجزات به دست خداست و او برای هدایت افراد حقیقت‌جو معجزه می‌فرستد، نه برای

هوس‌های افراد بهانه‌جو. دوم آن که اگر شما واقعاً حق‌جو هستید و معجزه می‌خواهید، قرآن معجزه‌ی جاویدان پیامبر صلی الله علیه و آله است، به آن بنگرید تا ایمان آورید؛ معجزه‌ای که بزرگ‌تر از معجزات دیگر و متناسب با شرایط زمان و مکان و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام است. ۴. در این آیات بیان شده که وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله منحصر در هشدارگری و روشننگری است؛ البته این آیه در صدد پاسخ‌گویی به بهانه‌جویی کافران است و این حصر نسبی است و گرنه پیامبر صلی الله علیه و آله وظایف دیگری نیز داشته است. ۵. این آیات به دو ویژگی قرآن؛ یعنی رحمت و ذکر بودن قرآن اشاره کرده است. آری؛ قرآن هم یک معجزه‌ی یادآوری کننده است که مایه‌ی تذکر انسان‌هاست و هم رحمت‌آفرین است و برنامه‌ها و محتوای آن انسان‌ساز و مایه‌ی رحمت برای بشریت است. بر خلاف معجزات دیگر که فقط مایه‌ی تذکر بود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۶. ۶. قرآن مایه‌ی رحمت و تذکر گروهی است که حقیقت را باور دارند و خواهان نور الهی و رحمت او هستند. آری؛ کسانی که به آیات حق ایمان آورده‌اند، می‌توانند از تذکرات و رحمت قرآن استفاده کنند. ۷. در این آیات بیان شده که خدا گواه بین پیامبر صلی الله علیه و آله و مخالفان است: الف) این گواهی خدا ممکن است به صورت علمی باشد؛ یعنی خدا که از همه‌ی امور در جهان آگاه است، شاهد کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله و مخالفان او نیز هست. ب) یا مقصود گواهی عملی است؛ یعنی دادن معجزه‌ی قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله، بهترین گواهی دادن خدا به نبوت اوست. ج) یا منظور گواهی قولی خداست که در آیات متعدد قرآن به رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گواهی داده است. «۱» د) و یا مقصود گواهی خدا در کتاب‌های آسمانی دیگر است. البته منافاتی بین این چهار تفسیر نیست و ممکن است همه‌ی آنها مقصود آیه باشند. «۲» و در هر صورت گواهی کسی که از همه چیز آسمان‌ها و زمین آگاه است، بهترین و کامل‌ترین گواهی است. ۸. در این آیات بیان شده که کافران زیانکار واقعی هستند؛ چون آنان تمام استعدادها و سرمایه‌های وجودی خود را وقف بت‌ها و معبودان دروغین کرده و هیچ‌گونه تکامل و رشدی پیدا نکرده‌اند و در رستخیز نیز گرفتار عذاب الهی می‌شوند؛ یعنی آنان کاملاً ورشکست شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام بهانه‌جو هستند. ۲. وظیفه‌ی رهبران الهی هشدارگری و روشننگری و پاسخ‌گویی به بهانه‌های مخالفان است. ۳. قرآن معجزه‌ای است که راه هرگونه بهانه‌جویی و معجزه‌خواهی را بر مخالفان می‌بندد. ۴. حق‌باوران از تذکرات و رحمت قرآن استفاده کنند. ۵. از گواهی خدای آگاه بر همه چیز، پروا کنید (و دست از بهانه‌جویی بردارید). ۶. باطل‌گرایی و کفر، از عوامل زیانکاری هستند. * * * قرآن کریم در آیات پنجاه و سوم تا پنجاه و پنجم سوره‌ی عنکبوت به بهانه‌جویی دیگر کافران در مورد عذاب خواهی پاسخ می‌دهد و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۵۳-۵۵. وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْيَةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ * يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ * يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُقُوا مِمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ و از تو می‌خواهند که در عذاب شتاب ورزی؛ و اگر سرآمد معینی نبود، حتماً، عذاب به سراغ آنان می‌آمد؛ و قطعاً، (عذاب) به طور ناگهانی به سراغشان می‌آید، در حالی که آنان (با درک حسری) متوجه نمی‌شوند. * و از تو می‌خواهند که در عذاب شتاب ورزی؛ و قطعاً، جهنم بر کافران احاطه دارد! * در روزی که عذاب (الهی) آنان را از فرازشان و از زیر پاهایشان می‌پوشاند! و (خدا به آنان) می‌گوید: «بچشید آنچه را انجام می‌دادید!» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به بهانه‌جویی مشرکان و عذاب‌خواهی آنان و عجله در این کار اشاره می‌کند. عذابی که توسط پیامبران الهی و در آیات قرآن به مشرکان لجوج وعده داده شده بود. ۲. در این آیات بیان شده که وعده‌ی عذاب مهلت و زمان مشخصی دارد، ولی مردم از آن اطلاع ندارند؛ شاید همین‌الآن به طور ناگهانی بیاید. ۳. تعیین زمان معین برای عذاب و مهلت دادن به کافران برای آن است که شاید آنان بیدار شوند و اگر لجاجت کردند حجت بر آنان تمام شود. ۴. عدم اعلام زمان عذاب برای آن است که گناهکاران و کافران جسورتر نشوند؛ چون اگر زمان عذاب اعلام شود، این افراد تا آخرین فرصت به گناه و کفر و شرک ادامه می‌دهند و سپس توبه می‌کنند؛ پس فلسفه‌ی تربیتی عذاب‌های الهی اقتضا می‌کند که

زمان آن سَری باشد، تا وحشتی در میان کافران و گناهکاران ایجاد کند و عامل بازدارنده از گناه باشد. ۵. در این آیات بیان شده که عذاب جهنم بر کافران احاطه دارد. این مطلب ممکن است اشاره به عذاب‌های دنیوی، هم‌چون آلودگی‌ها، جهنم سوزان جنگ‌ها و هوس‌ها و بیدادگری‌ها و یا اشاره به دوزخ آخرت باشد که در باطن دنیا موجود است و یا اشاره به دوزخ قیامت که خواهد آمد. «۱» ۶. در این آیات اشاره به دو جهت بالا و پایین شده است که عذاب از این دو سو به کافران هجوم می‌آورد، ولی روشن است که عذاب از همه جهت افراد را فرا می‌گیرد و عدم بیان جهات دیگر به خاطر وضوح آن است. «۲» ۷. خدا به کافران می‌گوید: «آنچه را همواره عمل می‌کردید بچشید.» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۹ این جمله نوعی عذاب روانی کافران و اشاره به تجسم اعمال نیز هست که اعمال انسان‌ها در رستخیز به صورت عذاب دردناکی درمی‌آید که کافران آن را می‌چشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به بهانه‌جویی‌های مخالفان پاسخ گوئید. ۲. عذاب الهی زمان مشخصی دارد و هر لحظه ممکن است آن زمان فرا رسد (پس مراقب رفتار و گفتار خویش باشید). ۳. فرجام عذاب آلودی در انتظار کافران است. *** خدای متعال در آیه‌ی پنجاه و ششم سوره‌ی عنکبوت با یادآوری وسعت زمین، بندگان خود را به هجرت و عبادت فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۵۶. یا عِبَادِی الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! در واقع، زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مؤمنان مکه تحت فشار مشرکان بودند و توانایی انجام وظایف اسلامی خود را نداشتند. این آیه نازل شد و به آنان دستور داد که هجرت کنند تا بتوانند وظایف و عبادات خود را انجام دهند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه یک قانون کلی و عمومی برای همه‌ی مردم تحت فشار در طول تاریخ بیان شده است و آن این که هرگاه مؤمنان در یک سرزمین تحت تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۰ فشار دشمنان دین قرار گرفتند و نتوانستند وظایف دینی خود را انجام دهند، لازم است که در زمین پهناور خدا هجرت کنند و به جایی بروند که آزادی نسبی داشته باشند و بتوانند وظایف و عبادات خود را به انجام برسانند. ۲. براساس برخی آیات قرآن، هدف اساسی خلقت، پرستش و عبادت خداست «۱» و در این آیه نیز عبادت خدا هدف هجرت قرار گرفته است «۲» و اگر در مکان یا زمانی این هدف اساسی به خطر افتاد و قابل اجرا نبود، لازم است که انسان از آن مکان هجرت کند و به جایی برود که بتواند به هدف آفرینش و کمال خویش دست یابد و در این راه، مفاهیم اعتباری، هم‌چون قبیله، وطن و قومیت نباید مانع هجرت و عبادت او شود. «۳» ۳. مقصود از عبادتی که هدف خلقت است، تنها نماز و روزه نیست، بلکه عبادت شامل همه‌ی جلوه‌های پرستش و اطاعت خدا در زمینه‌ی گفتار، کردار و افکار می‌شود. ۴. تعبیر «عبادی» (بنندگان من) تعبیری محبت‌آمیز از طرف خداست و مقصود از آن انسان‌های مؤمن هستند که مقامی والا- نزد خدا دارند. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هرگاه در منطقه‌ای نتوانستید به هدف آفرینش و کمال عبادی دست یابید، هجرت کنید (تا آزاد شوید). ۲. اصل در زندگی و سکونت و هجرت، عبادت خداست. ۳. مؤمنان تحت فشار، مورد لطف خاص خدا هستند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۱ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هفتم سوره‌ی عنکبوت به قانون حتمی مرگ و فرجام انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷. كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ هر شخصی چشنده‌ی مرگ است؛ سپس فقط به سوی ما بازگردانده می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن جا که ممکن بود برخی افراد برای هجرت از سرزمین کفر، بهانه‌تراشی کنند و خطر مرگ را مطرح کنند، در این آیه به قانون مرگ همگانی اشاره کرد که جهان جای ماندن نیست و کسی عمر جاودانی ندارد و همه خواهند مرد، پس چه بهتر که آزاد و دین‌دار بمیرید، نه در حال اسارت مشرکان و تحت فشارهای عقیدتی و دور از کمال عبادی. ۲. در این آیه فرجام انسان‌ها بیان شده که همه به سوی خدا باز می‌گردند؛ البته برخی به سوی قهر و عذاب الهی می‌روند و برخی به سوی لطف و بهشت او روان می‌شوند. ۳. در اندیشه‌ی مرگ باش که بی‌خبر می‌آید: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: پس ای عزیز! بدان که یک سفر پر خطر لازمی در پیش است که عده و عده‌ی آن و زاد [و] راحله‌ی آن، علم و عمل نافع است و وقت سفر معلوم نیست چه وقت است. ممکن است وقت خیلی تنگ باشد و فرصت از دست برود. انسان نمی‌داند چه وقت کوس رحیل

(و زنگ حرکت) می‌زنند که باید ناچار کوچ کند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هیچ کسی را گریزی از مرگ نیست. ۲. راهی جز بازگشت به سوی خدا ندارید (پس کاری کنید که در درگاه او سرفراز باشید). *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هشتم و پنجاه و نهم سوره‌ی عنکبوت به ویژگی‌های مؤمنان و پاداش نیک آنان در بهشت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۸ و ۵۹. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ و کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، حتماً، آنان را در جایگاه‌های (بلندی) از بهشت جای می‌دهیم که نهرها از زیر [درختان]-ش روان است، در حالی که در آن‌جا ماندگارند؛ پاداش اهل عمل چه نیکوست! * (همان) کسانی که شکیبایی کردند و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «غُرَفَه» به معنای ساختمان بلند است که بر اطراف خود اشرف دارد. امتیاز غرفه‌های بهشتی آن است که نهرهای آب از زیر آنها روان است و در همان حال جاودانی‌اند؛ یعنی هم‌چون قصرها و باغ‌های دنیایی نیستند که پس از مدتی فرسایش می‌یابند و از بین می‌روند. ۲. در آیات پیشین سوره‌ی عنکبوت سرنوشت عذاب‌آلود کافران بیان شد که آتش از پا تا سر آنان را فرا گرفته بود و اینک در این آیات سرنوشت مؤمنان در بهشت بیان شده است. این همان روش مقایسه و مقابله است که قرآن سرنوشت این دو گروه را در برابر تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۳ هم ترسیم می‌کند، تا مخاطبان قرآن با مقایسه‌ی آنان راه بهتر را انتخاب کنند. ۳. در این آیات چند ویژگی برای بهشتیان بیان شده است: الف) ایمان دارند؛ ب) کردار شایسته دارند؛ ج) اهل عمل هستند؛ د) در مشکلات صبر و شکیبایی دارند؛ ه) بر پروردگارشان توکل می‌کنند. ۴. «صبر» معنای وسیعی دارد که شامل استقامت در برابر مشکلات هجرت و شکیبایی در برابر هوای نفس و گناهان و صبر در انجام عبادت و اطاعت خدا می‌شود. آری؛ صبر و استقامت رمز پیروزی مؤمنان در برابر دشمنان است. ۵. در این آیات بیان شده که مؤمنان بهشتی جز بر خدا بر کسی دیگر تکیه و توکل نمی‌کنند. آنان بر اموال، بستگان، دوستان و حاکمان زمان توکل نمی‌کنند؛ چون همه‌ی نیروها را وسایلی فانی می‌دانند، پس تنها نیروی حقیقی و باقی خدای بزرگ است که باید بر او توکل کرد. «۱» آری؛ گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام مؤمنان شایسته‌کردار، بهشتی جاودان و زیباست. ۲. بهشت، بهای عمل است. ۳. مؤمنان بهشتی را از کردار شایسته و صبر و توکل آنان بشناسید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۴ قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی عنکبوت به روزی‌رسانی خدا برای موجودات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۰. وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و چه بسیار جنبنده‌ای که روزی خود را حمل نمی‌کند؛ خدا آنها و شما را «روزی» می‌دهد؛ و او شنوا [و] داناست. شأن نزول: داستان نزول این آیه را این گونه حکایت کرده‌اند که گروهی از مؤمنان تحت فشار مشرکان بودند، ولی هجرت نمی‌کردند و می‌گفتند اگر ما به مدینه هجرت کنیم، در آن‌جا، خانه و زمینی نداریم و چه کسی به ما آب و غذا می‌دهد! این آیه در این مورد نازل و به آنان یادآور شد که غصه‌ی روزی را نخورید که روزی همه‌ی جنبندگان به دست خداست. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به میلیون‌ها حیوان، هم‌چون پرندگان اشاره شده که غذای خود را ذخیره نمی‌کنند و هر روز غذای جدید می‌خواهند، ولی خدا با وسایل و عوامل طبیعی که فراهم ساخته است، همه‌ی آنان را غذا می‌دهد. ۲. حال که خدا روزی همه‌ی موجودات و انسان‌ها را می‌رساند، نباید انسان به خاطر ترس از قطع روزی، تن به ذلت و اسارت دهد و در سرزمین کفر و شرک تحت فشار ظلم بماند و خود را از رشد و کمال محروم سازد، بلکه باید هجرت کند و غم روزی نخورد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدای آگاه، عهده دار رزق همگان است، پس غم روزی را نخورید. ۲. اندیشه‌ی غذا، مسیر زندگی معنوی شما را تعیین نکند. «۱» *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی عنکبوت به آفرینشگری خدا و اعتراف مشرکان بدان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱. وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَيَحَرَّ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ و اگر از آن (مشرک) ها بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و (منافع) خورشید و ماه را مُسَخَّر کرده است؟» حتماً می‌گویند: «خدا» پس چگونه (از حق) بازگردانده

می‌شوند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات ۲۵ سوره لقمان، ۳۸ سوره زمر و ۹ و ۸۷ سوره زخرف مشابه آیه‌ی فوق هستند که معمولاً در مورد کافرانی که است شرک در عبادت داشتند؛ یعنی خدا را به عنوان خالق جهان می‌شناختند و توحید در خالقیت را قبول داشتند، اما به پرستش بت‌ها هم می‌پرداختند و آنان را مایه‌ی نزدیکی به خدا و شفیع خود می‌دانستند. ۲. «يُؤَفِّكُونَ» در اصل به معنای بازگرداندن چیزی از صورت واقعی آن است و از این رو به دروغ و باد مخالف نیز گفته می‌شود. این واژه در این جا با صیغه‌ی مجهول آمده که اشاره به آن است که گویی مشرکان خود اراده ندارند و آنان را از حق باز می‌گردانند و به طرف شرک منحرف می‌سازند. ۳. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۶. مقصود از تسخیر خورشید و ماه، نظامی است که خدا برای آنان قرار داده و منافع آنها را در خدمت بشر در آورده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر آفریدگار جهان خداست، پس در پی (پرستش) غیر او نباشید. ۲. مخالفان نیز توحید در خالقیت را قبول دارند ولی منحرف شده‌اند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره عنکبوت به کم و زیاد شدن رزق مردم و حسابگری آگاهانه‌ی خدا در این زمینه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۲. اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ خدا روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد (و شایسته بداند) گسترده می‌سازد و (یا) برایش تنگ می‌گرداند؛ [چرا] که خدا به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مضمون این آیه در آیات متعددی از قرآن تکرار شده است «۲» و این نشان دهنده‌ی اهمیت موضوع است، همان طور که مردم نیز به رزق و کم و زیاد شدن آن اهمیت می‌دهند. ۲. کلید رزق شما و مقدار آن براساس اراده‌ی الهی تنظیم می‌شود. در این جا توجه به چند نکته لازم است: الف) اراده‌ی خدا براساس حکمت و مصلحت است و هرگونه که به صلاح تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۷ افراد باشد رزق آنان را کم یا زیاد می‌کند. ب) خدا برخی مردم را به وسیله‌ی کمبود رزق آزمایش می‌کند، تا ببیند چه کسی صبر می‌کند و با تلاش بیشتر بر خدا توکل می‌کند و چه کسی انفاق می‌نماید و چه کسی ناسپاسی می‌کند، البته گاهی هم کم شدن رزق در اثر گناهان یا برای جلوگیری از سرکشی افراد است. ج) خواست و اراده‌ی خدا، علل و اسباب تکوینی جهان را نفی نمی‌کند، یعنی کم و زیاد شدن رزق انسان تابع شرایط زندگی و تلاش انسان یا تنبلی اوست. ۳. معمولاً از واژه‌ی «رزق»، رزق مادی و غذا فهمیده می‌شود ولی معنای وسیعی دارد که شامل رزق مادی، معنوی و علمی می‌شود. ۴. در احادیث اسلامی از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که تأکید کرده‌اند از سستی و کسالت و پرخوابی و بی‌کاری دست بکشید و به دنبال تأمین معاش خود بروید، که خدا از بنده‌ی بی‌کار در خشم است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رزق شما به دست خداست (پس بر او توکل کنید و از او رزق وسیع بخواهید). ۲. خدا آگاهانه (و براساس مصلحت و حکمت) رزق شما را کم یا زیاد می‌کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و سوم سوره عنکبوت به توحید در ربوبیت و اعتراف مشرکان بدان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳. وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ و اگر از آن (مشرک) ها بپرسی: «چه کسی از آسمان آبی فرو فرستاد و با آن زمین را، پس از مردنش، زنده نمود؟» حتماً می‌گویند: «خدا» بگو: «ستایش مخصوص خداست.» بلکه بیش‌ترشان خرد نمی‌ورزند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه و آیات پیشین به چند صفت الهی اشاره شده است که با هم پیوند دارند. الف) خالقیت خدا که سرچشمه‌ی روزی‌هاست؛ ب) رازقیت خدا که زمینه‌ساز پرورش موجودات است؛ ج) ربوبیت خدا و پرورش موجودات. ۲. مشرکان خدا را خالق جهان و مدبّر و ربّ می‌دانستند و به این حقایق اعتراف می‌کردند، ولی اکثر آنان در این امور تفکر نمی‌کردند، تا متوجه شوند که اگر خدا خالق و ربّ جهان است، پس بت‌ها هیچ تأثیری در سرنوشت انسان ندارند و شایسته‌ی پرستش نیستند و این گفتار و عقیده‌ی آنان با هم‌دیگر ناسازگار بود. ۳. اگر خدا مدبّر و پرورش دهنده‌ی هستی است، پس ستایش مخصوص اوست؛ زیرا آب که مایه‌ی حیات و سرچشمه‌ی ارزاق است از ناحیه‌ی اوست و معبودهای دیگر در این امور سهمی ندارند؛ پس حمد و شکر نیز از آن خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از طبیعت شناسی به خداشناسی برسید. ۲. آب مایه‌ی حیات طبیعت زمین است. ۳. اکثر مخالفان اسلام از خرد

خود استفاده نمی‌کنند. ۴. کسی را ستایش کنید که مدبر جهان است. ***

دنیا بازیچه است و آخرت حیات حقیقی

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و چهارم سوره‌ی عنکبوت به زندگی بازیگرانه و زندگی حقیقی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۴. وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لُو كَانُوا يَعْلَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۹ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست؛ و قطعاً، سرای آخرت فقط زندگی (حقیقی) است، اگر (برفرض) می‌دانستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «لهو» به معنای سرگرمی و کارهایی است که انسان را به خود مشغول می‌دارد و از مسائل اصولی زندگی منحرف می‌کند و دنیا نیز این‌گونه است. ۲. «لعب» به معنای کارهایی است که نوعی نظم و هدف خیالی دارد و انسان را به بازی می‌گیرد. در بازی، یکی وزیر، یکی فرماندهی لشکر و یکی دزد می‌شود، ولی در پایان بازی روشن می‌شود که همه‌ی نقش‌ها خیالی بوده است. آری؛ زندگی دنیایی (بدون لحاظ آخرت) بازی و خیالی بیش نیست و انسان‌ها بازیگران صحنه‌های خیالی آن هستند، ولی وقتی مرگ فرارسد، همه از خواب بیدار می‌شوند و متوجه می‌گردند که به دنبال مقامات خیالی و سراب‌ها بوده‌اند و پس از گذشت یک نسل همه چیز آن نسل فراموش می‌شود و خیالات و بازیگری نسل جدید شروع می‌شود. ۳. حیات حقیقی که فنا و رنج و ناراحتی و ترس و تضاد در آن نیست و انسان‌ها به دنبال خیالات و بازیگری نیستند، همان زندگی اخروی است. ۴. این آیه در صدد مقایسه‌ی زندگی دنیا و آخرت است و مقام بلند زندگی اخروی را روشن می‌سازد، ولی این به معنای نفی ارزش‌های زندگی دنیا نیست، بلکه این آیه هشدار است به انسان‌ها که سرگرم بازیچه‌های دنیا و اسیر آنها نشوید بلکه امیر دنیا باشید و دنیا را مزرعه‌ی آخرت قرار دهید. ۵. در این آیه بیان شده که برخی افراد تفاوت دنیا و آخرت را درک نمی‌کنند و زندگی حقیقی را از بازی تشخیص نمی‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زندگی حقیقی و مجازی را بشناسید (و به دنبال حیات حقیقی باشید). ۲. دنیا سرگرمی و بازیچه است (فریب آن را نخورید). *** قرآن کریم در آیات شصت و پنجم و شصت و ششم سوره‌ی عنکبوت به توحید فطری و نقش مشکلات در شکوفایی آن و ناسپاسی انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۵ و ۶۶. فَإِذَا رَكَبُوا فِي السَّمَاءِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ * لِيُكْفَرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ و هنگامی که بر کشتی سوار شوند، خدا را، درحالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اند، می‌خوانند؛ و هنگامی که آنان را به سوی خشکی نجات دهد، به ناگاه آنان شرک می‌ورزند؛ * تا آنچه را به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند؛ و تا (چند روزی از دنیا) بهره‌گیرند؛ و [لی در آینده خواهند دانست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به توحید فطری انسان‌ها اشاره شده است؛ یعنی نور توحیدی که در اعماق جان انسان‌ها نهفته است و در هنگام روبرو شدن با مشکلات و خطرهای شکوفاتر می‌شود؛ چراکه در این هنگام پرده‌های تعصب و غفلت کنار می‌رود و دست انسان از همه جا کوتاه می‌گردد و بی‌اختیار و خالصانه به سراغ ماورای طبیعت می‌رود و نور توحید فطری ظاهر می‌شود. این حالت برای انسان‌های مذهبی و غیر مذهبی در شرایط سخت و به ویژه سفرهای دریایی و هوایی پیدا می‌شود و همین همگانی بودن، نشانه‌ی فطری بودن آن است. ۲. در آیات قرآن به طور مکرر اشاره شده که انسان در هنگام آسودگی ناسپاسی می‌کند و در هنگام بروز مشکلات سخت به طرف خدا می‌رود و پس از رفع مشکلات باز هم ناسپاس می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۱ آری؛ در هنگام آسودگی و فراوانی نعمت، پرده‌های غفلت و غرور و آلودگی‌های گناهان مانع دیدن نور خدا می‌شود و انسان به خاطر لذت‌های زودگذر آیات الهی را انکار می‌کند و خود را گرفتار عذاب می‌نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا را در هنگام مشکلات بشناسید. ۲. نور توحید فطری در دل همه‌ی انسان‌ها، حتی مشرکان، وجود دارد. ۳. مشکلات غفلت‌زاست و رفاه‌زدگی انسان زمینه‌ساز ناسپاسی اوست. ۴. اگر در مشکلات خدا را با اخلاص می‌خوانید، پس از رفع مشکلات خدا را فراموش نکنید. ۵. مشرکان رفاه‌طلب از فرجام خویش خوف‌ناک باشند. *** قرآن کریم

در آیات شصت و هفتم و شصت و هشتم سوره‌ی عنکبوت به نعمت حرم امن مکه و ناسپاسی مشرکان و تکذیب آنان اشاره می‌کند و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۶۷ و ۶۸. «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَبِتَحْطَفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَقْبَابًا لِئَلَّا يَكْفُرُوا بِاللَّهِ يَكْفُرُونَ» * وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ وَآيَا نَظَرَ نَكَرْدَه‌اند که ما (مکه را) حرم امنی قرار دادیم، در حالی که مردم از اطرافشان ربوده می‌شدند؟! پس آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! * و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا حق را، هنگامی که به سراغش آمد، دروغ انگاشته است؟! آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟! تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به یکی از نعمت‌های بزرگ خدا بر بشریت، یعنی نعمت حرم امن مکه اشاره شده است. در حالی که جهان پر از ناامنی است، خدا مکه را جزیره‌ی امن برای همگان قرار داده، به طوری که حتی حیوانات نیز در آن جا در امان‌اند و کسی حق تعرض به آنان را ندارد. البته این حرم امن آثار و فواید زیادی برای بشریت دارد که بیش‌ترین فایده‌ی آن برای مردم مکه است. ۲. مشرکان با این که از نعمت الهی حرم امن مکه استفاده می‌کنند، باز هم کفر می‌ورزند و ناسپاسی می‌کنند و این ناسپاسی و کفر از مشرکان ساکن مکه زشت‌تر است. ۳. مشرکان بر خدا دروغ می‌بندند؛ زیرا آنان برای خدا شریک معرفی می‌کنند و آن را برنامه‌ی الهی معرفی می‌نمایند. ۴. مشرکان با این تهمت‌ها بر خود و دیگران ستم روا می‌دارند؛ زیرا شرک ظلم بر خویشتن و ستمی بر جامعه‌ی انسانی است. آری؛ شرک ریشه‌ی بسیاری از انحرافات و مفساد اجتماعی، هواپرستی و دنیاپرستی است. ۵. مشرکان حق را تکذیب کردند؛ زیرا دلایل آشکار توحید را نپذیرفتند و آیات قرآن را انکار کردند. ۶. در پانزده مورد از آیات قرآن، گروهی به عنوان «ظالم‌ترین مردم» معرفی شده‌اند. دقت در این موارد نشان می‌دهد که این تعبیر در مورد مسائل متنوعی مطرح شده که معمولاً به شرک باز می‌گردد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدر نعمت حرم امن مکه را بدانید و ناسپاسی نکنید. ۲. باطل‌گرایان از نعمت امنیت حرم استفاده می‌کنند و ناسپاسی می‌کنند (شما این گونه نباشید). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۳ ۳. دروغ بر خدا و تکذیب حق از بزرگ‌ترین ستم‌هاست (پس شما این گونه عمل نکنید). ۴. فرجام کافران عذاب آلود است (پس مراقب باشید). *** قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی عنکبوت به نتایج تلاش و نیکوکاری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۹. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» و کسانی که در (راه) ما تلاش کنند، قطعاً، به راه‌های خود رهنمون‌شان خواهیم کرد؛ و مسلماً، خدا با نیکوکاران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جهاد» به معنای کوشش است و در این جا شامل هر نوع تلاش در راه خدا می‌شود، که شامل موارد زیر است: الف) جهاد نظامی و مبارزه با دشمنان اسلام؛ ب) جهاد فرهنگی و تلاش در راه اعتلای علمی و فرهنگی مسلمانان؛ ج) جهاد با نفس و مبارزه با هوس‌های سرکش درون؛ د) جهاد سازندگی و تلاش در راه پیشرفت‌های فنی و ساختن زندگی بهتر برای مسلمانان و امدادهای مادی به آنان. ۲. مقصود از راه‌های خدا، مسیرهای مختلفی است که به سوی خدا منتهی می‌شود هم‌چون مسیر دانش، تزکیه‌ی نفس، مقاومت در برابر دشمنان و ... که در نهایت انسان را به هدایت نایل می‌سازد. ۳. در این آیه پیروزی و موفقیت را متوقف بر دو شرط اساسی کرده است: تلاش و اخلاص. یعنی، اگر انسان تنبلی و سستی کند ره به جایی نمی‌برد، همان طور که اگر تلاش کند ولی اخلاص در کار نباشد و برای خدا عمل نکند، هدایت الهی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۴ شامل حال او نمی‌شود و همین دو مطلب رمز موفقیت‌ها و ناکامی‌های مسلمانان در طول تاریخ اسلام بوده است. ۴. خدا با نیکوکاران است؛ این‌ها از خدا دور نیستند و همیشه با خدایند؛ از این رو نیکوکاران از مجاهدان نیز برترند؛ زیرا مجاهدان برای خود در راه خدا تلاش می‌کنند و نیکوکاران برای دیگران نیز تلاش می‌کنند و ایثارگرند. ۵. در احادیث از امام باقر علیه السلام روایت شده که مقصود این آیه آل محمد و پیروان آنها هستند «۱» و در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام روایت شده که مقصود از مُحْسِن (نیکوکار) ایشان هستند. «۲» البته روشن است که این گونه احادیث مصداق کامل و روشن آیه را بیان می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حرکت از شما هدایت از ما. ۲. راه‌های متعددی به سوی خدا وجود دارد. ۳. بدون تلاش و اخلاص، ره به جایی نمی‌برید.

۴. خدا حامی نیکوکاران ایثارگر است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۵

بخش دوم: سوره‌ی روم

اشاره

نشانه‌های الهی در جهان و توحید فطری ثواب و عقاب‌های رستخیز ارتباط حالات مردم با رویدادهای زندگی ارتباط گذشته و آینده‌ی بشر پیش‌گویی اعجاز‌آمیز درباره‌ی جنگ ایران و روم تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۷

اول: سیمای سوره‌ی روم

اشاره

سیمای سوره‌ی روم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به نام خدای گسترده مهر مهرورز

شمارگان

سوره‌ی روم که درمکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرودآمده، دارای ۶۰ آیه، ۸۱۹ واژه و ۳۵۳۴ حرف است.

نزول

این سوره هشتاد و سومین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی انشقاق و قبل از سوره‌ی عنکبوت) و در سالی که ایرانیان بر رومیان پیروز شدند فرو فرستاده شد. این سوره در چینش کنونی قرآن سی‌امین سوره به شمار می‌آید. نام: تنها نام این سوره «رُوم» است که به مناسبت آیه‌ی دوم آن نام‌گذاری شده است. این آیه بیانگر شکست روم و پیش‌بینی پیروزی رومیان در آینده‌ی نزدیک است.

فضایل

در مورد فضیلت خواندن این سوره از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که سوره‌ی روم و عنکبوت نزد خدا موقعیت مهمی دارند و هرکس آنها را در شب بیست و سوم ماه رمضان بخواند، اهل بهشت خواهد بود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۸ تذکر: روشن است که موقعیت این سوره‌ها در نزد پروردگار به خاطر محتوای آنهاست و آن گاه کسی اهل بهشت می‌شود که این سوره‌ها را بخواند و به محتوای آنها عمل نماید. ویژگی: این سوره از سوره‌هایی است که با حروف مقطعه‌ی «الم» آغاز می‌شود و با آن که مکی است، داستان‌های پیامبران در آن نیامده است.

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید فطری و شناخت خدا از طریق نشانه‌های او در جهان؛ ۲. یادآوری قیامت و عذاب و ثواب آن؛ ۳. کشف ارتباط استوار، میان حالات مردم و روی دادهای زندگی و نیز ارتباط گذشته‌ی بشریت با وضع موجود و آینده‌ی او و قوانین هستی.

مطالب

مهم‌ترین مطالبی که در این سوره به چشم می‌خورند عبارت‌اند از: الف) عقاید: ۱. بیان دلایل آفاقی و انفسی برای شناخت خدا و تذکر عظمت آیات خدا (در آیات ۱۹-۲۷)؛ ۲. یادآوری فطرت توحیدی انسان (در آیه ۳۰)؛ ۳. یادآوری قیامت و سرنوشت مشرکان و مؤمنان (در آیات ۱۱-۱۶)؛ ۴. اعجاز قرآن در پیش‌گویی پیروزی روم بر ایران (در آیات ۲-۴). ب) اخلاق: ۱. یادآوری حق خویشاوندان (ذی‌القربی و نیکی به آنها (در آیه ۳۷)؛ ۲. تکذیب و کفر، عاقبت گناهکاران (در آیه ۱۰)؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۹. ۳. دستور به تقوا و پارسایی (در آیه ۳۱)؛ ۴. دعوت به صبر (در آیه ۶۰). ج) احکام: ۱. نکوهش رباخواری (در آیه ۳۹)؛ ۲. تذکری درباره‌ی مالکیت؛ ۳. نوید نیکی برای پرداخت کنندگان زکات انفاق (در آیه ۳۸)؛ ۴. دعوت به نماز (در آیه ۳۱). د) داستان: پیروزی ایرانیان بر رومیان و پیش‌بینی شکست ایران در آینده‌ی نزدیک (در آیات ۲-۴). ه) مطالب فرعی: ۱. خلقت انسان از خاک (در آیه ۲۰)؛ ۲. یادآوری نظام زوجیت و آفرینش همسران و رابطه‌ی دوستی آنها با یک‌دیگر (در آیه ۲۱)؛ ۳. تبیین حالات افراد بی‌ایمان و گناهکار و ظهور فساد در زمین بر اثر گناهان (در آیه ۴۱)؛ ۴. دعوت به مسافرت در زمین (در آیات ۹ و ۴۲)؛ ۵. تذکر چگونگی تشکیل ابر و باران که نکاتی علمی در بردارد (در آیه ۴۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۱

دوم: محتوای سوره‌ی روم

اشاره

خدای متعال سوره‌ی روم را با حروف مقطعه آغاز می‌کند و می‌فرماید: ۱. الم الف لام، میم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بیست و نه سوره از قرآن با حروف مقطعه آغاز می‌شوند و سوره‌ی روم یکی از آنهاست. در مورد معنای این حروف و دیدگاه‌های مفسران در اول سوره‌ی بقره و آل عمران و ... سخن گفتیم و به این نتیجه رسیدیم که این حروف اشاره دارد که قرآن با آن عظمت و اعجازش از همین حروف معمولی ساخته شده است، ولی با این حال کسی نمی‌تواند مثل آن را از حروف الفبا تألیف کند. ۲. معمولاً در سوره‌هایی که حروف مقطعه وجود دارد بلافاصله از عظمت قرآن سخن گفته شده است. در این سوره نیز پس از حروف «الم» پیش‌گویی اعجاز‌آمیز قرآن در مورد شکست و پیروزی رومیان بیان شده است، که اشاره به عظمت قرآن دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به حروف الفبا که قرآن از آنها ساخته شده است بنگرید و به عظمت قرآن پی ببرید. ۲. اگر می‌توانید، از حروف الفبا، کتابی به عظمت قرآن تألیف کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۲ قرآن کریم در آیات دوم تا چهارم سوره‌ی روم با اشاره به شکست رومیان از ایرانیان، پیروزی رومیان را پیش‌گویی می‌کند و می‌فرماید: ۲-۴. غَلَبَتِ الرُّومُ* فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ* فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَقْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ. (سپاه) روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد؛* و [لی آنان بعد از شکستشان در [طرف چند سال به زودی پیروز خواهند شد.* کار [ها] قبل از (آن شکست) و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز، مومنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می‌شوند. شأن نزول: حکایت شده که در هنگام حضور پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه، جنگی میان ایرانیان و رومیان (که دو ابرقدرت آن عصر بودند) واقع شد و در این نبرد ایرانیان پیروز شدند. آیات فوق فرود آمد و به صورت اعجاز‌آمیزی پیش‌گویی کرد که در آینده‌ای نزدیک رومیان پیروز می‌شوند؛ و پس از چند سال این واقعه به وقوع پیوست و بار دیگر حَقَائِیتِ پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن اثبات شد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از جهات اعجاز قرآن همان پیش‌گویی‌های تاریخی و اخبار غیبی آن است که آیه‌ی فوق را از این موارد شمرده‌اند، «۲» چرا که قرآن با تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۳ تأکیدات متعدد به طور قاطع پیش‌گویی می‌کند که رومیان

پس از شکست خود به زودی پیروز می‌شوند و حتی حدود سال‌های آن را پیش‌بینی می‌کند که این پیش‌گویی پس از چند سال به وقوع پیوست. پیش‌بینی پیروزی قدرت‌های بزرگ، آن هم در عرض چند سال کوتاه و پس از شکستی سنگین، کاری دشوار است و با علم عادی ممکن نیست و حتی کارشناسان سیاسی و نظامی نیز در این موارد با احتیاط سخن می‌گویند. ۲. دولت ایران و روم در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله دو ابرقدرت بزرگ جهان به شمار می‌آمدند. در آن زمان پادشاه ایران «خسرو پرویز» و پادشاه روم «هرقل» بود و جنگی ۲۴ ساله بین آنان در گرفت. نخست سپاه ایرانیان به سرداری «شهربراز» و «شاهین» به قلمرو روم شرقی حمله کردند و به سختی آنان را شکست دادند به طوری که منطقه‌ی شامات، مصر و آسیای صغیر را تصرف کردند. این شکست در حدود سال ۶۱۶ میلادی (یعنی حدود سال ششم یا هفتم هجری) رخ داد «۱» سپس پادشاه روم در سال ۶۲۲ میلادی تهاجم خود را به ایران آغاز کرد و ظرف شش سال ایران را شکست داد. «۲» بنابراین، شکست ایرانیان در حدود سال‌های اول تا ششم هجری بود و صلح حدیبیه نیز در سال ششم هجری واقع شد. ۳. محل درگیری سپاه ایران و روم و مکان شکست رومیان، در شمال جزیره‌ی العرب در سرزمین شام، نزدیک محل سکونت مردمان مکه بوده است. البته برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که این مکان نزدیک‌ترین تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۴ نقطه‌ی مرزی ایران و روم بوده که شکست رومیان در آن نقطه اهمیت بیش‌تری داشته است؛ چرا که اگر کشوری در نقطه‌ی مرزی و محل قوت خود شکست بخورد، به زودی قادر به جبران شکست نخواهد بود. «۱» در این صورت پیش‌گویی پیروزی رومیان اهمیت بیش‌تری می‌یابد. برخی از محققان نیز این بخش از آیه را یکی از موارد اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند؛ چرا که محققان علم جغرافیا دریافته‌اند که گودترین و پایین‌ترین منطقه‌ی روی زمین «بحر المیت» (منطقه‌ای نزدیک فلسطین) است که جنگ ایران و روم در آن واقع شد و قرآن با تعبیر «ادنی الارض» (پایین‌ترین و پست‌ترین سرزمین) «۲» به آن اشاره کرده است. «۳» ۴. «بِضْع» به معنای زمانی حدود سه تا نه سال است. «۴» پیش‌بینی قرآن به صورت حدودی است؛ چرا که جنگ‌های آن عصر چندین سال طول می‌کشید و در طول جنگ و پس از فراز و نشیب‌ها معلوم می‌شد که چه کسی شکست خورده است. ۵. در این آیات بیان شده که مؤمنان در هنگام پیروزی رومیان خوشحال خواهند بود. این خود پیش‌گویی دیگری در این آیات است؛ چرا که در هنگام پیروزی رومیان، صلح حدیبیه واقع شد که پیروزی بزرگی برای مسلمانان بود و آنان به خاطر آن شادمان بودند. البته این احتمال نیز هست که شادی مسلمانان که در آیه بدان اشاره شد به خاطر تحقق پیش‌گویی قرآن و اثبات حقایق آن بوده باشد. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی الهی است؛ چون اخبار اعجاز‌آمیز غیبی دارد. ۲. به پیروزی و شکست ابرقدرت‌ها دل نبندید که همه‌ی کارها به دست خداست. ۳. مؤمنان نسبت به حوادث سیاسی جهان حساس باشند و در پیروزی‌ها شادمانی کنند. *** قرآن کریم در آیات پنجم و ششم سوره‌ی روم به امدادهای الهی در پیروزی‌ها و وعده‌های تخلف‌ناپذیر او و ناآگاهی اکثریت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ* وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ. (خدا) هر کس را بخواهد (و شایسته بدانند)، یاری می‌رساند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است.* (این) وعده‌ی خداست؛ خدا از وعده‌اش تخلف نمی‌ورزد؛ و لیکن بیش‌تر مردم نمی‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی پیشین پیش‌گویی قرآن در مورد شادمانی مؤمنان در هنگام پیروزی رومیان بیان شد و گفتیم که شاید شادمانی مسلمانان در اثر پیروزی در صلح حدیبیه بوده باشد که هم‌زمان با شکست رومیان در سال ششم هجری واقع شده بود. در این آیه اشاره شده که این امر نصرت و یاری الهی برای مسلمانان بود. آری؛ خدا در هنگام صلح حدیبیه به یاری مسلمانان آمد و وحشتی در قلب مشرکان مکه قرارداد به طوری که دست از ستیز برداشتند و صلح‌نامه‌ای را امضا کردند که پیروزی بزرگی برای مسلمانان به شمار می‌آمد. آری؛ پیروزی رومیان بر ایرانیان و تحقق پیش‌گویی قرآن و اثبات تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۶ حقایق آن هشدار به مشرکان بود و وحشتی در دل آنان ایجاد کرد، به طوری که با پدیده‌ی اسلام کنار آمدند و صلح‌نامه را امضا کردند. «۱» و این امداد دیگری از جانب خدا بود که مسلمانان را شادمان کرد. ۲. پیروزی مسلمانان در صلح حدیبیه و

شادمانی آنان وعده‌ی الهی بود. همان طور که در اول سوره‌ی فتح، این صلح را فتحی بزرگ برای مسلمانان برشمرد که خدا مسلمانان را در آن جا یاری نمود. (۲) «۳». تخلف از وعده، یا به خاطر ناتوانی و یا به سبب جهل است ولی خدا عالم و قدرتمند است پس هیچ گاه از وعده‌اش تخلف نمی‌کند، بلکه تخلف وعده در مورد او محال است. ۴. در این آیه بیان شده که اکثر مردم از این حتمی بودن وعده‌ی الهی آگاهی ندارند؛ چون خدا و صفات او را به خوبی نشناخته‌اند. البته روشن است که مقصود از این اکثریت همان مشرکان هستند که به وعده‌های نصرت الهی به مسلمانان ایمان نداشتند و ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروزی به دست خداست. ۲. از یاری الهی شادمان باشید. ۳. پیروزی مؤمنان وعده‌ی الهی است. ۴. مردم ناآگاه وعده‌های الهی را جدی نمی‌گیرند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۷ قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی روم به ظاهرینان غفلت پیشه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷. يَغْلُمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ. (زیرا آنان) ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، درحالی که آنان خود از آخرت غافل‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جهان ظاهر و باطنی دارد. ظاهر دنیا همین لذت‌های زودگذر سرگرمی‌ها و بازیچه‌هاست که عامل غرور و غفلت می‌شود و باطن دنیا علل و عوامل پشت پرده‌ی آن و مقاصد عالی الهی و هدف حق آفرینش است و هر حادثه‌ی آن معنادار و نشانه‌ای از خداست. ۲. تفاوت ظاهر و باطن دنیا هر چند واقعی است، درک آن بستگی به بینش انسان دارد. برخی افراد بینش مادی دارند و جهان را مجموعه‌ای از حوادث کور و بی‌هدف می‌شمارند اما افرادی که بینش توحیدی دارند جهان را مجموعه‌ای هدف‌دار و آفریده‌ی پروردگار می‌دانند که آزمایشگاه انسان‌هاست و هر حادثه و پدیده‌ی آن کتابی پر محتوا و اسرارآمیز است که در مجموعه‌ی هستی معنادار می‌شود و درس توحید می‌دهد و همه‌ی مجموعه جهان مرحله‌ای از هستی انسان است که به طرف جهانی دیگر در حرکت است و معاد ایستگاه نهایی آن است. ۳. تفاوت دید انسان‌های ظاهرین و مؤمنان ژرف‌نگر، در داوری آنان مؤثر است به گونه‌ای که انسان ظاهرین شهادت در راه خدا را نابودی ولی انسان باطن‌نگر آن را سعادت می‌بیند. انسان ظاهرین انفاق و بخشش در راه خدا را زیان، ولی انسان باطن‌نگر آن را ذخیره‌ای پرسود می‌بیند. همین اختلاف دید در مورد رباخواری، حرام‌خواری و گناهان دیگر و حوادث جهان، هم‌چون سیل و زلزله نیز پیدا می‌شود. یکی آنها را وسیله‌ی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۸ آزمایش می‌داند که لازم است در برابر آنها صبر کند و از آنها درس عبرت بیاموزد و برای آینده برنامه‌ریزی بهتری کند و دیگری حوادث تلخ را غیرقابل تحمل می‌شمارد و ناسپاسی می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به باطن جهان و حوادث آن توجه کنید و در دنیا ظاهرنگر نباشید. ۲. از فرجام هستی و جهان آخرت غافل نشوید. ۳. کسانی که از ژرف اندیشی به دورند، از فرجام جهان غافل می‌شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی روم افراد را به خاطر عدم تفکر در حقایق و فرجام آفرینش توبیخ می‌کند و می‌فرماید: ۸. أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ و آیا در (درون) خودشان فکر نکرده‌اند که خدا آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است را جز به حق و سرآمدی معین نیافریده است؟! و [لی قطعاً، بسیاری از مردم ملاقات پروردگارش را منکرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه مردم را به تفکر فرا می‌خواند و کافران ظاهرین را به خاطر عدم تفکر سرزنش می‌کند. آری؛ قرآن کریم بر خردورزی انسان تأکید می‌کند و ریشه‌ی انحرافات عقیدتی انسان‌ها نیز در عدم تفکر نهفته است. ۲. اگر انسان تفکر کند متوجه می‌شود که اولاً، آفرینش جهان هدف‌دار و حق است، چراکه خدا حکیم است و کار بیهوده و بی‌هدف نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۹ ثانیاً، این دنیا پایان معینی دارد و روزی نظام کنونی آسمان‌ها و زمین درهم می‌ریزد و جهان مادی به فرجام خویش می‌رسد. بنابراین، حتماً معاد و جهانی دیگر در پی این جهان وجود دارد و گرنه هدف‌دار بودن جهان کنونی بی‌معنا می‌شود. ۳. بسیاری از مردم معاد را انکار می‌کنند و کفر می‌ورزند؛ چرا که آنان اهل خردورزی و تفکر در نظام آسمان‌ها و زمین نیستند تا به حقایق معاد پی ببرند. ۴. «بِالْحَقِّ» یا به معنای آن است که آفرینش هدف حقی دارد و یا آن که آفرینش با حق و قانون و نظم همراه است. (۱) «۵». «فِي أَنفُسِهِمْ» یا بدان معناست که انسان در اسرار درون خویش تفکر کند و یا آن که در درون جان و از طریق

عقل بیندیشد و به حقایق و هدف‌داری آفرینش پی‌ببرد. البته معنای دوم با ظاهر آیه سازگارتر است. (۲) «۶. یکی از راه‌های ژرف‌اندیشی و باطن‌نگری به جهان و عبور از ظاهر آن، اندیشیدن در نظام هستی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در نظام هستی تفکر کنید (تا به هدف‌داری جهان و معاد پی‌ببرید). ۲. خردمندان به فرجام هستی و هدف‌داری آن پی‌خواهند برد. ۳. نابخردان معاد را انکار می‌کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۰ قرآن کریم در آیه نهم سوره‌ی روم مردم را به گردشگری هدفمند در زمین و عبرت‌آموزی از سرنوشت ستمکاران قدرتمند فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۹. أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ. و آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند که چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟ که از آنان نیرومندتر بودند و زمین را شخم زدند و بیش‌تر از آنچه (اینان) آبادش کردند، آن را آباد ساختند و فرستادگان‌شان دلیل‌های روشن (معجزه آسا) برای آنان آوردند (ولی ایمان نیاوردند و عذاب شدند)؛ و خدا هرگز به آنان ستم نکرد و لیکن بر خودشان ستم می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به اقوامی هم‌چون فرعونیان و قوم عاد اشاره شده که پیش از مشرکان مکه زندگی می‌کردند. آنان افرادی نیرومند بودند که زمین را آباد کردند و پیشرفت آنها بیش از مشرکان صدر اسلام بوده است ولی با این همه، قدرت و پیشرفت آنان مانع عذاب الهی نشد پس چگونه مشرکان می‌توانند از مجازات الهی بگریزند. ۲. مقصود از زیر و رو کردن زمین، شخم زدن آن برای کشاورزی یا کندن نهرها و ایجاد شالوده‌ی ساختمان‌های بزرگ است که مایه‌ی آبادی زمین می‌شود. ۳. معیار پیشرفت و قدرت در اعصار مختلف، متفاوت است. در صدر اسلام کشاورزی و ساختمان‌های بلند نشانه‌ی قدرت و پیشرفت بود که مشرکان مکه در این مورد پیشرفت چندانی نداشتند. ۴. قرآن کریم در این آیه و در آیات متعددی مردم را به گردشگری هدفمند برای دیدن آثار ستمکاران تاریخ و عبرت‌آموزی از آنان فرا می‌خواند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۱. ۵. یکی از راه‌های بیداری و ژرف‌اندیشی و باطن‌نگری به جهان و عبور از ظاهر آن، گردشگری هدفمند است. ۶. خدا ستم نمی‌کند بلکه این کافران هستند که با شرک و ورزیدن به خود ستم می‌کنند، همان‌طور که به مردم ستم روا می‌دارند و خدا نیز مجازات این ستمکاری‌ها را به آنان می‌چساند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهانگردی هدفمند داشته باشید. ۲. به سرنوشت عذاب‌آلود سرکشان قدرتمند تاریخ بنگرید و عبرت بیاموزید. ۳. اگر پیشرفت مادی جامعه با پیشرفت معنوی هماهنگ نباشد، جامعه به سقوط می‌گراید. ۴. ستمکاران خود به نفس خود ستم می‌کنند و خود کرده را تدبیر نیست. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی روم به فرجام بدکاران و مخالفت و ریشخند آنان نسبت به آیات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوءَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ سپس فرجام کسانی که [کارهای بد انجام دادند، بدتر شد، (چرا) که آیات خدا را دروغ انگاشتند و آنها را ریشخند می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بدکاری و گناهکاری هم‌چون بیماری سختی است که هر روز در وجود انسان پیشرفت می‌کند تا سراسر روح او را تسخیر کند و او را به انحراف کامل بکشاند. ۲. این آیه هشدار است به گناهکاران که گناه از نقطه‌ی کوچکی شروع می‌شود اما به نقطه‌ی بزرگی ختم می‌شود که همان تکذیب و ریشخند آیات الهی است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۲. ۳. تکذیب آیات الهی و ریشخند کردن آنها خود نوعی گناه و بدکاری است که انسان را به سوی گناه بیش‌تر و کفر و دوزخ سوق می‌دهد؛ «۱» چرا که این‌گونه افراد با موضع‌گیری در برابر آیات الهی و ریشخند آنها راه تفکر و درک حقیقت را به روی خود می‌بندند و به گمراهی کشانده می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مراقب باشید که کارهای بد از نقطه‌ی کوچکی آغاز می‌شود ولی به نقطه‌ی خطرناکی ختم می‌گردد. ۲. بدکاری زمینه‌ساز موضع‌گیری در برابر آیات الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی روم به آغازگر و فرجام‌گر جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ خدا آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند، سپس فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران برآن‌اند که این آیه استدلالی کوتاه و پرمعنا برای مسأله‌ی معاد است؛ همان‌کسی که قدرت بر آفرینش

نخستین داشت، قدرت بر معاد هم دارد و قانون عدالت و حکمت خدا ایجاب می‌کند که این آفرینش مجدد تحقق یابد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۳. مقصود از رجوع به سوی خدا یا آن است که همه‌ی شما به سوی دادگاه عدل الهی می‌روید تا مورد محاسبه قرار گیرید و به پاداش و کیفر خود برسید؛ بلکه مومنانی که در خط تکامل الهی قرار گرفته‌اند، در مسیر تکامل خویش به سوی بی‌نهایت و به سوی ذات پاک الهی پیش روند. و یا منظور آن است که همه‌ی شما به سوی خدا می‌روید، اما نیکان به سوی صفات مهر الهی و آلودگان به سوی صفات قهر الهی. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آغازگر و پایان دهنده‌ی جهان را بشناسید که او خدای یگانه است. ۲. بازگشتگاهی جز درگاه الهی ندارید. ***

رستاخیز

قرآن کریم در آیات دوازدهم و سیزدهم سوره‌ی روم، ناامیدی و تنهایی مشرکان را در رستاخیز به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ* وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ وَرُزِيَّ كَمَا نَسُوا» (قیامت) برپا می‌شود، خلافکاران از ناامیدی اندوهگین می‌شوند؛* و از شریکانشان (: بت‌ها) شفاعتگرانی برای آنان نیست، و (مشرکان) شریکانشان را منکرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «يُبْلِسُ» در اصل به معنای اندوهی است که از شدت ناامیدی دست می‌دهد؛ یعنی هنگامی که رستاخیز به پا می‌شود، مجرمان، ایمان و عمل شایسته و یاور و شفیع ندارند و امکان بازگشت به دنیا و جبران نیز نیست از این رو غمگین می‌شوند و ناامید می‌گردند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۴. ۲. مشرکان، بت‌ها و معبودان دروغین را شفیعان خود در رستاخیز می‌دانستند «۱» و اکنون در رستاخیز می‌بینند که آنها هیچ تأثیر و شفاعتی ندارند از این رو از آنها ناامید شده و بیزاری می‌جویند ولی دیگر دیر شده است و اینک معبودان نیز عبادت آنان را تکذیب می‌کنند و دشمن مشرکان می‌شوند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز ناامیدی، اندوه و تنهایی مشرکان است. ۲. در رستاخیز از معبودان غیر خدا، کاری ساخته نیست (پس به آنها دل نبندید). *** قرآن کریم در آیات چهاردهم تا شانزدهم سوره‌ی روم به جدا شدن مؤمنان و کافران در رستاخیز و فرجام هر گروه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴-۱۶. «وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِقُونَ* فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ* وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ وَرُزِيَّ كَمَا نَسُوا» (قیامت) برپا می‌شود، در آن روز (مردم) پراکنده می‌شوند؛* و اما کسانی که ایمان آوردند و (کارهای) شایسته انجام دادند، پس آنان در بوستانی (بهشتی) سرخوشند.* و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و ملاقات آخرت را دروغ انگاشتند؛ پس، آنان احضار شدگان در عذاب‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مؤمنان در بهشت آن قدر خوشحال هستند که شادی درونی آنان در چهره‌هایشان نمایان می‌شود. «۳» آری؛ هر اندیشه که می‌پوشی درون خلوت سینه نشان و رنگ اندیشه ز دل پیدا است بر سیما ۲. «رَوْضَةٌ» به معنای محلی است که آب و درخت فراوان دارد و به باغ‌های خرّم و سرسبز روضه گویند و در این جا اشاره به باغ‌های بزرگ «۱» و بر نعمت بهشت است. ۳. کافران را به اجبار در دوزخ حاضر می‌کنند تا مجازات شوند؛ برخلاف بهشتیان که با میل خود به سوی بهشت می‌روند. ۴. شرط ورود به بهشت ایمان و عمل شایسته است، اما برای ورود به دوزخ بی‌ایمانی و کفر کافی است و نیاز به عمل مطابق کفر نیست؛ چرا که کفر بزرگ‌ترین گناه است. ۵. چرا رستاخیز «ساعت» نامیده شده است؟ پاسخ است که «ساعه» در اصل به معنای «جزئی از زمان و لحظه‌ای زود گذر» است و از آن جا که وقوع رستاخیز و مردن همگانی و زنده شدن آنان به صورت ناگهانی و برق آسا است و حساب مردم به سرعت رسیدگی می‌شود به آن ساعت گفته‌اند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز جدایی‌هاست. ۲. فرجام مؤمنان بهشت و شادمانی است. ۳. اگر سعادت و بهشت می‌خواهید، مؤمن و شایسته‌کردار شوید. ۴. فرجام کافران عذاب اجباری است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۶ قرآن کریم در آیات هفدهم و هیجدهم سوره‌ی روم به تسبیح و ستایش خدا در اوقات چهارگانه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷ و ۱۸. «فَسَبِّحْ حَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ* وَلَهُ الْحَمْدُ

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ و خدا منزّه است، هنگامی که به شب درآیید و هنگامی که به بامداد درآیید. * و ستایش در آسمان‌ها و زمین مخصوص اوست؛ و (منزّه است) عصر گاهان و هنگامی که به نیمروز درآیید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به تسبیح و پاک داشت خدا در چهار وقت صبح، ظهر، عصر گاهان و شامگاهان اشاره شده است. یادآوری این چهار وقت ممکن است اشاره به اوقات پنج گانه‌ی نماز باشد- که به نماز مغرب و عشا یک جا اشاره شده است- و یا کنایه از دوام تسبیح الهی باشد که نمازهای پنج گانه از مصداق‌های آن است. «۱» ۲. تعبیرات این آیات در مورد حمد و تسبیح الهی، ممکن است امری باشد؛ یعنی در این اوقات خدا را ستایش کنید و منزّه بدارید و یا به معنای ایجاد حمد و تسبیح از طرف خدا باشد که ذات پاک خود را ستایش و تنزیه می‌کند. ۳. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس در صبح آیات هفدهم تا نوزدهم سوره‌ی روم را بخواند، هرچه در روز از دست او رفته، جبران می‌شود و هر کس در آغاز شب بخواند، هرچه در شب از دست او رفته جبران خواهد شد. «۲» البته روشن است که این پاداش‌ها وقتی به خواننده‌ی این آیات می‌رسد که بر طبق مضمون آنها عمل کند و مفاد آنها را در وجود خود پیاده نماید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هر مکان حمد خدا و در هر زمان تسبیح او را بگویید. «۱» ۲. تسبیح الهی در زمان‌های خاصی، بیش‌تر مورد توجه است. «۲» *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی روم با بیان مثالی و ملموس، معاد را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۹. يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را پس از مردنش زنده می‌گرداند؛ و این گونه (از گورها) بیرون آورده می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه، با مثال‌های ملموس، مسأله‌ی معاد و زنده شدن انسان‌ها پس از مرگ به تصویر کشیده شده است؛ یعنی با ذکر مثال‌هایی از زنده شدن طبیعت بعد از مرگش و مردن زندگان، نشان می‌دهد که زنده شدن انسان‌ها در رستاخیز چیز عجیبی نیست، بلکه مشابه صحنه‌هایی است که هر روز و هر سال در برابر چشم ما تکرار می‌شود. ۲. مقصود از خارج کردن زندگان از دل مردگان، همان زمین‌ها و طبیعت است که در فصل زمستان مرده است و در بهار زنده می‌شود و گل‌ها از آن می‌روید و می‌شکفتد و می‌خندد. آری؛ این صحنه‌ی رستاخیز طبیعت است. البته نمونه‌ی دیگر این حیات‌بخشی را در پیدایش موجودات اولیه‌ی زمینی و نیز جذب مواد مرده‌ی طبیعت به بدن موجودات زنده و ساخته تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۸ شدن سلول‌ها و نوزادان تازه می‌بینیم. ۳. مقصود از خارج ساختن مردگان از دل زندگان، همان مردن انسان‌ها و حیوانات و گیاهان است که به جسد‌های بی‌جان تبدیل می‌شوند. آری؛ در طبیعت به طور مداوم زندگی از دل مرگ و مرگ از دل زندگی پدید می‌آید و این نشانه‌ی قدرت خدا بر رستاخیزی دیگر است. ۴. در احادیث اسلامی روایت شده که مقصود از این آیه تولد مؤمن از کافر و کافر از مؤمن است. «۱» و در حدیث دیگری آمده است که مقصود (آیه) زنده شدن زمین به وسیله‌ی باران نیست، بلکه خدا مردانی را برمی‌انگیزد که عدالت را احیا می‌کنند و زمین با احیای عدالت زنده می‌شود و اجرای عدالت در زمین از چهل روز باران سودمندتر است. «۲» البته این گونه احادیث اشاره به بطن آیه است؛ یعنی مرگ و حیات معنای وسیعی دارد که شامل حیات مادی (هم‌چون زنده شدن طبیعت) و حیات معنوی (هم‌چون زنده شدن عقیده‌ی انسان و ایمان آوردن او و زنده شدن اجتماع با عدالت) می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نظام طبیعت در حال مرگ و زندگی مداوم است. ۲. از مرگ و حیات طبیعت، معادشناس شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۹

نشانه‌های خدا

قرآن کریم در آیات بیستم و بیست و یکم سوره‌ی روم به نشانه‌های خدا در آفرینش و نقش ازدواج در بهداشت روانی انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰ و ۲۱. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ* وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ و از نشانه‌های او، این است که شما را از خاک

آفرید، سپس به ناگاه شما بشری شدید که گسترش می‌یابد* و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید؛ و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد. قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یازده آیه در قرآن کریم با جمله‌ی «از نشانه‌های خدا این است که...» شروع می‌شوند که هفت آیه‌ی آن در سوره‌ی روم است «۱». در این آیات نشانه‌های خدا در جهان درون و برون انسان بیان شده و درس توحید می‌آموزد. ۲. مقصود از آفرینش انسان از خاک، یا آفرینش نخستین آدم و یا آفرینش همه‌ی انسان‌هاست که بدن آنان از مواد غذایی تشکیل شده که مستقیم یا غیر مستقیم از خاک به وجود می‌آید. البته ظاهر آیه در این جا با تفسیر دوم سازگارتر است. ۳. آفرینش انسان با این همه عجایب جسمی و روحی و انتشار سریع او در سطح قاره‌ها و مناطق مختلف زمین، از نشانه‌های قدرت و حکمت الهی است. ۴. این آیه یکی از نشانه‌های خدا را آفرینش همسران از جنس انسان بیان کرده است؛ چراکه همسران هم جنس عواطف و دردها و نیازهای تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۰ هم‌دیگر را درک می‌کنند و با تکمیل نیازها و هم‌دردی و همکاری، محیطی آرام و تکامل‌بخش به وجود می‌آورند. آری؛ به جنس خود کند هر جنس آهنگ ندارد هیچ کس از جنس خود ننگ ۵. این آیه هدف ازدواج را آرامش بیان کرده است. آری؛ همسر خوب مایه‌ی آرامش روحی، جسمی و روانی انسان است. هر انسان بدون همسر موجودی ناقص است ولی با همراهی و همکاری و دوستی با همسر وجود خود را کامل می‌کند و تعادل روحی و روانی در او ایجاد می‌شود و احساس مسئولیت و شخصیت بیش‌تری می‌کند. شاید از همین روست که انسان‌های مجرد کم‌تر احساس مسئولیت می‌کنند و گاهی در اثر طولانی شدن دوران تجرد به بیماری‌های روانی و عدم تعادل روحی گرفتار می‌شوند و زندگی ناآرامی پیدا می‌کنند. ۶. همسر موجب آرامش است و بهداشت روانی انسان را تأمین می‌کند. زندگی مشترک زن و شوهر آن گاه موفق است که آرامش در فضای خانه حکم‌فرما باشد؛ آرامشی که عامل رشد و تعالی همسران و فرزندان آنهاست؛ اما اگر محیط خانه فضای جنگ اعصاب باشد و زن و شوهر سوهان روح هم‌دیگر شوند، در حقیقت به هدف ازدواج دست پیدا نکرده و به بیراهه رفته‌اند. ۷. تفاوت مودت و رحمت در چیست؟ پاسخ آن است که «مودت» به معنای دوستی‌ای است که عامل پیوند و ارتباط زن و شوهر می‌شود، ولی رحمت نوعی ایثارگری است که کودکان در پرتو آن پرورش می‌یابند و مرد و زن کهن‌سال به یک‌دیگر خدمت می‌کنند. ۸. در این آیه به دوستی و رحمت بین زن و شوهر اشاره شده است، اما ممکن است مقصود آیه دوستی و رحمت همه‌ی انسان‌ها باشد که زن و شوهر از مصادیق بارز آنها هستند؛ یعنی دوستی و رحمت عامل پیوند و ارتباط همه‌ی افراد جامعه و خانواده است که کمبود آنها مایه‌ی اضطراب‌ها، جدایی‌ها و ناراحتی‌هاست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آفرینش و پراکندگی انسان‌ها اندیشه کنید، تا خداشناس‌تر شوید. ۲. در آفرینش همسران خود اندیشه کنید تا خدا را بهتر بشناسید. ۳. هدف ازدواج آرامش خانواده و تأمین بهداشت روانی همسر است (پس زن و شوهر برای رسیدن به این هدف تلاش کنند). ۴. دوستی و رحمت موهبتی الهی است که عامل پیوند شماست. ۵. خرد ورزی کنید تا نشانه‌های خدا را درک کنید. *** قرآن کریم در آیات بیست و دوم و بیست و سوم سوره‌ی روم به نشانه‌های خدا در آفرینش جهان و تفاوت زبان‌ها، رنگ‌ها، خواب و معاش انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲ و ۲۳. وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ* وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست. قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی برای دانایان است.* و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است؛ و جست‌وجوی (معاش) شما از بخشش اوست؛ قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که گوش شنوا دارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آفرینش آسمان‌ها با آن عظمت و کهکشان‌ها و ستارگان و سیارات بی‌شمار نشانه‌ای از عظمت پروردگار است که هر روز با اختراع تلسکوپ‌ها و وسایل جدید گوشه‌ای از عظمت آن کشف می‌شود. ۲. زمین گسترده با منابع و حیوانات و گیاهانی که در آن وجود دارند، همگی نشانه‌ای از قدرت آفرینشگری خدایند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم،

ص: ۱۴۲.۳. در مورد تفاوت‌های زبان‌ها و رنگ‌ها دو تفسیر شده است: یکی آن که مقصود آهنگ‌های مختلف صداها و رنگ پوست و چهره‌ی انسان‌هاست که عامل شناسایی بهتر افراد است که اگر این تفاوت‌ها نبود، زندگی اجتماعی بشر بسیار دشوار و مبهم می‌گردید و دوست و دشمن شناخته نمی‌شدند و همه‌ی افراد هم‌چون افراد دوقلو شبیه یک‌دیگر می‌شدند. و یا منظور از اختلاف زبان‌ها همان تفاوت لغت‌های عربی، فارسی، انگلیسی و غیره و منظور از تفاوت رنگ‌ها همان اختلاف نژادهاست. البته ممکن است آیه به همه‌ی این تفاوت‌ها اشاره داشته باشد «۱» که هر کدام نشانه‌ای از علم و حکمت و قدرت آفریدگار جهان است.

۴. خواب یکی از موهبت‌های الهی و نشانه‌های حکمت خداست و خواب انسان در نیم روز و شبانگاه عامل استراحت و تجدید قوا و شادابی مجدد انسان می‌شود. در خواب بیش‌تر دستگاه‌های بدن تعطیل یا کم‌کار می‌شود و آرامش می‌یابد و این استراحت منظم باعث می‌شود که جسم و روح انسان زود پزمرده و خسته نشود و راز سلامت و طول عمر انسان همین است. ۵. خواب زمینه‌ساز فعالیت بیش‌تر انسان برای تأمین زندگی است که همین انگیزه و نیروی تلاشگری انسان خود یکی از نعمت‌ها و نشانه‌های خداست.

۶. در پایان آیه‌ی اول نشانه‌های الهی را مخصوص دانشمندان و در پایان آیه‌ی دوم نشانه‌ها را مخصوص افرادی معرفی می‌کند که گوش شنوا دارند؛ یعنی اگر اهل دانش هستید نشانه‌ی خدا را بادقت متوجه می‌شوید و اگر اهل دانش نیستید حداقل به حقایق گفته شده گوش دهید تا خداشناس شوید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آفرینش جهان و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌ها بیندیشید تا خداشناس شوید. ۲. به خواب و تلاش انسان بنگرید و خداشناس شوید. ۳. برای درک نشانه‌های خدا، یا دانشمند شوید یا به سخنان (عالمانه) گوش دهید. *** قرآن کریم در آیات بیست و چهارم و بیست و پنجم سوره‌ی روم به نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان و رستاخیز زمین و انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴ و ۲۵. وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعِيدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ * وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنتُمْ تَخْرُجُونَ و از نشانه‌های او این است که برق را برای ترس و امید به شما می‌نمایاند و از آسمان آبی فرو می‌فرستد و زمین را پس از مردنش، به وسیله‌ی آن زنده می‌گرداند؛ قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که خرد می‌ورزند. * و از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به فرمانش بریاست؛ سپس هنگامی که شما را با یک بار خواندن، از زمین فراخواند، ناگهان شما (از گورها) بیرون می‌آید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه «برق» آسمان را نشانه‌ای از خدا معرفی کرد، برقی که امیدبخش و مژده‌آور نزول باران، ولی در همان حال ترسناک است چرا که گاهی صاعقه‌های خطرناک همه چیز را در مسیر خود می‌سوزاند و خاکستر می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۴. ۲. در این آیات به نزول باران و حیات‌بخش بودن آن اشاره شده است؛ بارانی که عامل زنده شدن خاک‌های مرده و سرسبز شدن زمین و رویش گیاهان و گل‌ها است. اگر کسی در این امور بیندیشد نشانه‌های قدرت و حکمت الهی را مشاهده می‌کند و متوجه می‌شود که برنامه‌ای حساب شده در کار است. ۳. در این آیات به نظام آسمان و زمین و گردش منظم و حساب شده‌ی آنها براساس نیروی جاذبه و دافعه اشاره شده که خود نشانه‌ای از تدبیر الهی در سامان بخشیدن به جهان است. ۴. تعبیر «بامره» در این آیه به نهایت قدرت پروردگار در نظام بخشیدن به جهان اشاره دارد که یک فرمان او برای این کار کافی است. ۵. به کار بردن واژه‌ی «قیام» برای برپایی آسمان‌ها و زمین اشاره‌ی لطیفی به تسلط کامل بر اطراف دارد؛ یعنی همان‌طور که انسان در حالت ایستاده بر امور خود مسلط است و می‌تواند فعالیت‌های خود را به خوبی انجام دهد، جهان نیز برپا شده است. ۶. در این آیات به نشانه‌های متعددی از قدرت و حکمت خدا و در پایان به مسأله‌ی معاد اشاره شده است؛ یعنی همان‌طور که خدا می‌تواند زمین مرده را با آب باران زنده کند، می‌تواند انسان‌های مرده را زنده گرداند و از دل زمین خارج سازد و برای این کار یک دعوت و فراخوان او کافی است. ۷. برخی مفسران این جمله‌ی آیه را که می‌فرماید: «هنگامی که شما را از زمین فرا می‌خواند ناگهان شما خارج می‌شوید»، نشانه‌ی روشنی برای معاد جسمانی دانسته‌اند. «۱» ۸. در شش آیه‌ی گذشته دوازده نشانه‌ی خدا بیان شد که همگی یک دوره درس خداشناسی است و در این آیات

بیان شده که متفکران، عالمان، شنوایان و عاقلان این نشانه‌ها را درک می‌کنند و از آنها بهره می‌برند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد (رعد و) برق و نزول باران و زنده شدن زمین تعقل کنید تا نشانه‌های خدا را دریابید. ۲. ترس و امید برق هر دو نشانه‌ی (قدرت و حکمت) خداست. ۳. به نظام بی‌کران آسمانی توجه کنید تا نشانه‌های قدرت خدا را دریابید. ۴. از خداشناسی به معادشناسی برسید. *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم و بیست و هفتم سوره‌ی روم، صفات خدا و امکان معاد را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۲۶ و ۲۷. وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ * وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ * وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * و هر که در آسمان‌ها و زمین است، فقط از آن اوست؛ [و] همه برای او [فروتن و] فرمان‌پذیرند. * و او کسی است که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند؛ و آن بر او آسان‌تر است؛ و مثال والاتر در آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست؛ و او شکست‌ناپذیر فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به توحید در مالکیت اشاره شده است؛ یعنی مالکیت حقیقی و تکوینی جهان فقط از آن خداست و دیگران همه تسلیم او و قوانین تکوینی نظام آفرینش در جهان هستند. ۲. هیچ شریکی برای مالکیت خدا در جهان وجود ندارد؛ نه معبودهای پنداری مالک چیزی هستند و نه مالکیت اعتباری افراد مانع مالکیت حقیقی و تکوینی خداست. ۳. «قَانِتُونَ» به معنای اطاعت همراه با فروتنی است. البته گاهی اطاعت و فروتنی تکوینی و وجودی است و گاهی تشریحی و قانونی، که در تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۶ این‌جا قسم اول مراد است. ۴. در این آیات مسأله‌ی امکان معاد اثبات شده است؛ یعنی می‌فرماید: خدایی که جهان را آفرید، اعاده و بازگرداندن آن برایش آسان‌تر است؛ چراکه در آغاز اصلاً چیزی نبود تا خدا آن را ابداع کند، ولی در اعاده مواد اصلی موجود است، ولی پراکنده شده، که جمع‌آوری می‌گردد. ۵. آسان و سخت بودن امور، نسبی و برای ماست، و گرنه در برابر قدرت بی‌انتهای الهی، چیز سختی وجود ندارد. ۶. هر وصف و مثال و کمالی که در جهان وجود دارد و محدود است، به صورت نامحدود و کامل‌تر در نزد خدا وجود دارد؛ بنابراین، منبع اصلی و عالی علم و قدرت افراد، نزد خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا مالک حقیقی جهان است. ۲. خدا دارای عالی‌ترین صفات است. ۳. معاد برای خالق هستی ممکن و سهل است؛ چرا که اعاده‌ی کار، از اصل آن آسان‌تر است. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی روم با مثالی جالب برای مالکیت مطلق، به نفی شرک می‌پردازد و می‌فرماید: ۲۸. ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ هَيْلٌ لَّكُمْ مِّنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَحَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (خدا) مثلی از خودتان، برای شما زد: آیا در آنچه به شما روزی داده‌ایم، از آنچه (از بردگان) که شما مالک شده‌اید، هیچ شریکی برای شما وجود دارد که شما در آن (روزی) یکسان باشید؛ [و] همان‌طور که شما از خودتان ترس دارید از آنان ترس داشته باشید؟! این‌گونه آیات را برای گروهی که خردورزی می‌کنند شرح می‌دهیم. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه مثالی از جهان برده‌داری بیان شده تا مالکیت حقیقی و مجازی و نفی شرک را روشن سازد. هنگامی که انسان‌ها در مورد بردگان خود که ملک مجازی و اعتباری آنان هستند، شریک بودنشان در اموال را نمی‌پذیرند، چگونه در مورد خدا که مالک حقیقی و تکوینی همه‌ی جهانیان است، شریک قایل می‌شوند و برخی از مخلوقات او، هم‌چون مسیح و فرشتگان را معبود و شریک خدا می‌دانند! در حالی که ذات و وجود این مخلوقات متعلق به خداست و هرگز از بندگی او خارج نمی‌شوند. ۲. برخی مفسران این آیه را ناظر به سخنان شرک‌آمیز مشرکان در هنگام گفتن «لبیک» حج می‌دانند که شریکانی مملوک برای خدا قایل می‌شدند. «۱» البته مانعی ندارد که این آیه ناظر به این عادت غلط هم باشد، ولی این مطلب مفهوم آیه را محدود نمی‌سازد. «۲» ۳. قرآن در این آیه با ذکر مثالی از زندگی برده‌داری عرب‌های جاهلیت، برای نفی عقاید آنان، هم‌چون شرک، استدلال کرده است. البته این مثال به معنای ترویج برده‌داری نیست و منافاتی با آن ندارد که اسلام با برده‌داری با برنامه‌ای منظم مبارزه کرد، به طوری که پس از مدتی برده‌داری از جوامع اسلامی ریشه‌کن شد. ۴. جمله‌ی «آنچه به شما روزی دادیم.» به این مطلب اشاره دارد که شما حتی مالک حقیقی غذا و اموال خودتان

نیستید و آنها نیز از آن خدایند، ولی با این حال حاضر نیستید در اموال مجازی خود، بردگان را شریک سازید؛ پس چگونه برای خدا شریک قایل می‌شوید! تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۸. ۵. در مورد جمله‌ی اخیر آیه دو تفسیر شده است: الف) شما خود را در اموال شریک و مساوی با بردگان نمی‌دانید، به طوری که از تصرفات آنان بیم داشته باشید، همان طور که از تصرفات افراد آزاد بیم دارید. ب) این معبودان قدرتی ندارند که شما از آنها بترسید به اندازه ترسی که از هم‌دیگر دارید، تا چه رسد که بیش تر بترسید. «۱» البته تفسیر اول با ظاهر آیه و پرسش بودن مطلب سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مثال‌های ملموس مطالب عقیدتی را برای مردم تشریح کنید تا در آنها اندیشه کنند. ۲. همگان مملوک خدایند و هرچه دارند از خداست پس نمی‌توانند شریک خدا باشند. ۳. اهل خرد بیش تر می‌توانند از آیات الهی استفاده کنند. *** قرآن کریم در آیه بیست و نهم سوره‌ی روم به هواپرستی ناآگاهانه‌ی ستمکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ بلکه کسانی که ستم کردند، بدون هیچ دانشی از هوس‌هایشان پیروی کردند؛ و کسی را که خدا گمراه کرده است، چه کسی هدایت می‌کند؟! و هیچ یآوری برایشان نیست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از مشرکان با عنوان «ستمکاران» یاد شده است؛ زیرا شرک بزرگ‌ترین ستم به خویشتن و جامعه‌ی انسانی است؛ انسان از طرفی سرمایه‌های وجودی خود را در راه خرافات مصرف می‌کند و از طرفی دیگر موجب تفرقه، انحراف و فساد مردم می‌گردد و آنان را از راه توحید باز می‌دارد. ۲. در این آیه به صورت لطیفی اشاره شده که اگر خدا این افراد را گمراه ساخته به خاطر ستمکاری خود آنان بوده است، «۱» و گر نه اگر کسی راه صحیح در پیش گیرد خدا او را یاری و هدایت می‌کند. ۳. چنانچه خدا گروهی را در گمراهی رها سازد و آنان را یاری نکند، هیچ یاور دیگری نیز نخواهند داشت؛ چون همه‌ی یاری‌ها به دست خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان افرادی ستمکار، هواپرست، ناآگاه و گمراه‌اند. ۲. ستمکاری و هواپرستی عامل گمراهی و بی‌یآوری است. ۳. از هواپرستی و جهل دوری گزینید که زمینه‌ساز ستمکاری و گمراهی است. ***

فطرت چیست؟

قرآن کریم در آیه‌ی سی ام سوره‌ی روم به فطری بودن دین و ناآگاهی اکثریت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ پس روی (وجود) خود را به دین، حق‌گرایانه، راست دار؛ (و پیروی کن از) سرشت الهی که (خدا) مردم را بر (اساس) آن آفریده، که هیچ تغییری در آفرینش الهی نیست؛ این دین استوار است، و لیکن بیش تر مردم نمی‌دانند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به دین و توحید فطری اشاره شده است؛ یعنی خدا توحید خالص و دین حق‌گرا را در سرشت همه‌ی انسان‌ها قرار داده است؛ سرشتی که تغییر در آن رخ نخواهد داد. ۲. «فطرت» در اصل به معنای شکافتن از طول و در این جا به معنای خلقت است، یعنی گویی در هنگام آفرینش پرده‌ی عدم شکافته می‌شود و موجودات آشکار می‌شوند و آفرینش و سرشت انسان همان فطرت اوست که بر اساس توحید سرشته شده است و نور الهی در وجود همه‌ی انسان‌ها وجود دارد. ۳. «وجه» به معنای صورت و در این جا به معنای صورت باطنی و روی دل است؛ یعنی انسان باید با تمام وجود متوجه خدا شود. تعبیر به صورت به خاطر آن است که این عضو سنبلی توجه انسان است. ۴. «حنیف» به معنای تمایل از باطل به سوی حق است؛ یعنی دین اسلام «۱» همان دین حق‌گراست که از کژی و انحراف به دور است و در فطرت همه‌ی انسان‌ها قرار داده شده است. ۵. از این آیه استفاده می‌شود که اولاً، دین در تمام ابعاد آن در وجود و سرشت انسان به ودیعت نهاده شده است و خلقت و تکوین انسان با تشریح و دین‌ظاهری هماهنگ است. ثانیاً، دین به صورت خالص و به دور از کژی‌ها، در درون ذات انسان وجود دارد و آلودگی‌ها عارضی است که باید زدوده شود. ثالثاً، این دین فطری تغییرپذیر نیست و یک سنت الهی است. ۶. دلایل و شواهد فطری بودن دین چند چیز است: الف)

اعتقادات مذهبی در همه‌ی افراد در طول تاریخ کم و بیش وجود داشته و استمرار یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۱ (ب) تمام تلاش‌های رژیم‌های ضد دین برای نابودی دین با شکست مواجه شده و در نهایت، دین فطری به صورت مخفی سال‌ها باقی مانده است. ج) براساس کاوش‌های روان‌کاوان، حس مذهبی و بعد دینی و قدوسی انسان در کنار حس نیکی‌خواهی و زیادوستی او وجود دارد و یک حقیقت انکارناپذیر است. د) در هنگام سختی‌ها، وقتی پرده‌های غفلت کنار می‌رود، انسان به طرف مبدأ هستی و دین فطری می‌رود و خدا را خالصانه می‌خواند. بلب از فیض گل آموخت سخن، و نه نبود این همه قول و غزل تعبیه در منقارش (حافظ) ه) عشق‌های سوزان الهی که در وجود عارفان و شهیدان است، جز از طریق اصالت حس مذهبی قابل توجیه نیست. نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم (حافظ) ۷. در احادیث اهل بیت علیهم السلام «دین فطری» به توحید، اسلام، معرفت (الهی) و ولایت تفسیر شده است. «۱» البتّه این گونه احادیث مصادیق و اجزای دین فطری را برمی‌شمارد و دین الهی که در سرشت آدمی است شامل ابعاد مختلف دین اسلام هم‌چون توحید، رهبری الهی و معرفت خدا می‌شود. ۸. خطاب این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله است اما در حقیقت مخاطب آیه همه‌ی مؤمنان هستند و همه باید روی دل به سوی دین فطری و توحید خالص بگردانند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۲ ۹. در این آیه به ناآگاهی مردم از حقایق فطری خویش اشاره شده است. از امام علی علیه السلام نیز در نهج‌البلاغه حکایت شده که پیامبران را خدا فرستاد تا وفای به میثاق فطری را از انسان‌ها بخواهند و مسائل فراموش شده را به یاد آنان آورند. «۱» ۱۰. فطرت نورانی را آلوده نسازیم: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماید: فطرت همه بر نورانیت است. فطرت شما فطرت نورانی است، فطرت توحید است، به دست خود ما این فطرت به جهالت‌ها، به ظلمات کشیده می‌شود و ما باید خودمان را مواظبت کنیم ... «۲» آیینی دل را از شرک و نفاق و دورویی پاک کن و مگذار زنگار شرک و کفر او را طوری بگیرد که به آتش‌های آن عالم پاک نگردد. نگذار نور فطرت، مبدل به ظلمت کفر شود. نگذار «فطرت الله التي فطر الناس عليها» «۳» ضایع گردد. این قدر خیانت مکن بر این امانت الهی. پاک کن آیینی قلب را، تا نور جمال حق در او جلوه کند و تو را از عالم و هر چه در او است، بی‌نیاز کند و آتش محبت الهی در قلب افروخته شده، تمام محبت‌ها را بسوزاند که همه‌ی عالم را به یک لحظه‌ی آن ندهی و چنان لذتی ببری از یاد خدا و ذکر آن که تمام لذات حیوانی را بازیچه بدانی. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دل به دین حق گرا و فطری اسلام بسپارید. ۲. فطرت توحیدی انسان‌ها تغییر نمی‌کند. ۳. اکثر مردم نسبت به حقیقت فطرت خویش نا آگاه‌اند (شما این گونه نباشید). *** قرآن کریم در آیات سی و یکم و سی و دوم سوره‌ی روم چهار برنامه‌ی کاربردی به مسلمانان می‌آموزد و نسبت به آثار شرک هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۳۱ و ۳۲. مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ در حالی که به سوی او بازگشت می‌کنید؛ و خود را از [عذاب او نگه دارید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید؛* از (همان) کسانی که دینشان را پراکنده ساختند و گروه گروه گردیدند؛ هر حزبی به آنچه نزد آنهاست شادمان‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه همه‌ی دستورات به صورت جمع آمده است، در حالی که آیه‌ی قبل خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله بود و این نشان می‌دهد که در آیه‌ی قبل نیز مخاطب حقیقی همه‌ی مسلمانان هستند. ۲. در این آیه چهار برنامه‌ی کاربردی و عملی برای مسلمانان بیان شده است که عبارت‌اند از: الف) بازگشت مکرر به سوی خدا: یعنی هر زمان عاملی انسان را از توحید منحرف ساخت، باید به سوی خدا بازگردد و آن قدر این کار را تکرار کند که پایه‌های فطرت توحیدی در وجود او محکم و موانع برطرف گردد. «۱» ب) تقوای الهی و حفظ خود از عذاب الهی. ج) برپا داشتن نماز که مهم‌ترین راه ارتباط انسان با خداست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۴ د) دوری از مشرکان، چرا که شرک بزرگ‌ترین گناه است. ۳. در این آیات اشاره شده که یکی از آثار شرک، پراکندگی و تفرقه است. آری؛ معبودهای مختلف منشأ روش‌ها و آیین‌های متفاوت هستند که سرچشمه‌ی جدایی‌ها می‌گردند؛ چرا که شرک همراه با هوا پرستی، تعصب و خودخواهی است در حالی که وحدت در سایه‌ی

خدا پرستی، توحید و تواضع و ایثار پدید می‌آید. ۴. چرا هر گروه از مشرکان از راهی که انتخاب کرده‌اند خوشحال‌اند؟ پاسخ آن است که نفس سرکش و هوس‌آلود و نیز شیطان، حقایق را از انسان می‌پوشانند و کارهای زشت را در نظر انسان زیبا جلوه می‌دهند و این آراستگی منشأ دل‌بستگی و خوشحالی منحرفان و مشرکان می‌شود. این در حالی است که مؤمنان واقعی به حقیقت دل می‌بندند و به خاطر رحمت خدا و آنچه نزد خدا و موجب خشنودی اوست خوشحال می‌شوند، «۱» نه به خاطر منافع حزبی و گروهی. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توبه، تقوا، نماز و دوری از مشرکان را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهید. ۲. تفرقه‌ی مذهبی، گروه‌گرایی و حزب‌محوری از نشانه‌های مشرکان است. *** قرآن کریم در آیات سی و سوم و سی و چهارم سوره‌ی روم به واکنش‌های متضاد انسان در شرایط سختی و راحتی اشاره می‌کند و با هشدار به مشرکان می‌فرماید: ۳۳ و ۳۴. وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَدَّاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ * لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۵ و هنگامی که زبانی (و رنجی) به مردم برسد، پروردگارشان را می‌خوانند، در حالی که به سوی او باز می‌گردند، سپس هنگامی که رحمتی از خود به آنان بچشانند، به ناگاه، دسته‌ای از آنان به پروردگارشان شرک می‌ورزند؛ * تا آنچه را به آنان داده‌ایم، ناسپاسی کنند؛ پس (چند روزی از دنیا) بهره‌گیرید، و الی در آینده خواهید دانست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیرات این آیه اشاره به آن است «۱» که انسان بسیار کم‌ظرفیت است و هرگاه زیان مختصری به او برسد به سراغ خدا می‌رود و پرده‌های غفلت از فطرت او کنار می‌رود و نور توحید هویدا می‌شود و چنانچه مختصر رحمت و نعمتی به او برسد، ناسپاسی و سرکشی می‌کند و شرک می‌ورزد. ۲. در مورد بازگشت به فطرت توحیدی از همه‌ی مردم یاد می‌کند، اما در مورد مشرک شدن افراد به گروه خاصی اشاره می‌کند؛ یعنی همه‌ی مردم غافل، ناسپاس و مشرک نمی‌شوند. ۳. در این آیه رحمت را به خدا نسبت داده اما زیان و ضرر را به او نسبت نداده است؛ چرا که بسیاری از مشکلات نتیجه‌ی اعمال خود ماست. ۴. واژه‌ی «رَبُّهُمْ» در این آیه دوبار تکرار شده است. این تعبیر لطف‌آمیز است و اشاره به آن دارد که مردم ربوبیت و تدبیر الهی را بر وجود خویش احساس، ولی باز هم ناسپاسی می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌ها، کم‌ظرفیت هستند و در هنگام نعمت اندک و مشکلات تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۶ مختصر، ناگهان موضع خود را عوض می‌کنند (شما این‌گونه نباشید). ۲. اگر در اثر مشکلات پرده‌های غفلت کنار برود، انسان به سوی فطرت توحیدی خویش باز می‌گردد. ۳. (ناسپاس مباشید که) فرجامی (بد) در انتظار مشرکان ناسپاس است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی روم به بی‌دلیل بودن شرک اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵. أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهَؤُلَاءِ يَتَّكُمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ بلکه آیا دلیلی بر آنان فرو فرستادیم و آن (دلیل)، از آنچه به وسیله‌ی آن شرک می‌ورزیدند، سخن می‌گوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشاره شده که هر اعتقادی، حتی شرک، باید دلیل داشته باشد. این دلیل می‌تواند فطری، عقلی و یا نقلی باشد. اما در آیات قبل بیان شد که فطرت انسان توحید‌گراست و دلایل عقلی نیز توحید را تأیید می‌کند و در این آیه بیان شده که راه نقل هم بسته است و خدا دلیلی برای اثبات شرک فرو نفرستاده است، پس شرک و بت‌پرستی هیچ دلیلی ندارد. ۲. «سُلْطَان» به معنای چیزی است که مایه‌ی سلطه و پیروزی می‌گردد؛ از این رو به دلیل محکم و قانع‌کننده نیز سلطان می‌گویند. ۳. اشاره به سخن گفتنِ دلیل، نوعی تعبیر مجازی است که در هنگام روشن بودن دلیل می‌گوییم: گویا این دلیل با انسان حرف می‌زند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۷ ۴. این آیه نوعی استفهام انکاری است که با سرزنش و توبیخ همراه است؛ «۱» یعنی به مشرکان می‌گوید: آیا به دنبال راهی می‌روید که خدا دلیلی بر آن نفرستاده است (و دلیل عقلی و فطری هم ندارد؟). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک دلیل نقلی و الهی ندارد. ۲. در اصول عقاید به دنبال دلیل باشید. ۳. دلایل اعتقادات، روشن و مطابق ادعا باشد، به طوری که گویا سخن می‌گوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی روم به انسان‌های کم‌ظرفیت و واکنش‌های آنان در برابر نعمت‌ها و مشکلات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶. وَإِذَا أَدَّاهُمْ النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيَهُمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، بدان شادمان می‌شوند و اگر به خاطر دستاورد

پیشینشان بدی به آنان برسد، ناگهان آنان ناامید می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان‌های کم‌ظرفیت در هنگام مشکلات و نعمت‌ها واکنش‌های متفاوتی دارند، در حالی که انسان‌های مؤمن و متعادل به هنگام نعمت مغرور نمی‌شوند و به هنگام مشکلات ناامید نمی‌گردند و با شکر و صبر رو به درگاه الهی می‌آورند. ۲. برخی از مشکلات و حوادث بدی که به انسان می‌رسد در اثر اعمال و گناهان اوست. خدا بدین وسیله به انسان هشدار می‌دهد تا بیدار شود و دست از اعمال زشت خود بردارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۸. ۳. شادمانی در هنگام نعمت اگر باشکر همراه باشد خوب است، اما اگر مغرورانه باشد و موجب غفلت و بی‌خبری گردد، ناپسند است. در آیه‌ی فوق مقصود قسم دوم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کم‌ظرفیت نباشید و در هنگام رحمت یا مشکلات تغییر حالت ندهید. ۲. (برخی) مشکلاتی که به انسان می‌رسد، در اثر اعمال اوست. ۳. نه شادی مغرورانه خوب است و نه ناامیدی. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی روم به نشانه‌های خدا در کم و زیاد شدن رزق افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۷. «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» آیا اطلاع نیافته‌اند که خدا روزی را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند)، گسترده می‌سازد و تنگ می‌گرداند؟! قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از عواملی که موجب غرور یا غفلت انسان‌ها می‌شود، مسأله‌ی رزق است؛ زیاد شدن روزی، انسان‌های کم‌ظرفیت را گرفتار شادی مغرورانه می‌سازد و کم شدن روزی آنان را ناامید می‌گرداند. اما اگر انسان بداند که همه‌ی این امور به دست خداست و او براساس مصلحت و حکمت اقدام می‌کند، دیگر جای نگرانی و ناامیدی یا غرور و غفلت باقی نمی‌ماند و چنین انسانی در هر حال سپاس‌گزار خداست. ۲. مقصود از این که گسترش و کمبود رزق به دست خداست، آن نیست که این امور بدون حساب است، بلکه خدا براساس مصلحت انسان‌ها و میزان تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۹ تلاش آنها روزی‌شان را کم و زیاد می‌کند و کارهای خدا حکمت‌آمیز و عالمانه است. «۱» ۳. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: خدای سبحان را از آن جا شناختم که (گاه) تصمیم‌های محکم فسخ می‌شود و گره‌ها گشوده می‌شود و اراده‌های قوی شکسته می‌شود. «۲» یعنی گاهی خدا برای نشان دادن قدرت خویش و برای بیدار ساختن و امتحان مردم، صحنه‌هایی به وجود می‌آورد که گره از کارهای مشکل باز می‌شود و گاه صحنه‌ای به وجود می‌آورد که اراده و تصمیم محکم افراد به نتیجه نمی‌رسد، تا بدانند که همه‌ی کارها به دست آنان نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کم و زیاد شدن رزق شما به دست خداست. ۲. در کم و زیاد شدن رزق نشانه‌های خدا را ببینید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی روم در مورد حقوق خویشاوندان و بینوایان و در راه ماندگان سفارش می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. «فَمَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَاكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأَوْلٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» پس حق نزدیکان و بینوا و در راه مانده را به او بده؛ آن برای کسانی که (خشنودی) ذات خدا را می‌خواهند بهتر است؛ و تنها آنان رستگاران‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه در مورد حقوق مالی خویشاوندان و بینوایان و در راه ماندگان به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش شده است. روی سخن این آیه با پیامبر صلی الله علیه و آله است اما معنای آیه وسیع است و در حقیقت دستوری به همه‌ی مردم است. «۱» گرت زدست برآید، چو نخل باش کریم ورت زدست نیاید، چو سرو باش آزاد نداشت چشم بصیرت که گرد کرد و نخورد ببرد گوی سعادت که صرف کرد و بداد (سعدی) ۲. تعبیر «حق» در این آیه اشاره به آن است که این سه گروه در اموال شما شریک‌اند و حق دارند؛ پس اگر چیزی به آنان دادید حق آنان را می‌پردازید و متی بر آنان ندارید. ۳. در این آیه به سه گروه خویشاوندان، بینوایان و در راه ماندگان اشاره شده است؛ زیرا حق آنان یا نیاز آنان شدیدتر است. و یا این که این افراد حتی اگر مشمول زکات هم نباشند، کمک به آنان لازم است زیرا هزینه‌ی برخی خویشاوندان بر انسان واجب است و اگر به بینوایان و در راه ماندگان کمک نشود ممکن است جانشان به خطر بیفتد. «۲» ۴. مقصود از «وجه الله» ذات پاک خداست نه صورت خدا؛ زیرا خدا جسم نیست تا صورت داشته باشد. در حقیقت این تعبیر اشاره به شرط کمال عمل است که همان نیت خالص و انفاق برای خداست. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۱. ۵. در حدیثی از

ابوسعید خدری صحابه‌ی مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: هنگامی که این آیه فرود آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله فدک را به فاطمه علیها السلام بخشید و تسلیم او کرد. «۱» و همین مضمون از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز روایت شده است. «۲» و حضرت زهرا علیها السلام نیز در گفت‌وگو با ابوبکر در مورد فدک به همین مطلب اشاره کرده است. «۳» البته معنای آیه وسیع است و شامل همه‌ی خویشاوندان می‌شود، ولی داستان فدک و فاطمه علیها السلام مصداق کامل آن است. یعنی این آیه در مکه نازل شده و دستور آن شامل همه‌ی مؤمنان و خویشاوندان در هر مکان و زمان می‌شود، اما در مدینه، بعد از نزول مجدد آیه «۴» یا به خاطر اصل نزول آیه، «۵» فدک به فاطمه علیها السلام بخشیده شد. «۶» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خویشان، بینوایان و در راه ماندگان، در اموال شما حقوقی دارند که باید پردازید. ۲. در انفاق قصد خالص کنید که برای (کمال) شما بهتر است. ۳. انفاق با قصد خالص عامل رستگاری است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۲

قوانین الهی

قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی روم با نکوهش ربا خواری، به افزایش بخشش‌های خالص اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹. وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبِّا لِيَرْبُؤُوا فِي اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤُوا عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ و آنچه از ربا می‌دهید تا در اموال مردم افزون شود، پس نزد خدا فزونی نمی‌یابد؛ و آنچه از [مالیات زکات می‌پردازید، در حالی که (خشنودی) ذات خدا را می‌خواهید، پس تنها آنان (بدان) افزون یافتگان‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد این آیه دو تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود همان ربای حرام است که با بخشش‌های خالصانه مقایسه شده است. این آیه از نخستین آیاتی است که در مکه در مورد ربا نازل شده و فقط آن را نکوهش می‌کند. سپس در سوره‌های مدنی (هم‌چون بقره، آل عمران و نساء) تحریم شده است. ب) آیه اشاره به هدایایی دارد که افراد برای دیگران می‌فرستند و انتظار پاداش بیش‌تری دارند، که این هدایا فاقد ارزش اخلاقی و معنوی است ولی حرام نیست؛ چون شرط بازگشت بیش‌تر در آن نبوده است. «۱» طبق تفسیر دوم روایاتی از اهل‌بیت علیهم السلام رسیده است، «۲» ولی مانعی ندارد که هر دو تفسیر مورد نظر آیه باشد. ۲. مقصود از زکات در این آیه همان بخشش و یا زکات مستحبی است؛ آیه‌ی فوق مکی است و در محیط مکه هنوز حکم وجوب زکات نیامده بود. ۳. پاداش بخشش‌ها و زکات‌های مستحبی دو برابر یا چندین برابر است تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۳ که طبق آیات به ده برابر تا هفتصد برابر می‌رسد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رباخواری، برکت الهی ندارد. ۲. به بخشش و زکات مستحبی با نیت خالص روی آورید که عامل برکت است. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی روم با اشاره به وابستگی آفرینش، زندگی و مرگ انسان به خدا، به نفی شرک می‌پردازد و می‌فرماید: ۴۰. اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ خدا کسی است که شما را آفرید، سپس شما را روزی داد، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را زنده می‌کند؛ آیا از شریکان شما (که برای خدا هم‌تا قرار داده‌اید) کسی هست که از این (کارها) چیزی را انجام دهد؟! او منزّه و برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه چهار کار اساسی خدا در رابطه با بشر بیان شده است: آفرینش، روزی رسانی، میراندن و زنده ساختن مجدد انسان، که همه‌ی این‌ها دلیلی بر توحید و نفی شرک است؛ زیرا غیر از خدا کسی این کارها را انجام نداده است و شریکی در این موارد برای او نیست. «۲» ۲. اگر این امور چهارگانه به دست خداست، پرستش نیز مخصوص اوست حال آن که برخی افراد مقام پروردگار را در حدّ بت‌ها پایین آورده‌اند و خدا از این امور منزّه است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا را از کارهای او بشناسید. ۲. به ناتوانی معبودان غیر از خدا بنگرید و شرک نوزید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم و یکم سوره‌ی روم به رابطه‌ی گناه با تباهی جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱. ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ به خاطر دستاورد مردم،

تباهی در خشکی و دریا آشکارشد؛ تا (سزای) بعضی از آنچه انجام داده‌اند را به آنان بچشانند؛ باشد که آنان بازگردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یک قانون است که به صورت قضیه‌ی حقیقه بیان شده است و مخصوص زمان و مکان خاصی نیست. این قانون به ما می‌گوید که هر جا فساد پیدا شود بازتاب اعمال مردم است. ۲. برخی مفسران برآنند که آیه ناظر به قحطی و خشک‌سالی است که به خاطر نفرین مردم دامان مشرکان مکه را گرفت. ولی اگر این مطلب را از نظر تاریخی بپذیریم، بازهم معنای آیه محدود به آن عصر نمی‌شود، بلکه خشک‌سالی آن عصر یکی از مصادیق آیه است. «۱» ۳. مقصود از «فساد» در این آیه هرگونه مفاسد اجتماعی، بلاها و ممنوعیت نعمت‌ها و برکت‌هاست که در اثر خلافتکاری و گناه افراد به وجود می‌آید. ۴. هر کار خلاف و قانون‌شکنی که توسط افراد جامعه صورت می‌گیرد در سازمان اجتماع تأثیر می‌گذارد و هم‌چون غذای مسموم، پیکر اجتماع را بیمار می‌سازد و آثار سوء آن دامان انسان را می‌گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۵ برای مثال: دورغ‌گویی عامل سلب اعتماد عمومی است؛ خیانت در امانت، روابط اجتماعی را سست می‌کند؛ سوء استفاده از آزادی به دیکتاتوری می‌انجامد و استبداد، ظلم، تبعیض و محرومیت جامعه را به انفجار می‌کشاند. ۵. در احادیث اسلامی برخی آثار پنهان گناهان نیز بیان شده است که این آثار برای ما ناشناخته است: برای مثال، بیان شده که «قطع رحم» و ترک رفت و آمد با خویشاوندان، عمر انسان را کوتاه می‌کند و شیوع عمل زشت (زنا) عامل نابودی انسان می‌شود و روزی را کم می‌کند. «۱» و حتی در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که آنها که به وسیله‌ی گناه می‌میرند، بیش از کسانی هستند که با مرگ طبیعی از دنیا می‌روند. «۲» ۶. در این آیه به یکی از آثار تربیتی بلاها و آفت‌ها اشاره شده است که همان بیداری انسان از خواب غفلت و بازگشت به سوی خداست. ۷. مقصود از خشکی و دریا در این آیه هرگونه خشکی و دریایی است که بر اثر اعمال ناشایست انسان‌ها آلوده و تباہ می‌شود؛ یعنی ممکن است تمام جهان در اثر خلافتکاری انسان‌ها آلوده و فاسد شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناه و خلافتکاری انسان عامل تباہی جهان است. ۲. خلافتکاری نکنید که آثار زیانبار گناه دامان خود شما را می‌گیرد. ۳. مشکلات جهان زمینه‌ساز بیداری و بازگشت انسان‌هاست. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۶ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و دوم سوره‌ی روم مردم را به جهان‌گردی هدف‌دار فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۴۲. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانُوا أَكْثَرَهُمْ مُشْرِكِينَ بَٰغُوا: «در زمین گردش کنید و بنگرید فرجام کسانی که پیش از [شما] بودند چگونه بوده است! بیش‌تر آنان مشرک بودند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در آیات متعدد انسان‌ها را به گردشگری هدفمند فرا می‌خواند «۱» تا اسرار آفرینش و سرگذشت پیشینیان را مطالعه کنند و عبرت بیاموزند. ۲. گردشگری معمولاً گاهی بدون هدف است و گاهی با هدف گسترش دامنه‌ی استعمار و استثمار و انتقال فرهنگ‌های ناسالم صورت می‌گیرد. ولی جهان‌گردی در اسلام هدفی انسانی و صحیح دارد؛ یعنی مطالعه در اسرار جهان و سرگذشت ستمکاران و عبرت‌آموزی از آنها و گسترش فرهنگ سالم. ۳. اگر انسان به گردشگری در زمین بپردازد و قصرهای ویران شده و استخوان‌های پوسیده‌ی جباران را بنگرد و سرانجام کافران، ستمکاران و مشرکان را ببیند، می‌آموزد که راه سرکشان تاریخ را دوباره تجربه نکند و خود را به دامن عذاب و هلاکت نیفکند. ۴. اکثر پیشینیان مشرک بودند ولی با این حال هلاک شدند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۷ این هشدار است به مشرکان در گذشته و حال که پایان کار خویش را بنگرند و دست از سرکشی بردارند و نیز نوعی دل‌داری به مسلمانان است که از انبوه مشرکان نهراسند که در گذشته نیز (هم‌چون زمان ما) اکثریت مردم جهان مشرک بوده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان‌گردی هدف‌دار کنید. ۲. در گردشگری خود به فرجام گذشتگان توجه کنید و عبرت بگیرید. ۳. اکثریت جامعه‌ی بشری مشرک‌اند. *** قرآن کریم در آیات چهل و سوم تا چهل و پنجم سوره‌ی روم با دعوت به دین استوار به واکنش کافران و مؤمنان در برابر آن و فرجام آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۳-۴۵. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدِّعُونَ* مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُمْ يَمْهَدُونَ* لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ پس روی (وجود) خود را به سوی دین

استوار راست دار؛ پیش از آن که روزی فرا رسد که از [جانب خدا هیچ بازگشتی برای آن نیست؛ در آن روز (مردم) متفرق می‌شوند.* هر کس کفر ورزد، کفرش بر [زیان اوست؛ و کسانی که [کار] شایسته انجام دهند، پس به [سود] خودشان (فرجام نیکی) آماده می‌سازند.* تا (خدا) کسانی را که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، از بخشش خود پاداش دهد؛ [چرا] که او کافران را دوست نمی‌دارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند خطاب این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت روی سخن آیه با همه‌ی مسلمانان است که باید رو به سوی دین استوار کنند. ۲. مقصود از «دین قیّم» همان دین استوار اسلام است که برپادارنده‌ی نظام زندگی مادی و معنوی انسان است؛ از این رو لازم است که روی وجود خود را به سوی این دین استوار کنیم و منحرف نشویم. ۳. در این آیات به پراکندگی انسان‌ها در رستاخیز اشاره شده که نمادی از پراکندگی آنان در دنیا است؛ یعنی همان گونه که انسان‌ها در این دنیا به دو گروه کافر و مؤمن و در نتیجه در آن جا به دو گروه بهشتی و دوزخی تقسیم می‌گردند. ۴. در این آیات بیان شده که هر کس کفر ورزد، زیانش به خودش می‌رسد و هر کس ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، خودش سود می‌کند؛ یعنی کفر و ایمان و اعمال زشت و زیبای شما بر خدا اثری ندارد بلکه به خودتان باز می‌گردد و در اثر آن شاد یا غمگین می‌شوید. ۵. در این آیات بیان شده که در رستاخیز هیچ بازگشتی نیست. آری؛ عالم هستی مرحله‌ی مرحله‌ی دارد که پس از عبور از یک مرحله بازگشت به مرحله‌ی قبل ممکن نیست؛ برای مثال بازگشت انسان به مرحله‌ی طفولیت یا جنینی و یا از آخرت به دنیا ممکن نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دینی روی آورید که استوار باشد. ۲. قبل از رسیدن رستاخیز، تکلیف آیین خود را روشن سازید. ۳. «هر چه کنی به خود کنی.» ۴. هدف خدا، پاداش دادن به مؤمنان شایسته‌کردار است، نه کافران.*** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۹ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی روم به نشانه‌های خدا در وزش بادها و فواید آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُوكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ و از نشانه‌های او این است که بادها را مژده‌رسان می‌فرستد، تا شما را از (باران) رحمتش بچشاند و تا کشتی‌ها به فرمانش روان شوند و تا از بخشش او (روزی) بجوید و باشد که شما سپاس‌گزارى کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه فرستادن بادها مایه‌ی رحمت و بشارت معرفی شده است. بادها مژده‌رسان آمدن ابر و باران هستند و امید را در دل‌ها زنده و زمین‌های خشک را سیراب می‌کنند. بادها رحمت الهی هستند و گرما و سرما را تعدیل و هوا را تصفیه و تازه می‌کنند و از تأثیر حرارت شدید آفتاب می‌کاهند. بادها وسیله‌ی آمیزش گیاهان هستند و کشتی‌ها را به حرکت درمی‌آورند و مسافران و بارها را جابه‌جا می‌کنند. ۲. بادها وسیله‌ای برای روزی مردم هستند؛ زیرا با جابه‌جا کردن ابرها عامل رشد کشاورزی و با جابه‌جا کردن کشتی‌ها عامل رشد تجارت می‌شوند و در نتیجه، کار و تلاش زیادتر و روزی مردم بیش‌تر می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در گردش بادها و آثار آن، خداشناس شوید. ۲. به نعمت باد و فواید آن توجه و سپاس‌گزارى نمایید. ۳. بادها عامل حرکت و برکت هستند.*** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۰ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی روم به قانون الهی در مورد یاری مؤمنان و مجازات خلفاکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُومُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصِيرُ الْمُؤْمِنِينَ و به یقین، پیش از تو فرستادگانی را به سوی قومشان فرستادیم و با دلیل‌های روشن به سراغ آنان آمدند و از کسانی که خلفکاری کردند انتقام گرفتیم؛ و یاری مؤمنان، حقی بر عهده‌ی ماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل سخن از مبدأ آفرینش بود و در آیات بعد سخن از معاد و در این آیه سخن از نبوت است و بدین صورت سه اصل اساسی عقاید اسلامی تکمیل می‌شود. البته در آیات قبل و بعد، از فرستادن بادهای رحمت، و در این آیه از فرستادن پیامبران رحمت سخن گفته شده است. این هشدار است که کسانی که نعمت‌های مادی و معنوی به سوی آنان فرستاده می‌شود ولی ناسپاسی می‌نمایند. ۲. «انتقام» در مورد انسان‌ها به معنای نوعی حالت نفسانی و لذت است که در اثر مجازات دیگران به وجود می‌آید، اما در مورد خدا این حالت‌های نفسانی وجود ندارد و مقصود همان مجازات اعمال خود انسان‌هاست. ۳. در این آیه

یک سنت و قانون الهی در مورد یاری مؤمنان بیان شده است. این قانون با چند تأکید بیان می‌دارد «۱» که به طور مسلم یاری کردن مؤمنان بر عهده‌ی خداست و او بدون نیاز به دیگران این وعده را عملی می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۱ ۴. یاری مؤمنان گاهی دیر یا زود انجام می‌گیرد، ولی صورت‌های آن متفاوت است. گرفتاری‌ها و آلودگی‌های کافران که موجب نابودی آنان می‌شود، یکی از عوامل یاری مؤمنان است؛ همان طور که پیروزی‌های مؤمنان در صحنه‌های فرهنگی، نظامی و سیاسی از مظاهر امداد الهی است. البته گاهی نیز مؤمنان در اثر غفلت یا امتحان گرفتار شکست‌های موضعی می‌شوند که این شکست‌ها نیز خود مقدمه‌ی پیروزی‌های بزرگ‌تر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرستادن پیامبران الهی، پیشینه‌ای تاریخی دارد. ۲. پیامبران الهی دلیل آور بودند. ۳. امدادسانی به مؤمنان قانون حتمی الهی است (پس امیدوار باشید). ۴. خدا خلافکاران را مجازات می‌کند (پس مراقب باشید). ۵. اگر یاری الهی را می‌طلبید، مؤمن باشید، نه خلافکار. ***

نشانه‌های خدا در چرخه آب در طبیعت

قرآن کریم در آیات چهل و هشتم و چهل و نهم سوره‌ی روم به نشانه‌ی خدا در چرخه‌ی تولید ابر و باران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۸ و ۴۹. اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيُبْسِطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَنَزِلُ الرِّيحَ بِحَالِهِ فَذَاذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبِشِرُونَ. * وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْتَلِينَ خدای کسی است که بادهای را می‌فرستد و (آن بادهای) ابری را برمی‌انگیزد و (خدا) آن را در آسمان، هرگونه که بخواهد، می‌گستراند و آن را قطعه قطعه می‌گرداند، پس باران را می‌بینی در حالی که از لا به لای آن خارج می‌شود؛ و هنگامی که آن (باران) را به هرکس از بندگانش که بخواهد، برساند، ناگهان آنان شادی می‌کنند (و مژده می‌دهند)! * و مسلماً، پیش از آن که بر آنان فرو فرستاده شود، (دقیقاً تا) پیش از آن، مأیوس بودند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به چرخه‌ی تولید بادهای باران‌زا اشاره شده است؛ بادهای قطعات ابر را از دریاها به سوی زمین‌های خشک و تشنه می‌رانند و آنها را بر صحنه‌ی آسمان می‌گسترانند، سپس آن را مترکم و باران‌زا می‌سازند. ۲. قطرات باران به صورت ذرات کوچکی از لابه‌لای ابرها (سپس از میان بادهای) به طرف زمین می‌آیند؛ یعنی غلظت ابرها (و وزش بادهای) مانع خروج باران و رسیدن آنها به زمین نمی‌شود. ۳. در این آیه تأکید شده که قبل از نزول باران، یعنی چند لحظه قبل، چهره‌های مردم عبوس و مأیوس بود، اما ناگهان باران رحمت بارید و لب‌خندان شد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه‌ی چرخه‌ی باد و باران، خدا شناس شوید. ۲. باران عامل امیدواری و شادمانی جامعه است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی روم رویش زمین را شاهد معاد معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۵۰. فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند؛ قطعاً، آن (خدا) زنده کننده‌ی مردگان است و او بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعدد قرآن از باران با عنوان «رحمت» یاد شده است؛ «۲» زیرا تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۳ باران مظهر مهر الهی و مایه‌ی برکت و رحمت است و انسان و زمین مرده را سیراب و سرسبز می‌سازد و هوا را لطیف و صاف می‌کند و همه جا را شست‌وشو می‌دهد و هوا را تعدیل کرده به صورت نهرها و رودخانه‌ها جاری می‌شود و انسان به وسیله‌ی آن برق و نور تولید می‌کند. ۲. در آیات پیشین فرستادن ابرها و نزول باران را نشانه‌ای از نشانه‌های خدا معرفی کرد و اینک در این آیه از آثار نزول باران، یعنی زنده شدن زمین‌ها برای معاد شاهد می‌آورد یعنی قرآن از یک پدیده‌ی طبیعی برای مبدأ و معاد دلیل می‌آورد. این بهار نو ز بعد برگ‌ریز هست برهان وجود رستخیز در بهار آن سیرها پیدا شود هر چه خورده است این زمین رسوا شود (مولوی) ۳. قانون حیات و مرگ در طبیعت و انسان‌ها شبیه یک‌دیگرند. کسی که طبیعت مرده را به وسیله‌ی چند قطره باران زنده می‌کند، می‌تواند انسان‌های مرده را نیز زنده سازد، چراکه مرگ و حیات در همه جا به دست اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در چگونگی زنده شدن طبیعت، به حقایق

معاد پی‌بیرید. ۲. به پدیده‌های طبیعی بادقت بنگرید تا معادشناس شوید. ۳. احیاگر رستاخیز همان حیات‌بخش زمین است. ۴. باران مظهر مهر الهی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۴ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی روم به انسان‌های کم‌ظرفیت و ناسپاس اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصِيفًا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ (سوزان) بفرستیم و آن را زرد شده ببینند، حتماً بعد از آن ناسپاس می‌گردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به انسان‌های کم‌ظرفیتی اشاره شده که ایمان آنها به وزش یک باد بستگی دارد؛ یعنی اگر بادی مژده‌آور و باران‌زا بوزد، ایمان می‌آورند، ولی اگر (احیاناً) بادی سوزان و بدون باران بوزد و باعث نابودی مزرعه‌ی آنها شود، ناسپاسی می‌کنند و راه کفران در پیش می‌گیرند. بر خلاف مؤمنان واقعی که در همه حال سپاس‌گزار خدایند و این امور را امتحان الهی می‌دانند. ۳. «مُصِيفًا» به معنای رنگ زرد یا ظرف خالی است و در این جا مقصود بادهای زرد و تیره‌ی همراه با گرد و غبار و یا ابرهای زرد و نازک است که باران ندارند و یا گیاهان و درختان زرد که در اثر وزش بادهای زیان‌آور پژمرده می‌شوند. «۱» ۴. در آیات پیشین بادهای باران‌زا و مفید را به صورت جمع (ریاح) آورد و در این آیه از بادهای زیان‌آور به صورت مفرد (ریح) یاد شد. این تعبیر اشاره به آن است که بادهای زیان‌آور استثنایی و نادر است و در همان یک بار که می‌وزد اثر زیانبار خود را می‌بخشد، برخلاف بادهای مفید که زیاد است و تأثیر آن در وزش دائمی آن است. ۵. انسان‌های کم‌ظرفیت که بادهای مفید زیادی دیده‌اند و شادمان شده‌اند یک بار که باد زیان‌آور می‌بینند ناسپاسی می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کم‌ظرفیت نباشید و ایمان شما با یک باد زیانبار از بین نرود. ۲. اگر گاهی پدیده‌های طبیعی به شما زیان رساند، ناسپاسی نکنید (و به یاد نعمت‌های فراوان خدا باشید). ۳. ایمان باد آورده را باد می‌برد. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و دوم و پنجاه و سوم سوره‌ی روم مخاطبان پیامبر صلی الله علیه و آله را به چهار گروه تقسیم می‌کند و فقط مؤمنان را شنوندگان واقعی معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۵۲ و ۵۳. فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْكُفْرَانَ وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّةَ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ. * وَمَا أَنْتَ بِإِذِ الْعَمِيِّ عَيْنٍ ضَالَّتْ لَهُمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ پس، در حقیقت، تو نمی‌توانی سخن را) به گوش مردگان برسانی، و تو نمی‌توانی صدای کسی که گوش ناشنوایان برسانی، هنگامی که پشت کرده روی برمی‌تابند. * و تو راه‌نمای کور (دل)‌ها از گمراهی‌شان نیستی، (تو سخنت را) به گوش کسی نمی‌رسانی مگر کسانی که به نشانه‌های ما ایمان می‌آورند؛ چرا که آنان تسلیم شده‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مرگ و حیات و چشم و گوش دو گونه است: الف) مرگ و حیات و چشم و گوش طبیعی و ظاهری و جسمانی انسان که در این جهان مادی به کار گرفته می‌شود. ب) مرگ و حیات و چشم و گوش باطنی و معنوی انسان که برتر از حیات طبیعی و ظاهری انسان است و به وسیله‌ی آنها حقایق درک می‌شود و ریشه‌ی سعادت انسان در به کارگیری آنهاست؛ یعنی ممکن است برخی افراد به ظاهر زنده، اما از نظر معنوی مرده باشند و یا افرادی به ظاهر بینا و شنوا، ولی چشم و گوش خود را نسبت به حقایق بسته باشند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۶. ۲. انسان‌هایی حقایق را درک می‌کنند که قلبی آماده و چشمی بینا و گوش‌ی شنوا دارند، و گرنه هنگامی که انسان دل مرده باشد و چشم و گوش خود را به روی فهم حقایق بسته باشد، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله هم حاضر شود و آیات الهی را بر آنها بخواند، نتیجه نخواهد داشت. ۳. همه‌ی انسان‌ها دل و گوش و چشم دارند، ولی آنچه پرده بر آنها می‌اندازد و مانع درک حقیقت می‌شود، همان گناه، لجاجت، تقلید نا به جا و انحرافات است. ۴. در این آیه به سه مرحله‌ی مختلف از انحرافات و موانع درک حقایق اشاره شده است الف) مرحله‌ی شدید انحرافات دل‌مردگی و عدم درک حقایق به وسیله‌ی وجدان باطنی است. ب) مرحله‌ی بعدی ناشنوایی است؛ به ویژه ناشنوایی که از شنیدن حقایق گریزان‌اند و روی برمی‌تابند. ج) مرحله‌ی سوم نابینایی است؛ یعنی کسانی که چشم خود را بر روی حقایق می‌بندند که هدایت این افراد در گمراهی‌ها دشوار است. «۱» ۵. در این آیات از بینایی و شنوایی انسان نام برده شده، ولی از حواس دیگر انسان نامی به میان نیامده است؛ شاید به خاطر آن که اکثر معلومات انسان از طریق گوش و چشم به دست می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دل‌مردگان و ناشنوایان حقیقت‌گریز و کسانی که چشم خود را بر حقایق بسته‌اند

بهره‌ای از سخنان رهبران الهی نمی‌برند. ۲. ایمان و تسلیم، زمینه‌ساز بهره‌گیری از رهنمودهای رهبران الهی است. ۳. دل‌مردگی و چشم و گوش شنوا نداشتن، مانع هدایت انسان است پس رهبران الهی برای این‌گونه افراد سرمایه‌گذاری نکنند. * * * تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۷ قرآن کریم در آیه پنجاه و چهارم سوره‌ی روم ناتوانی و توانایی انسان را یکی از نشانه‌های خدا معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۵۴. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ خدا کسی است که شما را از کم‌توانی آفرید؛ سپس بعد از کم‌توانی، نیرویی قرارداد، آن‌گاه بعد از نیرو (مندی) کم‌توانی و پیری قرارداد؛ (خدا) آنچه را بخواهد، می‌آفریند؛ و او دانا [و] تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه سرگذشت انسان را در سه مرحله به تصویر کشیده است: الف) مرحله‌ی کودکی که در این مرحله انسان فردی ناتوان است. ب) مرحله‌ی جوانی است که فردی توانمند می‌گردد. ج) مرحله‌ی پیری که در این مرحله انسان دوباره ضعیف می‌شود. آری؛ این دگرگونی‌ها و فراز و نشیب‌ها دلیل این حقیقت است که نیرومندی و ناتوانی انسان در اختیار او نیست و شخص دیگر زندگی او را رهبری می‌کند. ۲. در این آیه در مورد ناتوانی مرحله‌ی سوم، کلمه‌ی «پیری» را اضافه می‌کند، در حالی که در مورد ضعف مرحله‌ی اول، کلمه‌ی «کودکی» را نیاورد. شاید به خاطر آن که ناتوانی پیری دردناک‌تر است؛ چراکه اولاً، رو به سوی مرگ می‌رود و ثانیاً، مردم از افراد پیر انتظارات زیادی دارند که از کودکان ندارند، در حالی که ناتوانی آنان یکسان است. «۱» ۳. اشاره به علم و قدرت خدا در پایان آیه، نوعی هشدار و بشارت است به این که خدا از اعمال و نیت‌های شما آگاه و برپاداش و کیفر شما تواناست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه‌ی مراحل مختلف توانمندی و ناتوانی انسان، خداشناس شوید. ۲. فراز و نشیب‌های زندگی بشر دلیل بر علم و قدرت الهی است. * * * قرآن کریم در آیات پنجاه و پنجم و پنجاه و ششم سوره‌ی روم به گفت‌وگوی مؤمنان و خلفاکاران در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵ و ۵۶. وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ. * وَقَالَ الَّذِينَ اتُّووا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ و روزی که ساعت (قیامت) برپا می‌شود، خلفاکاران سوگند یاد می‌کنند که غیر از ساعتی (در دنیا یا برزخ) درنگ نکردند! این چنین (از درک حقیقت) بازگردانده می‌شدند. * و [لی کسانی که دانش و ایمان به آنان داده شده است، می‌گویند: «به یقین، (بر اساس آنچه) در کتاب (علم) خداست، تا روز رستاخیز درنگ کردید، و این، روز رستاخیز است و لیکن شما هرگز نمی‌دانستید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ساعة» به معنای یک لحظه‌ی ناگهانی است و به رستاخیز هم ساعه می‌گویند؛ چون در یک لحظه برپا می‌شود و یا اعمال بندگان به سرعت رسیدگی می‌شود. در این آیه واژه‌ی ساعه به هر دو معنا به کار رفته است. ۲. در این آیه محل توقف مجرمان مشخص نشده است، اما مفسران در این مورد دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود توقف مجرمان در دنیا باشد که هم‌چون لحظه‌ای زودگذر است. ب) مقصود توقف خلفاکاران در برزخ باشد که تا رستاخیز ادامه دارد، ولی هنگامی که به رستاخیز می‌رسند آن را ساعتی می‌پندارند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۹ البته مانعی ندارد که مقصود آیه هر دو معنا باشد. ۳. مجرمان سوگند یاد می‌کنند که در دنیا یا برزخ لحظه‌ای بیش درنگ نکرده‌اند، در حالی که این مطلب دروغ است. البته مجرمان به طور غیر عمد سوگند دروغ می‌خورند؛ چون واقعاً خیال می‌کنند که لحظه‌ای بیش درنگ نکرده‌اند. آری؛ چهره‌ی واقعی مطالب برای آنان دگرگون شده است. «۱» ۴. مقصود از «کتاب الله» در این آیات کتاب علم الهی است؛ «۲» یعنی مدت درنگ مجرمان در دنیا یا برزخ در نزد خدا مشخص و در کتاب علم او ثبت شده است. ۵. در این آیات علم بر ایمان مقدم شده است. شاید این تعبیر اشاره به آن باشد که علم پایه‌ی ایمان است. ۶. مقصود از صاحبان علم و ایمان، امامان معصوم علیهم السلام از نسل علی علیه السلام هستند و در برخی احادیث آمده است که مقصود از صاحبان علم و ایمان، امامان معصوم علیهم السلام از نسل علی علیه السلام هستند. «۳» البته مانعی ندارد که همه‌ی این موارد مصداق آیه باشد؛ هر چند ائمه علیهم السلام مصداق کامل آیه هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خلفاکاران برآورد صحیحی از زمان ندارند. ۲. دانشمندان با ایمان حقایق زمان و وقایع رستاخیز را درک می‌کنند (شما

هم این گونه باشید). ۳. به گفت‌وگوی خلافکاران و دانشمندان در رستاخیز توجه کنید و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۰ درس عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیه پنجاه و هفتم سوره روم به فایده نداشتن عذرخواهی ستمکاران در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷. فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْرِذُ رَبُّهُمْ وَلَا هُمْ يُشْفَعُونَ و در آن روز، کسانی که ستمکاری کردند عذرخواهی آنان سودی ندارد و از آنان تقاضای عذرخواهی نمی‌شود (تا مورد رضایت قرار گیرند). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی آیات قرآن بیان شده که اصلاً به مجرمان اجازه‌ی عذرخواهی داده نمی‌شود «۱» اما از ظاهر این آیه استفاده می‌شود که آنان عذرخواهی می‌کنند ولی عذرخواهی آنان سودی ندارد. این دو مطلب چگونه با هم سازگار است؟ پاسخ آن است که منافاتی بین این دو مطلب وجود ندارد. رستاخیز مراحل مختلفی دارد که در برخی مراحل به گناهکاران اجازه‌ی سخن گفتن داده نمی‌شود و در برخی مراحل اجازه داده می‌شود، ولی عذرخواهی آنان سودی ندارد. ۲. ستمکاران در رستاخیز عذرخواهی و عذرتراشی می‌کنند؛ یعنی گاهی گناه خود را به گردن سردم‌داران کفر «۲» و گاهی انحراف خود را به دوش شیطان می‌اندازند. «۳» ولی سردم‌داران کفر و شیطان به آنان پاسخ می‌دهند که خودتان را سرزنش کنید که هدایت به سراغتان آمد، ولی گمراهی را برگزیدید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناهکاران اگر می‌خواهند معذرت‌خواهی و توبه کنند در همین دنیا انجام دهند که در رستاخیز دیر است. ۲. ستمکاران از روزی بترسند که حتی عذرخواهی‌شان سودی ندارد. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هشتم و پنجاه و نهم سوره روم به مثال‌های هدایت‌آمیز قرآن و واکنش منفی کافران ناآگاه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۸ و ۵۹. وَلَقَدْ صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْتَطَلُونَ. * كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ و به یقین، برای مردم در این قرآن از هر (گونه) مثالی زدیم، و اگر آیه‌ای برای آنان بیاوری، قطعاً، کسانی که کفر ورزیدند، می‌گویند: «شما جز باطل گرا نیستید.»* این گونه خدا بر دل‌های کسانی که نمی‌دانند، مهر می‌نهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قرآن کریم مثال‌ها و مطالب متنوعی وجود دارد که برای همه‌ی مردم مفید و بیدار کننده است. آری؛ قرآن مجموعه‌ای از داستان‌های عبرت‌آموز پیشینان، مسائل اخلاقی و برنامه‌های عملی، هشدارها و بشارت‌ها و مثال‌هایی از طبیعت است که همگی یک هدف را دنبال می‌کنند و آن هدایت است. ۲. کافران خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، بلکه به همه‌ی طرف‌داران خدا می‌گویند که شما بر باطل هستید. این تهمت شامل همه‌ی تهمت‌ها هم چون نسبت دروغ، سحر، جنون و اساطیر می‌شود و کافران در طول تاریخ این تهمت‌ها را به پیامبران و مؤمنان می‌زدند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۲. ۳. «یَطْبَعُ» در اصل به معنای مهر نهادن است؛ هنگامی که می‌خواهند چیزی دست نخورده بماند، آن را محکم می‌بندند و با وسیله‌ای بر آن مهر می‌زنند. این تعبیر کنایه از دل‌های نفوذناپذیر است. آری؛ دل‌های افراد جاهل در اثر گناه، لجاجت و ناآگاهی حسّ تشخیص خود را از دست می‌دهند و چیزی را درک نمی‌کنند. گویا مهری بر آن نهاده شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شما در قرآن مطالب متنوعی می‌یابید (پس از آنها استفاده کنید). ۲. کافران در برابر آیات الهی واکنش منفی و تهمت‌آمیز نشان می‌دهند (شما این گونه نباشید). ۳. ریشه‌ی انحراف کافران، ناآگاهی و کوردلی آنان است. *** قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره روم خواستار شکیبایی و گران‌سنگی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شود و با دل‌داری به ایشان می‌فرماید: ۶۰. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ پس شکیبیا باش که وعده‌ی خدا حق است؛ و هرگز کسانی که یقین ندارند تو را (بی‌ثبات و) سبکساز نسازند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا در آیات قرآن مکرر به مؤمنان وعده‌ی یاری داده است «۱» که آنها را بر کافران پیروز سازد و جانشین و خلیفه‌ی زمین گرداند. اینک در این آیه با یادآوری این وعده‌ها به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد. ۲. روی سخن این آیه با پیامبر صلی الله علیه و آله است اما در حقیقت وظایف رهبران تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۳ الهی و اسلامی را بیان می‌کند. ۳. در این آیه دو دستور اساسی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌دهد: الف) شکیبایی در برابر مشکلات؛ ب) گران‌سنگی و متانت که شایسته‌ی یک رهبر الهی است. ۴. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که صبر کن و

مراقب باش که تو را عصبانی و خشمگین نکنند، تا سبک شوی، بلکه گران سنگ و با متانت و استوار باش. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر دشمن شکبیا و گران سنگ باشید. ۲. وعده‌ی (پیروزی) الهی حتمی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۵

بخش سوم: سوره‌ی لقمان

اشاره

یادآوری مبدأ و معاد پنندهای گرانمایه‌ی لقمان اشارات علمی به نیروی جاذبه و زوجیت گیاهان تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۷

اول: سیمای سوره‌ی لقمان

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدای گسترده مهر مهرورز

شمارگان

شمارگان: سوره‌ی لقمان که در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد، دارای ۳۴ آیه، ۵۴۲ کلمه و ۲۱۱۰ حرف است.

نزول

این سوره پنجاه و ششمین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی صافات و قبل از سوره‌ی سبأ) و اندکی قبل از هجرت نازل گردیده است، اما در چینش کنونی قرآن سی و یکمین سوره به شمار می‌آید. نام: تنها نام این سوره «لقمان» است. این نام گذاری به مناسبت آیه‌ی ۱۲ به بعد این سوره است که در آن جا نامی از لقمان برده شده و پنندهای گرانمایه‌ی را به فرزندش مطرح گردیده است.

فضایل

در مورد فضیلت قرائت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: هر کس سوره‌ی لقمان را بخواند، لقمان در قیامت رفیق و دوست او خواهد بود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۸ تذکر: روشن است که خواندن سوره‌ی لقمان و عمل به نصیحت‌های او می‌تواند انسان را از نظر اخلاق و عقاید شبیه لقمان سازد و همین شباهت روحی سبب رفاقت در قیامت خواهد شد. ویژگی‌ها: این سوره نیز با حروف مقطعه «الم» شروع می‌شود و یکی از سوره‌های اخلاقی قرآن به شمار می‌آید. در این سوره از داستان‌های پیامبران خبری نیست و کم کم مردم را با احکام (مثل نماز، زکات، امر به معروف ...) آشنا می‌کند.

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌انداز: ۱. یادآوری توحید با ذکر نشانه‌های خدا؛ ۲. یادآوری قیامت؛ ۳. پنندهای اخلاقی برای سازندگی روحی انسان.

مطالب

مهم‌ترین مطالبی که در سوره‌ی لقمان وجود دارد عبارت‌انداز: الف) عقاید ۱. دلایل توحید و نشانه‌های خدا در آفرینش جهان (در آیات ۲۹-۳۱)؛ ۲. نهی از شرک که ظلم بزرگی به نفس انسان است (در آیه‌ی ۱۳)؛ ۳. یادآوری علم بی‌پایان الهی با ذکر مثال و موارد علم غیب (در آیات ۱۶، ۲۷ و ۳۴)؛ ۴. تذکری درباره‌ی توحید فطری در کوران حوادث (در آیه‌ی ۳۲)؛ ۵. تذکرات و هشدار درباره‌ی قیامت (در آیات ۴ و ۲۲). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۹ ب) اخلاق ۱. نکوهش سرگرمی‌های ناسالم که انسان را از راه خدا بازمی‌دارد (در آیه‌ی ۶)؛ ۲. پندهای گرانمایه‌ی لقمان به فرزندش در مورد توحید، نیکی به پدر و مادر، نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر، خوش‌رویی با مردم، تواضع و نیز اعتدال در امور (در آیات ۱۲-۱۹)؛ ۳. بیان صفات نیکوکاران (در آیات ۳-۵)؛ ۴. بیان فریبندگی دنیا (در آیه‌ی ۳۳). ج) احکام ۱. تذکری درباره‌ی نماز (در آیات ۴ و ۱۷)؛ ۲. تذکری درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر (در آیه‌ی ۱۷)؛ ۳. تذکری درباره‌ی زکات (و انفاق مالی) (در آیه‌ی ۴). د) داستان لقمان و فرزندش و نصیحت‌های خیرخواهانه به او (در آیات ۱۲-۱۹). ه) مطالب فرعی ۱. اشاره‌ای به عظمت قرآن و رحمت بودن آن برای مؤمنان (در آیات ۲-۳)؛ ۲. اشاره‌ای به نیروی جاذبه و آسمان‌های بدون ستون (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۳. اشاره‌ای به زوجیت گیاهان (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۴. نکوهش تقلید از پدران در مورد بت‌پرستی (در آیه‌ی ۲۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۱

دوم: محتوای سوره‌ی لقمان

عظمت و حکمت قرآن

قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی لقمان به عظمت قرآن و صفات و اهداف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۳. الم * تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ * هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ الف، لام، میم. * آن آیات کتاب حکمت‌آمیز است؛ * در حالی که رهنمود و رحمتی برای نیکوکاران است؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حروف مقطعه همان حروف بریده‌ی الفباست که در آغاز ۲۹ سوره از سوره‌های قرآن آمده است. این حروف از اسرار قرآن است که مفسران قرآن برای آنها تفسیرهای متعددی بیان کرده‌اند که ما در ذیل آیات آغازین سوره‌های بقره و روم در این مورد مطالبی بیان کردیم. ۲. ضمیر «تلك» در ادبیات عرب برای اشاره به دور به کار می‌رود و معادل کلمه‌ی اشاره‌ی «آن» در فارسی است؛ در حالی که قرآن نزدیک بود و می‌بایست واژه‌ی هنده (این) را به کار می‌برد. این نشان دهنده‌ی عظمت قرآن است که گویی در نقطه‌ای دور دست و در اوج آسمان‌ها قرار گرفته است. «۱» ۳. «کتاب» به معنای «نوشته شده» است و در این جا مقصود قرآن کریم است که در صفحه‌ی علم الهی (لوح محفوظ) نوشته شده یا بخشی از آن که فرود آمده و نوشته یا آماده‌ی نوشته شدن است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۲ ۴. «آیات» جمع آیه، به معنای نشانه است و در فرهنگ قرآن گاهی واژه‌ی آیه به معنای معجزه هم به کار می‌رود. آری؛ آیات قرآن نشانه‌های خدا و معجزات اوست که تبلور یافته است. ۵. «حکیم» در اصل از ماده‌ی «حکم» به معنای جلوگیری از چیزی برای اصلاح آن است و حکمت آن است که به وسیله‌ی علم و عقل حق را بشناسیم و هنگامی که به قرآن، کتاب حکیم گفته می‌شود، مقصود آن است که در آن حکمت وجود دارد «۱» و یا منظور استحکام محتوای قرآن است که باطل و خرافه در آن راه نمی‌یابد و یا آن که قرآن هم‌چون حکیمی فرزانه است که در عین خاموشی با هزاران زبان با ما سخن می‌گوید. البته مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد. ۶. «هدایت» و راه‌نمایی درجات و مراتبی دارد که برخی مراحل آن برای همه‌ی مردم قابل استفاده است و برخی مخصوص مؤمنان، نیکوکاران و پارسایان است؛ «۲» یعنی برای استفاده از برخی مراتب محتوای عالی قرآن نیاز به زمینه‌سازی درونی است و افراد هواپرست و متعصب یا لجوج نمی‌توانند از همه‌ی مراحل هدایت قرآن استفاده کنند؛ همانند زمین شوره‌زاری که نمی‌تواند از زلال باران استفاده

کند و لاله برویاند. ۷. قرآن هدایتگر است و نور هدایت آن می‌درخشد و اگر کسی زمینه و آمادگی دریافت این نور را نداشت، اشکال از گیرنده است و گرنه چراغ نورافشان قرآن مشکلی و بخلی در هدایت‌گری ندارد. ۸. «هدایت» در حقیقت مقدمه‌ای برای رحمت الهی است؛ یعنی هرگاه انسان در پرتو نور قرآن حقایق را دریافت و آنها را در عمل پیاده کرد، مشمول رحمت الهی و نعمت‌های او می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۳. ۹. این آیات «قرآن» را مایه‌ی هدایت «مُحْسِنِينَ» یعنی «نیکوکاران» شمرده‌اند. مقصود از نیکوکاران افرادی هستند که ایمان را در زندگی خود پیاده کرده‌اند که به صورت پرستش (نماز) و پرداخت (مالیات زکات) نمودار شده است. در آیات بعد صفات این افراد بیان خواهد شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. این سوره را با همین حروف معمولی الفبا شروع کردیم (اگر می‌توانید مثل آن را بیاورید). ۲. قرآن کتابی با عظمت، فرزانه صفت، هدایتگر و رحمتگر است (پس قدر آن را بدانید و از مطالب عالی آن استفاده کنید). ۳. نیکوکار باشید تا از مراتب عالی هدایت و رحمت قرآن بهره‌مند شوید. ***

ویژگی‌های نیکوکاران

قرآن کریم در آیات چهارم و پنجم سوره‌ی لقمان ویژگی‌های نیکوکاران را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۴ و ۵. الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ * أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًىٰ مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (همان) کسانی که نماز را برپا می‌دارند و [مالیات زکات را می‌پردازند و آنان خود به آخرت یقین دارند. * آنان از راه‌نمایی پروردگارشان برخوردارند، و تنها آنان رستگارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات «اقامه‌ی نماز» نه «خواندن و قرائت نماز» از ویژگی نیکوکاران مؤمن بیان شده است؛ چرا که آنان نه تنها نماز می‌خوانند، بلکه نماز را برپا می‌دارند و عامل ترویج فرهنگ نماز در جامعه می‌شوند. ۲. در این آیات پرداخت «زکات» یکی از ویژگی‌های نیکوکاران شمرده تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۴ شده است، در حالی که سوره‌ی لقمان در مکه نازل شده است که هنوز در مکه زکات واجب نشده بود. از این رو برخی مفسران برآنند که مقصود از «زکات» در این آیه زکات مستحبی است که شامل هرگونه انفاق و بخشش مالی می‌شود. «۱» پرداخت زکات مستحبی نشانه‌ی نیکوکاری است، و گرنه پرداخت زکات واجب و وظیفه‌ی هر مسلمان است. ۳. نیکوکاران از طریق پرداخت زکات، اموال خود را پاک می‌کنند و رشد می‌دهند و به بینوایان جامعه نیز رسیدگی می‌کنند؛ یعنی ارتباط خود را با توده‌ی مردم حفظ می‌کنند. ۴. نیکوکاران به فرجام هستی و معاد یقین دارند و می‌دانند او جهان را بی‌هدف نیافریده است و جهان فرجامی حسابگرانه دارد. ۵. اعتقاد به معاد، انسان را در برابر مشکلات زندگی و مصیبت‌ها مقاوم می‌سازد و او را به انجام کارهای نیک برای به دست آوردن پاداش، تشویق می‌کند و از انجام گناهان بازمی‌دارد. ۶. واژه‌ی «هدی» در این آیه نکره آمده است؛ یعنی هدایتی که از خدا به آنان می‌رسد بسیار عظیم و هم‌چون مرکب راهواری در اختیار آنهاست «۲» که با آن به سوی سعادت و رستگاری رهسپارند. ۷. واژه‌ی «مفلحون» از ریشه‌ی «فلاح» به معنای شکافتن است. به کشاورز هم فلاح می‌گویند چون دل زمین را می‌شکافد و دانه می‌کارد و ثمر می‌گیرد و فلاح دنیوی همان پیروزی و سعادت و فلاح اخروی همان سعادت و عزت و بقای اخروی است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۵. ۸. تنها راه رستگاری و پیروزی، همان راه نیکوکاران است «۱»؛ کسانی که با خدا و خلق ارتباط دارند و معاد را باور کرده‌اند و اهل هدایت و رستگاری هستند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدایت نیکوکاران پیروز، نمازگزاران زکات‌دهنده و معاد باوران، تضمین شده است. ۲. نیکوکار واقعی کسی است که اعتقادات او صحیح و اهل عمل است. ۳. نیکوکاری و رستگاری بدون ارتباط با خالق و خلق ادعایی بیش نیست. ۴. به مبدأ، معاد و اقتصاد دنیوی توجه داشته باشید تا نیکوکار و هدایت یافته شوید. *** قرآن کریم در آیات ششم و هفتم سوره‌ی لقمان به اهداف بیهوده‌گرایان و واکنش منفی آنان در برابر آیات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶ و ۷. وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَتَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ * وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلِيٰ

مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ و از مردم کسی است که سخن سرگرم کننده (و بیهوده) را می‌خرد، تا بدون هیچ دانشی (مردم را) از راه خدا گمراه سازد و آن (آیات) را به ریشخند گیرد؛ آنان، عذابی خوارکننده برایشان (آماده) است.* و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبرانه روی برمی‌تابد، گویا آن را نشنیده است؛ چنان که گویی در تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۶ گوش‌هایش سنگینی است؛ پس او را به عذاب دردناکی مژده ده! شأن نزول: حکایت کرده‌اند که «نَضْر بن حارث» مردی تاجرپیشه بود و به ایران مسافرت می‌نمود و داستان‌های ایرانیان، هم‌چون داستان رستم و اسفندیار و کسری را برای مردم عرب بازگو می‌کرد و می‌گفت: اگر محمد سرگذشت عاد و ثمود را برای شما بازگو می‌کند من این‌ها را می‌گویم و برخی مشرکان دور او حلقه زده، قرآن را ترک می‌کردند. این آیات بدین مناسبت فرود آمد و بیهوده‌گرایان را سرزنش کرد. البته برخی مفسران نیز حکایت کرده‌اند که این آیات درباره‌ی مردی فرود آمد که کنیزی آوازه‌خوان خرید که برای او خوانندگی می‌کرد و او را از یاد خدا غافل می‌ساخت. البته مانعی ندارد که آیات در مورد هر دو جریان نازل شده باشد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این‌جا مقصود از خریداری کردن سخنان بیهوده چیست؟ الف) ممکن است منظور هزینه کردن و خریداری کردن افسانه‌های خرافی و باطل باشد همان‌طور که در شأن نزول بیان شد. ب) شاید مقصود هزینه کردن برای برپایی مجالس لهو و لعب باشد؛ همان‌طور که در مورد خریداری کنیز آوازه‌خوان گذشت. ج) شاید مقصود از «خریدن» در این‌جا معنای کنایی آن باشد؛ یعنی هرگونه تلاش برای رسیدن به مطالب بیهوده و مجالس لهو. البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۷ ۲. «لَهُوَ الْحَدِيثُ» به معنای «سخنان بیهوده» است، ولی در این‌جا مفهوم گسترده‌ای دارد که شامل هرگونه سخنان و آهنگ‌های فسادانگیز می‌شود که بیهوده، بی‌هدف، غفلت‌زا و گمراه‌کننده است که غنا یکی از مصادیق آن است. ۳. این آیه به دو مطلب اشاره دارد: الف) محتوای بیهوده‌ی سخنان، هم‌چون اشعار عاشقانه‌ی فسادانگیز و یا داستان‌های خرافی که موجب گمراهی مردم می‌شود و نیز سخنان ریشخندآمیز که با هدف مبارزه با حق گفته می‌شود. ب) آهنگ صدا و لحن شهوت‌انگیز و هوس‌آلود که افراد را به فساد می‌کشاند. ۴. در احادیث اسلامی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: مجلس غنا، مجلسی است که خدا به اهل آن نظر نمی‌کند (و آنان را مشمول لطف خود نمی‌سازد) و این همان چیزی است که خدا فرمود: «و از مردم کسی است که سخنان بیهوده را خریداری می‌کند تا مردم را از راه خدا گمراه سازد». «۱» و در احیث متعددی از اهل بیت علیهم السلام عمل غنا سرزنش شده و تعلیم و مزد افرادی که به غنا می‌پردازند، حرام شمرده شده است و این را کار فاسقان نامیده‌اند. «۲» ۵. اصل حرام و ممنوع بودن «غنا» از جمله مسائلی است که دانشمندان شیعه و بسیاری از اهل سنت بر آن اتفاق دارند، ولی در مورد مفهوم و مصادیق آن اختلاف نظر وجود دارد و برخی موارد را استثنا کرده‌اند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۸ ۶. غنای حرام آن صوت و آهنگی است که مناسب مجالس اهل گناه و فساد باشد و قوای شهوانی انسان را تحریک کند که به دو صورت است: الف) گاهی محتوای صوت و آهنگ (یعنی اشعار آن) هر دو فسادانگیز و حرام است. ب) گاهی فقط آهنگ آن طرب‌انگیز و فسادآور و حرام است هرچند محتوای آن اشعار عالی، مناجات، قرآن یا دعا باشد؛ یعنی آنها را طوری می‌خوانند که مناسب مجالس عیاشان و فسادگران است. «۱» که در هر دو صورت، ممنوع و حرام است. «۲» ۷. برخی از موارد «غنا» استثنا حلال شمرده شده است؛ از جمله: الف) صدای خوش و زیبا که مناسب مجالس لهو و فساد نباشد. از این رو سفارش شده که قرآن را با صدای خوش بخوانید و با صدای نیکو اذان بگویید. ب) آهنگ‌های حماسی که مناسب میدان‌های نبرد و ورزش است. ج) اشعاری که برای تحریک شتران در قافله‌ها خوانده می‌شده است. «۳» ۸. در مواردی که شک شد، صدایی یا آهنگی غنا و حرام است یا نه، اصل برائت است؛ یعنی شنیدن آن جایز است تا هنگامی که حرام بودن آن ثابت شود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۹ ۹. فلسفه‌ی ممنوعیت غنا و سخنان بیهوده چیست؟ در این مورد می‌توان به چند مطلب اشاره کرد: الف) هدف سخنان باطل و بیهوده، گمراه ساختن مردم از راه خداست و کسی که به دنبال مجالس بیهوده‌گرایان برود، کم از کم از یاد خدا غافل

و در نهایت گمراه می‌شود و کارش به جایی می‌رسد که آیات الهی را مسخره می‌کند. ب) غنا و مجالس بیهوده گرایان انسان را به فساد اخلاقی می‌کشاند که در جهان امروز شواهد زیادی دارد. ج) آهنگ‌های تند و فسادانگیز بر اعصاب و روان انسان اثر منفی دارد. د) غنا، آهنگ‌های فسادانگیز و صداهای شهوت‌انگیز یکی از ابزارهای استعمارگران است که با ایجاد مراکز فحشا و سرگرمی‌های ناسالم می‌کوشند ملت‌ها را سرگرم و غافل سازند و منابع آنان را به غارت ببرند و آنها را از برنامه‌های سازنده بازدارند تا عقب‌افتاده و نیازمند آنان شوند. ۱۰. تعبیر «لَهُوَ الْحَدِيثُ» به معنای «بیهوده سخن» است، در حالی که می‌بایست بگوید: «الحديث للهوى» (سخن بیهوده). این تعبیر اشاره به آن است که هدف اصلی این افراد همان سرگرمی و بیهودگی است و سخن وسیله‌ای برای رسیدن به آن است. ۱۱. در این آیات بیان شده که هدف بیهوده گرایان، گمراه ساختن مردم است. این هدف شامل انحرافات اعتقادی و اخلاقی می‌شود؛ همان طور که در شأن نزول گذشت که به هردو نوع انحراف اشاره شده بود. ۱۲. تعبیر «بَغْيِرِ عِلْمٍ» وصف گمراه کنندگان است؛ یعنی بیهوده گرایان افرادی نادان هستند که براساس جهل و تقلید کورکورانه اقدام به این کارها می‌کنند و جاهلانه دیگران را در دام گمراهی و فساد گرفتار می‌سازند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۰، ۱۳. بیهوده گرایان در سرگرمی‌ها و مجالس لهو، آیات قرآن را به ریشخند می‌گیرند؛ از این رو در رستاخیز گرفتار عذاب خوارکننده می‌شوند؛ یعنی عذاب آنان باگناه آنان متناسب است و همان طور که به قرآن توهین کردند، در رستاخیز توهین و خوار می‌شوند. ۱۴. تعبیر «وَلْيُؤْتِكُمْ كِبْرًا» اشاره به آن است که بیهوده گرایان گمراه کننده، نه فقط به خاطر منافع مادی و هوس‌هایشان از آیات الهی روی برمی‌تابند، بلکه انگیزه‌ی متکبرانه دارند که این تکبر در برابر خدا و آیات او از بزرگ‌ترین گناهان است. ۱۵. در این آیات به متکبران در برابر آیات الهی مژده‌ی آتش داده شده است. به کار بردن تعبیر «مژده» برای آتش و عذاب، نوعی ریشخند متکبرانی است که آیات الهی را ریشخند می‌کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از بیهوده گرایان و متکبران در برابر آیات الهی برحذر باشید که هدف آنان گمراهی شما و ریشخند قرآن است. ۲. به دنبال سرگرمی‌های هدف‌دار باشید. ۳. سرگرمی‌های بی‌هدف و ناسالم، انسان را به گمراهی و موضع‌گیری در برابر آیات الهی می‌کشاند. ۴. نسبت به آیات قرآن بی‌اعتنا و متکبر نباشید. ۵. گوشی که آیات الهی را نشنود، گویا کم‌شنو است. ۶. انسان کوردل به جایی می‌رسد که مطالب باطل را خریداری می‌کند، اما آیات حق الهی را به طور رایگان نمی‌پذیرد. ۷. و بیهوده گرایان و مستکبران، در برابر قرآن، فرجامی عذاب‌آلود دارند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۱ قرآن کریم در آیات هشتم و نهم سوره‌ی لقمان به فرجام مؤمنان شایسته کردار و وعده‌ی حق الهی در این مورد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸ و ۹. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ در حقیقت، کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، بوستان‌های پر نعمت (بهشت) برای آنهاست؛* در حالی که در آن‌جا ماندگارند؛ [این وعده‌ی حق خداست؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، «مقایسه» است؛ یعنی گروه‌های مختلف اجتماعی و صفات و کردار و نتیجه‌ی کارهای آنها را در کنار یک‌دیگر قرار می‌دهد تا خواننده با مطالعه و مقایسه‌ی آنها بتواند راه صحیح را انتخاب کند. در آیات نخستین سوره‌ی لقمان نیز افراد گمراه بیهوده‌گرا و فرجام عذاب‌آلود آنان با مؤمنان شایسته کردار و فرجام نیکوی آنان مقایسه شده است. ۲. افراد مؤمن آگاهانه و به حکم عقل ایمان آورده‌اند و در برابر آیات الهی فروتن هستند و آنها را در زندگی خویش عمل می‌کنند و به دنبال کارهای هدف‌دار شایسته می‌روند؛ در حالی که بیهوده گرایان نا آگاهانه به دنبال گمراهی می‌روند و کارهای آنان هدفمند و شایسته نیست. ۳. فرجام بیهوده گرایان گمراه، عذاب دردناک الهی است، ولی فرجام مؤمنان شایسته کردار بهشت پر نعمت الهی است این در حالی است که مؤمنان چیزی اضافه دارند که همان جاودانگی در بهشت براساس وعده‌ی حق الهی است؛ یعنی مؤمنان باید مطمئن باشند که فرجام نیک آنان تخلف‌ناپذیر است و آنان به سوی بهشتی دایمی می‌روند، نه موقت. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۲، ۴. «نَعِيمٌ» از ماده‌ی «نعمت» و به معنای نعمت بسیار است، «۱» که معنای گسترده‌ای دارد و شامل همه‌ی نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود؛

نعمت‌های بهشتی که ما حقیقت آنها را درک نمی‌کنیم و قرآن خواسته است که با زبان اشاره آنها را به ما بفهماند. ۵. در این آیه از صفت «عزیز» و «حکیم» خدا یاد شده است. معمولاً صفاتی که در پایان هر آیه ذکر می‌شود با محتوای آیه تناسب دارد. در این جا نیز از «وعددهی حق الهی» یاد شده، سپس اشاره شده که خدا قدرتمندی شکست‌ناپذیر است، پس اگر وعده‌ای می‌دهد می‌تواند بدان عمل کند. و همو حکیم و فرزانه است و کارهایش استوار و حکیمانه، پس وعده‌ی ناحق نمی‌دهد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان شایسته کردار فرجامی نیکو دارند (پس شما هم رهرو آنان باشید). ۲. وعده‌ی الهی حقیقتی تخلف‌ناپذیر است؛ که او حکیمی شکست‌ناپذیر است. ۳. اگر بهشت پرنعمت می‌خواهید، مؤمنانی شایسته کردار شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۳ قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی لقمان با اشاره به نیروی جاذبه، فواید کوه‌ها، پراکندگی حیوانات و زوجیت گیاهان، برای توحید در خالقیت استدلال می‌کند و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ * هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (خدا) آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید آفرید؛ و در زمین [کوه‌های استواری افکند، [مبادا] که شما را بلرزاند؛ و از هر جنبنده‌ای در آن پراکنده کرد؛ و از آسمان آبی فرو فرستادیم و (انواع گیاهان) از هر جفت ارجمندی در آن (زمین) رویانیدیم. * این آفرینش خداست؛ پس به من بنمایانید آن (معبود) ها که غیر اویند چه چیزی را آفریده‌اند؟! بلکه ستمکاران در گمراهی آشکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران عبارت «بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» را دوگونه تفسیر کرده‌اند: الف) «خدا آسمان‌ها را بدون ستون برپا داشت.» ب) «خدا آسمان‌ها را بدون ستون دیدنی برپا داشت.» «۱» در حدیثی روایت شده که امام رضا علیه السلام در مورد این آیه فرمودند: «در آن جا ستون‌هایی است و لیکن شما آنها را نمی‌بینید.» «۲» این حدیث نیز تفسیر دوم را تقویت می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۴ بنابر تفسیر دوم، ممکن است آسمان‌ها و ستارگان و سیارات دارای ستون‌هایی باشند که نامرئی‌اند. هم‌چون نیروی جاذبه که بین ستارگان و سیارات وجود دارد و آنها را درحالت تعادل جاذبه و دافعه در مسیرهای مشخصی قرار می‌دهد. از این رو برخی مفسران گفته‌اند این آیه به نیروی جاذبه اشاره دارد. «۱» البته این تفسیر در صورتی صحیح است که واژه‌ی «سماوات» در این آیه به معنای کرات آسمانی باشد. به هر حال این آیه را یکی از موارد اعجاز علمی قرآن شمرده‌اند؛ «۲» چرا که نیروی جاذبه توسط ابوریحان بیرونی در قرن پنجم قمری «۳» و یا نیوتون «۴» در قرن هفدهم میلادی کشف شد و این در حالی است که قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام قرن‌ها قبل از آن به این مطلب اشاره کرده‌اند، ولی از آن جا که واژه‌ی «عَمَد» جمع عمود است ممکن است این آیه اشاره به نیروهای متعدد از جمله نیروی جاذبه باشد. ۲. در این آیه از کوه‌های استوار یاد شده که هم‌چون زره محکمی پوسته‌ی زمین را در بر گرفته است و از لرزش‌های شدیدی که بر اثر مواد مذاب و فشار گازهای درونی به وجود می‌آید جلوگیری می‌کند و نیز پوسته‌ی زمین را در برابر جزر و مد حاصل از نیروی جاذبه‌ی ماه و خورشید حفظ می‌کند و نیز همین کوه‌هاست که از طوفان‌های شدید در سطح زمین جلوگیری می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۵. ۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که خدا امامان را ارکان زمین قرار داد تا مردم زمین آرامش یابند. «۱» این‌گونه احادیث در حقیقت باطن آیه را بیان می‌کنند؛ یعنی مفهوم کوه‌ها را که رکن ثبات زمین هستند گسترش می‌دهند تا شامل ارکان معنوی و علمی، هم‌چون رهبران الهی شود و از این رو امامان را ارکان آرامش‌بخش زمین معرفی نموده‌اند؛ چرا که «امام» مایه‌ی ثبات جامعه و مانع درگیری‌ها و انحرافات عقیدتی و اجتماعی است. ۴. واژه‌ی «زوج» به معنای «نوع و صنف» و نیز به معنای «یک جفت نر و ماده» می‌آید. پس این آیه اشاره به انواع مختلف گیاهان است که به صورت زوج نر و ماده آفریده شده‌اند. مردم در عصر نزول این آیات اطلاعات اندکی نسبت به زوجیت برخی درخت‌ها، مثل خرما داشتند که از راه گرده‌افشانی بارور می‌شدند، اما قانون عمومی زوجیت گیاهان در حدود قرن هیجده میلادی کشف شد؛ «۲» یعنی قرآن قرن‌ها قبل از کشف این مطلب، در این آیه بدان اشاره کرده است و این یکی از اشاره‌های علمی شگفت‌انگیز قرآن است. «۳»

«کریم» در اصل به معنای هر چیز پرارزش و ارجمند است و در این جا مقصود گیاهان پرفایده و زیبا هستند که تنوع، زیبایی، فواید و زوجیت آنها نشانه‌ای از قدرت آفریدگار است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۶. در این آیات بیان شده که خدا «از هر جنبنده‌ای در زمین منتشر ساخت.» این جمله به تنوع چهره‌های حیات در زمین اشاره دارد که از موجودات ذره‌بینی و تک‌سلولی تا حیوانات غول پیکر را شامل می‌شود؛ جنبندگان که با رنگ‌های متنوع و در محیط دریا، خشکی و هوا زندگی می‌کنند و تعجب انسان را برمی‌انگیزند و نشانه‌ای از قدرت پروردگار در آفرینش موجودات هستند. ۶. در این آیات به نزول باران از آسمان اشاره شده است که مایه‌ی رشد گیاهان و ماده‌ی حیاتی زندگی بشر و حیوانات است. آری؛ چرخش آب در طبیعت (یعنی بخار شدن آب دریاها و تشکیل ابرها و نزول باران از آنها) نشانه‌ای دیگر از خالق و مدبّر و ناظم هستی است. ۷. واژه‌ی «سما» (آسمان) در قرآن کریم به معانی مختلفی به کار می‌رود: الف) گاهی به معنای جهت بالا می‌آید که معنای لغوی آن است. «۱» ب) گاهی به معنای کرات آسمانی است همان طور که در صدر این آیه به نیروی جاذبه‌ی بین ستارگان و سیارات آسمانی اشاره شده بود. ج) گاهی به معنای جوّ اطراف زمین است، همان طور که در ذیل آیه‌ی فوق آمده است که باران از آسمان (یعنی جوّ زمین) فرو می‌آید. د) گاهی نیز به معنای آسمان معنوی، یعنی مقام قُرب الهی و مراتب بالای وجود می‌آید که منشأ تدبیر هستی است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۷. ۸. در این آیات بر توحید خالقیت استدلال شده است؛ یعنی می‌فرماید: خدا این آسمان‌ها و کوه‌ها و جنبندگان و باران و گیاهان زوج را آفرید و معبودان شما چیزی نیافریده‌اند، پس آفریدگار جهان یکی است. ۹. توحید در آفرینش دلیل توحید در پرورش (: رُبُوبیت) و یگانگی مدبّر جهان هستی، و توحید در رُبُوبیت هم دلیل بر توحید در پرستش (: عبودیت) است. «۱» از این رو، هر گاه ثابت شد که آفریدگار جهان خدای یگانه است، پس باید فقط او را پرستیم و هر کس غیر او را پرستد گمراه است و بر خود ستم کرده است. ۱۰. «ظلم» معنای گسترده‌ای دارد که شامل ظلم به دیگران و ظلم به خود «۲» و قراردادن هر چیز در غیر محل مناسب می‌شود. مشرکان غیر خدا را می‌پرستیدند و این نوعی ستم به خویشان است که انسان با مقام والا و استعدادهای فراوان در برابر بت‌ها و معبودهای دروغین کرنش کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از جهان‌شناسی به خداشناسی برسید. ۲. با مطالعات کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی و گیاه‌شناسی، آفریدگار جهان را بهتر بشناسید. ۳. به نشانه‌های خدا در نیروی جاذبه‌ی بین کرات آسمانی، فواید کوه‌ها، تنوع جنبندگان، نزول باران و زوجیت گیاهان توجه کنید و آفرینشگر هستی را بشناسید. ۴. از ناتوانی معبودان در آفریدن چیزها، به بطلان آنها پی ببرید. ۵. گمراهی زمینه‌ساز ستمکاری (و شرک «۳») است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۸

اعجاز‌های علمی قرآن

معجزه‌ی علمی قرآن: آیاتی از قرآن رازگویی علمی کرده‌اند؛ یعنی مطلبی را بیان کرده‌اند که قبل از نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته و مدت‌ها بعد کشف شده‌اند و در صورتی اعجاز علمی به حساب می‌آید که آن مسئله با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده قابل اکتساب نبوده باشد. «۱» موارد اعجاز علمی قرآن: الف) موارد اثبات شده: ۱. نیروی جاذبه: «رَفَعَ رَفَعِ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد، ۲) «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (لقمان ۱۰). نیروی جاذبه توسط ابوریحان بیرونی (۴۴۰ ق) «۲» و طبق نظر مشهور توسط نیوتن در قرن هفدهم میلادی کشف شد؛ «۳» پس اشاره‌ی قرآن به ستون‌های نامرئی بین کرات آسمانی، نوعی رازگویی علمی قرآن است. «۴» ۲. حرکت‌های خورشید: «الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» (یس، ۳۸ و ۴۰؛ انبیاء، ۳ و رعد، ۲) برخی مفسران از آیات قرآن حرکت انتقالی مستقیم خورشید درون کهکشان راه شیری و نیز حرکت وضعی خورشید و حرکت انتقالی دورانی خورشید به همراه منظومه‌ی شمسی و نیز حرکت و حیات خورشید تا زمان معین و حرکات درونی خورشید در اثر انفجارات هسته‌ای را استفاده کرده‌اند که مورد اخیر را اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۹. زوجیت

عمومی: «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» (ذاریات، ۴۹)؛ رعد، ۲؛ شعراء، ۷؛ یس، ۳۶؛ حج، ۵؛ لقمان، ۱۰؛ ق، ۷؛ طه، ۵۳ و اعراف، ۸۹. قرآن در آیات متعددی به زوجیت میوه‌ها و گیاهان و انسان‌ها و زوجیت چیزهایی که انسان از آنها اطلاعی ندارد و در نهایت زوجیت همه‌ی موجودات سخن گفته است. زوج به دو چیز قرینه‌ی هم‌دیگر و نیز چیزهای مشابه و متضاد گفته می‌شود؛ «۱» از این رو برخی واژه‌ی زوج را در مورد ذرات درون اتم (الکترون و پروتون) و نیروهای مثبت و منفی به کار برده‌اند. نظریه‌ی زوجیت عمومی گیاهان توسط کارلینه (۱۷۰۷-۱۷۸۷ م) گیاه‌شناس سوئدی در سال ۱۷۳۱ م ابراز شد و مردم عصر نزول قرآن از زوجیت عام گیاهان و زوجیت عمومی موجودات اطلاع نداشتند و این رازگویی علمی قرآن است. «۲» ۴. لقاح ابرها و گیاهان: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَافِحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (حجر، ۲۲). این آیه اشاره به رساندن گرده‌های گیاهان توسط باد به گیاهان ماده است و نیز اشاره به برخورد ابرها توسط باد و بارور شدن آنها و نزول باران است که مردم عصر نزول از مورد دوم اطلاع نداشتند؛ بنابراین بیان این مطلب اعجاز علمی قرآن است و مورد اول از شگفتی‌های علمی قرآن به شمار می‌آید. «۳» ۵. چینش مراحل آفرینش انسان در قرآن: در قرآن کریم در آیات متعددی به پانزده مرحله از خلقت انسان (خاک، آب، منی، نطفه، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۰ علقه، مضغه، تصویر و تنظیم، شکل‌گیری استخوان‌ها، پوشاندن گوشت بر استخوان، تعیین جنس جنین، آفرینش روح، تولد طفل، بلوغ، کهنسالی و مرگ) اشاره شده است. (از جمله: حج، ۵؛ مؤمنون، ۱۲ و غافر، ۶۷) که حیرت‌پزیشان و دانشمندان را برانگیخته و بیان کرده‌اند که این چینش مراحل تا قبل از قرون اخیر کشف نشده بود. «۱» ب) موارد اعجاز علمی قرآن که ادعا شده ولی اثبات نشده و به صورت اشارت شگفت‌آور علمی قرآن قابل طرح است: ۱. آغاز جهان و چگونگی پیدایش آن (انبیاء، ۳۰ و فصلت، ۱۱)؛ ۲. هفت آسمان (بقره، ۲۹؛ اسراء، ۴۴ و ...؛ ۳. حرکت زمین (نمل، ۸۸؛ زخرف، ۱۰ و ...؛ ۴. پیدایش حیات از آب (نور، ۴۵ و انبیاء، ۳۰)؛ ۵. ممنوعیت شراب‌خواری و زیان‌های آن (مائده، ۹۰؛ بقره، ۲۱۹ و ...؛ ۶. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه (بقره، ۲۲۲) «۲»؛ و ... تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۱

حکمت‌های لقمان

قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی لقمان به سرگذشت لقمان و الهام حکمت سپاس‌گزاری به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲. وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ و به یقین، به لقمان فرزاندگی دادیم؛ (به او گفتیم:) که سپاس خدا را به جای آور؛ و هر کس سپاس‌گزاری کند، پس فقط به سود خودش سپاس‌گزاری می‌کند؛ و هر کس ناسپاسی کند، پس (زیانی به خدا نمی‌رساند؛ چرا) که خدا توانگری ستوده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نام «لقمان» دوبار در قرآن کریم آمده است که در آیات دوازدهم و سیزدهم همین سوره است. او فردی حکیم و غلامی سیاه‌پوست از اهالی سودان بود و چهره‌ای نازیب و روحی با صفا داشت و راست‌گو و امانت‌دار بود. در قرآن سخنی از نبوت او گفته نشده و در احادیث نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که او پیامبر نبود، بلکه بنده‌ای بود که زیاد فکر می‌کرد و یقین‌نیکویی داشت و خدا را دوست می‌داشت و خدا نیز به او حکمت داد. «۱» البتة لقمان حکیمی والامقام بوده است، به طوری که خدا اندرزهای او را در کنار سخنان خود در قرآن حکایت کرده است. آری، چنانچه انسان قلب خود را با نور تفکر و تقوا پاک سازد، سخنان حکمت‌آمیز بر زبانش جاری می‌شود و همان می‌گوید که خدا می‌پسندد. «۲» «حکمت» در لغت به معنای رسیدن به حق از طریق علم و عقل است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۲ از این رو حکمت را به شناخت موجودات و انجام کارهای نیک و آگاهی از حقایق قرآن و رسیدن به حق از نظر گفتار و عمل و شناخت خدا معنا کرده‌اند؛ بنابراین حکمتی که خدا به لقمان عطا کرد، مجموعه‌ای از معرفت، علم، اخلاق پاک، تقوا و نور هدایت بود. «۱» ۳. در احادیث اهل بیت علیهم السلام از امام کاظم علیه السلام روایت شده که مقصود از حکمت، فهم و عقل است. «۲» و از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از حکمت لقمان شناخت امام زمانش

(یعنی رهبر الهی زمان لقمان) بوده است. (۳) البتّه این گونه احادیث برخی مصادیق و شاخه‌های وسیع حکمت رایبان می‌کنند و منافاتی با معانی دیگر ندارند. ۴. «شکر» خدا گاهی لفظی است، هم چون گفتن «شکراً لله» و گاهی شکلی است هم چون «سجده‌ی شکر» و گاهی عملی است، یعنی انسان نعمت‌های الهی را در جای مناسب و به اندازه مصرف کند. ۵. سود شکرگزاری به فرد سپاس گزار باز می‌گردد، همان‌طور که زیان ناسپاسی به ناسپاس می‌رسد؛ چراکه هرکس سپاس‌گزاری کند خدا بر نعمت او می‌افزاید (۴) و عامل رشد مادی و معنوی او می‌شود و هرکس ناسپاسی کند خود را از نعمت و کمال محروم می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۳. ۶. تعبیر «عَنَى حَمِيد» یعنی خدا «توانگر و ستوده» است. این تعبیر اشاره به آن دارد که هر فرد عادی که نعمتی به کسی می‌دهد، سپاس او آن است که چیزی در عوض به او بدهند یا حداقل او را ستایش کنند، ولی خدا نه نیازمند عوض است و نه ستایش دیگران را می‌خواهد. آری: گر جمله‌ی کائنات کافر گردند بر دامن کبریا بایش نشیند گرد ۷. در این آیه «شکر» با صیغه‌ی مضارع آمده است تا نشان دهد که سپاس‌گزاری خدا اگر استمرار یابد انسان را به کمال می‌رساند، ولی «کفر» با صیغه‌ی ماضی آمده است تا نشان دهد که حتی یک مرتبه ناسپاسی هم عواقب دردناکی دارد. (۱) «آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سخنان لقمان حکمت آمیز است (پس به سخنان او در آیات بعدی توجه کنید و آنها را سرمشق زندگی خویش سازید). ۲. سپاس‌گزاری کاری حکمت آمیز است (پس سپاس گزار باشید). ۳. سپاس‌گزاران در گاه الهی از سپاس خویش بهره‌مند می‌شوند و ناسپاسان زیان می‌بینند. ۴. سپاس‌گزاری و ناسپاسی شما در خدای بی‌نیاز تأثیری ندارد. ۵. از سرنوشت لقمان الهام بگیرید (و سپاس‌گزار باشید).

*** قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی لقمان به پنندهای لقمان در مورد شرک‌ستیزی و معرفی حقیقت ظالمانه‌ی شرک اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳. وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (یادکن) هنگامی را که لقمان به پسرش - در حالی که وی پندش می‌داد - گفت: «ای پسرکم! به خدا شرک نوز؛ [چرا] که مسلماً شرک، ستمی بزرگ است.»

تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نام پسر لقمان در قرآن مشخص نشده است و برخی مورخان نوشته‌اند که او پسر بزرگ لقمان بود و روش بزرگان آن است که اندرزهای خود را به پسر خود می‌گویند تا مردم از آنها استفاده کنند و از این جهت بود که لقمان نصایح خود را به او گفت. (۱) ۲. لقمان اندرزهای متعددی نموده که در آیات دوازدهم تا نوزدهم این سوره آمده است. البتّه این اندرزها را از مسأله‌ی توحید و شرک آغاز کرد که اساسی‌ترین مسأله است. (۲) «۳. واژه‌ی «شرک» مفهوم وسیعی دارد که شامل شرک آشکار (: جَلِيّ) هم چون بت‌پرستی و ستاره‌پرستی و شرک پنهان (: خَفِيّ) هم چون هواپرستی، مقام‌پرستی و دنیاپرستی نیز می‌شود. ۴. چرا شرک «ظلم» است؟ پاسخ آن است که انسان مشرک از طرفی به خود ستم می‌کند که با آن مقام‌والای انسانی در برابر بت‌های بی‌جان و معبودهای دروغین سر فرود می‌آورد. از طرف دیگر به خدا ستم می‌کند که موجودات بی‌ارزش را همتای او قرار می‌دهد. و از دیگر سو شرک ظلم به مردم است، زیرا انسان مشرک آنان را به گمراهی می‌کشاند. ۵. با توجه به اندرزهای لقمان به فرزندش می‌آموزیم که اولاً، فرزندان خود را با صمیمیت و دوستانه نصیحت کنیم. (۳) ثانیاً، توحید را به آنان بیاموزیم و خطرهای عقیدتی را به آنان گوش زد کنیم. ثالثاً، در مسائل عقیدتی برای آنان دلیل آورده، حقیقت عقاید را تحلیل کنیم. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک گناه ظالمانه‌ای است پس از آن دوری گزینید. ۲. از لقمان، تربیت فرزند و اندرز‌گویی را بیاموزید. ۳. مراقب انحرافات عقیدتی فرزندان خود باشید و از آن جلوگیری کنید. ۴. مسائل عقیدتی را برای جوانان با استدلال و تحلیل بیان کنید (تا بپذیرند). *** قرآن کریم در آیات چهاردهم و پانزدهم سوره‌ی لقمان سفارش‌هایی در مورد پدر و مادر می‌کند و با بیان یک مورد استثنا می‌فرماید: ۱۴ و ۱۵. وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصَّةِ * وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنْابَ إِلَىٰ تَمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَبْجُوكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ و به انسان درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم - مادرش به او باردار شد، در حالی که سستی بر سستی (می‌افزود). و از شیر باز گرفتنش در

دو سالگی بود- (و به او گفتیم): که برای من و پدر و مادرت سپاس گوی! که فرجام (همه‌ی شما) فقط به سوی من است.* و اگر آن دو، تلاش کنند برای این که تو چیزی را که بدان هیچ دانشی نداری، همتای من قرار دهی، پس، از آن دو اطاعت نکن؛ و [لی در دنیا با آن دو به طور پسندیده هم‌نشینی کن؛ و از راه کسی که به سوی من بازگشته، پیروی کن؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی من است و شما را به آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این دو آیه به صورت جمله‌های معترضه‌ای است که خدای متعال در میان سخنان لقمان فرموده است، ولی با سخنان لقمان در آیه‌ی قبل کاملاً ارتباط دارد و به نوعی تکمیل و توضیح آنهاست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۶. ۲. در آیه‌ی قبل لقمان به فرزندش اندرز داد و او را از شرک و ورزیدن بازداشت. ممکن است به دنبال آیه‌ی قبل، کسی فکر کند که هرچه پدر و مادر گفتند باید اطاعت کرد؛ از این رو در این آیات خدای متعال از طرفی سفارش می‌کند که نسبت به پدر و مادر سپاس گزار باشید و از طرف دیگر یادآور می‌شود که اگر آنان شما را به شرک دعوت کردند، از آنان پیروی نکنید. ۳. سپاس پدر و مادر آنقدر مهم است که خدای متعال خودش در مورد آن سفارش کرده است و در این آیات سپاس‌گزاری از پدر و مادر، در کنار شکرگزاری از خدا قرار گرفته است و این اهمیت ویژه‌ی مطلب را نشان می‌دهد؛ یعنی همان‌طور که شکر مرا به جا می‌آوری که نعمت‌های فراوان به تو دادم، سپاس گزار پدر و مادرت نیز باش. ۴. موضوع آیه «انسان» است نه مسلمان؛ پس نیکی به پدر و مادر یکی از وظایف انسانی ما و از موارد حقوق بشر است. ۵. سپاس‌گزاری از پدر و مادر گاهی لفظی است که همان اظهار تشکر است و گاهی عملی است یعنی انسان زحمات آنان را تا حدودی جبران کند و سخنان آنان را بشنود و اطاعت نماید. ۶. در احادیث اسلامی نسبت به پدر و مادر زیاد سفارش شده است تا آن جا که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که پدر و مادرت را اطاعت کن و به آنان نیکی نما، چه زنده باشند و چه از دنیا رفته باشند! «۱» و در حدیث دیگری روایت شده که شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار پرسید به چه کسی نیکی کنم، حضرت فرمود: «به مادرت و در بار چهارم فرمود به پدرت. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۷ و از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند: هر کس از پدر و مادرش سپاس‌گزاری نکند، شکر خدا را به جا نیاورده است! «۱» و در حدیث دیگری از ایشان روایت شده که نیکی به پدر و مادر واجب است و گرچه مشرک باشند، ولی از آنها در مورد نافرمانی خدا اطاعت مکن! «۲» و نیز از آن حضرت روایت شده که اگر پدر و مادرت منحرف هستند برای آنان دعا کن و صدقه بده. «۳» ۷. در این آیات با این که موضوع سپاس‌گزاری از پدر و مادر است، اما زحمات مادر یادآوری و برآنان تأکید شده است. این مادر است که حدود نه ماه فرزند را حمل و از خون خویش او را تغذیه می‌کند و از این رو خود ضعیف و سست می‌شود که گاهی آثار آن تا آخر عمر هویداست. و مادر است که حدود دو سال فرزندش را شیر می‌دهد «۴» و او را در دامان محبت خود می‌پرورد و از گزند حوادث و بی‌غذایی حفظ می‌کند؛ از این روست که انسان باید نسبت به مادر محبت بیش‌تری بنماید و به یاد تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۸ این‌بارگاری‌های او باشد. ۸. در قرآن مکرراً نسبت به پدر و مادر سفارش شده است، اما نسبت به فرزندان سفارش نشده که پدر و مادر به آنان محبت کنند؛ «۱» چرا که محبت پدر و مادر نسبت به فرزندان یک امر طبیعی و فطری است و آنان با وظایف خود آشنا هستند و به آن عمل می‌کنند اما برخی از فرزندان اینار پدر و مادر را فراموش و وظایف خود را ترک می‌کنند و این دردناک‌ترین حالت برای پدر و مادر و مصداق بارز ناسپاسی است. «۲» ۹. توحید مقدم بر رابطه‌ی فرزند با پدر و مادر اوست؛ یعنی اگر آنان انسان را به قطع رابطه با خدا و شرک فراخواندند، فرزند نباید سخن آنان را در این مورد اطاعت کند و باید استقلال فکری و عقیده به توحید را حفظ کند. «۳» ۱۰. در این آیات اشاره شده که «شرک» چیزی است که دلیل ندارد، چون اصلاً همتایی برای خدا نیست تا کسی بدان علم داشته باشد. یعنی شرک قابل اثبات نیست و دلیل ندارد و همین بزرگ‌ترین دلیل بر بطلان آن است. ۱۱. معیار اطاعت «علم» است پس انسان حق ندارد جاهلانه و ناآگاهانه از چیزی پیروی کند. ۱۲. تعبیر «جاهداک» اشاره به آن است که پدر و مادر ممکن است از راه دل‌سوزی بکوشند که عقاید شرک‌آمیز خود را به فرزندان بیاموزند تا به گمان خود سعادت آنان را تأمین

کنند؛ یعنی آنها حتی در این مورد نیز قصد دل‌سوزی دارند. ۱۳. با پدر و مادر مشرک نیز به طور شایسته و پسندیده رفتار کنید و با آنها مصاحبت و همراهی نمایید؛ یعنی هر چند عقاید آنان را قبول ندارید ولی آنها پدر و مادر شما هستند، پس در همان حال که توحید و استقلال فکری خود را حفظ می‌کنید حریم و احترام پدر و مادر را نیز نگه دارید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۹.

۱۴. راه توبه کاران مطلوب خداست و چون همه به سوی او باز می‌گردید، پس از همین حالا توبه و بازگشت را شروع کنید. ۱۵. خدا کارها را زیر نظر دارد و در نهایت انسان را از اعمالش آگاه می‌کند. آری؛ اعمال شما کاملاً ضبط می‌شود و هم چون فیلم و نوار به شما ارائه می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدر زحمات پدر و مادر را بدانید و از آنان تشکر کنید، اگرچه کافر باشند. ۲. خدمت به پدر و مادر، از وظایف انسانی شماست. ۳. زحمات مادر را فراموش نکنید. ۴. تشکر از پدر و مادر هم‌ردیف سپاس‌گزاری از خداست. ۵. با مطالعه در مورد دوران طفولیت خود قدرشناس زحمات مادر شوید. ۶. فرمان خدا، مقدم بر فرمان پدر و مادر است. ۷. راه بازگشت به سوی خدا را برگزینید و به راه شرک بدون دلیل نروید. ۸. از روز بازگشت و افشاشدن اعمالتان بیمناک باشید و رفتار نیکویی با پدر و مادر داشته باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۰ پدر و مادر در قرآن و حدیث الف) حقوق پدر و مادر: ۱. به آنان نیکی کنید (اسراء، ۲۳). ۲. به آنان کوچک‌ترین سخن ناراحت‌کننده‌ای نگویید (بقره، ۸۳؛ نساء، ۳۶؛ انعام، ۱۵۱؛ اسراء، ۲۴؛ عنکبوت، ۸ و احقاف، ۱۵). ۳. با آنان کریمانه و بزرگووارانه سخن بگویید (اسراء، ۲۴). ۴. در برابر آنان فروتن باشید (اسراء، ۲۵). ۵. به آنان دعا کنید (اسراء، ۲۵). ۶. سپاس‌گزار آنان باشید (لقمان، ۱۴). ۷. «نیکی کنید به پدر و مادر اگر چه مشرک یا فاجر باشند». (امام صادق علیه السلام) «۱». ۸. «نیکی به پدر و مادر بعد از مرگ آنان نیز لازم است (مثل نماز، صدقه، حج، روزه و استغفار برای آنان)». (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) «۲». ۹. «حق پدر آن است که کاملاً از او اطاعت کنید». (امیرالمؤمنین علی علیه السلام) «۳». ۱۰. «حق پدر آن است که او را با نام نخوانید، جلوتر از او راه نروید، قبل از او ننشینید، موجبات دشنام به او را فراهم نکنید». (امام کاظم علیه السلام) «۴». ب) پدر مهم‌تر است یا مادر: ۱. زحمات مادر در دوران بارداری را فراموش نکنید (لقمان، ۱۴). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۱. ۲. «بهشت تحت گام‌های مادران است». (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» و در حدیث دیگری ایشان در پاسخ کسی که از نیکی به افراد پرسید سه بار به مادر اشاره کردند و در مرتبه‌ی چهارم از پدر یاد فرمودند. ج) در چه مواردی از پدر و مادر اطاعت نکنیم: ۱. اگر پدر و مادر تلاش کردند شما را به شرک بکشانند اطاعت نکنید (عنکبوت، ۸ و لقمان، ۱۵). ۲. «در همه چیز از آنان اطاعت کنید مگر در مورد نافرمانی خدا». (امام علی علیه السلام). «۲» د) پیامدهای نیکی به پدر و مادر: ۱. «نیکی به پدر و مادر عمر را زیاد و رزق را فراوان می‌کند». (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۳». ۲. «پدر و مادر بهشت و دوزخ تو هستند». (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۴». ۳. «به پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانان به شما نیکی کنند». (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۵». ۴. «محبوب‌ترین کار نزد خدا بعد از نماز در وقت، نیکی به پدر و مادر است». (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۶». ۵. «خشنودی خدا در خشنودی پدر است». (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۷». تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۲ ه) پیامدهای بدکاری نسبت به پدر و مادر (عاق والدین): ۱. عاق پدر و مادر چیست؟ از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده که «نگاه تند به آنان کردن، با خشم به آنان نگریستن، آنان را ناراحت کردن، کشتن یکی از آنان و ... موجب عاق می‌شود». «۱». ۲. «عاق پدر و مادر از بزرگ‌ترین گناهان نزد خدا در رستاخیز است». (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۲». ۳. «دو چیز است که در دنیا کیفر آن با شتاب داده می‌شود: ستمکاری و عاق پدر و مادر». (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۴». ۴. «عاق پدر و مادر موجب محرومیت از آرزوش می‌شود». (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۴». ۵. «عاق پدر و مادر، توفیق اطاعت از خدا را از انسان سلب می‌کند». (امام رضا علیه السلام). «۵». ۶. «کسی که علیه پدرش دعا کند، موجب فقر او می‌شود». (امام صادق علیه السلام). «۶». ۷. «کسی که عاق پدر و مادر شود نمازش مورد قبول واقع نمی‌شود». (امام صادق علیه السلام). «۷». ۸. «عاق پدر و مادر موجب ذلت و قلت می‌شود». (امام هادی

علیه السلام). «۸» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۳ قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی لقمان به علم بی‌کران الهی و حاضر کردن اعمال در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶. يَا بَنِيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُنْ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صِعْرَةِ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (لقمان گفت: ای پسرکم! در حقیقت، اگر آن (کردارتو) هم وزن دانه‌ای از سپندان باشد و در صخره‌ای یا در آسمان‌ها یا در زمین قرار گیرد، خدا آن را (برای حساب) می‌آورد؛ [چرا] که خدا لطیف آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «خردل» به گیاهی گفته می‌شود که دانه‌های سیاه بسیار کوچکی دارد و در کوچکی ضرب المثل شده است. این تعبیر اشاره به آن است که اعمال شما هر اندازه کوچک باشد باز هم خدا آنها را جمع‌آوری و حساب می‌کند و چیزی در دستگاه الهی گم نمی‌شود. «۱» ۲. آگاهی انسان از این که همه‌ی اعمال نیک و بد او در صفحه‌ی علم الهی ضبط می‌شود و مورد محاسبه قرار می‌گیرد، عامل کنترل‌کننده‌ی انسان و زمینه‌ساز اصلاحات فردی و اجتماعی است، به طوری که هر کس به این مطلب توجه داشته باشد، به طرف کارهای نیک می‌رود و از کارهای بد دوری می‌گزیند. ۳. «صعره» برای نشان دادن مکان‌های سخت و محفوظ و «سموات» (آسمان‌ها) و «ارض» (زمین) برای نشان دادن مکان‌های دور است، که خدا از همه‌ی این مکان‌ها آگاه است و هیچ چیز مانع علم او نمی‌شود؛ چرا که علم تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۴ او حضوری است و او در همه جا حاضر و ناظر است. ۴. «لطیف» از ماده‌ی لطف است که در مورد اجسام به معنای سبکی است و گاهی به معنای دقیق، رسیدگی پنهانی به امور، خالق اشیای ظریف و ناپیدا، اهل مدارا و رفاقت، پاداش دهنده‌ی اهل وفا و بخشاینده‌ی اهل جفا و آن که عطای خود را کم می‌شمارد «۱» به کار می‌رود و در مورد حرکات به معنای حرکات کوچک و زود گذر است. گاهی نیز به معنای موجودات و کارهای بسیار دقیق و باریک به کار می‌رود که با حس قابل درک نیستند. و این که می‌گوییم خدا لطیف است، یا بدان معناست که ذات پاک او با احساس کسی درک نمی‌شود و یا آن که او آفریننده‌ی چیزهای ریز و ناپیدا و دارای افعالی است که از محیط قدرت ما بیرون است؛ همان گونه که در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز بدین معنا اشاره شده است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی اعمال کوچک و بزرگ و ظاهر و پنهان شما ضبط و محاسبه می‌شود (پس مراقب اعمال خود باشید). ۲. به یاد رستاخیز و حساب‌رسی دقیق آن باشید. ۳. هم چون لقمان فرزندان خود را با علم بی‌کران الهی و حساب رستاخیز آشنا سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی لقمان به چهار پند لقمان در مورد احکام عبادی و اجتماعی و شکیبایی در مشکلات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ای پسرکم! نماز را برپا دار و به [کار] پسندیده فرمان بده و از [کار] ناپسند منع کن و در برابر آنچه (از مشکلات) که به تو می‌رسد، شکیبا باش؛ که این [حاکمی از تصمیم استوار (شما در) کارهاست؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین پنندهای لقمان در مورد امور اعتقادی و اصول دین، هم چون توحید و معاد بود و اینک در این آیه در مورد احکام و فروع دین اندرز می‌دهد و در مورد وظایف فردی و اجتماعی، یعنی نماز، امر به معروف و نهی از منکر سفارش می‌کند. ۲. نماز مهم‌ترین راه پیوند انسان با معبود خویش است و آن قدر اهمیت دارد که ستون دین شمرده شده است. نماز روح را پاک و زندگی را روشن می‌کند و نور ایمان را در قلب انسان می‌تاباند و انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد. ۳. همان طور که در دین اسلام نماز وجود دارد، در ادیان پیشین در عصر لقمان نیز نماز وجود داشته است، هر چند ممکن است شکل و جزئیات آنها متفاوت بوده باشد. ۴. «معروف» در لغت به معنای «شناخته شده» و «منکر» به معنای «ناشناس» است؛ بنابراین از کارهای نیک به عنوان اموری شناخته شده و از کارهای زشت و ناپسند به عنوان اموری ناشناس یاد شده است چه این که فطرت پاک انسانی با دسته‌ی اول آشنا و با منکرات ناآشناست. آیات فراوان قرآن و روایات متعددی که در مورد امر به معروف و نهی از منکر آمده است، اهمیت این دو وظیفه‌ی اجتماعی را نشان می‌دهد. برای مثال، از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر دو واجب بزرگ الهی است که بقیه‌ی واجبات با آنها بر پا می‌شوند و به وسیله‌ی این دو، راه‌ها امن می‌گردند و کسب و کار مردم

حلال می‌شود و حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه‌ی آنها زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۶ می‌شود و در پرتو آنها همه‌ی کارها رو به راه می‌گردد. «۱» و در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید خدا ستمگران را بر شما مسلط می‌کند و دعایتان مستجاب نمی‌شود و توبه‌ی شما قبول نخواهد شد. و نیز از ایشان روایت شده که «امر کننده‌ی به معروف و نهی کننده از منکر از بهترین مردم به شمار می‌آید». «۲» ۵. از آن جا که کارهای ناپسند افراد در اجتماع به صورت زیان‌های اجتماعی درمی‌آید، پس عقل اجازه می‌دهد که افراد اجتماع در پاک نگه داشتن محیط زیست خویش، بکوشند؛ زیرا هر آتشی که در اجتماع برافروخته گردد، به نقاط دیگر نیز سرایت خواهد کرد. آری؛ گناهکاران در اجتماع، هم چون مسافران کشتی هستند که می‌خواهند قسمتی از کشتی را سوراخ کنند و جامعه‌ی انسانی را نابود سازند. «۳» بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه‌ی عقلی و یک حقّ طبیعی انسان‌هاست که ناشی از پیوند سرنوشت انسان‌ها در اجتماع است. پس آیات و روایات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر ارشادی هستند. ۶. از مجموع آیات قرآن در مورد امر به معروف و نهی از منکر برمی‌آید تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۷ که امر به معروف و نهی از منکر دارای دو مرحله است: الف) مرحله‌ی فردی که یک وظیفه و واجب عمومی است و هر کس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و از آن جا که توانایی افراد محدود است، شعاع این مرحله نیز محدود است و از حد تذکر، اندرز دادن، اعتراض کردن و انتقاد نمودن به خلاف کاران و مفسدان تجاوز نمی‌کند. ب) مرحله‌ی دوم امر به معروف و نهی از منکر مخصوص گروهی خاص از مردم مسلمان است که به صورت جمعی عمل می‌کنند و یک واجب کفایی و دارای قدرت و شعاع عمل وسیعی است. این مرحله که از شئون حکومت اسلامی به شمار می‌آید، شامل شدت عمل و اجرای حدود و تعزیرات نیز می‌شود. البته مرحله‌ی دوم باید زیر نظر حاکم شرع و با اجازه‌ی حکومت اسلامی انجام گیرد، تا از هرج و مرج در جامعه جلوگیری شود. این همان چیزی است که امروزه تحت عنوان بازرسی و نظارت و یا حتی سازمان‌های امر به معروف و نهی از منکر در برخی کشورهای اسلامی اجرا می‌شود که لازم است تکمیل شود. «۱» ۷. امر به معروف و نهی از منکر مراتبی نیز دارد؛ یعنی ابتدا انسان باید قلباً از کار ناپسند ناراحت شود و در مرتبه‌ی دوم آثار ناراحتی در چهره‌ی او نمایان شود و سپس با اشاره یا گفتار نرم و مؤدبانه و از روی دل سوزی انجام وظیفه کند و جز در موارد ضروری از راه‌های مسالمت‌آمیز وارد شود، تا امر به معروف و نهی از منکر او اثر معکوس به جای نگذارد. امر کننده و نهی کننده باید معروف و منکر را به خوبی بشناسد و در جایی اقدام کند که احتمال تأثیر داشته باشد و مفسده‌ی مهمی به دنبال نداشته باشد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۸. ۸. امر به معروف و نهی از منکر با آزادی انسان منافاتی ندارد؛ چرا که از طرفی این یک قانون پذیرفته شده در اسلام است که در قرآن بیان شده و مسلمانان آن را پذیرفته‌اند؛ پس آزادی هر مسلمانی در چهار چوب قانون اسلام، منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر ندارد. و از طرف دیگر، زندگی اجتماعی که برای بشر فواید و برکات فراوانی دارد، محدودیت‌هایی را نیز برای انسان به بار می‌آورد و افراد اجتماع در سرنوشت هم اثر دارند و یکی از این موارد همان حقّ طبیعی نظارت عمومی است که به عنوان یک وظیفه‌ی عقلی نیز مطرح است و ما آن را امر به معروف و نهی از منکر می‌خوانیم. ۹. واژه‌ی «عزم» به معنای اراده‌ی محکم است و در این جا یا به معنای کارهایی است که از طرف خدا دستور محکم در مورد آنها داده شده است و یا کارهایی است که عزم آهنین و تصمیم راسخ انسان را می‌طلبد. یعنی صبر و استقامت در برابر مصیبت‌ها نیاز به تصمیم جدی دارد که انسان در برابر مشکلات تسلیم نشود و مقاومت نماید. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هم چون لقمان احکام و استقامت را به فرزندان خود بیاموزید. ۲. به وظایف عبادی و اجتماعی خویش، هم چون نماز، امر به معروف و نهی از منکر اهمیت دهید. ۳. در برابر مشکلات عزم خود را جزم کنید و استقامت نمایید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۹***

قرآن کریم در آیات هیجدهم و نوزدهم سوره‌ی لقمان به پنندهای اخلاقی لقمان در مورد روابط اجتماعی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸ و ۱۹. وَلَا تَصِيحْرُكَ لَِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ* وَأَقِصْ دَ فِي مَشِيكَ

وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ و از مردم، رخت را (متکبرانه) برنتاب؛ و در زمین با سرمستی و تکبر راه نرو، [چرا] که خدا هیچ متکبر خیال‌پردازِ فخرفروشی را دوست ندارد؛* و در راه رفتنت، مُعتدل باش و صدایت را فروگاه؛ [چرا] که مسلماً، ناپسندترین صداها، صدای الاغ‌هاست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات از دو صفت نهی شده است که عبارت‌انداز: خود برتربینی و خودپسندی و به دو صفت فرمان داده شده است که عبارت‌انداز: اعتدال در عمل و سخن. آری؛ اگر کسی این چهار صفت را رعایت کند زندگی موفق خواهد داشت و در میان مردم محبوب خواهد شد. ۲. «تُصَعَّر» نوعی بیماری برای شتران است با این نشانه که گردن خود را کج می‌کنند. این واژه اشاره دارد که انسان‌های متکبر به نوعی بیماری روانی و اخلاقی گرفتار شده‌اند. «۱» ۳. «مَرَح» به معنای غرور و مستی ناشی از نعمت است که انسان‌های متکبر ثروتمند، در هنگام راه رفتن به صورتی مغرورانه و مستانه حرکت می‌کنند که قرآن این صفت زشت را سرزنش می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۰ بگذر ز کبر و ناز، که دیدست روزگار چین قبای قیصر و طرف کلاه کی هشیار شو که مرغ چمن مست گشت هان بیدار شو که خواب عدم در پی است هی! (حافظ) ۴. انسان‌های مغرور و متکبر، در اثر خیالات، گرفتار خود بزرگ بینی شده‌اند، «۱» چون از شخصیت واقعی خود تصویر درستی ندارند، بلکه گرفتار نوعی از خودبیگانگی هستند. ۵. «فَخُور» به معنای کسی است که نسبت به دیگران فخرفروشی می‌کند و این فخرفروشی در اعمال و کردار او ظاهر می‌شود. ۶. در احادیث روایت شده که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را مشاهده کردند که گرد دیوانه‌ای جمع شده‌اند، حضرت پرسیدند: «این‌ها برای چه چیز جمع شده‌اند؟» آنان جواب دادند که: برگرد دیوانه‌ای که گرفتار صرع است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این دیوانه نیست بیمار است، دیوانه‌ی واقعی کسی است که متکبرانه گام برمی‌دارد و همواره به پهلوهای خود نگاه می‌کند و پهلوهایش را به همراه شانه‌ها تکان می‌دهد. «۲» ۷. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس از روی غرور و تکبر بر زمین راه رود، زمین و هر کس زیر آن و روی آن است به او لعنت می‌کنند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۱. ۸. در احادیث اسلامی در مورد معاشرت نیکو با مردم سفارش شده است و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که به دیگران توصیه می‌کرد: برادر مسلمانان را با روی گشاده ملاقات کن. «۱» و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: نیکوکاری و حُسن خُلق، خانه‌ها را آباد و عُمرها را زیاد می‌کند. «۲» ۹. و در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که تواضع و فروتنی، اصل هر خیر و سعادت است و تواضع مقام بالایی است ... و هر کس برای خدا فروتنی کند، خدا او را بر بسیاری از بندگانش شرافت و برتری می‌بخشد ... و هیچ عبادتی نیست که مورد قبول خدا و مورد رضایت او قرار گیرد، مگر این که راه ورود آن فروتنی است. «۳» ۱۰. در این آیات لقمان حکیم به فرزندش پند می‌دهد که در راه رفتن و سخن گفتن حالت اعتدال را رعایت کن و از افراط و تفریط دوری نما. البتّه روشن است که تکیه‌ی لقمان بر راه رفتن و آهنگ صدا، به عنوان مثال و مصداق است، و گرنه هر کاری که نشانه‌ی تکبر و خودپسندی و غرور باشد، ناپسند است. ۱۱. لقمان صدای نامناسب و بلند را به صدای الاغ تشبیه کرده است، هرچند در محیط زندگی صداها دل‌خراش‌تر از آن (هم چون صدای تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۲ برخورد دو چیز فلزی) وجود دارد، اما این‌ها عمومیت ندارد و زشت بودن غیر از دل‌خراش بودن است. آری الاغ به خاطر این که بی‌موقع و گاه بی‌جهت صدای نکره‌ای از خود خارج می‌سازد صدای آن ضرب المثل شده است. به قول سعدی شیرین سخن: ز تیشه نخراشد ز روی خارا گل چنان که بانگ درشت تو می‌خراشد دل ۱۲. مثال زدن به صدای الاغ و آن را زشت شمردن، به معنای توهین به مخلوقات خدا نیست، بلکه بیان یک واقعیت از مراتب وجود مخلوقات است؛ یعنی انسان با مقام والای خود ممکن است به مقام پایین‌تری تنزل یابد و هم چون الاغ شود. ۱۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که این آیه را به صدای عطسه‌ی بلند و فریاد زدن در هنگام سخن گفتن تفسیر کرده‌اند. «۱» روشن است که این موارد از باب بیان مصداق است و شاید تأکید بر صدای الاغ نیز از باب مثال و مصداق صدای زشت باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مردم خوش‌رفتار باشید و در برابر آنان تکبر نورزید. ۲. خود برتربینی نوعی خیال‌پردازی است.

۳. در کارها و سخنانتان اعتدال را رعایت کنید. ۴. خودبرترینی و خودپسندی مطلوب حق نیست (بلکه فروتنی و خوش رفتاری محبوب حق است). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۳

تسخیر موجودات برای انسان

قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی لقمان به تسخیر آسمان‌ها و زمین و نعمت‌های ظاهری و باطنی الهی برای انسان و مجادلات بی‌دلیل افراد ناسپاس اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰. أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ مِنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ آيا نظر نکرده‌اید که خدا (منافع) آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است برای شما مسخر ساخت و نعمت‌هایش را آشکارا و پنهانی بر شما گسترد و تمام کرد؟! و [لی از میان مردم کسی است که بدون هیچ دانش و هیچ رهنمود و هیچ کتاب روشنی‌بخش، در باره‌ی خدا مجادله می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از تسخیر موجودات آسمان‌ها، هم چون ماه و خورشید و ستارگان، آن است که خدا آنها را آفریده و در خدمت بشر در آورده است و انسان‌ها از نور و گرما و فواید دیگر آنها استفاده می‌کنند؛ و مقصود از تسخیر موجودات زمینی آن است که خدا آنها را آفریده و رام انسان ساخته و در خدمت منافع بشر قرار داده است که انسان‌ها بتوانند بر زمین، منابع و حیوانات و گیاهان آن تسلط یابند و از آنها استفاده کنند. ۲. مقصود از نعمت‌های ظاهری و باطنی خدا چیست؟ پاسخ آن است که مفسران قرآن نعمت‌های ظاهری را چند گونه تفسیر کرده و آن را به معنای نعمت‌هایی هم‌چون آفرینش، حیات، انواع روزی‌ها و اعضای ظاهری بدن و سلامت آنها دانسته‌اند و نعمت‌های باطنی را به معنای اموری که بدون مطالعه قابل درک نیست، هم‌چون قدرت‌های روحی و قلب و معرفت الهی. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۴ البتّه هر کدام از این موارد یکی از مصادیق نعمت‌های ظاهری و باطنی است و منافاتی با هم دیگر ندارد. «۱» ۳. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که نعمت ظاهری، «اسلام» و آفرینش منظم انسان و روزی‌های خداست و نعمت باطنی، پوشاندن زشتی‌های انسان و رسوا نکردن او در برابر مردم است. «۲» و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام روایت شده که نعمت ظاهری وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و معرفت الهی و توحید است، اما نعمت باطنی، ولایت اهل بیت علیهم السلام و پیمان دوستی با آنهاست. «۳» البتّه این گونه احادیث مصادیق یا مصداق‌های کامل نعمت‌های ظاهری و باطنی را برمی‌شمارند و منافاتی با هم دیگر ندارند همان‌طور که مانع دلالت گسترده‌ی آیه بر مصادیق دیگر نیست. ۴. مخالفان راه خدا، از علم و هدایت و کتاب استفاده نمی‌کنند. شاید واژه‌ی «علم» اشاره به ادراکات عقلی انسان و «هدایت» اشاره به معلمان و رهبران الهی و دانشمندان باشد که می‌توانند انسان را رهبری و راهنمایی کنند و واژه‌ی «کتاب» اشاره به علوم نقلی که از طریق وحی به بشر می‌رسد. یعنی مشرکان مخالف دین اسلام، نه خود دانشی دارند و نه به دنبال راهنمایان بشریت می‌روند و نه از علوم نقلی کمک می‌گیرند؛ و از این رو به مجادلات و مباحثات بیهوده می‌گیرند و گمراه می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به نعمت‌های الهی در پهنه‌ی آسمان و زمین و در درون و برون بنگرید (و سپاس گزار او باشید). ۲. همه‌ی نعمت‌های الهی آشکار نیست، برخی (هم‌چون ولایت اهل بیت علیهم السلام) پنهان است و نیاز به دقت دارد. ۳. در مباحث اعتقادی، از دانش (عقلی)، نقلی و راهنمایی (رهبران الهی) استفاده کنید. ۴. بدون علم و دلیل درباره‌ی خدا بحث نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی لقمان پیروی کورکورانه از نیاکان را سرزنش کرده و آن را کاری شیطانی و دوزخی می‌خواند و می‌فرماید: ۲۱. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَحَدَّثَنَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ و هنگامی که به آنان گفته شود: «آنچه را خدا فرو فرستاده است، پیروی کنید.» می‌گویند: «بلکه آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم.» و آیا (آنان را پیروی می‌کنند) اگر چه شیطان آنان را به عذاب شعله‌ی فروزان (آتش) فرا می‌خواند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان نسبت به فرهنگ گذشته‌ی خویش می‌تواند به سه صورت عمل کند: الف) این که همه‌ی عناصر فرهنگ

گذشتگان را کنار گذارد. ب) این که همه‌ی عناصر فرهنگ گذشتگان را بپذیرد و از آنها تقلید کند. ج) آن که عناصر مثبت، سازنده و مستدل آنها را بپذیرد و عناصر خرافی، بدون دلیل و ضد عقل و علم و مخالف دین را کنار گذارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۶ به نظر می‌رسد که راه صحیح همین شیوه‌ی سوم است و قرآن شیوه‌ی دوم را سرزنش می‌کند. اصولاً اگر انسان عقل و فکر خود را در بست در اختیار پیشینیان بگذارد این کار نتیجه‌ای جز عقب‌گرد و ارتجاع نخواهد داشت؛ زیرا معمولاً نسل‌های بعد از نسل‌های پیشین با تجربه‌تر و آگاه‌ترند، اما مانعی ندارد که نسل‌های آینده آداب و سنت‌های گذشتگان را تحلیل و بررسی کنند و آنچه با عقل و منطق و دین سازگار است را حفظ کرده، آنچه خرافه و موهوم و بی‌دلیل است دور بریزند. ۲. تقلید از افراد می‌تواند به چند صورت باشد: الف) تقلید عالم از عالم که صحیح نیست. ب) تقلید عالم از جاهل که باز هم صحیح نیست. ج) تقلید جاهل از جاهل که این هم صحیح نیست. د) تقلید افراد نا آگاه از دانشمندان مثل پیروی از نظرهای پزشک متخصص در امور درمانی، که صحیح و مورد پذیرش همه‌ی عقلاست و در همین راستاست که ما تقلید در احکام فرعی دین از مراجع تقلید را می‌پذیریم. قرآن کریم در آیه‌ی فوق تقلید کورکورانه‌ی افراد از نیاکان جاهل را سرزنش می‌کند و در همین راستاست که ما تقلید در اصول دین را صحیح نمی‌دانیم. ۳. آیه‌ی ۱۷۰ سوره‌ی بقره مشابه این آیه است با این تفاوت که در پایان آن آیه اشاره می‌کند که: «آیا از پدران خودتان پیروی می‌کنید، اگرچه هیچ تعقل نکرده و هدایت نشده باشند!» و در این جا بر شیطانی بودن و دوزخی بودن کار پدرانشان تأکید می‌کند. ۴. قرآن کریم در این آیه پرده را کنار می‌زند و حقیقت پیروی کورکورانه از نیاکان را نشان می‌دهد؛ یعنی پیروی از نیاکان ظاهری فریبنده دارد که چهره‌ی واقعی آن پیروی از شیطان و فرجام آن دوزخ است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۷ یعنی در پس پرده‌ی خرافه‌ها و بت‌پرستی و شرک پدران، شیطان ایستاده است و فرمان می‌دهد؛ آیا بازهم از او اطاعت می‌کنید! ۵. «شیطان» در اصل به معنای هر موجود شرور و پلید است اعم از آن که انسان یا جن باشد و به «ابلیس» مشهور نیز به همین مناسبت شیطان می‌گویند. «۱» در این آیه ممکن است مقصود از شیطان همان ابلیس مشهور باشد که پدران مشرکان و نیز خود آنان را فریب می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از نیاکان خود کورکورانه تقلید نکنید. ۲. پیروی کورکورانه از پدران، کاری شیطانی است که انسان را به دوزخ می‌کشاند. ۳. مخالفان اسلام، دلیل منطقی برای دفاع از عقاید خود ندارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی لقمان به سعادت‌مندی مؤمنان نیکوکار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲. وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ و کسی که چهره‌اش (: وجودش) را تسلیم خدا کند، در حالی که او نیکوکار است، پس قطعاً، به دستاویزی استوار تمسک جسته است؛ و فرجام همه‌ی کارها فقط به سوی خداست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «وَجْه» در اصل به معنای «صورت» است و از آن جا که صورت شریف‌ترین عضو ظاهری بدن است، به عنوان کنایه از ذات انسان به کار رفته تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۸ است و مقصود آن است که انسان با تمام وجود به ذات پروردگار توجه کند، ایمان آورد و تسلیم فرمان او باشد تا به دستگیره‌ی محکم الهی چنگ زند. من همان روز دل و صبر به یغما دادم که مقید شدم آن دلبر یغمایی را (سعدی) ۲. «الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى» به معنای دستگیره‌ی محکم است و اشاره به آن دارد که هر کس بخواهد از دره‌ی عمیق مادگیری به بلندترین قله‌های معرفت و معنویت راه یابد، نیازمند دستگیره‌ی محکم است که این دستگیره همان ایمان و نیکوکاری است. ۳. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده که مقصود از «عُرْوَةُ الْوُثْقَى» امام علی علیه السلام و دوستی با آل محمد صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است. «۱» البته این گونه احادیث مصداق‌های روشن و کامل آیه را بیان می‌کند و منافاتی با وجود مصادیق دیگر هم چون توحید و تقوا ندارند. ۴. سعادت انسان دو بخش اعتقادی و عملی دارد که بر هم دیگر تأثیر دارند و هر کس ایمان را با عمل همراه سازد، به دستگیره‌ی محکم الهی چنگ زده است و سعادت‌مند خواهد شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دستگیره‌ی محکم نجات، ایمان و نیکوکاری است. ۲. نجات و سعادت دو بخش اعتقادی و عملی دارد (و تکیه بر یک بخش کافی نیست). ۳. با تمام وجود تسلیم حق باشید که فرجام همه‌ی

کارها فقط به سوی اوست. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۹ قرآن کریم در آیات بیست و سوم و بیست و چهارم سوره لقمان با دل‌داری به پیامبر صلی الله علیه و آله، به کافران هشدار داده، می‌فرماید: ۲۳ و ۲۴. وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِنَّنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ * نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ وَ كَسَىٰ كَفْرًا وَ وَرَزَدًا، پس کفر او تو را اندوهگین نسازد؛ (زیرا) بازگشتشان تنها به سوی ماست و آنان را از آنچه انجام داده‌اند، خبر می‌دهیم؛ [چرا] که خدا به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. * اندکی آن [کافر] ها را (از دنیا) برخوردار می‌کنیم، سپس آنان را به سوی عذابی سخت می‌کشانیم؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به مردم بسیار دل‌سوز بود و حتی از کفر کافران به شدت اندوهگین می‌شد که چرا آنان لجاجت می‌کنند و راه دوزخ را برمی‌گزینند، از این رو خدای متعال پیامبرش را در این آیات دل‌داری می‌دهد که ناراحت مباش (آنان به خود ستم می‌کنند و تو وظیفه‌ی خود را انجام داده‌ای). ۲. «نبا» به معنای خبر مهم، صریح، آشکار و خالی از دروغ است. این تعبیر اشاره به آن است که خدا در رستخیز چنان افشاگری صریح و آشکاری از اعمال انسان‌ها می‌کند که جای انکار و اعتراض باقی نمی‌ماند. ۳. «ذات الصدور» به معنای درون سینه‌هاست که کنایه از اسرار درونی انسان‌هاست. همان‌طور که در فارسی نیز می‌گوییم «اسرار این مطلب درون سینه‌ی من است». پس مقصود قفسه‌ی سینه انسان نیست، بلکه اسرار درون ذهن و دل او مراد است. ۴. نعمت‌های دنیوی کافران اندک است، چون دنیا با همه‌ی بزرگی‌اش در برابر نعمت‌های معنوی و اخروی ناچیز است. این نعمت‌های اندک دنیوی را نیز خداوند به آنها داده است (تا آنان را امتحان کند) و به آنان هشدار می‌دهد که فرجام آنان به سوی دوزخ است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی آن قدر دلسوزند که حتی به خاطر مخالفان خود نیز اندوهگین می‌شوند. ۲. رهبران الهی به خاطر کافران لجوج ناراحت نباشند که حسابشان با خداست. ۳. خدا از اعمال و نیز از باطن ذهن شما و افکارتان آگاه است (پس مراقب اعمال و عقاید خود باشید). ۴. کافران از رستخیز و افشاگری‌های آن و عذاب شدیدش بهراسند (و دست از کفر بردارند). ۵. دنیا با همه‌ی بزرگی‌اش، اندک و ناچیز است. ۶. کافران در رستخیز از خود اختیاری ندارند و با اجبار آنان را به سوی دوزخ می‌برند (پس برای آن روز اندیشه کنید). ***

سه صفت خدا (مالک - توانگر - ستوده)

قرآن کریم در آیات بیست و پنجم و بیست و ششم سوره لقمان با بیان سه صفت خدا به اعتراف کافران نسبت به خالقیت خدا و نادانی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵ و ۲۶. وَلَيْسَ سَيَأْتِيَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمِيدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ * لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ و اگر از آن [کافر] ها پرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟» حتماً می‌گویند: «خدا»، بگو: «ستایش مخصوص خداست.» بلکه بیش‌ترشان نمی‌دانند. * آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط از آن خداست؛ [چرا] که تنها خدا توانگر [و] ستوده است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این دو آیه به چهار صفت خدا اشاره شده است که عبارت‌اند از: خالقیت، مالکیت، توانگری و ستوده بودن او، که همه حق است. «۱» ۲. مشرکان بر اساس فطرت توحیدی خود منکر خالقیت خدا نبودند و شرک آنان در جهت شرک در عبادت و شفاعت بود که برای بت‌ها قایل بودند. ۳. آفرینشگری خدا دلیل بر ستایش (و پرستش) اوست، ولی مشرکان این را درک نمی‌کنند که نباید موجودات ناتوانی را که خود مخلوق هستند، به جای خالق جهان پرستند. ۴. خدایی که جهان را آفریده است، به طور طبیعی مالک آن نیز هست؛ بنابراین توحید در مالکیت نیز اثبات می‌شود. ۵. تنها خدای توانگر و بی‌نیاز شایسته‌ی پرستش است؛ چرا که همه چیز جهان را آفریده و نیازمند چیزی نیست و هم‌حمید و ستوده است؛ چرا که همه‌ی خوبی‌ها و نعمت‌ها از اوست. آری؛ اگر زیبایی گل را می‌ستاییم یا جاذبه‌ی عشق ملکوتی را وصف می‌کنیم، در حقیقت او را ستایش می‌کنیم که این زیبایی‌ها از اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آفرینش آسمان‌ها و زمین فکر کنید تا به صفات دیگر خدا پی‌برید. ۲. شرک و کفر، ریشه در ناآگاهی افراد نسبت به

صفات خدا دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۲ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی لقمان با یک مثال گویا به گستردگی موجودات و جهان و عظمت علم خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. *وَلَوْ أَنَّ مِیَا فِی الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ یَمِیْدُهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ کَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ* و اگر (بفرض) هر درختی که در زمین است قلم شود، درحالی که دریا (مرکب شود) و بعد از آن، هفت دریا به کمکش آید، (آفریده‌ها و) کلمات خدا پایان نمی‌یابد؛ به راستی که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. شأن نزول: برخی مفسران حکایت کرده‌اند که یهودیان به پیامبر صلی الله علیه و آله اشکال نمودند که تو از طرفی می‌گویی بهره‌ی من از علم اندک است «۱» و از طرف دیگر در قرآن آمده است که به هر کس حکمت داده شود به او خیر فراوان داده شده است «۲» و این در حالی است که به ما تورات و به تو قرآن داده شده و این سخنان با هم سازگار نیست. در این جا بود که آیه‌ی فوق فرود آمد و پاسخ آنان را داد و اشاره کرد که علم بشر هراندازه گسترده باشد، در برابر علم خدا بسیار اندک است. «۳» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی ۱۰۹ سوره‌ی کهف مشابه این آیه است و در آن جا می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۳ «(ای پیامبر) بگو اگر دریاها برای (نوشتن آفریده‌ها و) کلمات پروردگرم مرکب شود، حتماً دریاها پایان می‌گیرد، پیش از آن که (آفریده‌ها و) کلمات پروردگرم پایان یابد، اگر چه همانند آن (دریاها) را به کمک آنها آوریم». ۲. تعبیر «هفت» در لغت عرب برای بیان کثرت است؛ «۱» یعنی اگر تعداد زیادی دریا باشد بازهم نمی‌شود آفریده‌ها و کلمات الهی را ثبت کرد. ۳. «کلمات» در اصل به معنای الفاظی است که با آن سخن گفته می‌شود، و دلالت بر معنا دارد و از آن جا که موجودات این جهان دلیل بر علم و قدرت پروردگارند، به هر موجودی «کلمه‌الله» می‌گویند. در این آیه نیز اشاره به موجودات جهان هستی است که هر کدام حکایت از صفات گوناگون پروردگار می‌کنند. ۴. جهان هستی و موجودات آن گسترده‌تر از آن است که شما می‌بینید و گمان می‌کنید؛ یعنی آن قدر جهان عظمت دارد که اگر دریاها مرکب شوند و بخوانند نام و صفات موجودات آن را بنویسند، دریاها تمام می‌شود پیش از آن که شمارش تمام شود؛ آری، نشانه‌های علم و قدرت الهی بی‌نهایت است. ثنای عزت حضرت نمی‌توانم گفت که ره نمی‌برد آن جا قیاس و وهم و خیال بر آستان عبادت و قوف کن سعدی که وهم منقطع است از سرادقات «۲» جلال ۵. این آیه به علم بی‌کران الهی نیز اشاره دارد، چرا که اگر جهان هستی و موجودات او بی‌انتهاست و علم خدا نیز به آنها شهودی و حضوری است، او بر همه‌ی پهنه‌ی هستی احاطه‌ی علمی دارد و در همه جا حاضر است، پس علم خدا نیز بی‌انتهاست و نامحدود است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کلمات و موجودات الهی پایان‌ناپذیرند. ۲. انسان به گستردگی موجودات و علم بی‌کران الهی و دانش اندک خود توجه کند (تا بگوید: دانش من به جایی رسید که دانستم همی نادانم). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی لقمان به قدرت بی‌انتهای خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. *مَا خَلَقْکُمْ وَلَمَّا بَعَثْکُمْ إِلَّا کَنْفُسٍ وَاحِدَةً إِنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ بَصِیرٌ*. آفرینش شما و برانگیختن شما (در رستاخیز)، جز همانند (آفرینش و برانگیختن) یک شخص نیست؛ که خدا شنوای بیناست. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که گروهی از مشرکان قریش مکه، از روی تعجب در مورد معاد می‌گفتند: خدا که ما را به گونه‌های مختلف آفریده است، چگونه همگان را در یک ساعت آفرینش جدیدی می‌دهد (و در قیامت بر می‌انگیزد)؟ آیه‌ی فوق نازل شد و به سخن آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفاهیمی هم چون «سخت و آسان و کوچک و بزرگ»، در مورد موجودات محدود، مثل انسان‌ها، قابل تصور است، اما در برابر قدرت بی‌پایان الهی و علم بی‌کران او همه چیز یکسان است و آفرینش کل جهان با یک فرد برای او تفاوتی ندارد. او به همه چیز توانا و از همه چیز آگاه است. ۲. برخی مفسران احتمال داده‌اند که این آیه اشاره به آن است که خدا روابطی در میان موجودات برقرار ساخته که هم چون یک واحد هستند و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۵ پیوستگی موجودات چنان است که هر کثرتی به وحدت بازمی‌گردد؛ پس آفرینش همه‌ی انسان‌ها از همان اصولی پیروی می‌کند که آفرینش یک انسان از آن تبعیت می‌کند. «۱» «۳. تعبیر «سمیع» و «بصیر» ممکن است اشاره به آن باشد که خدا شنوا و بیناست و از تمام ذرات پراکنده‌ی وجود آنان و اعمال و سخنان انسان‌ها اطلاع

دارد؛ پس می‌تواند آنها را در رستاخیز مجدداً گردآوری و به حساب اعمال و سخنان آنان رسیدگی کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱.

آفرینش و رستاخیز همه چیز، در برابر قدرت و علم خدا یکسان است. ۲. در مورد آفرینش و رستاخیز خودتان مطالعه کنید تا به عظمت صفات الهی پی ببرید. *** قرآن کریم در آیه بیست و نهم سوره‌ی لقمان به نشانه‌های علم و قدرت خدا در تغییرات شبانه روز و حرکت ماه و خورشید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ آیا نظر نکرده‌ای که خدا شب را در روز وارد می‌کند و روز را در شب وارد می‌کند و (منافع) خورشید و ماه را مسخر ساخته، درحالی که هر کدام تا سرآمد معینی روان‌اند؟! و این که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است؟ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما مقصود آن همه‌ی مردم جهان هستند که می‌توانند با مطالعات کیهان‌شناسی و دقت در رفت تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۶ و آمد شبانه روز، قدرت خدا را بهتر بشناسند. ۲. «یُولِجُ» در اصل به معنای داخل کردن و در این جا به معنای داخل کردن شب در روز و بالعکس است که یا به افزایش و کاهش تدریجی شبانه روز اشاره دارد که در طی چهار فصل سال انجام می‌شود و یا به تبدیل تدریجی شب و روز به هم‌دیگر که به صورت ناگهانی صورت نمی‌گیرد تا انسان‌ها را گرفتار مشکلات سازد. البته مانعی ندارد که آیه به هر دو مطلب اشاره داشته باشد. آری، این‌ها از نشانه‌ها و مظاهر قدرت خدایند. ۳. مقصود از تسخیر ماه و خورشید آن است که آنها را در خدمت منافع بشر قرار داده است تا انسان از نور و حرارت و آثار دیگر آنها بهره‌بردار. ۴. تعبیر «اجل مُّسَمًّى» اشاره به آن است که نظام حرکتی منظومه‌ی شمسی، از جمله ماه و خورشید، جاودانی نیست و روزی با تمام شدن ذخایر خورشید این نظم و حرکت به پایان می‌رسد «۱» و خداست که این امور را تدبیر می‌کند و برای حرکت هر کدام زمان‌بندی خاصی مشخص ساخته است. «۲» ۵. خدا از اعمال همه آگاه است؛ زیرا او که نظام دقیق شبانه روز و حرکت خورشید و ماه را تنظیم می‌کند، می‌تواند از اعمال شما نیز اطلاع‌یابد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در نظم شبانه روز و حرکت ماه و خورشید، خداشناس شوید. ۲. از جهان‌شناسی، به قدرت و علم خدا پی‌ببرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۷ قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی لقمان به حقایق خدا و صفات برتر او و باطل بودن معبودان دیگر اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۰. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ این [ها] به خاطر آن است که تنها خدا حق است و این که آنچه را جز او می‌خوانند (و پرستش می‌کنند)، باطل است و این که تنها خدا بلند مرتبه [و] بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات ۲۵ تا ۳۰ لقمان، مجموعاً به چهارده اسم و صفت خدا اشاره شده یا صریحاً از آنها نام برده شده است که عبارت‌انداز: خالقیت، مالکیت، علم، قدرت بی‌انتهای غنی، حمید، عزیز، حکیم، سمیع، بصیر، خبیر، حق، علی و کبیر. ۲. «حق» به معنای «ثابت» از جهت وجود (و ثبوت) است و «باطل» در برابر آن به معنای چیز غیرثابتی است که (ثبوت و) وجود ندارد و از تعبیر آیه استفاده‌ی انحصار می‌شود، یعنی حق فقط خداست «۱» و معبودان غیر از او همه باطل‌اند. «۲» ۳. در این اشاره شده که نشانه‌ها و دلایلی که در آیات قبل بیان شد و قدرت و علم و صفات دیگر خدا را اثبات کرد، همگی دلیل بر آن است که خدا حق است و معبودان دیگر که مشرکان می‌پرستند، باطل و بیهوده و بدون دلیل‌اند. ۴. «حق» اشاره به وجود حقیقی و پایدار و غیرمشروط است که تنها خداست و بقیه‌ی موجودات غیر مستقل و نیازمند اویند و هر لحظه هستی خود را از خدا می‌گیرند و در ذات خود چیزی ندارند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۸ پس هر چه ارتباط موجودات با خدا بیش‌تر گردد، حقایق بیش‌تری کسب می‌کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حق یکی است و آن خداست. ۲. اگر حق طلب هستید، به دنبال خدا بروید که هر کس به دنبال (پرستش) غیر خدا برود باطل‌گراست. ۳. خدا از هر چیزی برتر و بر همه چیز مسلط است. *** قرآن کریم در آیات سی و یکم و سی و دوم سوره‌ی لقمان به نشانه‌های خدا در حرکت کشتی‌ها و آزمایش دریانوردان و توحید فطری آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱ و ۳۲. أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ وَإِذَا غَشِيَهِمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ

إِلَى الْبُرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ آیا نظر نکرده‌ای که کشتی‌ها در دریا به (برکت) نعمت خدا روان است، تا برخی از نشانه‌هایش را به شما بنمایاند؟! حتماً، در این [ها] برای هر بسیار شکیبای بسیار سپاس گزار، نشانه‌هایی (عبرت آموز) است.* و هنگامی که (در دریا) موجی هم‌چون سایبان‌ها آنان را بپوشاند، خدا را در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اند، می‌خوانند؛ و هنگامی که آنان را به خشکی نجات دهد، پس برخی از آنان معتدل می‌شوند (و برخی به کفرشان بازمی‌گردند)؛ و [لی نشانه‌های ما را جز هر نیرنگ‌باز پیمان‌شکن بسیار ناسپاس، انکار نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو دلیل توحید، یعنی نظم و فطرت اشاره شده است. حرکت منظم کشتی‌ها اشاره به دلیل نظم است که خدای ناظم را اثبات می‌کند و خداخواهی کشتی‌سواران در هنگام بلاها و طوفان‌های دریایی، اشاره به توحید فطری است؛ یعنی در هنگام سختی‌ها پرده‌های غفلت و غرور کنار می‌رود و فطرت خدانشناس انسان را به سوی خداپرستی خالصانه سوق می‌دهد. ۲. یکی از نشانه‌های خدا حرکت کشتی‌ها بر صفحه‌ی اقیانوس‌ها و دریاهاست، حرکت منظمی که براساس قوانین استواری هم‌چون وزن مخصوص مواد و میزان غلظت آب و نیروی بادها بنا گذاشته شده است. ۳. تعبیر «صَبَّارٌ شَكُورٌ» به معنای بسیار شکیبای و بسیار سپاس گزار است. این تعبیرات اشاره دارد که زندگی دریایی مجموعه‌ای از بلا و نعمت است که باید در برابر بلاهایش بسیار شکیبای بود و در برابر نعمت‌هایش بسیار سپاس گزار. ۴. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که ایمان دو نیمه دارد: نیمی از آن شکیبایی و نیم دیگر سپاس‌گزاری است. «۱» ۵. «ظَلَّلَ» در اصل به معنای ابر سایه‌افکن یا سایبان و یا کوه است و معنای اول با این آیه سازگارتر است؛ چرا که سخن از پوشاندن امواج است. یعنی امواج غول‌پیکر، کشتی‌سواران را هم‌چون ابری سایه‌گستر می‌پوشاند، به طوری که در وحشت فرو می‌روند و پرده‌های غفلت و غرور آنان کنار رفته دستشان از تمام وسایل مادی کوتاه می‌شود و خدانشناسی فطری آنان آشکار می‌گردد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۰. ۶. برخی مفسران بر آن‌اند که آیه‌ی فوق اشاره به اسلام آوردن «عکرمه بن ابی جهل» است که بعد از فتح مکه فرار کرد و در دریای احمر گرفتار تندباد شد و او با اهل کشتی به درگاه خدای یکتا رفتند و او تصمیم گرفت که بعد از نجات خدمت پیامبر بیاید و مسلمان شود و همین کار را کرد و در نهایت در یکی از جنگ‌ها شهید شد. «۱» اما از آن جا که این سوره مکی است و فتح مکه پس از هجرت صورت گرفته است، این دو مطلب باهم ناسازگار است، مگر آن که بگوییم آیه را بر داستان عکرمه تطبیق کرده‌اند. ۷. دریانوردی نوعی آزمون برای کشتی‌سواران است. پس از گرفتاری در بلا و پرستش خالصانه‌ی خدا، گروهی بر این عهد و نذر خود باقی می‌مانند ولی گروهی پس از نجات، خدا و پیمان خود را فراموش می‌کنند. آری؛ این گونه افراد بسیار ناسپاس و پیمان شکن هستند «۲» چون پیمان با خدا را شکسته و نسبت به او ناسپاسی کرده‌اند. ۸. در هنگام مشکلات و بلاها، که پرده‌های غفلت و غرور کنار می‌رود، فطرت توحیدی انسان نمایان می‌شود، یعنی در هنگام مشکلات انسان می‌تواند نشانه‌ها و امدادهای الهی را ببیند. البته این حالت منحصر به کشتی‌سواری و دریانوردی نیست، بلکه در هواپیماها و خطرهای دیگر نیز رخ می‌دهد و از این روست که برخی مشکلات برای انسان مایه‌ی خیر است؛ انسان را از خواب غفلت بیدار می‌سازد و به یاد خدا می‌اندازد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات دریانوردی، خدانشناس شوید. ۲. دریانوردان بسیار شکیبای و سپاس گزار می‌توانند نشانه‌های حق را در حرکت کشتی‌ها ببینند. ۳. توحید فطری را در دریانوردان طوفان‌زده ببینید. ۴. پس از نجات از مشکلات راه اعتدال در پیش گیرید (و سپاس گزار حق باشید). ۵. انسان باید بسیار ناسپاس و پیمان‌شکن باشد که پس از نجات از مهلکه، نشانه‌های خدا را انکار کند. ***

دنیا و شیطان عوامل فریب و غفلت

قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی لقمان با یادآوری خدا و رستاخیز، در مورد فریبندگی دنیا و شیطان هشدار می‌دهد و

می‌فرماید: ۳۳. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ای مردم! خودتان را از [عذاب پروردگارتان نگه‌داری کنید و از روزی بهراسید که هیچ پدری به جای فرزندش کیفر نمی‌شود و هیچ فرزندی نیست که او به جای پدرش چیزی (از عذاب) کیفر شود. به یقین، وعده‌ی خدا حق است؛ پس هرگز زندگی دنیا شما را نفریبد و هرگز (شیطان) فریبکار شما را نسبت به (آمزش) خدا فریب ندهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه دو امر و دو نهی صادر شده است: امر اول توجه به مبدا؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۲ امر دوم توجه به معاد؛ نهی اول در مورد فریبکاری دنیا؛ و نهی دوم در مورد فریبکاری شیطان و شیطان‌صفتان. این چهار امر و نهی مجموعه‌ی کاملی از برنامه‌ی نجات و سعادت انسان است. ۲. اگر انسان از طرفی بداند که خدایی هست و در برابر او تقوا داشته باشد و از طرف دیگر بداند که روز رستاخیزی هست که دادگاه عدل الهی در آن تشکیل می‌شود و هیچ وکیل و پارتی حتی پدر و فرزند به فریاد کسی نمی‌رسد، «۱» در آن صورت انسان مراقب اعمال خویش خواهد بود و آلوده‌ی گناه و فساد نخواهد شد. ۳. در این آیه به دو فریب و خطر بزرگ اشاره شده است. نخست خطر فریبکاری دنیا، که انسان را با زرق و برق خود مشغول می‌سازد و گرفتار روزمرگی می‌کند تا مسئولیت‌های اساسی خویش را فراموش کند و از یاد خدا و قیامت بازماند. بر مهر چرخ و شیوه‌ی او اعتماد نیست ای وای بر کسی که شد ایمن زمکر وی (حافظ) و دوم خطر فریبکاری شیطان و شیطان‌صفتان است «۲» که اگر انسان در تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۳ برابر دنیا مقاومت کرد و فریب نخورد، این‌ها به سراغ او می‌آیند و او را می‌فریبند، و وعده‌های حق الهی را باطل و واژگونه جلوه می‌دهند. ۴. در احادیث اسلامی «دنیا» را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: دنیای خوب و دنیای بد. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه دنیای خوب را این‌گونه معرفی می‌کند: دنیا جایگاه صدق و راستی است برای کسی که با آن به راستی رفتار کند؛ و خانه‌ی تن‌درستی است برای کسی که از آن چیزی بفهمد؛ و سرای بی‌نیازی است برای کسی که از آن توشه برگیرد؛ و محل اندرز است برای کسی که از آنان پند گیرد؛ دنیا مسجد دوستان خدا و نمازگاه فرشتگان پروردگار و محل نزول وحی الهی و تجارت خانه‌ی دوستان خداست. «۱» و در برخی احادیث دنیا بد معرفی شده، به طوری که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: محبت دنیا رأس همه‌ی خطاهاست. «۲» و در مورد فریب خوردن از دنیا هشدارها داده شده است. این دو نوع برخورد با دنیا، به خاطر اختلاف برخورد انسان با دنیا است؛ چراکه اگر انسان از دنیا در راه کمال و سعادت خود در دنیا و آخرت استفاده کند، بسیار خوب است و اگر دنیا را هدف خود قرار دهد و از یاد کمال، سعادت و خدا و آخرت باز بماند، نکوهیده و بد است. ۵. محبت دنیا و راه علاج آن: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: ریشه‌ی حب دنیا و نفس - که به منزله‌ی ریشه‌ی اصلی است - و فروع آنها از حرص و طمع و حب زن و فرزند و مال و جاه و امثال تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۴ آن، تا در نفس، نورس و نونهال است، اگر انسان را بخواهد از آنها جدا کنند و ببرند، زحمتی ندارد، ... درخت هر چه بزرگ شود، چند متری بیش‌تر از زمین را فرا نگیرد و ریشه ندواند، ولی درخت حب دنیا به تمام پهنا در عالم طبیعت - در ظاهر و باطن - ریشه افکند و لهذا از بُن‌کندن این درخت، به سلامت ممکن نیست. انسان با این محبت در خطری عظیم است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به یاد مبدا و معاد باشید. ۲. در رستاخیز فریادرسی ندارید، پس از هم‌اکنون توشه‌ی تقوا برگیرید. ۳. مراقب باشید فریبکاران وعده‌های حق الهی را واژگونه جلوه ندهند. ۴. دنیا و شیطان (و شیطان‌صفتان) عوامل فریب شمایند (مراقب آنها باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۵ دنیا در قرآن و حدیث الف) دنیا چیست؟ ۱. «دنیا را دنیا نامیدند به خاطر این که پست‌ترین از هر چیز است.» (امام علی علیه السلام). «۱» ۲. «دنیا بازاری است که گروهی در آن سود می‌کنند و گروهی در آن زیان می‌کنند.» (امام هادی علیه السلام). «۲» ۳. «دنیا بازی و سرگرمی است.» (انعام، ۳۲ و عنکبوت، ۶۴). ۴. «کالای دنیا نسبت به آخرت قلیل است.» (توبه، ۳۸). ۵. «طلب چیزها (ی دنیا) برای اصلاح امور از محبت دنیا شمرده نمی‌شود.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) «۳». ۶. «از دواج، حج، هزینه‌ی خانواده و خویشان و صدقه دادن از دنیا شمرده نمی‌شود، بلکه این‌ها از آخرت است.» (امام

صادق علیه السلام). «۴» ۷. «دنیا پل است، از آن عبور کنید.» (حضرت مسیح علیه السلام). «۵» ب) دنیای ممدوح: ۱. «دنیا یاور خوبی برای آخرت است.» (امام باقر علیه السلام). «۶» ۲. «دنیا خانه‌ی ستمکاران است، مگر کسی که در آن نیکوکاری کند.» (امام باقر علیه السلام). «۷» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۶. ۳. «دنیا خانه‌ی راستی است برای کسی که با آن راستی کند و خانه‌ی عافیت است برای کسی که بفهمد و خانه‌ی توانگری است برای کسی که از آن توشه بردارد.» (امیرالمؤمنین علیه السلام). «۱» ج) دنیای مذموم: ۱. «دنیا بازیچه و سرگرمی و زیور و وسیله‌ی فخر و فروشی بین شماست.» (حدید، ۲۰). ۲. «دنیا کالای فریبنده است.» (آل عمران، ۱۸۵). ۳. «دنیا بازار زیانکاری است.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۲». ۴. «دنیا سمی است که خورنده آن را نمی‌شناسد.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۳». ۵. «دنیا معدن شر و محل فریب است.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۴». د) چرا به دنیا دل نبندیم: ۱. «دنیا فریبنده است و انسان را به انحراف می‌کشاند.» (لقمان، ۳۳؛ فاطر، ۵ و جاثیه، ۳۵). ۲. «محبت دنیا رأس همه‌ی لغزش‌هاست.» (امام صادق علیه السلام). «۵» ۳. «محبت دنیا انسان را کور و کر می‌کند.» (امیرالمؤمنین علیه السلام). «۶» ۴. «محبت دنیا عقل را فاسد می‌کند و دل را از شنیدن حکمت کر می‌کند و موجب عذاب دردناک می‌شود.» (امیرالمؤمنین علیه السلام). «۷» ۵. «محبت دنیا موجب اندوه و حرص و آرزوهای دست نیافتنی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۷ می‌شود.» (امیرالمؤمنین علیه السلام). «۱» ۶. «مثال دنیا مثل آب دریاست که هر چه فرد تشنه از آن بخورد تشنه‌تر می‌شود تا او را می‌کشد.» (امام موسی کاظم علیه السلام). «۲» ه) با دنیا چه کنیم؟ ۱. فقط دنیا را هدف خود قرار ندهید (نجم، ۲۹؛ آل عمران، ۱۴۵ و ...). ۲. دنیا را به آخرت نفروشید (بقره، ۸۴؛ نساء، ۷۴ و ...). ۳. دنیا و آخرت را با هم بخواهید (بقره، ۲۰۱). ۴. همه چیز را در دنیا خلاصه نکنید و ماورای آن را در نظر بگیرید (انعام، ۲۹). ۵. به زندگی دنیا راضی نشوید و بدان اطمینان نکنید (توبه، ۳۸ و یونس، ۷). ۶. دنیا را بر آخرت ترجیح ندهید (ابراهیم، ۳ و نحل، ۱۰۷). ۷. «به دنیا به چشم زاهدان نگاه کنید.» (امیرالمؤمنین علیه السلام). «۳» ۸. «دنیا را بزرگ‌ترین وجه همت خود قرار مده.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۸ قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی لقمان به علم انحصاری خدا درباره‌ی رستاخیز و بی‌خبری انسان از اعمال آینده و مکان مرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴. إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. در حقیقت، خدا، علم به ساعت (: قیامت) فقط نزد اوست و باران را فرو می‌فرستد، و آنچه را که در رحم‌ها (ی مادران) است می‌داند و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ [چرا] که خدا دانای آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رستاخیز چه زمانی برپا خواهد شد؟! این همان چیزی است که بارها مشرکان از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرسیدند «۱» و در برخی احادیث نیز حکایت شده که این آیه در پاسخ پرسشی در این زمینه نازل شده «۲» و پاسخ داده است که آگاهی از زمان قیامت مخصوص خداست. ۲. چرا دانش مربوط به زمان برپایی رستاخیز، فقط نزد خداست و کسی از آن اطلاع ندارد؟ اگر مردم زمان رستاخیز را می‌دانستند، غفلت و غرور آنان را فرا می‌گرفت ولی حالا که مخفی است و هر لحظه ممکن است رستاخیز برپا شود، انسان‌های مؤمن پیوسته به یاد قیامت هستند و از حساب‌رسی آن هراس دارند و از این رو کم‌تر آلوده‌ی فساد و گناه می‌شوند؛ پس مخفی بودن زمان برپایی رستاخیز فواید تربیتی دارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۹. ۳. نهان بودن مکان مرگ انسان‌ها و خصوصیات آن نیز فواید تربیتی دارد. اگر انسان‌ها دقیقاً بدانند که تا کجا و چه زمان زنده‌اند، معمولاً به گناه، شهوت‌رانی و ظلم ادامه می‌دهند و توبه را تا نزدیک مرگ عقب می‌اندازند و جامعه‌ی بشری را فساد فرا می‌گیرد، اما مخفی بودن مکان و زمان مرگ و انتظار لحظه به لحظه‌ی آن، مانع غفلت و غرور اکثر انسان‌ها می‌شود. «۱» ۴. مفسران قرآن در مورد علم خدا نسبت به بارش باران و جنین مادران، دو تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود آن است که این علوم نیز مخصوص خداست؛ یعنی علم به جزئیات مکان، زمان و مقدار بارش باران و ویژگی‌های جسمی و روحی و استعدادهای کودکان مخصوص خداست و اگر انسان‌ها در این زمینه پیش‌گویی می‌کنند به صورت کلی‌گویی است و اطلاعات

آنان در جزئیات ناقص است. برخی احادیث نیز به این تفسیر اشاره دارد. «۲» ب) این دو جمله در آیه‌ی فوق که مربوط به بارش باران و حالات جنین است، معترضه است؛ یعنی آیه در صدد آن نیست که بگوید علوم مربوط به باران و جنین مخصوص خداست، بلکه تذکری درباره‌ی نعمت باران و علم الهی به حالات جنین داده است. البته برخی مفسران معتقدند که سیاق آیه و روایات اهل بیت علیهم السلام تفسیر اول را تقویت می‌کند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی از علوم مخصوص خداست و بهتر است که انسان‌ها از آن علوم اطلاع نیابند (تا تلاش بیش‌تری کنند). ۲. خدا طبقه بندی اطلاعات را رعایت می‌کند و آگاهی دقیق از زمان رستاخیز، اعمال آینده و مکان مرگ را در اختیار انسان‌ها قرار نمی‌دهد. ۳. با مطالعه در مورد زمان رستاخیز، مکان مرگ افراد و حوادث آینده، به کم آگاهی خودتان و علم بی‌کران الهی پی‌ببرید. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۱

بخش چهارم: سوره‌ی سجده

اشاره

نشانه‌های توحید یادآوری رستاخیز مراحل آفرینش انسان و جهان تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۳

اول: سیمای سوره‌ی سجده

اشاره

سیمای سوره‌ی سجده بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به نام خدای گسترده مهر مهرورز

شمارگان

سوره‌ی مبارکه‌ی سجده در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گشت، این سوره دارای ۳۰ آیه، ۳۸۰ واژه و ۱۵۰۰ حرف است.

نزول

این سوره شصتین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی «مؤمن» (: غافر) و قبل از سوره‌ی «شوری») و اندکی قبل از هجرت نازل شده است اما در چینش کنونی قرآن، سی و دومین سوره به شمار می‌آید. نام‌ها: نام‌های این سوره عبارت‌اند از: سَجْدَه، الم سجده، مَضَاجِع، الم تنزیل، سَجْدَه‌ی لَقْمَان، جُرْز. سبب نام‌گذاری این سوره به «سَجْدَه»، آیه‌ی ۱۵ آن است که دستور سجده در برابر خدا را داده است و سبب نام‌گذاری آن به مَضَاجِع آیه‌ی ۱۶ آن است که در آن سخن از «بسترهای خواب» شده است و سبب نام‌گذاری آن به «سجده‌ی لقمان» آن است که از سوره‌ی حم سجده (یعنی سوره‌ی فصلت) باز شناخته شود و از آن جا که با حروف مقطعه‌ی «الم» شروع می‌شود، به نام «الم سجده» نامیده می‌شود. و در آیه‌ی ۲۷ آن سخن از زمین جُرْز (: بایر) گفته شده است و بدین مناسبت این سوره را «جُرْز» هم گفته‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۴

فضایل

در مورد فضیلت این سوره از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس سوره‌ی سجده را در هر شب جمعه بخواند، خدا

نامه‌ی اعمال او را به دست راستش می‌دهد و گذشته‌ی او را می‌بخشد و از دوستان محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام خواهد بود. «۱» تذکر: قبلاً هم بیان کرده‌ایم که این ثواب‌ها برای کسانی است که سوره‌ی سجده را بخوانند و بدان عمل کنند. ویژگی‌ها: سوره‌ی سجده نیز با حروف مقطعه «الم» شروع شده و در آیه‌ی ۱۵ آن یک سجده‌ی واجب دارد که هرکسی این آیه را بشنود یا بخواند، واجب است یک سجده به جا آورد.

اهداف

هدف‌های اساسی سوره‌ی سجده عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید و نشانه‌های خدا؛ ۲. یادآوری قیامت.

مطالب

مهم‌ترین مطالبی که در این سوره وجود دارد عبارت‌اند از: الف) عقاید ۱. بیان توحید و نشانه‌های عظمت خدا در زمین و آسمان و تدبیر جهان (در آیه‌ی ۴)؛ ۲. بیان پرسش و پاسخ‌های رستاخیز و تقاضای مجرمان برای بازگشت به دنیا (در آیات ۱۲-۱۴)؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۵. ۳. بشارت مؤمنان به بهشت و هشدار فاسقان در مورد عذاب (در آیه‌ی ۲۰). ب) اخلاق ۱. تشویق مؤمنان به عبادت (در آیات ۱۵-۱۶)؛ ۲. تشویق مؤمنان به انفاق (در آیه‌ی ۱۶)؛ ج) احکام دستور سجده در آیه‌ی ۱۵ این سوره که هنگام خواندن یا شنیدن آن واجب می‌شود. د) داستان ۱. اشاره‌ای به سرگذشت موسی و پیروزی امت او (در آیات ۲۳-۲۴)؛ ۲. اشاره‌ای به سرگذشت ملت‌های نابود شده‌ی پیشین (در آیه‌ی ۲۶). ه) مطالب فرعی ۱. یادآوری عظمت قرآن و نزول آن از سوی خدا (در آیات ۲-۳)؛ ۲. آفرینش انسان و بیان مراحل خلقت او (در آیات ۷-۱۱)؛ ۳. آفرینش آسمان‌ها و زمین و موجودات در شش دوره (در آیه‌ی ۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۷

دوم: محتوای سوره‌ی سجده

قرآن حقیقی تردید ناپذیر

قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی سجده به حروف مقطعه، حقایق و هدف قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱-۳. الم* تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ* أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مَنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ الف، لام، میم* فرو فرستادن کتاب (: قرآن) که هیچ تردیدی در آن نیست، از [سوی پروردگار جهانیان است* آیا (مشرکان) می‌گویند: «(پیامبر) به دروغ آن را (به خدا) نسبت داده‌است.»؟! بلکه آن (سخن) حق است، در حالی که از سوی پروردگار توست؛ تا گروهی را هشدار دهی که پیش از تو هیچ هشدارگری برای آنان نیامده است، باشد که آنان ره‌نمون شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در سوره‌های متعددی از قرآن حروف مقطعه آمده است. ما در اول سوره‌های بقره، آل عمران، لقمان و ... درباره‌ی این حروف مطالبی بیان کردیم، از جمله این که این حروف اسراری بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است و یا اشاره به آن است که قرآن از همین حروف معمولی ساخته شده و در عین حال معجزه است و دیگران نمی‌توانند مثل آن را بیاورند و شاید از همین روست که معمولاً بعد از این حروف سخن از عظمت قرآن گفته شده است. ۲. در این آیات اشاره شده که قرآن حق است، به طوری که هیچ تردیدی در آن نیست؛ چرا که از طرف پروردگار فرود آمده است و سخن خدا جای تردید ندارد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۸. ۳. بیان صفت «رب العالمین» از میان صفات خدا، شاید اشاره به آن باشد که قرآن عصاره‌ای از عالم وجود است و جنبه‌ی تربیت و پرورش برای جهانیان دارد. ۴. قرآن سخن حقی از طرف پروردگار است و حقایق

قرآن از محتوای بلند و اعجاز‌آمیز آن روشن است. ۵. قرآن زمینه‌ساز هدایت است ولی تصمیم‌گیری نهایی با خود انسان است. «۱»
 ۶. کار پیامبران و قرآن مژده‌دهی و هشداردهی است، اما در این آیه فقط هشدارگری بیان شده است؛ زیرا در برابر اقوام سرکش، هشدار کارآمدتر از بشارت است. ۷. مفسران در مورد «قومی که قبل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن برای آنان هشدارگری نیامده است» چند احتمال داده‌اند: الف) مقصود قبیله‌ی قریش است که پیش از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیامبری برای آنان نیامده بود. ب) منظور همه‌ی مردم است که در دوران فترت (یعنی فاصله‌ی قیام عیسی علیه السلام و ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) هیچ پیامبری برای آنان نیامده بود. ج) مقصود وجود پیامبری بزرگ با معجزات روشن و در محیطی وسیع است که چنین پیامبری قبل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در محیط عربستان و در میان قبایل مکه ظاهر نشده بود، هر چند پیامبرانی با مأموریت محدود مستقیم یا غیرمستقیم همیشه در میان ملت‌ها وجود داشته‌اند، چرا که «هیچ ملتی خالی از هشدارگر و حجت نمی‌ماند». «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۹ البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن، کتاب حق و بی‌تردیدی است، پس از راه‌نمایی آن استفاده کنید. ۲. هدف قرآن هشدارگری و هدایت‌گری است. ***

مراحل شش‌گانه آفرینش جهان

قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی سجده به دوران‌های شش‌گانه‌ی آفرینش جهان و کارهای مخصوص خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ خدا کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آن دو است در شش روز [و دوره آفرید، سپس بر تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) تسلط یافت؛ برای شما غیر از او هیچ سرپرست و شفاعتگری نیست؛ آیا (غافلید) و متذکر نمی‌شوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در هفت آیه‌ی قرآن آمده است «۱» که «جهان را در شش روز و دوره آفرید.» «یوم» در لغت به معنای روز معمولی، یعنی از طلوع آفتاب تا غروب آن و گاهی نیز به معنای «مدتی از زمان» می‌آید «۲» و در قرآن بارها واژه‌ی یوم به معنای دوره یا مدتی طولانی از زمان آمده است، مانند تعبیر «یوم القیامه». در برخی احادیث نیز اشاره شده که مقصود از «یوم» در این آیه، مدتی از زمان است. «۳» پس مقصود از «یوم» در این گونه آیات، همان دوره‌های خلق آسمان‌ها و زمین است و بلکه از تعبیر برخی آیات که کلمه‌ی «بینهما» را اضافه دارد استفاده می‌شود که مقصود آفرینش کل جهان در شش دوره است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۰. ۲. در علم زمین‌شناسی و کیهان‌شناسی نیز به دوران‌های خلقت زمین و جهان اشاره می‌کنند و بر اساس مطالعات علمی، حدس‌هایی بیان می‌کنند، اما مسلم است که مجموعه‌ی آسمان و زمین، بلکه کل هستی، در چند دوره آفریده شده است که در آیات ۸-۱۱ سوره‌ی فصلت به محتوای این دوره‌ها اشاره‌ای اجمالی شده است (ما نیز در همان‌جا بیان خواهیم کرد). ۳. با آن که خدا می‌توانست جهان را در یک لحظه بیافریند، اما آن را در چند دوره آفرید، چرا که این گونه، عظمت، قدرت و علم آفریدگار بیش‌تر روشن می‌شود و حجت بر مردم تمام می‌گردد و این مطلبی است که در برخی احادیث نیز بدان اشاره شده است. «۱» ۴. «عَرْش» در اصل به معنای چیزی است که دارای سقف باشد و گاهی به خود سقف، «۲» تخت‌های بلند «۳» هم چون تخت پادشاهان و داربست‌های درختان «۴» نیز عرش گفته می‌شود. اما واژه‌ی «عَرْش» هنگامی که در مورد خدا به کار می‌رود، به معنای مجموع جهان هستی است که در حقیقت هم چون تخت حکومت پروردگار است و تعبیر: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» کنایه از تسلط زمام‌دار بر امور کشور خویش است؛ همان‌طور که در فارسی نیز تعبیر «بر تخت نشستن» کنایه از در دست گرفتن قدرت و حاکمیت است. پس این آیه هیچ ربطی به «تجسم خدا» ندارد، بلکه کنایه از احاطه‌ی کامل و تسلط و تدبیر او در جهان هستی است و در برخی احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۱. ۵. مقصود از این که شفاعت‌کننده‌ای جز خدا نیست چیست؟ به این پرسش سه گونه می‌توان پاسخ داد: الف) طبق آیات قرآن همه‌ی شفاعت‌گران رستاخیز باید

از خدا رخصت بگیرند، پس هر شفاعتی به ذات پاک او بازمی‌گردد. (۱) ب) در هنگام شفاعت خواهی ما از صفات رحمت و بخشش و آرمزش خدا استمداد می‌جوئیم و گویی او را نزد خودش شفیع قرار می‌دهیم و صفات او نیز عین ذات اوست. (۲) ج) مقصود از شفیع در این جا یاور باشد که انسان را در تکمیل نفس یاری برساند. (۳) ۶. در این آیه به چهار مرحله از مراحل توحید اشاره شده است که هر کدام دلیل بردیگری به شمار می‌آید. توحید در خالقیت دلیل بر توحید در حاکمیت است و توحید در حاکمیت دلیل بر توحید در ولایت و شفاعت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به مراحل آفرینش توجه کنید تا خداشناس شوید. ۲. خدا بر تدبیر هستی تسلط دارد اما کارها را به تدریج و در طی مراحل انجام می‌دهد. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۲ قرآن کریم در آیات پنجم و ششم سوره‌ی سجده به تدبیر، آگاهی و برخی صفات دیگر خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. *يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ* * ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ کارها را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال است از آنچه شما می‌شمارید، به سوی او بالا می‌رود. * آن (خدا) دانای نهان و آشکار است؛ [و] شکست‌ناپذیر مهرورز است؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد واژه‌ی آسمان در این آیه دو تفسیر کرده‌اند: الف) مقصود همین آسمان و زمین معمولی باشد؛ یعنی خدا جهان هستی را از آسمان گرفته تا زمین، زیر پوشش تدبیر خود قرار داده است. (۱) ب) منظور از آسمان مقام عالی قرب الهی است؛ یعنی خدا امور این جهان را از مقام قرب خود به سوی زمین (و مراتب پایین تر) تدبیر می‌کند. (۲) البتّه مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. ۲. مفسران قرآن در مورد کل آیه‌ی فوق سه احتمال داده‌اند: الف) مقصود قوس نزول و صعود تدبیر هستی در همین دنیا باشد. ب) منظور نزول و صعود فرشتگان برای تدبیر جهان باشد. ج) مقصود دوره‌های تدبیر الهی در این عالم باشد که هر دوره هزار سال است. د) منظور این است که تدبیر امور جهان از آسمان آغاز و به زمین منتهی می‌شود و در رستاخیز به سوی خدا باز می‌گردد. (۳) تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۳. ۳. در برخی آیات قرآن اشاره شده که مقدار روز رستاخیز پنجاه هزار سال به حساب ماست و در این آیه هزار سال گفته شده است. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام در این مورد روایت شده که فرمودند: روز رستاخیز پنجاه ایستگاه دارد که هر ایستگاهی هزار سال طول می‌کشد (و آیه‌ی قرآن را تلاوت کردند). (۱) البتّه برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که عدد هزار یا پنجاه هزار سال به عنوان تکثیر باشد و مقصود آن است که روز رستاخیز بسیار طولانی است. (۲) ۴. در آیه‌ی اخیر به سه صفت الهی، یعنی «عالم»، «عزیز» و «رحیم» اشاره شده است؛ یعنی خدایی که عهده‌دار تدبیر هستی است از نهان و آشکار جهان آگاه است و دارای عزّت همراه با مهربانی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تدبیر امور جهان از بالاست. ۲. طول روز قیامت با دنیا قابل مقایسه نیست (آنها را یکسان نپندارید). ۳. در رستاخیز همه چیز به سوی او بازمی‌گردد. ***

مراحل آفرینش انسان

قرآن کریم در آیات هفتم تا نهم سوره‌ی سجده به مراحل آفرینش و سپاس‌گزاری اندک مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷-۹. *الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُيْلَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ * ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ تَفْسِيرَ الْقُرْآنِ مَهْرًا جَلْدَ شَانِزْدَهَم، ص: ۲۷۴ السَّمْعِ وَالْأَبْصَارِ وَالْأَفْتِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ* (همان) کسی که هر چیزی را که آن را آفرید، نیکو گردانید؛ و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ * سپس نسل او را از چکیده‌ای از آبی پست قرارداد؛ * سپس او را مرتب نمود و از روح خود در او دمید و برای شما شنوائی و دیدگان و دل‌ها (ی سوزان) قرارداد؛ چه اندک سپاس‌گزاری می‌کنید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به یک اصل اساسی در نظام آفرینش اشاره شده که همان خلقت نیکوی هر چیز است. خدا همه چیز را با نظامی استوار و زیبا و کامل می‌آفریند؛ همان‌طور که این امر در آفرینش اعضای بدن انسان مشهود است. آری؛ بر آن نقاش قدرت آفرین باد. جهان چون خط و خال و چشم و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست (شبستری) اما اگر برخی افراد ناقص

الخلقه به وجود می‌آیند، در اثر کارهای ناپسند خود انسان‌ها و یا برای امتحان آنهاست و اگر برخی موجودات رنگارنگ و حیوانات گوناگون را آفریده است همگی لازم و هر کدام در جای خود نیکو و زیبایند. مُحقق همان بیند اندر ابل «۱» که در خوب‌رویان چین و چِگِل (سعدی) ۲. در این آیات اشاره شده که «خدا انسان را از گِل آفرید». در این مورد دو احتمال وجود دارد: الف) مقصود آفرینش آدم و حوا بدون واسطه از گِل باشد. ب) منظور آفرینش انسان اولیه از گِل با واسطه‌ها و طی میلیون‌ها سال باشد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۵ برخی مفسران ظاهر آیات قرآن را موافق نظریه‌ی تکامل و برخی مخالف آن دانسته‌اند «۱» ولی آیات قرآن در صدد اثبات یا نفی نظریه‌ی تکامل موجودات نیست. علاوه بر آن که نظریه‌ی تکامل در حدّ نظریه‌ای است که واقع‌نمایی آن به اثبات نرسیده است. ۳. «سِلَالَةٌ» به معنای عصاره و فشرده‌ی خالص هر چیز است و در این جا مقصود نطفه‌ی آدمی است که عصاره‌ی وجود او و مبدء حیات و منشأ تولد فرزند و ادامه‌ی نسل اوست. ۴. آب نطفه‌ی آدمی پست، ضعیف، حقیر و ناچیز است (مهبین)؛ البته این تعبیر اشاره به وضع ظاهری آن است، و گرنه محتوای آن بسیار ظریف، پیچیده و اسرارآمیز است. ۵. مقصود از «سَوَاه» در این جا همان تکمیل و موزون ساختن اندام‌های جنین انسان در رحم مادر است؛ یعنی از مرحله‌ای که انسان به صورت نطفه است تا مرحله‌ای که تمام اعضای بدن او آشکار می‌شود. «۲» ۶. مقصود از دمیدن روح در انسان همان حلول روح در بدن است که به دمیدن هوا تشبیه شده است و در آن مرحله است که حرکت جنین شروع می‌شود. «۳» آری؛ نطفه‌ی انسان در مرحله‌ی اول، حیات نباتی دارد و فقط تغذیه و رشد و نمو می‌کند، ولی حسّ و حرکت ندارد؛ در مراحل بعدی، حیات حیوانی و حسّ و حرکت می‌یابد و در مرحله‌ی آخر حیات انسانی می‌یابد و قوه‌ی ادراک پیدا می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۶ ۷. مقصود از «روح خدا» (روحه) که در این آیه آمده است، اضافه‌ی تشریفی است؛ یعنی روحی پرشرافت و ارجمند که سزاوار است روح خدا نامیده شود، در انسان دمیده می‌شود. ۸. در این آیات به دو بعد وجودی انسان اشاره شده است: الف) بعد مادی که از خاک تیره و آبی حقیر پدید می‌آید. ب) بعد معنوی که از دمیده شدن روح الهی پدید می‌آید. و انسان می‌تواند به سوی هر کدام از این ابعاد حرکت کند و سیر صعودی یا نزولی را داشته باشد. ۹. مقصود از خلقت گوش و چشم و دل در این آیات همان حسّ شنوایی، بینایی و عقل و ادراک قلبی است چراکه اصل این اعضا قبل از دمیده شدن روح شکل می‌گیرد. ۱۰. در این آیات از میان حواس ظاهری و باطنی انسان سه حسّ شنوایی، بینایی و ادراک قلبی و عقلی یاد شده است. چرا که این سه مهم‌ترین ابزارهای شناخت هستند و اکثر معلومات تجربی و استدلالی بشر از این سه راه به دست می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا هر چه آفرید نیکو آفرید (پس شما هم کارها را به نیکوترین صورت انجام دهید). ۲. در مورد مراحل خلقت خودتان مطالعه کنید تا (خدا شناس شوید و) سپاس‌گزاری بیش‌تری بنمایید. ۳. انسان دو بعد مادی پست و معنوی الهی دارد (او را تک بعدی نپندارید). ۴. خدا به انسان کرامت بخشیده و روحی الهی در او دمیده است. ۵. خدا به شما ابزارهای شناخت داد (تا او را بشناسید و سپاس‌گزاری کنید) ولی کم‌تر شکرگزاری می‌کنید. * * * تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۷

رستاخیز

قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی سجده اشکال کافران در مورد معاد را مطرح کرده، بدان پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. وَقَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ * قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ و (کافران) گفتند: «آیا هنگامی که (ما مُردیم و) در زمین گم شدیم، آیا به راستی ما در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟!» بلکه آنان ملاقات پروردگارش را (در رستاخیز) منکرند. * بگو: «فرشته‌ی مرگ که بر شما گماشته شده، (جان) شما را به طور کامل می‌گیرد؛ سپس فقط به سوی پروردگارتان باز گردانده می‌شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «گم شدن در زمین» آن است که انسان پس از مردن به خاک تبدیل می‌شود و هر ذره‌ی بدنش به گوشه‌ای پرتاب می‌شود و دیگر اثری از آن باقی

نمی‌ماند تا در قیامت زنده شود. (۱) ۲. این آیه به پرسش کافران در مورد رستخیز به دو صورت پاسخ داده است: نخست پاسخی روان شناختی به آن می‌دهد و انگیزه‌ی این پرسش را فاش می‌کند که کافران در حقیقت ملاقات پروردگارش را منکرند و اگر پرسشی در مورد خلقت جدید مطرح می‌کنند، بهانه جویی و شبهه‌پراکنی است. دوم آن که از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله به کافران پاسخ می‌دهد که اگر شما در مورد باقی ماندن جسم خودتان تردید دارید، در مورد روح شما شکی نیست که فرشته‌ی مرگ آن را کاملاً دریافت می‌کند و در رستخیز حاضر می‌نماید. ۳. مسأله‌ی معاد جسمانی و جمع‌آوری ذرات جسم انسان در رستخیز مورد تأکید قرآن است. (۲) تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۸ خدایی که همه چیز را آفریده و از همه چیز آگاه است می‌تواند ذرات وجود انسان را دوباره جمع‌آوری کند و اگر در این جا از معاد روحانی سخن می‌گوید به معنای نفی معاد جسمانی نیست. پای کوبان، دست افشان، در ثنا نازنانان، ربنا احییتنا (۱) حمله آرند از عدم سوی وجود در قیامت، هم شکور و هم کنود (۲) (مولوی) ۴. تعبیر «تَوْفَى» به معنای بازستاندن به طور کامل است. این تعبیر در مورد مرگ انسان، اشاره به آن است که فرشته‌ی مرگ روح و جان انسان را به طور کامل می‌گیرد؛ و مرگ به معنای فنا و نابودی نیست بلکه روح در فضایی تازه ادامه‌ی حیات می‌دهد و سپس در رستخیز حاضر می‌شود. ۵. چرا در این آیه بازستاندن روح انسان را به فرشته‌ی مرگ نسبت داده است در حالی که در آیات دیگر قرآن «خدا» و یا فرشتگان را بازستاننده معرفی می‌کند؟ پاسخ آن است که فرشتگان مرگ متعدد هستند، اما ملك الموت رییس آنان است (۳) و هر کاری که فرشتگان انجام می‌دهند به دستور خداست؛ بنابراین این می‌توان آن را به خدا نسبت داد. (۴) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران نسبت به معاد شبهه‌پراکنی می‌کنند (پس آماده باشید). ۲. شبهات مخالفان را ریشه‌یابی و انگیزه‌ی آنان را بررسی کنید. ۳. مرگ به معنای نابودی نیست بلکه روح انسان گرفته می‌شود و باقی می‌ماند و به سوی خدا باز می‌گردد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۹ ۴. خدا کارها را با واسطه‌ی فرشتگان انجام می‌دهد. *** قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی سجده به سرافکنندگی خلافکاران در رستخیز و تقاضای بازگشت آنان به دنیا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲. وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ وای کاش خلافکاران را می‌دیدیم هنگامی که آنان در پیشگاه پروردگارش سرافکننده می‌شوند، (و می‌گویند:) ای پروردگار ما! دیدیم و شنیدیم؛ پس ما را بازگردان تا [کار] شایسته‌ای انجام دهیم؛ [چرا] که ما یقین پیدا کردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خلافکاران (کافرکیش) صحنه‌ی رستخیز را می‌بینند و بازخواست فرشتگان را می‌شنوند و از این رو سخت شرمنده، پشیمان و سرافکننده می‌شوند. ۲. خلافکاران از خدا می‌خواهند که آنان را به دنیا بازگرداند، در حالی که این کار ممکن نیست؛ چرا که بازگشت از یک مرحله‌ی زندگی به مرحله‌ی قبل از آن امکان عادی ندارد، همان طور که انسان نمی‌تواند به دوران کودکی و جنینی بازگردد. به وقت کار، باید کرد تدبیر چه تدبیری، چو وقت کار شد دیر (پروین) علاوه بر آن، این کافران مجرم اگر به دنیا بازگردند بی‌فایده خواهد بود و باز هم خلافکاری خواهند کرد، همان طور که در دنیا بارها به آنان تذکر داده شد، ولی گوش نکردند. ۳. از سیاق آیات قبل و بعد و مضمون آیه استفاده می‌شود که مقصود از مجرم در این آیه همان کافران خلافکار هستند که منکر قیامت بودند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستخیز روز سرافکنندگی و پشیمانی خلافکاران است (تلاش کنید این گونه نباشید). ۲. سرمایه‌ی آخرت عمل صالح است (آن را به دست آورید). ۳. یقین در رستخیز و تقاضای بازگشت به دنیا سودی ندارد (تا فرصت باقی است کاری کنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی سجده به قانون الهی در مورد پرکردن جهنم از خلافکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳. وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ و اگر (بر فرض) می‌خواستیم، حتماً به هر شخص رهنمودش را (به اجبار) می‌دادیم، و لیکن گفتار (سنت گونه‌ی) از طرف من تحقق یافته که قطعاً جهنم را از همه‌ی جن‌ها و مردم پر خواهیم کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اگر خدا می‌خواست می‌توانست همه‌ی انسان‌ها را به اجبار هدایت کند، ولی ایمان و هدایت اجباری ارزشی نخواهد داشت و افتخار انسان در آن است که راه تکامل را

آزادانه و به اختیار خود بپیماید. ۲. چنانچه انسان در انتخاب راه هدایت و گمراهی آزاد باشد، گروهی راه ایمان می‌پویند و گروهی به راه کفر می‌روند و در این صورت سنت و قانون الهی آن است که جهنم را از انسان‌ها و جنیان کافر و خلافکار پارسازد. ۳. جنیان نیز هم چون انسان‌ها دارای اختیار و تکلیف هستند و هر گاه به راه کفر و گناه بروند مجازات می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۱. ۴. مقصود از پرشدن جهنم و تأکیدات این جمله آن است که حتماً وعده‌ی عذاب الهی تحقق می‌یابد و رحمت الهی مانع انجام این کار نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در انتخاب هدایت و گمراهی آزاد هستید (دقت کنید کدام یک را انتخاب می‌کنید). ۲. قطعاً خدا کافران خلافکار را مجازات می‌کند و دوزخ را از آنان پر می‌سازد. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی سجده فراموشی رستاخیز و اعمال انسان را از عوامل عذاب او می‌شمارد و می‌فرماید: ۱۴. فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ پس، (به دوزخیان می‌گویم: عذاب را) بچشید، به خاطر این که ملاقات این روزتان را فراموش کردید؛ در حقیقت، ما (نیز) شما را به فراموشی سپردیم؛ و به خاطر آنچه انجام می‌دادید، عذاب ماندگار را بچشید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فراموشی قیامت سرچشمه‌ی بدبختی انسان است. کسانی که دادگاه عدل الهی را در نظر ندارند دست به هرگونه قانون شکنی، ظلم و جنایت می‌زنند، اما کسانی که به معاد اعتقاد دارند مراقب اعمال خویش هستند. ۲. مقصود از فراموشی خدا، از بین رفتن صورت چیزی از ذهن او نیست؛ زیرا خدا در همه حال و هر زمان از همه چیز آگاه است و فراموشی برای او معنا ندارد. سپس منظور این آیه آن است که هرکس ملاقات خدا را فراموش کند (و عمداً از یاد قیامت غافل شود) خدا نیز او را به دست فراموشی می‌سپارد؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۲ یعنی حمایت و کمک خود را نسبت به او قطع می‌کند تا در وادی حیرت و گمراهی و گناه غوطه‌ور و راهی دوزخ گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. غفلت از رستاخیز و کردار ناشایست از عوامل عذاب هستند. ۲. رستاخیز را فراموش نکنید که خدا شما را به دست فراموشی می‌سپارد (و گرفتار عذاب می‌شوید). ***

نشانه‌های مومنان حقیقی

قرآن کریم در آیات پانزدهم و شانزدهم سوره‌ی سجده به صفات مؤمنان راستین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵ و ۱۶. إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ * تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ فقط کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که هر گاه بدان (آیات) یادآوری شدند، سجده‌کنان (بر زمین) می‌افتند و با ستایش پروردگارشان تسیح می‌گویند؛ در حالی که آنان تکبر نمی‌ورزند. * پهلوهایشان (برای نماز) از بسترها بلند می‌شود، در حالی که پروردگارشان را به خاطر ترس و امید می‌خوانند و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم (در راه خدا) هزینه می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نخستین سجده‌ی واجب قرآن در هنگام تلاوت آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی سجده است و هر گاه کسی این آیه را به طور کامل تلاوت کند، یا از دیگری بشنود، واجب است که یک سجده به جا آورد. البته وضو داشتن برای این سجده واجب نیست ولی پیشانی خود را باید بر چیزی بگذارد که سجده بر آن صحیح است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۳. ۲. در این آیات شش صفت و نشانه‌ی مؤمنان راستین بیان شده است و این مطلب به صورت انحصار آمده است؛ یعنی مؤمنان حقیقی این شش ویژگی را دارند. ۳. مؤمنان با شنیدن آیات الهی چنان شیفته می‌شوند که بی‌اختیار، سجده‌کنان بر زمین می‌افتند. این نشانه‌ی عشق و علاقه‌ی آنان به کلام معبود است. ۴. نشانه‌ی دوم مؤمنان حمد و تسیح گویی است؛ یعنی از طرفی خدا را به خاطر صفات جمال ستایش می‌کنند و از طرف دیگر او را از نقایص پاک و منزّه می‌شمردند. ۵. نشانه‌ی سوم مؤمنان آن است که اهل فروتنی هستند و از تکبر دوری می‌کنند، چراکه تکبر نخستین پله‌ی نردبان کفر است. ۶. نشانه‌ی چهارم مؤمنان راستین آن است که راز و نیاز و نماز را بر خواب ترجیح می‌دهند و در دل شب پهلو از بستر بر می‌کنند تا سر بر آستان معبود گذارند و با او راز و نیاز کنند. بیدار شوای دیده که ایمن نتوان بود زین سیل دمدام که درین منزل خواب است (حافظ) ۷. مقصود از برخاستن از رختخواب در این آیه، یا

برای نماز عشا است، یعنی مؤمنان پس از نماز مغرب به خواب نمی‌روند تا مبدا نماز عشا آنان قضا شود و یا مقصود به جا آوردن نماز شب است؛ یعنی مؤمنان حقیقی در دل شب که همه در خواب‌اند بیدار می‌شوند و از رختخواب بیرون می‌آیند و یازده رکعت نماز شب را به جا می‌آورند. در مورد هر دو تفسیر احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام رسیده است و مانعی ندارد که این آیه معنای وسیعی داشته باشد که شامل نماز عشا تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۴ و نماز شب بشود، «۱» هر چند آیه با نماز شب تناسب بیش‌تری دارد. ۸. امام باقر علیه السلام به یکی از یاران فرمودند: اگر بخواهی تمام درهای خیر را به تو معرفی می‌کنم (سپس در برابر اشتیاق آن یار فرمودند): روزه سپراست و صدقه خطاها را پاک می‌کند و برخاستن در دل شب (انسان را) به یاد خدا می‌اندازد (سپس حضرت آیه‌ی فوق را قرائت کردند). «۲» ۹. نشانه‌ی پنجم مؤمنان حقیقی آن است که خدا را با بیم و امید می‌خوانند؛ یعنی نه از خشم خدا خود را ایمن می‌دانند و نه از رحمتش مأیوس می‌گردند؛ که غلبه‌ی ترس، انسان را به یأس و سستی می‌کشاند و هر دو دشمن حرکت تکاملی انسان است. مرا در منزل جانان چه امن عیش چون هر دم جرس فریاد می‌دارد که بر بندید محمل‌ها (حافظ) ۱۰. نشانه‌ی ششم مؤمنان راستین آن است که از هر چه دارند (اموال، علوم، تجربه و ...) در راه خدا مصرف می‌کنند و به دیگران می‌بخشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر مؤمن حقیقی هستید، در برابر آیات الهی بی‌تفاوت نباشید و واکنش مثبت نشان دهید. ۲. سجده، حمد، تسبیح و تکبیر گریزی از نشانه‌های مؤمنان راستین است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۵ ۳. به راز و نیاز در دل شب، تعادل در دعا و انفاق توجه کنید که از نشانه‌های مؤمنان راستین است. ۴. مؤمنان راستین برای دیگران چشمه‌ی سرشار خیر هستند و از همه چیز خود انفاق می‌کنند. ۵. مؤمنان حقیقی نماز را بر خواب ترجیح می‌دهند. ۶. مؤمنان هم از (مخالفت) خدا هراس دارند و هم به رحمت او امیدوارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی سجده به پاداش‌ها و چشم روشنی‌های مؤمنان حقیقی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ پس هیچ شخصی نمی‌داند چه روشنی‌چشمانی برایشان نهفته شده، به پاداش آنچه انجام می‌دادند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قُرَّة» به معنای سردی و خنکی است و در این جا کنایه از اشک شوق انسان است که از دیدگان جاری می‌شود و چشم را خنک و روشن می‌سازد. این کنایه‌ی لطیفی است از نهایت خوشحالی مؤمنان، در هنگامی که پاداش‌های خود را دریافت می‌کنند. ۲. پاداش‌های مؤمنان حقیقی، از همه‌ی افراد، اعم از انسان‌ها و فرشتگان مخفی نگاه داشته می‌شود؛ چرا که: اولاً، این پاداش‌ها آن قدر مهم و با ارزش و والا است که با سخن نمی‌توان به آسانی حقیقت آنها را بیان کرد، پس مخفی کردن آنها نشأت انگیز تراست. ثانیاً، یکی از ویژگی‌های مؤمنان حقیقی نماز شب بود که معمولاً در شب مخفی می‌شد و پاداش آنان نیز متناسب با عمل آنان، مخفی است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۶ ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که هیچ عمل نیکی نیست، مگر آن که در قرآن ثواب آن روشن شده است، الا- نماز شب که خدا به خاطر عظمت آن ثواب آن را روشن نساخته است (سپس حضرت آیه‌ی فوق را قرائت کردند). «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پاداش‌های مؤمنان حقیقی بزرگ و مخفی است. ۲. خدا چشم روشنی‌ها را به بهای عمل می‌دهد (نه به بهانه). ۳. اگر پاداش و چشم روشنی الهی می‌خواهید عمل گرا شوید. ***

مقایسه مومنان و نافرمان‌داران

قرآن کریم در آیات هیجدهم تا بیستم سوره‌ی سجده به مقایسه‌ی کارها و فرجام مؤمنان و فاسقان می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۸- ۲۰. أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ * أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تَكْذِبُونَ و آیا کسی که مومن باشد همانند کسی است که نافرمان است؟ مساوی نیستند. کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، پس بوستان‌های (بهشتی) منزلگاه برای آنان است، درحالی که (نخستین) پذیرایی است به خاطر آنچه انجام می‌دادند. * و اما کسانی که نافرمان

شدند، پس مقصدشان آتش است؛ هر گاه بخواهند از آن خارج شوند، در آن بازگردانده می‌شوند و به آنان تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۷ گفته می‌شود: «بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می‌انگاشتید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقایسه است؛ یعنی عمل کرد و سرنوشت دو گروه را در برابر هم به تصویر می‌کشد تا زشتی‌ها و زیبایی‌ها و سعادت و شقاوت روشن‌تر شود و مردم بهتر بتوانند تصمیم بگیرند. در این جا نیز سرنوشت و عمل کرد مؤمنان و فاسقان به تصویر کشیده شده است. ۲. «فاسق» در اصل به معنای خارج شدن میوه از پوستش است از این رو به خارج شدن افراد از اطاعت خدا و عقل فسق گفته می‌شود. این کلمه در این جا معنای گسترده‌ای دارد که شامل گناهکاران و کافران می‌شود؛ چراکه در برابر مؤمنان به کار رفته است. «۱» ۳. برخی مفسران حکایت کرده‌اند که این آیه در مورد گفت‌وگوی امام علی علیه السلام با ولید بن عقبه نازل شده است که ولید گفت: «من زبانی گسترده‌تر و نیزه‌ای تیزتر از تو دارم.» «۲» و امام علی علیه السلام پاسخ داد که: «این چنین نیست که تو می‌گویی. ای فاسق! البته ولید بن عقبه در آیات قرآن، «فاسق» خوانده شده است. «۳» ولی سوره سجده مکی است و آیه‌ی فوق نمی‌تواند در این جریان نازل شده باشد، مگر آن که بگوییم این آیه بر جریان امام علی علیه السلام و ولید تطبیق شده و یا این که در مدینه نازل شده است. «۴» «۴» «نزل» به معنای چیزی است که برای پذیرایی مهمان آماده می‌کنند و یا نخستین چیزی که با آن از مهمان پذیرایی می‌کنند، هم‌چون شربت. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۸ یعنی بهشت با همه‌ی نعمت‌هایش نخستین پذیرایی خدا از مؤمنان است. «۱» ۵. فاسقان در دوزخ زندانی می‌شوند و هر گاه بخواهند از آن جا خارج شوند، دوباره بدان بازگردانده می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمن و فاجر را یکسان ننگرید. ۲. بهشت نخستین پاداش مؤمنان شایسته‌کردار است. ۳. فاسقان زندانی دوزخ هستند (پس شما این گونه نباشید). ۴. بهشت و دوزخ در برابر عقاید و اعمال انسان‌ها داده می‌شود. ***

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی سجده به عذاب‌های دنیوی و آثار تربیتی آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. *وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ* و قطعاً، غیر از عذاب بزرگ‌تر (اخروی)، از عذاب نزدیک‌تر (دنیوی) به آنان می‌چشانیم، باشد که آنان بازگردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به یکی از لطف‌های مخفی الهی اشاره شده که ظاهر آن عذاب است؛ یعنی مجازات‌های دنیوی، هم‌چون دردها، بلاها، قحطی و خشک‌سالی که باعث بیداری انسان‌ها و نجات آنان از عذاب اخروی می‌شود، مجازات‌هایی است که آثار تربیتی ثمربخش برای انسان دارد. ۲. تعبیر «لعل» برای بیان علت ناقصه و زمینه است؛ یعنی عذاب‌های دنیوی زمینه‌ساز بازگشت، بیداری و نجات انسان است و این یکی از فلسفه‌های مهم بلاها و رنج‌های دنیوی است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۹ البته گاهی رنج‌های دنیوی در اثر ستمکاری افراد یا بازتاب اعمال خود انسان است. ۳. چرا از عذاب دنیوی با عنوان «نزدیک‌تر» و از عذاب اخروی با عنوان «بزرگ‌تر» یاد شده است در حالی که نزدیک‌تر در برابر دورتر است، نه بزرگ‌تر؟ پاسخ آن است که عذاب دنیوی دو صفت نزدیکی و کوچکی را دارد و در مقام تهدید مناسب نیست که بر کوچک بودن آن تکیه شود و عذاب اخروی نیز دارای دو صفت بزرگی و دور بودن است که در هنگام تهدید مناسب نیست که بر دور بودن آن تکیه شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر گاه گرفتار مجازات‌های دنیوی شدید، به سوی خدا باز گردید. ۲. خدا به وسیله‌ی بلاها و مشکلات انسان‌ها را تربیت می‌کند. ۳. قبل از آن که به عذاب بزرگ الهی گرفتار شوید، با عذاب‌های دنیوی بیدار شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی سجده به فرجام سخت روی گردانان از آیات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲. *وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ* و چه کسی ستمکارتر است از کسی که نشانه‌های پروردگارش (به او) تذکر داده شده، سپس از آن [ها] روی گرداند؟! مسلماً، ما از خلافکاران انتقام گیرنده‌ایم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به کسانی اشاره کرده که وسایل بیدار کننده و هشدار دهنده در آنها تأثیری ندارد و هرچه از نشانه‌های الهی می‌بینند و هرچه آیات هشدار گر بر آنان خوانده می‌شود نسبت به آنها بی‌اعتنایی می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۰ این گونه افراد ستمکارترین مردم هستند؛ آنان به خود ستم می‌کنند که از فرصت‌ها و نعمت‌ها و آیات الهی استفاده نمی‌کنند و با

روی گردانی از آیات الهی به رهبران و آیات الهی نیز توهین و ستم روا می‌دارند. ۲. در این آیه از «انتقام الهی» سخن گفته شده است. البته انتقام در لغت عرب به معنای «مجازات کردن» است و معنای فارسی آن که مجازات برای فرونشاندن سوز درون انتقام‌گیرنده است، مقصود نیست. ۳. واژه‌ی «نَمُّ» به معنای انجام کاری با فاصله است؛ یعنی به ستمکاران خلافکار، فرصت کافی داده می‌شود، تا در آیات الهی مطالعه کنند، ولی بازهم روی می‌گردانند و در نهایت گرفتار انتقام الهی می‌گردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افرادی که از نشانه‌ها و آیات الهی روی بر می‌تابند، ستمکار و خلافکار هستند. ۲. خلافکاران از انتقام الهی در امان نیستند. ۳. از نعمت آیات الهی که به سراغ شما آمده، روی گردان نشوید که بدترین ستم به خودتان است. *** قرآن کریم در آیات بیست و سوم تا بیست و پنجم سوره‌ی سجده به سرگذشت موسی و تورات و پیشوایان هدایتگر و شرایط آنان اشاره می‌کند و با هشدار به اختلاف‌کنندگان بنی‌اسرائیل می‌فرماید: ۲۳-۲۵. وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ * وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ * إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَبِهِ يَقِينُ، به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و از ملاقاتش در تردید مباش؛ و آن را رهنمودی برای بنی‌اسرائیل (: فرزندان یعقوب) قرار دادیم. * و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) راهنمایی می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند. * در حقیقت، پروردگار تو، خود، میان آنان در روز رستاخیز درباره آنچه در آن اختلاف می‌کردند (داوری کرده) و جدایی می‌اندازد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بیان اجمالی سرگذشت موسی علیه السلام در آیات پایانی سوره‌ی سجده، از طرفی موجب تسلی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود که در برابر مشرکان بهانه‌جو و تفرقه‌افکن قرار داشت و از طرف دیگر موسی صلی الله علیه و آله پیامبر بزرگی بود که مورد احترام یهودیان و مسیحیان قرار داشت و بیان سرگذشت او می‌توانست زمینه‌ساز جذب اهل کتاب به سوی اسلام باشد. ۲. در مورد ضمیر «لِقَائِهِ» مفسران اختلاف دارند و آن را به کتاب، قیامت، قرآن، موسی و خدا بازگردانده‌اند. ولی آنچه با ظاهر و سیاق آیه سازگارتر است آن است که مقصود ملاقات موسی با کتاب تورات باشد؛ یعنی ای پیامبر! تردیدی نداشته باش که موسی کتاب تورات را دریافت کرده است. «۱» ۳. در این آیات به دو شرط اساسی پیشوایان الهی اشاره شده است که شرط نخست شکیبایی و استقامت در برابر مشکلات، حوادث و مخالفت‌ها و شرط دوم ایمان و یقین به آیات و نشانه‌های الهی است که باید در طول زندگی آنان استمرار داشته باشد. «۲» این شرایط برای پیشوایان بنی‌اسرائیل بیان شده است اما در حقیقت شرایط پیشوایان همه‌ی امت هاست. ۴. در این آیات برنامه‌ی پیشوایان الهی «هدایت براساس امر الهی» بیان شده است که شامل تمام شئون زندگی و ابعاد اعتقادی و عملی و اخلاقی بشر می‌شود. ۵. مفسران در مورد واژه‌ی «امر» دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود قوانین شرعی و اوامر تشریحی باشد؛ یعنی پیشوایان الهی براساس قوانین الهی مردم را هدایت می‌کنند. ب) منظور اوامر تکوینی، یعنی نفوذ باطنی در دل‌ها و رساندن افراد به تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۲ اهداف عالی تربیتی و معنوی باشد. «۱» البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق شامل هر دو معنا باشد. «۲» ۶. مقصود از «ائمه» در ظاهر آیه همان پیشوایان و پیامبران بنی‌اسرائیل هستند؛ چراکه تعبیر به «جعل» یعنی قراردادن، در مورد مقام کسانی به کار می‌رود که خدا آنان را نصب می‌کند. ولی مانعی ندارد که این برنامه و شرایط شامل همه‌ی پیامبران و امامان الهی و حتی در مراتب پایین‌تر شامل همه‌ی پیشوایان حق باشد. ۷. در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که امامان و پیشوایان بر دو گونه‌اند: امامانی که به فرمان خدا نه به فرمان مردم هدایت را به عهده می‌گیرند و امر خدا را بر امر خودشان مقدم می‌دارند؛ و امامانی که به سوی آتش دعوت می‌کنند و فرمان خود را بر فرمان حق مقدم می‌دارند و طبق هوای نفس خویش و برضد کتاب خدا عمل می‌کنند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرگذشت موسی و پیشوایان بنی‌اسرائیل و اختلافات آنان عبرت بگیرید. ۲. کتاب الهی و پیشوایان حق مایه‌ی هدایت مردم هستند. ۳. صبر و یقین دو شرط امامت است. ۴. برنامه‌ی پیشوایان حق، هدایت براساس فرمان خداست. ۵. (اگر اختلافات در دنیا حل نشود)، خدا در رستاخیز به حساب آنها می‌رسد و داوری قطعی می‌کند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم،

نشانه‌های خدا

قرآن کریم در آیات بیست و ششم و بیست و هفتم سوره‌ی سجده به نشانه‌های هدایتگر الهی در آثار باستانی و چرخه‌ی حیات طبیعت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶ و ۲۷. «أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ أَفَلَا يَشْمَعُونَ* أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ و آیا برای آنان روشن نکرد که چه بسیار گروه‌هایی را پیش از آنان هلاک کردیم؟! در حالی که (این کافران) در خانه‌های آنان راه می‌روند؛ مسلماً، در این [ها] نشانه‌هایی (عبرت آموز) است؛ و آیا (به گوش دل) نمی‌شنوند؟!* و آیا نظر نکرده‌اند که ما، آب (باران) را به سوی زمین بی‌آب و علف می‌رانیم و به وسیله‌ی آن زراعتی را بیرون می‌آوریم که دام‌هایشان و خودشان از آن می‌خورند؟! و آیا نمی‌بینند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به سرنوشت اقوامی هم‌چون قوم عاد و ثمود اشاره شده است که مردمی قدرتمند بودند، اما به خاطر سرکشی و گناه، عذاب الهی نازل شد و آنان را درهم کوبید و اکنون گویی آثار باستانی و ویرانه‌های آنان با انسان‌ها سخن می‌گویند و نتیجه‌ی کفر و سرکشی را گوش‌زد و به ره‌گذران عبرت می‌آموزند و نشانه‌های قدرت الهی را بیان می‌نمایند. ۲. در این آیات به یکی از نعمت‌های الهی و نشانه‌های او در چرخه‌ی طبیعت اشاره شده است که خدا آب را به سوی زمین‌های خشک و بی‌گیاه می‌راند و آنها را زنده می‌گرداند و گیاهان در آنها می‌رویند سپس از این گیاهان حیوانات و انسان‌ها تغذیه می‌کنند. آری؛ اگر کسی با دقت به این مسائل بنگرد نشانه‌های قدرت و حکمت الهی را می‌بیند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۴ ۳. مقصود از راندن آب به سوی سرزمین خشک و بی‌آب و علف «۱»، یا آن است که آب‌ها به صورت بخار و ابر و توسط بادها به طرف بیابان‌های خشک رانده می‌شوند و یا جریان‌های آب‌های سطحی زمین است که در قالب رودخانه‌ها و نهرها جاری می‌شوند و یا جریان‌های آب‌های زیر زمینی است که به طرف سرزمین‌های دیگر می‌روند. البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. «۲» ۴. در این آیه حیوانات را قبل از انسان ذکر کرد. این تقدیم ممکن است به خاطر آن باشد که تمام تغذیه‌ی دام‌ها از گیاهان است، در حالی که بخشی از تغذیه‌ی انسان‌ها از گیاهان است و یا این که غالباً گیاهان از همان ابتدا مورد استفاده‌ی حیوانات هستند اما انسان‌ها از دانه و ثمره‌ی گیاهان استفاده می‌کنند. «۳» ۵. چرا آیه‌ی مربوط به آثار باستانی با جمله‌ی «آیا نمی‌شنوند» و آیه‌ی مربوط به چرخه‌ی طبیعت با جمله‌ی «آیا نمی‌بینند» پایان یافت؟ شاید به خاطر آن که انسان منظره‌ی رویش گیاهان و چرخه‌ی آب در طبیعت را می‌بیند، اما مسائل مربوط به اقوام پیشین را غالباً می‌شنود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات باستان‌شناسی و طبیعت‌شناسی، خداشناس شوید. ۲. از هلاکت اقوام پیشین عبرت بیاموزید و (به سوی خدا) رهنمون شوید. ۳. به چرخه‌ی آب در طبیعت و رشد گیاهان و تغذیه‌ی موجودات بادقت بنگرید تا (به سوی خدا) رهنمون شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۵ قرآن کریم در آیات بیست و هشتم تا سی‌ام سوره‌ی سجده به بهانه تراشی کافران پاسخ می‌دهد و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۲۸-۳۰. «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ* قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْتَظَرُونَ* فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ و (کافران) می‌گویند: «اگر راست گوئید، این پیروزی (شما) چه وقت است؟! (ای پیامبر!) بگو: «در روز پیروزی، کسانی که کفر ورزیدند، ایمانشان سودی نخواهد داشت؛ و آنان مهلت داده نمی‌شوند.»* پس، از آنان روی گردان و منتظر باش؛ که آنان (نیز) منتظرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم بارها به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان وعده‌ی پیروزی و یاری داده و کافران لجوج را به عذاب الهی تهدید کرده است. در این آیات بیان شده که کافران در این مورد بهانه‌تراشی و عجله می‌کردند و با غرور و ریشخند می‌گفتند: این پیروزی شما و عذاب ما چه زمانی فرا می‌رسد؟! ۲. مقصود از «روز فتح» روز فرود آمدن عذاب الهی در دنیا است؛ یعنی عذابی که کافران را ریشه کن می‌سازد و در آن هنگام دیگر

فرصت توبه به کسی داده نمی‌شود و کافران مهلت نمی‌یابند که ایمان بیاورند. «۱» ۳. اگر استدلال و منطق و اندرز در کافران اثر نکرد و باز به بهانه‌جویی و لجاجت پرداختند، مبلغان و رهبران الهی می‌توانند از آنان روی برتابند و منتظر تقدیر الهی و رحمت او بر مؤمنان و عذاب او بر کافران باشند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به بهانه‌جویی‌های کافران پاسخ مناسب دهید. ۲. قبل از روز پیروزی (مؤمنان و نزول عذاب الهی) ایمان بیاورید که بعد از آن سودی ندارد. ۳. مبلغان و رهبران دینی از کافران لجوج و بهانه‌جو، روی برتابند و منتظر تقدیر الهی باشند. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۷

بخش پنجم: سوره‌ی احزاب

اشاره

ساماندهی زندگی اجتماعی مسلمانان با بیان قوانین پاکسازی خرافات جاهلیت از میان مسلمانان آموزه‌های نظامی جنگ احزاب و بنی قریظه خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و الگو بودن ایشان پاکی و عصمت اهل بیت علیهم السلام آداب معاشرت و حجاب زنان تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۹

اول: سیمای سوره‌ی احزاب

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدای گسترده مهر مهرورز

شمارگان

سوره‌ی احزاب در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۷۳ آیه، ۱۲۸۰ واژه و ۵۷۹۶ حرف است.

نزول

سوره‌ی احزاب هشتاد و نهمین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی آل عمران و قبل از سوره‌ی ممتحنه) و در بین سال دوم تا پنجم هجری نازل شده است. نام‌ها: تنها نام این سوره «احزاب» به معنای حزب‌ها و گروه‌هاست و سبب نام‌گذاری آن، آیات ۲۰ و ۲۲ این سوره است که در آن‌ها سخن از «احزاب» و گروه‌ها گفته شده است.

فضایل

در مورد فضیلت تلاوت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی احزاب را تلاوت کند و به خانواده‌ی خود بیاموزد از عذاب قبر در امان خواهد بود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۰ تذکر: آموزش سوره‌ی احزاب اعم از قرائت و عمل به محتوای آن است و این است که انسان را از عذاب الهی مصون می‌دارد. ویژگی‌ها: آیه‌ی مهم تطهیر که در مورد اهل بیت علیهم السلام و پاکی آنان نازل شده آیه‌ی ۳۲ همین سوره است و در این سوره به داستان جنگ مهم احزاب اشاره شده است.

اهداف

اساسی‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌انداز: ۱. سازماندهی زندگی اجتماعی مسلمانان با بیان مقررات و قوانین زندگی برای آنان؛ ۲. هدایت مسلمانان در دوره‌ی سخت هجوم مشرکان و خیانت یهودیان طی دو جنگ احزاب و بنی قریظه؛ ۳. مبارزه با رسوبات خرافات جاهلی در میان مسلمانان.

مطالب

مهم‌ترین مطالبی که در این سوره به چشم می‌خورد عبارت‌انداز: الف) عقاید ۱. دعوت پیامبر به اطاعت از خدا و وحی و ترک پیروی از کافران و منافقان (در آیات ۱-۲)؛ ۲. بیان راه نجات در رستخیز (در آیه‌ی ۶۷)؛ ۳. بیان آخرین پیامبر بودن، حضرت محمد صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۴)؛ ۴. بیان پاکی و عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام (در آیه‌ی ۳۳). ب) اخلاق تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۱. ۱. دستورات اخلاقی و تربیتی در مورد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله که باید الگوی دیگران باشند (در آیات ۲۸-۳۴)؛ ۲. زنان پیامبر مادران مؤمنان هستند (در آیه‌ی ۶)؛ ۳. پیامبر اسلام الگو و اسوه‌ی نیکو است (در آیه‌ی ۲۱)؛ ۴. آداب معاشرت با پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۵۳). ج) احکام ۱. ردّ خرافات جاهلیت مثلظهار که آن را وسیله‌ی جدایی زن و شوهر قرار می‌دادند (در آیات ۳، ۴ و ۳۷)؛ ۲. دستور حجاب به زنان مؤمن (در آیه‌ی ۵۹)؛ ۳. مطالبی درباره‌ی قوانین طلاق زنان (در آیه‌ی ۴۹)؛ ۴. ممنوعیت ازدواج با زنان پیامبر بعد از او (در آیه‌ی ۵۳)؛ ۵. دستور به صلوات و سلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۵۶). د) داستان ۱. داستان جنگ احزاب (خندق) و بیان نقش یهود به عنوان ستون پنجم دشمن و پیروزی اعجاز‌آمیز مسلمانان بر کفار (در آیات ۹-۲۲)؛ ۲. داستان زینب و زید و پاسخ قرآن به بهانه‌جویان (در آیه‌ی ۳۷)؛ ۳. یادآوری میثاق پیامبرانی هم‌چون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام (در آیه ۷). ه) مطالب فرعی ۱. حمایت خدا از پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر کارشکنی مخالفان؛ ۲. امانت‌داری انسان در تعهدات و تکالیف و مسئولیت‌ها (در آیه‌ی ۷۲)؛ ۳. افشاگری منافقان و رسوایی مردان و زنان قریش؛ ۴. هشدار جدی در مورد اذیت کردن پیامبر که موجب لعنت و عذاب می‌شود (در آیات ۵۳ و ۵۸)؛ ۵. علم قیامت نزد خداست (در آیه‌ی ۶۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۳

دوم: محتوای سوره‌ی احزاب

معیارهای پیرو اطاعت

قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی احزاب چهار فرمان به پیامبر صلی الله علیه و آله داده و با هشدار در مورد آگاهی خدا می‌فرماید: ۱-۳. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا * وَأَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا * وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ای پیامبر! از (مخالفت) خدا خودنگهدار باش و از کافران و منافقان اطاعت نکن که خدا دانای فرزانه است. * و از آنچه از پروردگارت به سوی تو وحی می‌شود پیروی کن؛ که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. * و بر خدا توکل کن؛ و کارسازی خدا کافی است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که ابوسفیان و برخی دیگر از سران مشرکان (از پیامبر صلی الله علیه و آله امان گرفتند و وارد مدینه شدند و به همراه (منافق مشهور) عبدالله بن ابی و برخی دوستانش خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و به او پیشنهاد کردند که از بت‌ها بدگویی نکند و آنها را شفاعتگر بخواند و در عوض مشرکان دست از آزار پیامبر صلی الله علیه و آله بردارند و او را آزاد بگذارند. پیامبر صلی الله علیه و آله از این پیشنهاد ناراحت شد و دستور داد مشرکان را از مدینه اخراج کردند. این آیات بدین مناسبت فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور

داد که به این پیشنهادها اعتنا نکند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از خطرهای راه انقلاب‌ها و برنامه‌های رهبران بزرگ، پیشنهادهای سازشکارانه با مستکبران و کافران است که عامل رکود و عقب‌گرد می‌شود. خدا در این آیات با این گونه پیشنهادها برخورد کرد. ۲. این که به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور تقوا و اطاعت خدا و عدم پیروی کافران را می‌دهد، بدین معنا نیست که او در تقوا و اطاعت الهی کوتاهی نموده یا از کافران و منافقان پیروی کرده است، بلکه این دستورات از طرفی تأکیدی بر وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله و از طرف دیگر درسی برای مسلمانان است. ۳. در ظاهر، مخاطب این آیات پیامبر صلی الله علیه و آله است اما در حقیقت همه‌ی مسلمانان هستند؛ از این رو گاهی ضمیر جمع آورده «۱» و نیز با «یا ایها» شروع کرده است تا توجه عموم را جلب کند. «۲» ۴. تقوا مراتبی دارد که از احساس مسئولیت درونی تا مراتب عالی ایمان و عمل ادامه می‌یابد و اگر تقوی نباشد هیچ برنامه‌ی سازنده‌ای عمل نمی‌شود. ۵. در این آیات نخست به تقوا، سپس به دوری از دشمنان خدا و بعد از آن به پیروی از برنامه‌های توحیدی فرمان می‌دهد و در پایان توکل و اعتماد بر خدا را مطرح می‌کند که این امور زنجیره‌ای به همه پیوسته‌اند. ۶. معنای توکل بر خدا آن نیست که انسان حرکت و تلاش نکند؛ زیرا تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۵ توکل به معنای انجام کوشش انسانی تا حد نهایی و تکیه بر خداست، یعنی انسان اسباب را به کار بندد ولی اثر را از خدا بداند و بخواهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در زندگی اجتماعی، تقوا، پیروی از وحی، توکل و عدم پیروی از دشمنان را سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهید. ۲. خدا کارهای شما را زیر نظر دارد (و می‌داند چه کسی دستورات او را عمل و چه کسی مخالفت می‌کند). ۳. حمایت و وکالت خدا برای انسان کافی است. ***

مبارزه قرآن با فرهنگ جاهلیت

قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی احزاب به مبارزه با فرهنگ جاهلی و خرافی عرب می‌پردازد و می‌فرماید: ۴. مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرِجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ لِلآئِي تَظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ خدا برای هیچ مردی دو دل در درونش قرار نداده است؛ و همسرانتان را که نسبت به آنان «ظهار» می‌کنید (و مادر خود می‌خوانید)، مادران شما قرار نداده؛ و پسرخواندگانتان را پسران (حقیقی) شما قرار نداده است؛ این، سخن شماست در حالی که با دهانتان [می‌گویید]؛ و خدا حق را می‌گوید و او به راه (راست) راه‌نمایی می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران نوشته‌اند که در جاهلیت شخصی به نام «جمیل» که دارای حافظه‌ای بسیار قوی بود، ادعا می‌کرد در درون من دو قلب وجود دارد و با هر کدام از آن قلب‌ها (یا عقل‌ها) از محمد بهتر می‌فهمم؛ از این رو مشرکان او را «ذو القلین» یعنی صاحب دو قلب نامیدند. او در جنگ بدر شرکت کرد و پس از شکست مشرکان در حالی که یک کفش خود را به دست داشت فرار کرد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۶ برخی مفسران برآن‌اند که قسمت اول این آیه در مورد این جریان و برای نفی این گونه خرافات نازل شده است. «۱» ۲. این آیه می‌تواند معنای عمیقی در برداشته و اشاره به این باشد که هر انسانی یک قلب بیش‌تر ندارد و به یک معبود عشق می‌ورزد، انسان دارای دو قلب نیست که مشرک شود و معبودها و معشوق‌های متعدد انتخاب کند. «۲» خلوت دل نیست جای صحبت اغیار دیو چو بیرون رود فرشته در آید (حافظ) ۳. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: دوستی ما و دوستی دشمن ما در یک قلب نمی‌گنجد؛ چرا که خدا برای یک انسان دو قلب قرار نداده است. «۳» ۴. ممکن است جمله‌ی فوق معنای دیگری نیز داشته باشد و آن این که هر انسان سالم دارای قلب و روح و شخصیت واحد است، از این رو نفاق، دورویی و دوگانگی شخصیت چیزی تحمیلی و بر خلاف طبیعت انسان است؛ «۴» چون انسان دو قلب ندارد که دو خط فکری داشته باشد و نقش دو شخصیت متفاوت را بازی کند و ظاهر و باطن او متفاوت باشد. هر کس چنین باشد دارای شخصیتی ناهمگون، متشت و منافق است که این نوعی بیماری روحی است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۷. ۵. در این آیه به مسأله‌ی «ظهار» اشاره کرده

است، ظهار یک عادت خرافی بود که در عصر جاهلیت رواج داشت، و بر اساس آن هر مرد که به همسر خود می‌گفت: «تو نسبت به من هم چون پشت مادر من هستی». «۱» بعد از این جمله همسرش را به منزله‌ی مادرش می‌پنداشت و این سخن در حکم طلاق بود. آیه‌ی فوق بر این خرافه‌ی جاهلی خط بطلان کشید و فرمود که: «همسران شما پس از ظهار هم چون مادران شما نیستند». آری؛ قرآن نه تنها تسلیم فرهنگ جاهلی عرب نشد، بلکه با عناصر خرافی آن مبارزه کرد. ۶. اسلام «ظهار» را نفی کرد و گفت مردی که با همسرش ظهار کند مجازات می‌شود؛ یعنی باید تاوان و کفاره بدهد تا بتواند دوباره به همسرش بازگردد و اگر کفاره ندهد و به سراغ همسرش نیاید، همسر او می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند تا او را وادار به طلاق یا کفاره و بازگشت کند. «۲» ۷. در این آیه به یکی دیگر از قوانین خرافی جاهلیت اشاره شده و آن را نفی کرده است. برخی مردم کودکانی را به عنوان پسر خوانده انتخاب می‌کردند و سپس تمام حقوق یک فرزند واقعی را برای او قایل می‌شدند. از این رو او ارث می‌برد و زن پدرش بر او حرام می‌شد و بر عکس. «۳» اسلام این مقررات خرافی را نفی کرد و در این آیه بیان شده که پسر خوانده فرزند واقعی نیست. ۸. در این آیه اشاره شده که این خرافات سخنانی است که از دهان شما خارج می‌شود و با سخن، رابطه‌ی مادری و فرزندگی حاصل نمی‌شود و سخنان شما، واقعیت خارجی را عوض نمی‌کند و با حق منطبق نیست؛ در حالی که احکام الهی حق است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عقاید و مقررات خرافی را رها سازید که غیر از حرف چیز دیگری نیست. ۲. پسر خوانده را پسر واقعی دانستن از خرافات جاهلیت است. ۳. روابط حقیقی خویشاوندی به وسیله‌ی سخن گفتن و خرافات ایجاد نمی‌شود. ۴. قرآن نه تنها تحت تأثیر فرهنگ زمانه قرار نگرفته بلکه با خرافات فرهنگی عرب مبارزه می‌کند. ۵. با خرافات فرهنگی عصر خویش مخالفت کنید. ۶. هر انسانی یک قلب (یک عقل و یک شخصیت) دارد (پس شرک و نفاق، مخالف طبیعت انسان است). ۷. برنامه‌های الهی را اجرا کنید که حق و هدایت‌آور است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۹ قرآن و فرهنگ زمانه الف) فرهنگ زمانه عبارت است از: مجموعه‌ی آداب، رسوم، عقاید و ... مردم هر عصر، که در این جا مقصود فرهنگ عرب جاهلی عصر نزول قرآن است. «۱» ب) قرآن کریم در مورد فرهنگ زمانه‌ی عصر نزول دو گونه برخورد کرده است: ۱. عناصر مثبت فرهنگ زمانه را در قرآن حکایت و تقویت و پالایش کرده است. مثال: مراسم حج را که یادگار ابراهیم علیه السلام در میان اعراب جزیره‌ی العرب بود، قرآن نقل و تشویق کرد (حج، ۲۷؛ بقره، ۱۹۶؛ توبه، ۳ و آل عمران، ۹۷) ولی از آن خرافه‌زدایی کرد و کسانی را که در حال احرام از پشت خانه‌ها وارد می‌شدند سرزنش کرد (بقره، ۱۸۹). مثال دیگر: داد و ستد و تجارت را تأیید کرد، اما عناصر منفی آن را رد کرد؛ از این رو رباخواری و کم‌فروشی و ... را ممنوع ساخت (بقره؛ ۲۷۵). ۲. عناصر منفی فرهنگ زمانه‌ی عرب را رد کرد، بلکه با آن خرافات مبارزه نمود، برای مثال: - ظهار (نوعی طلاق دوران جاهلیت) را نفی کرد (احزاب، ۴ و مجادله، ۲). - بر خلاف عرف عرب جاهلی، پسر خوانده را پسر واقعی ندانست (احزاب، ۴). - عرب جاهلی اجازه نمی‌داد که کسی با زن پسر خوانده ازدواج کند ولی این قانون خرافی را اسلام شکست و حتی به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شد که با همسر زید ازدواج کند تا این سنت غلط شکسته شود (احزاب، ۳۷). - قرآن از حقوق زنان دفاع کرد و با روش دخترکشی عرب مبارزه نمود و آن را سرزنش کرد. (تکویر، ۸ و ...) - قرآن در آیات زیادی با بت‌پرستی و شرک مخالفت کرد که این بزرگ‌ترین مبارزه‌ی قرآن با فرهنگ زمانه بود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۰ - قرآن با خرافات مشرکان و نذرهای آنان و ... مخالفت کرد (مائده، ۳؛ انعام، ۱۳۶ و ...) - قرآن با مسأله‌ی تثلیث و خداانگاری مسیح مبارزه کرد با این که در عصر نزول در میان مسیحیان وجود داشت و هنوز هم دارد. - قرآن با خرافات یهودیان و انحرافات و تحریفات آنان به شدت مبارزه کرد با این که در میان یهودیان مدینه رایج بود (بقره و آل عمران). - قرآن با هیئت بطلیموسی حاکم بر فکر مردم در آن عصر مخالفت کرد و مکرر به حرکت زمین اشاره نمود (نمل، ۸۸) و از حرکت واقعی خورشید یاد کرد (یس، ۳۸) و نیز در موردی که به حرکت کاذب خورشید اشاره شد تعبیر «می‌بینید و گمان می‌کنید» آورد (کهف، ۱۷). یادآوری: پس اگر قرآن مطالبی مثل جن، فرشته و مانند آنها را تأیید کرده است به خاطر آن است که

این‌ها حقیقت دارند، نه این که در فرهنگ زمانه وجود داشته‌اند. قرآن هر مطلب غلطی را نمی‌پذیرد و باطل در آن راه ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۱ قرآن کریم در آیه پنجم سوره‌ی احزاب مسلمانان را در مورد برخورد با فرزند خواندگانشان آموزش می‌دهد و می‌فرماید: ۵. اذْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً آن (پسر خوانده) ها را به [نام پدرانشان بخوانید که آن (کار) نزد خدا دادگرانه‌تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، پس برادران دینی شما و آزادشدگانتان هستند؛ و در مورد آنچه در آن (صدای زدن‌ها) خطا کرده‌اید، هیچ گناهی بر شما نیست، ولیکن در مورد آنچه دل‌هایتان به عمد (قصد) می‌کند (مسئولید)؛ و خدا بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «عادلان‌تر» در این آیه همان قسط و عدل است، نه آن که اگر کسی پسر خوانده را به نام غیر پدرش خواند کاری عادلانه کرده است. «۱» بلکه در هر صورت این کار موجب اشتباه و انحراف در مسائل خانوادگی و ارث می‌شود و خرافات جاهلیت را زنده می‌کند و از این رو ممنوع است. ۲. «موالی» جمع مولی به معنای سرپرست، دوست و غلام آزاد شده می‌آید و در این جا به معنای دوست یا غلام آزاد شده است؛ چرا که در آن عصر گاهی فرزندخواندگان از میان بردگان آزاد شده انتخاب می‌شدند. «۲» ۳. هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر صلی الله علیه و آله به «زید» که فرزند خوانده‌ی ایشان بود، فرمود: تو «زید بن حارثه» هستی ولی مردم او را «مولی رسول» می‌خواندند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۲. ۴. اگر گفتن نام پسرخواندگان به نام غیر پدرشان از روی عمد باشد اشکال دارد، «۱» ولی اگر از روی خطا باشد، گناهی ندارد. و در هر صورت خدا خطاها و گناهان را می‌آمرزد و مهربان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آداب و رسوم جاهلی را از فرهنگ گفتاری جامعه حذف کنید. ۲. با فرزند خواندگان به طور صحیح رفتار کنید و آنان را به نام پدرشان بخوانید، تا اشتباه و انحرافی پیش نیاید. ۳. نافرمانی عمدی مجازات دارد، نه خطایی. ۴. اگر نافرمانی کردید به آمرزش و مهر الهی امیدوار باشید. ***

قوانین خاص

قرآن کریم در آیه ششم سوره‌ی احزاب به رابطه‌ی پیامبر و همسرانش با امت اسلام و قانون اولویت در ارث اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶. النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُوراً پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسرانش مادران ایشان هستند؛ و خویشاوندان، در کتاب خدا، برخی از آنان نسبت به برخی از مومنان و مهاجران (در مورد ارث) سزاوارترند، مگر آن که (بخواید) نسبت به دوستانتان [کار] پسندیده‌ای انجام دهید؛ این (حکم) در کتاب (خدا) نوشته شده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۳. ۱. هنگامی که مسلمانان از مکه به مدینه مهاجرت کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان برادری بین مهاجران و انصار بستند و آنان هم‌چون برادران حقیقی از هم‌دیگر ارث می‌بردند. البته این مطلب نیاز آن روز جامعه‌ی اسلامی بود؛ چرا که مهاجران از شهر مکه رانده شده بودند و اموالی نداشتند و لازم بود که با قانون ارث برادری زندگی‌شان تأمین گردد. سپس این آیه فرود آمد و نظام ارث بردن را بر اساس خویشاوندی قرارداد و آنان را اولی معرفی کرد و به قانون ارث بردن برادران دینی از هم‌دیگر پایان داد. «۱» ۲. البته مقصود از اولویت در این جا، اولویت الزامی است نه استجابی، «۲» و نیز در این جا اولویت خویشاوندان را در برابر بیگانگان بیان می‌کند و ممکن است به اولویت برخی خویشان که نسبت به هم‌دیگر طبقات ارث را تشکیل می‌دهند نیز اشاره کند. «۳» ۳. در این آیه به ارث بردن مهاجران و انصار از یک‌دیگر پایان داد اما راه نیکی کردن برادران مؤمن به یک‌دیگر را به کلی مسدود نکرد و به مؤمنان اجازه می‌دهد که اگر می‌خواهد به دوستان و برادران خود نیکی کنید و ارثی برای آنان قرار دهید، می‌توانید در هنگام وصیت یا از طریق بخشش اموالی را برای آنان قرار دهید، که این کاری پسندیده است. البته در قوانین ارث اسلامی به وصیت کننده اجازه داده شده که تا یک سوم اموال خود را برای هر

کس یا هر کاری می‌خواهد وصیت کند. ۴. در این آیه آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است. مقصود از این جمله آن است که در مورد کلیه اختیاراتی که انسان نسبت به خویش دارد پیامبر صلی الله علیه و آله از خود او سزاوارتر است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۴ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در تدبیر امور اجتماعی، داوری و قضاوت، حکومت، اموال و همه‌ی امور اجتماعی و فردی اولویت دارد و اراده‌ی او مقدم بر اراده‌ی مسلمانان است. ۵. از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله معصوم است، اولویت و تصرفات او بر اساس مصالح و خیر افراد جامعه است و او تابع هوس خویش نیست و سود شخصی خود را محور قرار نمی‌دهد؛ از این رو خطری منافع جامعه و افراد را تهدید نمی‌کند. آری؛ پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم نسبت به خودشان مهربان‌تر و خیرخواه‌تر است. راست می‌فرمود آن بحر کرم بر شما من، از شما مشفق‌ترم (مولوی) ۶. در این آیه از مقام «نبوت» سخن گفته شده نه از شخص محمد صلی الله علیه و آله و این اولویت برای مقام قرارداد شده است؛ بنابراین این اولویت شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و هر کسی که جانشین مقام او باشد می‌شود و در حقیقت این اولویت شاخه‌ای از اولویت اراده‌ی خداست زیرا ما هر چه داریم از اوست. ۷. در این آیه تصریح شده که همسران پیامبر در حکم مادران مسلمانان هستند، البته مادر معنوی و روحانی همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله پدر روحانی و معنوی امت بود. این پیوند معنوی مسلمانان با همسران پیامبر به خاطر احترام به پیامبر صلی الله علیه و آله و تقدیر از زحمات او بود و تأثیرش در حفظ احترام همسران شایسته و ثابت قدم او و ممنوعیت ازدواج با آنها بود، و گرنه در مسأله‌ی ارث و محرمات سببی و نسبی دیگر تأثیری ندارد؛ از این رو هر مسلمانی می‌توانست با دختران همسران پیامبر ازدواج کند، در حالی که ازدواج با دختر مادر حقیقی جایز نیست. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۵. ۸. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که مقصود از اولویت خویشاوندان در این آیه، همان ارث حکومت و خلافت است که در فرزندان امام حسین علیه السلام قرار گرفته است. «۱» البته این گونه احادیث بطن آیه را بیان می‌کنند یعنی مسأله‌ی اولویت را تعمیم می‌دهد تا شامل ارث اموال و ارث خلافت گردد. البته ارث خلافت هم چون حکومت‌های پادشاهی بر اساس تولد افراد نیست بلکه بر اساس شایستگی‌ها و استعداد افراد است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی نسبت به امور مردم از خودشان سزاوارتر هستند (تا طبق مصالح جامعه در امور فردی و اجتماعی و اموال آنان تصرف کنند). ۲. همسران شایسته‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله مادران امت هستند. ۳. خویشاوندان (در ارث بردن) از بیگانگان سزاوارترند. ۴. برای برادران دینی بخشش و وصیت مالی نمایید که کاری پسندیده است. *** قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی احزاب به پیمان محکم خدا با پیامبران و هدف آزمایش‌گرانه‌ی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷ و ۸. وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا* لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (یادکن) هنگامی را که از پیامبران پیمان محکمشان را گرفتیم و (هم‌چنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی، پسر مریم؛ و ما از آنان پیمان محکم شدیدی گرفتیم* تا (خدا) راست‌گویان را از راستی ایشان پرسد و برای کافران عذاب دردناکی آماده ساخته است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از پیمانی سخن گفته شده که بین خدا و همه‌ی پیامبران الهی بسته شده است. این پیمان در مورد پیامبران اولوالعزم شدیدتر است «۱» از این رو از پنج پیامبر، یعنی نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به طور خاص نام برده شده است. ۲. در آیه‌ی نخست از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سپس از چهار پیامبر دیگر به ترتیب تاریخی نام برده شده است؛ زیرا مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بالاتر است. ۳. به مفاد این پیمان در آیات دیگر قرآن اشاره شده است «۲» که اصل کلی و خط اساسی آن همان دعوت به سوی توحید و وحدت کلمه و هدایت مردم بود. «۳» ۴. در این آیه از مکان و زمان این پیمان نام برده نشده است، ولی از برخی احادیث استفاده می‌شود که این پیمان در عالمی دیگر و قبل از این جهان بوده است. از این رو حکایت شده که شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «یا رسول الله چه زمانی از شما پیمان گرفته شد؟ حضرت فرمود: (زمانی که) آدم بین

روح و جسد بود. «۴» ۵. مقصود از «صادقین» در این آیه پیامبران و یا مؤمنان راستین هستند. «۵» البته مانعی ندارد که هر دو گروه مقصود آیه باشند؛ چرا که پیامبران هم جزء مؤمنان راستین هستند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۷ آری؛ صادقین کسانی هستند که در ادعای ایمان خود صادق‌اند و آن را در عمل اثبات کرده و از آزمایش الهی سربلند بیرون آمده‌اند. ۶. پرسش از «صادقین» یا در رستخیز است که از کردار و نیت آنان پرسش می‌شود و یا پرسش عملی در دنیا است که به وسیله‌ی فرستادن پیامبران ادعای ایمان افراد به زیر سؤال می‌رود و کردار صادقین گویای راست‌گویی آنان است. ۷. اگر خدا از همه چیز آگاه است، چه نیازی به پرسش از صادقین دارد؟ پاسخ آن است که این پرسش برای فهم مطلب نیست بلکه برای امتحان مؤمنان صادق و کافران و روشن کردن وضعیت آنان و اتمام حجت بر آنان و آماده ساختن آنها برای پاداش و کیفر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی در برابر خدا متعهدند. ۲. هدف از پیمان‌های الهی، آزمایشگری و روشن شدن ادعاهای مؤمنان صادق و کافران است. ۳. به پیمان خویش وفادار باشید.***

ماجرای جنگ احزاب

قرآن کریم در آیه نهم سوره‌ی احزاب به جنگ احزاب و امدادهای غیبی در آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر (خود) تان یاد کنید، هنگامی که لشکرهایی به سراغ شما آمدند؛ و باد و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید بر آنان فرستادیم؛ و خدا به آنچه می‌کنید بیناست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۸ شأن نزول: این آیه و شانزده آیه بعد از آن در مورد جریان جنگ احزاب فرود آمده است، که در سال پنجم هجری واقع شد. جرقه‌ی این جنگ توسط گروهی از یهودیان مدینه زده شده بود. آنان با مشرکان مکه تماس گرفتند و آنها را به جنگ‌افروزی تشویق کردند، سپس قبایل زیادی از عرب را علیه مسلمانان شوراندند. آنان به طرف مدینه آمدند و مسلمانان به مشورت پرداختند و به پیشنهاد سلمان فارسی، اطراف مدینه خندقی حفر کردند. شهر مدینه به محاصره‌ی ده هزار نفر دشمن درآمد و گروهی از مسلمانان متزلزل و ترسان شدند ولی به فرمان خدا طوفانی سخت وزید و خیمه‌گاه کفار را درهم فرو ریخت و فرشتگان الهی به یاری مسلمانان آمدند و مشرکان با رعب و وحشت عقب‌نشینی کردند. این جنگ نقطه‌ی عطفی در تاریخ اسلام شد و موازنه‌ی قدرت را در عربستان به نفع مسلمانان بر هم زد و زمینه‌ساز پیروزی‌های آینده‌ی اسلام شد. این آیه به طور خلاصه جنگ احزاب را به تصویر کشیده است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جنگ احزاب در سال پنجم هجری واقع شد، ولی این آیات بعد از آن نازل شد و از این رو از تعبیر «یادکن» استفاده شده است؛ یعنی پس از مدتی که از جنگ احزاب گذشت این آیات مردم را به یاد جنگ احزاب و امدادهای الهی و تجزیه و تحلیل آن انداخت تا در این مورد تفکر بیش‌تری بنمایند. ۲. تعبیر به «جُنُود» اشاره به احزاب و قبایل مختلفی است که به مدینه حمله کردند؛ از جمله: قریش، غطفان، بنی‌اسلم، بنی‌اسد، بنی‌فراره، بنی‌اشجع و بنی‌میره و طایفه‌ی یهود که داخل مدینه و همکار آنان بودند. ۳. مقصود از سپاه‌یانی که دیده نمی‌شدند، همان فرشتگان بودند که در جنگ احزاب به یاری مسلمانان آمدند و روحیه‌ی آنان را تقویت کردند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. امداد رسانی خدا را در جنگ‌ها فراموش نکنید (و با وسایل مختلف صوتی و تصویری این نعمت‌ها را به یاد آورید). ۲. خدا لشکرهای بزرگ را با باد ضعیف درهم می‌شکند (تا قدرت او را دریابید). ۳. خدا لشکرهایی (از فرشتگان) دارد که شما آنها را نمی‌بینید. ۴. اعمال شما تحت نظارت و کنترل خداست (پس مراقب اعمال خودتان باشید).*** قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی احزاب به محاصره‌ی مدینه و امتحان سخت جنگ احزاب و تزلزل شدید برخی مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (همان) هنگامی که (لشکر دشمن) از فراز

(شهر) شما و از فروتر (شهر) تان به سراغ شما آمدند و آن‌گاه که دیدگان به طرف (دشمن) مایل (و خیره) شد و دل‌ها (و جان‌ها) به گلوگاه‌ها رسید و در مورد خدا گمان‌هایی (گوناگون) گمان بردید؛* در آن‌جا مومنان آزمایش شدند و با لرزشی شدید متزلزل گشتند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات وضع بحرانی جنگ احزاب به تصویر کشیده شده است. حدود ده هزار نفر از مشرکان از بیرون و یهودیان از داخل مدینه، مسلمانان را محاصره کرده بودند و لشکر سه هزار نفری مسلمانان هر لحظه منتظر حمله‌ی آنان بود؛ جان‌ها به لب رسیده و چشم‌ها خیره مانده بود و حتی برخی مسلمانان گرفتار و سوسه‌های ناحق و تزلزل شدید شده بودند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۰ اما یاری الهی به وسیله‌ی فرشتگان و طوفان و نبرد پیروزمندانه‌ی امام علی علیه السلام با عمرو بن عبدود مسلمانان را از شکست نجات داد. ۲. در این آیه اشاره شده که لشکر مشرکان از بالا و پایین مدینه، یعنی شمال و جنوب آن شهر وارد شدند و شهر را به محاصره‌ی خود درآوردند؛ چرا که مدینه در شمال مکه واقع شده بود و مشرکان مکه از جنوب آمده بودند و برخی قبایل دیگر از طرف مقابل. «۱» ۳. در این آیه اشاره شده که «قلب‌ها به گلوگاه رسید». البته روشن است که قلب به گلوی انسان نمی‌رسد؛ پس این تعبیر کنایی است و مشابه تعبیر کنایی فارسی است که می‌گوید: «جان‌ها به لب رسید». یعنی وضعیت بسیار سخت و جان فرسا بود. ۴. مقصود از گمان‌هایی که مسلمانان نسبت به خدا بردند، و سوسه‌ها و پندارهای بدی است که در شرایط سخت گاهی به ذهن افراد سست ایمان می‌رسد؛ مثلاً شاید افرادی فکر کردند که با توجه به کثرت دشمن، اسلام شکست می‌خورد و وعده‌های خدا در مورد پیروزی تحقق نمی‌یابد. البته این گونه و سوسه‌ها تا حدودی طبیعی است و باعث خروج از قلمرو ایمان و اسلام نمی‌شود، همان‌طور که آیه‌ی فوق این پندارها را به مسلمانان نسبت داده است. ۵. برخی مؤمنان در جنگ احزاب متزلزل شدند؛ یعنی در حالت ناراحتی گرفتار اضطراب شدند همان‌طور که برخی افراد در حالت ناراحتی برخورد می‌لرزند. البته ممکن است این تعبیر اشاره به تزلزل فکری و ایمانی همراه با لرزش بدن باشد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. لحظات سخت جنگ و فشار روحی دشمنان را بر خودتان فراموش نکنید (تا قدر نعمت و عافیت را بدانید). ۲. جنگ‌های سخت صحنه‌ی امتحان شماست. ۳. در شرایط سخت جنگی برخی مؤمنان نیز گرفتار پندار و تزلزل می‌شوند (پس مراقب باشید). *** قرآن کریم در آیات دوازدهم و سیزدهم سوره‌ی احزاب به سخنان تهمت‌آمیز و بهانه‌جویانه‌ی منافقان در جنگ احزاب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. *وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا* وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لِمَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا وَ هُنكَامِي كَمَا مَنَافِقَانِ وَ كَسَانِي كَمَا دَلَّ هَآئِشَانِ [نوعی بیماری است، می‌گفتند: «خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده نداده‌اند.»* و هنگامی که دسته‌ای از آنان گفتند: «ای مردم یثرب (: مدینه! در این‌جا) هیچ منزلگاهی برای شما نیست؛ پس (به شهر) باز گردید.» و دسته‌ای از آنان از پیامبر رخصت (بازگشت) می‌خواستند [و] می‌گفتند: «در واقع، خانه‌های ما بی‌حفاظ است.» و حال آن‌که آنها بی‌حفاظ نبود؛ [آنان جز گریز (از جنگ چیزی) نمی‌خواستند. شأن نزول: در هنگام حفر خندق در جنگ احزاب، مسلمانان به قطعه سنگ بزرگی برخورد کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله ضربه‌ی محکمی به آن زد و بخشی از آن متلاشی شد و برقی جهید و پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر گفت و بار دوم و سوم نیز این کار تکرار شد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۲ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله توضیح داد که در برق اول قصرهای یمن را دیدم و در برق دوم قصرهای شام و مغرب را و در برق سوم قصرهای پادشاهان ایران را و جبرئیل خبر داد که امت من بر آنها پیروز می‌شوند. منافقان از این سخنان تعجب کردند و با ریشخند گفتند: ما اکنون گرفتار چنگان دشمن هستیم ولی او از سرزمین کسری سخن می‌گوید. آیه‌ی فوق فرود آمد و افشا کرد که منافقان نسبت به وعده‌های خدا و پیامبرش ایمان ندارند و آنها را دروغ می‌دانند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات واکنش گروه‌های مختلف در برابر امتحان جنگ احزاب بیان شده است. در آیات قبل بیان شد که جنگ احزاب آن‌قدر سخت بود که گروهی از مؤمنان متزلزل شدند و در این آیات بیان شده که منافقان سخنان تهمت‌آمیز گفتند و بهانه‌جویی و توطئه‌گری کردند. آری؛ این

روش منافقان است که در هنگام سختی‌ها، چهره‌ی واقعی خود را نشان می‌دهند و توطئه می‌کنند. ۲. در این آیه از منافقان با تعبیر «کسانی که در قلبشان بیماری است» یاد شده است. نفاق بدترین بیماری است. انسان منافق دوچهره و دوشخصیتی است و در درون گرفتار تضاد و بیمار دلی است. ۲ «۳». گروهی از منافقان مردم را برای بازگشت به مدینه تحریک می‌کردند و گروهی دیگر بهانه آورده، می‌گفتند: خانه‌های ما باز و بدون در و دیوار و بی پناه و آسیب‌پذیر است «۳» و می‌خواستند با این بهانه از صحنه‌ی جنگ احزاب خارج شوند. آری؛ منافقان در شرایط سخت مؤمنان را تنها گذاشته، صحنه را ترک می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۳. ۴ «یثرب» نام قدیمی شهر مدینه و در لغت به معنای ملامت کردن است. بعد از ورود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به یثرب، نام آن شهر به «مدینه الرسول»، یعنی شهر پیامبر تغییر یافت، سپس نام‌های دیگری هم چون: «طیبه، طابه، سکینه، محبوبه، مرحومه و قاصمه» بر آن نهادند. شاید منافقان برای آن که می‌دانستند پیامبر صلی الله علیه و آله نام «یثرب» را برای این شهر نمی‌پسندد، از آن با نام «یثرب» یاد کردند تا مردم به یاد دوران جاهلیت بیفتند و در ضمن بگویند که هنوز اسلام در این سرزمین رسمیت ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان در هنگام امتحان و سختی جنگ، چهره‌ی واقعی خود را نشان می‌دهند (پس آنها را در آن هنگام بشناسید). ۲. نشانه‌ی منافقان آن است که به وعده‌های الهی ایمان ندارند. ۳. منافقان در جنگ کارشکنی و تفرقه‌افکنی می‌کنند (پس مراقب توطئه‌های آنان باشید). ۴. از نشانه‌ی منافقان آن است که برای فرار از جنگ بهانه‌جویی می‌کنند. *** قرآن کریم در آیات چهاردهم و پانزدهم سوره‌ی احزاب به روحیه‌ی عهدشکنی منافقان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴ و ۱۵. وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَأْتَوْهَا وَمَا تَلَبَّتْ بِهَا إِلَّا يَسِيرًا* وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الدُّبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَشْهُورًا و اگر (بر فرض، دشمنان) از اطراف آن (مدینه) بر آنان وارد می‌شدند، سپس از آن (منافق) ها آشوبگری (و بازگشت به شرک) می‌خواستند، حتماً آن را [به جا] می‌آوردند و جز اندکی در آن (کار) درنگ نمی‌کردند.* و به یقین، از پیش، با خدا پیمان بسته بودند که با عقب‌گرد (از دشمن) روی برنتابند؛ و پیمان خدا مورد پرسش قرار می‌گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۴

نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به سست‌عنصر بودن منافقان اشاره کرده‌اند. آنان آن‌قدر سست‌ایمان هستند که اگر دشمن شهر مدینه را اشغال نظامی کند، نه تنها مقاومت نمی‌کنند و آماده‌ی شهادت نیستند، بلکه با او همکاری می‌کنند و به آیین شرک باز می‌گردند. ۲. مقصود از «فتنه» در این جا آیین شرک و کفر و یا جنگ بر ضد مسلمانان و یا هر دو است؛ «۱» یعنی منافقان فتنه‌گری می‌کنند و به دنبال فتنه‌جویی مشرکان حرکت می‌کنند. ۳. مقصود از عهد و پیمانی که منافقان با خدا بسته بودند چیست؟ منظور یا اشاره به عهد اهل مدینه قبل از هجرت در عقبه با پیامبر صلی الله علیه و آله و یا عهدی است که در جنگ بدر یا احد با آن حضرت بستند و یا مقصود آن است که هر کس به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد، در حقیقت با او عهد بسته است که از اسلام و قرآن دفاع کند. البته مانعی ندارد که آیه شامل همه‌ی این عهد و پیمان‌ها بشود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام شرایط سخت و حمله‌ی دشمن، نمی‌توان بر نیروهای منافق تکیه کرد. ۲. منافقان با فتنه‌گری به دشمنان اشغال‌گر کمک می‌کنند (پس مواظب توطئه‌های آنان باشید). ۳. منافقان عهدشکن هستند (پس مراقب باشید). ۴. منافقان جنگ‌گریزند و شما را تنها می‌گذارند (پس بر آنان تکیه نکنید). ۵. مراقب پیمان‌های الهی باشید که مورد بازخواست قرار می‌گیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۵

قرآن کریم در آیات شانزدهم و هفدهم سوره‌ی احزاب به فرار بی‌فایده‌ی منافقان از مرگ و قدرت بی‌مانع الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶ و ۱۷. قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَأْتُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا* قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَ لَمَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لَمَا نَصَّ يَرًا (ای پیامبر!) بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، گریز برای شما سودی نخواهد داشت؛ و در آن هنگام جز اندکی (از دنیا) برخوردار نخواهید شد.»* بگو: «چه کسی شما را از (اراده‌ی) خدا حفظ می‌کند، اگر بدی برای شما بخواهد یا رحمتی را برای شما بخواهد؟!» و (منافقان)، جز خدا هیچ سرپرست و یآوری برای (خود) شان نمی‌یابند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل بهانه‌جویی‌های منافقان برای فرار از جنگ بیان شد

و در این آیه به آنان پاسخ می‌دهد که فرار شما از جنگ دو حالت دارد: الف) ممکن است مرگ حتمی شما رسیده باشد که در این صورت فرار شما سودی ندارد و در هر کجا باشید حتی اگر در خانه باشید مرگ به سراغتان می‌آید. «۱» گر خود همه خلق زیر دستان تو اند دست ملک الموت زَبَر خواهد بود (سعدی) ب) ممکن است مرگ حتمی شما نرسیده باشد که چند روزی از زندگی دنیا بهره می‌برید و در نهایت با ذلت اسیر دشمن یا گرفتار عذاب الهی می‌شوید؛ «۲» پس در هر صورت فرار ثمره ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۶. در این آیات پاسخ دیگری نیز به بهانه‌جویی‌ها و فرار منافقان از جنگ داده و فرموده است: سرنوشت شما به دست خداست و او هر کاری بخواهد (و مصلحت بداند) با شما می‌کند و هیچ سرپرست و یآوری غیر از او ندارید؛ پس به کجا فرار می‌کنید؟ آیا بهتر نیست که بمانید و از ایمان و اسلام و پیامبر دفاع کنید و در نهایت پیروز شوید و یا شربت شهادت بنوشید و به سعادت ابدی برسید. ۳. معنای این آیه امضای جبر نیست؛ یعنی اراده‌ی خدا با اراده و اختیار انسان منافاتی ندارد؛ چون خدا اراده کرده که انسان آزاد باشد و اگر بدی یا خوبی به انسان می‌رساند بر اساس کردار انتخابی اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرار از مرگ حتمی بی‌فایده است. ۲. زندگی کوتاه (و ذلیلانه) را بر مرگ (با عزت) ترجیح ندهید. ۳. شما نمی‌توانید در مورد اراده‌ی الهی مقاومت کنید و کسی هم نمی‌تواند در این مورد به شما کمکی بنماید. *** قرآن کریم در آیات هجدهم و نوزدهم سوره‌ی احزاب به گروه ترسویان مشتاق غنایم و بازدارندگان از جنگ و کیفر آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸ و ۱۹. قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا * أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغَسِّى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِاللَّسِنَةِ إِذْ دَاوِدَ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۷ خدا به یقین می‌شناسد، از میان شما، بازدارندگان (از جنگ) و کسانی را که به برادرانشان می‌گفتند: «به سوی ما بیایید»، در حالی که (آن کارشکنان)، جز اندکی به (جنگ) سخت روی نمی‌آورند. * در حالی که بر شما (بی‌گذشت، و) آزمندند؛ و هنگامی که ترس فرا می‌رسد، آنان را می‌بینی که به سوی تو می‌نگرند، در حالی که چشمانشان می‌چرخد، همانند کسی که بر اثر (ترس از) مرگ بیهوش شده است؛ و هنگامی که ترس بر طرف شد، زبان‌های تیز را بر شما می‌گشایند، در حالی که بر (غنایم) خوب آزمندند. آنان (در حقیقت) ایمان نیاورده‌اند، پس خدا اعمالشان را تباه کرد؛ و آن (کار) برای خدا آسان است. شأن نزول: در حکایات تاریخی آمده است که در هنگام جنگ احزاب یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله برای انجام کاری به شهر مدینه آمد و مشاهده کرد که برادرش سفره‌ی رنگینی فراهم کرده است. به او اعتراض کرد که در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ است چرا تو خوشگذرانی می‌کنی؟ او در پاسخ گفت: تو نیز بیا و با ما بنشین و خوش باش! و سوگند یاد کرد که پیامبر از میدان جنگ احزاب زنده باز نخواهد گشت. آن یار رسول گفت: تو دروغ می‌گویی و این مطلب را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش داد و آیه‌ی فوق فرود آمد و به این گونه منافقان که در کنار صحنه می‌نشینند و دیگران را به سوی خود می‌خوانند، هشدار داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات حالات و سخنان گروهی دیگر از منافقان را افشا کرده است. ترسویانی که در هنگام جنگ مدت کوتاهی همراهی می‌کنند اما در همان حال کارشکنی می‌نمایند و دیگران را به سوی خود دعوت می‌کنند و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۸ از جنگ بازمی‌دارند، ولی پس از پایان جنگ خود را شریک غنایم می‌دانند و طلبکارانه و حریصانه در پی اموال هستند. ۲. این آیه به دو گروه اشاره می‌کند: الف) گروهی که در لابه‌لای صفوف مسلمانان هستند و آنان را از جنگ باز می‌دارند. ب) کسانی که خارج از صحنه‌ی نبرد نشسته‌اند و مجاهدان را به سوی خود می‌کشاند. تفسیر دوم با شأن نزول آیه سازگارتر است، ولی ممکن است که این آیه دو حالت مختلف یک گروه را بیان کند. ۳. آیات به انگیزه‌ی منافقان برای کارشکنی در جنگ اشاره کرده‌اند که همان بخل و حرص است. آنان نمی‌خواهند از جان و مال خویش بگذرند و به مسلمانان کمک مالی، بدنی، جانی یا فکری بنمایند. «۱» ۴. در این آیات به حالات دوگانه‌ی منافقان در برخورد با جنگ اشاره شده است. از طرفی آنان به شدت از جنگ می‌ترسند و جز مدت کمی در

نبرد شرکت نمی‌کنند و از طرف دیگر پس از پایان جنگ خود را در پیروزی‌ها شریک می‌دانند و سهم خود را با تیزبانی و خشونت می‌طلبند و در مورد آن بخیل و سخت‌گیرند. ۵. در این آیات به دو ویژگی «منافقان بازدارنده از جنگ» اشاره شده است که در حقیقت بیان فرجام و کیفر آنان است: اول آن که آنان ایمان حقیقی نیاورده‌اند و از همان نخست تظاهر به ایمان می‌کنند و از این رو در لحظات سخت جنگ این گونه رفتار می‌کنند. دوم آن که اعمال آنان نابود می‌شود؛ چرا که آنان با انگیزه‌ای غیر الهی به جنگ آمده‌اند و کارشان در نزد خدا ارزشی ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کارشکنی در جنگ و حضور اندک در نبرد از نشانه‌های منافقان است (پس آنان را بشناسید و مراقب توطئه‌هایشان باشید). ۲. منافقان در مورد (امداد رسانی در جنگ) بخیل هستند. ۳. از نشانه‌های منافقان ترس در جنگ و زبان خشن و آزمندی نسبت به غنایم است (پس آنان را بشناسید و مراقب باشید). ۴. فرجام نفاق، بی‌ایمانی و نابودی اعمال است. *** قرآن کریم در آیه بیستم سوره‌ی احزاب به ترس توهم‌آمیز و خیالات جنگی منافقان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰. يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِن يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بِيَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (منافقان) می‌پندارند که (لشکریان) حزب‌ها نرفته‌اند؛ و اگر (بار دیگر سپاه) حزب‌ها بیایند، آرزو می‌کنند که آنان در میان اعراب، بادیه نشین بودند، در حالی که از خبرهای بزرگ شما می‌پرسیدند؛ و اگر (بر فرض) در میان شما بودند، جز اندکی پیکار نمی‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به یک حالت روانی منافقان ترسو در جنگ اشاره شده است. آنان گرفتار کابوس می‌شوند و حتی باور نمی‌کنند که سپاه دشمن منطقه را ترک کرده است و گویا سربازان دشمن جلوی چشم آنان رژه می‌روند. ۲. در این آیه به خیالات جنگی منافقان نیز اشاره شده است که آنان اساساً آرزو دارند که به میان اعراب صحرائشین بروند تا از منطقه‌ی جنگ دور باشند، ولی در همان حال نگران آینده‌ی خود هستند و مرتب اخبار شما را از مسافران پی‌گیری می‌کنند تا طبق شرایط جدید تصمیم‌گیری کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۰. ۳. منافقان اندکی نبرد می‌کنند؛ آنان برای خدا به میدان نیامده‌اند که تا پای جان بایستند، بلکه از ترس ملامت مردم و برای ریاکاری آمده‌اند و به اندازه‌ی لازم می‌جنگند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان در جنگ گرفتار پندارگرایی و خیالات می‌شوند. ۲. بر روی کمک جنگی منافقان حساب نکنید که زیاد کمک نمی‌کنند. ۳. نشانه‌ی منافقان آن است که راحت‌طلب و جنگ‌گریزند. *** قرآن کریم در آیه بیست و یکم سوره‌ی احزاب به الگو بودن پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا به یقین، برای شما در (روش) فرستاده‌ی خدا، (الگویی برای) پیروی نیکوست! برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در جنگ احزاب گروه‌ها و افراد مختلفی شرکت کردند؛ هم‌چون: پیامبر صلی الله علیه و آله، مؤمنان، مشرکان، منافقان، یهودیان و افراد سست ایمان که هر کدام برنامه و واکنش خاصی داشتند و در این میان رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله کاملاً ممتاز بود، به طوری که حتی الگویی برای همه‌ی مسلمانان در طول تاریخ شد. ۲. «اُسْوَةٌ» به معنای حالتی است که انسان در هنگام پیروی از دیگری به خود می‌گیرد؛ «۱» یعنی همان حالت پیروی کردن و اقتدا نمودن (به یک الگو و سرمشق). «۲» در این جا پیروی کردن از پیامبر صلی الله علیه و آله مقصود است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۱. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در همه‌ی زندگی و همه‌ی زمینه‌ها الگوی خوبی بود. او در برابر مشکلات شکمیا و پر استقامت بود؛ هوشیار و با اخلاص بود؛ در برابر سختی‌ها زانو نمی‌زد، بلکه ناخدایی بود که کشتی جامعه را هدایت می‌کرد؛ هم‌چون مردم عادی کلنگ به دست می‌گرفت و خندق می‌کند و در جنگ شرکت می‌کرد؛ مردم را به یاد خدا می‌انداخت و با تشویق و مژده‌ها دیگران را شاد و دل‌گرم می‌ساخت؛ سرمشق عملی مسلمانان و پناه آنان در جنگ‌ها بود. از امام علی علیه السلام روایت شده که هرگاه آتش جنگ سخت شعله‌ور می‌شد، ما به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه می‌بردیم که هیچ یک از ما از او به دشمن نزدیک‌تر نبود. «۱» «۴» در این آیه الگو بودن پیامبر صلی الله علیه و آله به طور مطلق آمده است که همه‌ی زمینه‌های جنگی و غیر آن را شامل می‌شود؛ از این رو

عبادات و نظم و نظافت و تقوا و توکل و اخلاص و شجاعتش برای ما الگوست و پیروی از او سازنده و سعادت‌آفرین است و می‌تواند زندگی ما را متحول سازد. آینه‌ی جان نیست آله‌ی یار روی آن یاری که باشد ز آن دیار (مولوی) ۵. رفتارها و گفتارهای پیامبر صلی الله علیه و آله چند گونه بوده است: الف) سخنان و اعمال دینی پیامبر صلی الله علیه و آله که به عنوان قرآن و سنت از آنها یاد می‌شود، و پیروی از آنها واجب یا مستحب است. ب) سخنان و اعمال زندگی عادی و روزمره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان یک انسان در آن عصر، هم‌چون سوار شتر شدن و غذاهای مرسوم را طبخ کردن و خوردن. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۲ این گونه رفتارها تابع شرایط زمان و مکان است و در این موارد باید روح این امور را بگیریم و براساس شرایط زمان و مکان عمل کنیم. برای مثال، ایشان غذای ساده و نیکو می‌خورد و از مرکب در سفر استفاده می‌کرد، ما نیز چنین می‌کنیم ولی این بدان معنا نیست که ما هم سوار شتر شویم و یا غذای مرسوم عرب آن زمان را بخوریم. ۶. در این آیه بیان شده که الگوبودن پیامبر صلی الله علیه و آله برای کسانی است که سه شرط را دارا باشند و این زمینه‌ها را در خود آماده سازند: الف) به خدا و رحمت او امیدوار باشند؛ ب) به رستاخیز امید داشته باشند؛ ج) بسیار به یاد خدا باشند. آری؛ امید به خدا و معاد عوامل انگیزه ساز و حرکت‌آفرین هستند و یاد خدا به این حرکت مداوم می‌بخشد. کسی که به خدا و رستاخیز ایمان نداشته یا آنقدر آلوده باشد که از رحمت خدا و نعمت‌های رستاخیز مأیوس باشد، نمی‌تواند در مسیر پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کند و کسی که به یاد خدا نباشد، شیاطین رهن او را منحرف می‌سازند و از ادامه‌ی مسیر بازمی‌دارند. ۷. در احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر بنده‌ای در روز صد بار پروردگارش را یاد کند، این مصداق یاد فراوان است (که در این آیه به آن اشاره شده است). «۱» ۸. مقصود از یاد خدا، فقط گفتن الفاظ نیست، بلکه یاد قلبی و عملی را هم شامل می‌شود؛ یعنی وقتی انسان در برابر کار حرامی قرار می‌گیرد به یاد خدا بیفتد و آن را ترک کند؛ یعنی خدا در همه‌ی زندگی انسان حضور داشته باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شما در زندگی نیازمند الگو هستید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۳. ۲. رهبر اسلام را الگوی زندگی خود قرار دهید. ۳. امید به خدا، رستاخیز و ذکر فراوان خدا، شرایط الگوپذیری از پیامبر صلی الله علیه و آله است. * * * قرآن کریم در آیات بیست و دوم و بیست و سوم سوره‌ی احزاب به واکنش مؤمنان در جنگ احزاب و فرجام نیکوی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲ و ۲۳. وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا * مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا و هنگامی که مؤمنان (لشکریان) حزب‌ها را دیدند، گفتند: «این چیزی است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده داده‌اند و خدا و فرستاده‌اش راست گفته‌اند.» و (این) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. * از میان مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر (اساس) آن پیمان بسته‌اند، صادقانه (وفا) کرده‌اند؛ و از آنان کسی است که پیمانش را به پایان رسانده (و به شهادت رسیده)؛ و از آنان کسی است که منتظر است و هیچ تغییری (در پیمان خود) نداده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه واکنش مؤمنان در برابر جنگ سخت احزاب به تصویر کشیده شده است؛ مردانی که با دیدن سپاه بزرگ دشمن ایمانشان افزوده می‌گردد و در برابر خدا و پیامبر تسلیم‌اند و به فرمان آنان به میدان می‌روند و یکی پس از دیگری جان فدای دوست می‌کنند و برخی نیز منتظرند و زبان حالشان آن است که: رفیقان می‌روند نوبت به نوبت، خوش آن روزی که نوبت بر من آید. ۲. در این آیات مقصود از وعده‌ی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به مؤمنان چیست؟ مفسران در این مورد دو احتمال داده‌اند: تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۴ الف) منظور سخن پیامبر باشد که به مؤمنان گفته بود به زودی قبایل عرب و دشمنان دست به دست هم می‌دهند و به سراغ شما می‌آیند، ولی پیروزی با شماست. ب) مقصود وعده‌ای است که در آیه‌ی ۲۱۴ سوره‌ی بقره به مسلمانان داده شد که: گمان می‌کنید به سادگی وارد بهشت می‌شوید بدون آن که حوادثی هم‌چون حوادث گذشتگان برای شما رخ دهد؟ کسانی که عرصه بر آنان چنان تنگ شد که پیامبر و مردم گفتند: یاری خدا کجاست؟ البته مانعی ندارد که مقصود آیه هر دو مورد باشد. «۱» ۳. در این آیه از دو گروه مؤمنان سخن گفته شده است؛ یعنی شهیدان که به

وعده‌ی خود وفا کردند و مؤمنان استوار و منتظر که بر سر عهد خود هستند. تا عهد تو در بستیم عهد همه بشکستیم بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید ما نیز یکی باشیم از جمله‌ی قربان‌ها هر کو نظری دارد با یار کمان ابرو باید که سپر باشد پیش همه پیکان‌ها (سعدی) در احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: این آیه در باره‌ی ما نازل شده است، (و قبلاً مردانی هم چون حمزه از ما شهید شدند) و به خدا سوگند من انتظار (شهادت) می‌کشم. «۲» و از ابن عباس روایت شده که مقصود آیه، «حمزه سید الشهداء» و شهیدان احد و آنس بن نضر و یاران اوست «۳» (که آنس به جنگ بدر نرسید و پیمان بست که در جنگ بعدی شرکت کند و در جنگ احد فرار نکرد و مجروح و در نهایت شهید شد). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۵ و در حکایات تاریخ عاشورا آمده است که امام حسین علیه السلام در هنگام خداحافظی با یارانش می‌فرمود: ما نیز پشت سر شما می‌آیم و آیه‌ی فوق را تلاوت می‌کرد و نیز بر سر جنازه‌ی برخی شهیدان این آیه را قرائت کرد. روشن است که این آیه معنای وسیعی دارد و تمام مؤمنان مجاهد و شهیدان راه اسلام را در برمی‌گیرد که افرادی هم چون حمزه و امام علی علیه السلام در رأس آنان هستند. خیال تیغ تو با ما حدیث تشنه و آب است اسیر خویش گرفتی بکش چنان که تو دانی (حافظ) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان و تسلیم مؤمنان در هنگام جنگ و سختی افزایش می‌یابد، چون صدق وعده‌های الهی را می‌بینند. ۲. مؤمنان راستین دو گروه‌اند: گروهی در راه پیمان شهید می‌شوند و گروهی منتظر و استوار می‌مانند (شما نیز از آنان باشید). ۳. اگر از جنگ سالم برگشتید، همواره منتظر (فرصت دیگری برای نبرد و شهادت) باشید و عقیده و پیمان خود را تغییر ندهید. ۴. از نشانه‌های مؤمنان راستین، افزایش ایمان و تسلیم در میدان جنگ و ایستادگی تا شهادت است. * * * قرآن کریم در آیات بیست و چهارم و بیست و پنجم سوره‌ی احزاب به اهداف جنگ احزاب و شکست کافران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴ و ۲۵. لِيُجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً * وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْثِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْراً وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيّاً عَزِيزاً تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۶ تا خدا راست گویان را به خاطر راستی‌شان پاداش دهد و اگر بخواهد، منافقان را عذاب می‌کند یا توبه‌ی آنان را می‌پذیرد؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است. * و خدا کسانی را که کفر ورزیدند، با خشمشان بازگرداند، در حالی که به هیچ (مال) نیکی نرسیده‌اند؛ و خدا مومنان را از جنگ بسندگی کرد، و خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات چند هدف جنگ احزاب را بیان کرده است که عبارت‌اند از: الف) پاداش دادن به مؤمنان راستین (به خاطر آن که از این امتحان سربلند بیرون آمدند)؛ ب) توبه کردن منافقان و یا مجازات آنان در صورتی که به روش توطئه‌آمیز خود ادامه دهند؛ ج) شکست کافران بدون جنگ و بازگشت بی‌ثمر آنان. ۲. نکته‌ی جالب در این آیه آن است که با آن که منافقان در جنگ احزاب توطئه و بهانه‌جویی کردند و سخنان زشتی بر زبان آوردند، ولی باز هم خدا راه لطف را بر آنان نیست تا انگیزه‌ی بازگشت به سوی ایمان و راستی و توبه را داشته باشند. ۳. واژه‌ی «غیظ» به معنای خشم است و گاهی به معنای اندوه می‌آید که در این جا شکست و بازگشت کافران همراه با خشم و اندوه بود. ۴. مقصود از واژه‌ی «خیر» در این آیه هر گونه نیکی، پیروزی و غنیمت جنگی است که کافران در جنگ احزاب از این‌ها محروم شدند. «۱» ۵. جنگ احزاب درس‌ها و نکات آموزنده‌ای برای مسلمانان داشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۷ الف) کافران تمام تلاش خود را برای مبارزه با اسلام کردند و با بیش از ده هزار نفر حدود یک ماه مدینه را محاصره کردند، ولی با عنایت الهی شکست خوردند و بعد از جنگ احزاب صحنه‌ی عربستان به نفع مسلمانان تغییر کرد و در همه‌ی میدان‌ها مسلمانان پیش‌روی کردند و مشرکان مکه عقب‌نشینی نمودند. ب) مسأله‌ی حفر خندق به عنوان یک تاکتیک جدید جنگی وارد حوزه‌ی جنگ‌های دفاعی مسلمانان شد. خندقی به طول حدود شش کیلومتر که در اطراف مدینه حفر شد و مانع پیشروی سپاه دشمن گشت. ج) جنگ احزاب میدان آزمایش گروه‌های مختلف مردم شد؛ مؤمنان، مشرکان، یهودیان و منافقان هر کدام اسرار درون خود را آشکار ساختند. د) امام علی علیه السلام در این جنگ مبارزه‌ای تاریخی با عمرو بن عبدود

کرد و قهرمان عرب را شکست داد و ضربه‌ای زد که از تمام اعمال امت اسلام تا روز قیامت با ارزش تر بود؛ «۱» چرا که اسلام را نجات داد. ه) پیامبر صلی الله علیه و آله با برنامه‌ی نظامی حساب شده با دشمنان داخلی (یهود) و خارجی (مشرکان) برخورد کرد و از تمام نیروهای انسانی و طبیعی موجود بهره گرفت. حتی از پیشنهاد نعیم بن مسعود برای تفرقه‌افکنی بین یهودیان و مشرکان استقبال کرد، که این کار زمینه‌ی پراکندگی و شکست مشرکان را فراهم کرد. نعیم به یهودیان گفت که مشرکان بعد از جنگ شما را در برابر مسلمانان تنها می‌گذارند، برخی شخصیت‌های آنان را به گرو بگیرد؛ و به مشرکان گفت که یهودیان قصد خیانت و تحویل دادن سران شما به مسلمانان را دارند. این مطلب موجب بدبینی و تفرقه و انصراف از جنگ و فرار مشرکان شد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جنگ وسیله‌ی آزمایش مؤمنان، منافقان و کافران است و هر گروه را به سزای اعمالشان می‌رساند. ۲. جنگ باطن منافقان را آشکار و زمینه‌ی مجازات آنان را فراهم می‌سازد. ۳. در هر حال، راه توبه و آمرزش الهی (حتی برای منافقان توطئه‌گر) باز است. ۴. کافران از جنگ افروزی نتیجه‌ای نمی‌گیرند و در نهایت شکست خورده، خشم آلود و اندوهگین می‌شوند (پس نگران نباشید). ۵. اگر خدا آن قدر قوی و شکست‌ناپذیر است که می‌تواند بدون جنگ شما را بر کافران پیروز گرداند (پس امیدوار باشید). * * * قرآن کریم در آیات بیست و ششم و بیست و هفتم سوره‌ی احزاب به جنگ بنی قریظه و پیروزی مسلمانان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶ و ۲۷. وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِبِهِمْ وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا * وَأَوْزَرَكُمْ أَرْضَهُمْ وِدْيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطُورُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا و (خدا) کسانی از اهل کتاب (: یهود) را که از آن (مشرک) ها پشتیبانی کردند از قلعه‌هایشان فرو آورد و در دل‌هایشان وحشت افکند؛ در حالی که دسته‌ای را می‌کشیدید و دسته‌ای را اسیر می‌کردید. * و زمین‌های آنان و خانه‌هایشان و اموالشان و زمینی را که بر آن گام نهاده بودید، به شما ارث داد؛ و خدا بر هر چیز تواناست. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از جنگ احزاب به منزل آمد و فرشته‌ی وحی فرود آمدند و فرمان جنگ با یهودیان بنی قریظه را صادر کرد (چرا که آنان در جریان جنگ احزاب عهد شکنی کرده، با سپاه مشرکان هم پیمانی نمودند). منادی از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله ندا داد که قبل از نماز عصر تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۹ به سوی قلعه‌های بنی قریظه حرکت کنید و مسلمانان به مدت بیست و پنج روز آنان را محاصره کردند و در نهایت یهودیان شکست خوردند و غنایم زیادی به دست مسلمانان افتاد و مدینه از لوٹ وجود دشمنان لجوج و عهدشکن پاک شد. آیات فوق پس از این ماجرا که در سال پنجم هجری اتفاق افتاد، فرود آمد و پیروزی مسلمانان را به عنوان یک نعمت الهی معرفی کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یهودیان مدینه سه طایفه بودند که همگی در اثر عهدشکنی مجبور شدند مدینه را ترک کنند: طایفه‌ی اول بنی قینقاع بودند که در سال دوم هجری و طایفه‌ی دوم بنی نضیر بودند که در سال چهارم هجری و طایفه‌ی سوم بنی قریظه بودند که در سال پنجم هجری در اثر عهدشکنی با مسلمانان درگیر و از مدینه اخراج شدند. «۲» ۲. طایفه‌ی بنی قریظه با پیامبر و مسلمانان عهد بسته بودند که با دشمنان پیامبر همکاری نکنند و جاسوسی نیز نمایند اما بنی قریظه در جنگ احزاب با سپاه مشرکان همکاری کردند و نقش ستون پنجم را بازی نمودند و از زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان سرباز زدند؛ بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله با آنان برخورد کرد و قلعه‌های آنان را محاصره کرد و در نهایت آنان بدون قید و شرط تسلیم شدند و پیامبر و یهودیان، داوری سعد بن معاذ را که از بزرگان مدینه بود، پذیرفتند؛ سعد حکم کرد که همه‌ی کسانی که عهدشکنی کرده و آماده‌ی جنگ با مسلمانان بودند کشته شوند و خانواده‌هایشان اسیر و اموالشان تقسیم گردد و گروهی که اسلام را پذیرفتند نجات یابند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۰. ۳. واژه‌ی «صیاصی» به معنای قلعه‌های محکم است و از تعبیرات آیه استفاده می‌شود که یهودیان قلعه‌های خود را بر بلندی‌ها ساخته بودند و از آن بالا از خود دفاع می‌کردند، ولی شکست خوردند و به زیر کشیده شدند. ۴. تعبیر به «ارث» در مورد خانه‌ها و زمین‌های یهودیان به خاطر آن است که مسلمانان در این جنگ، بدون زحمت غنایم فراوانی به دست آوردند. همان اموالی که یهودیان سال‌ها به وسیله‌ی استثمار مردم مدینه جمع‌آوری کرده

بودند. ۵. مقصود از سرزمینی که مسلمانان بدان جا گام نهاده بودند، باغات اختصاصی و محافظت شده‌ی یهودیان و یا سرزمین خبیر است که بعدها به دست مسلمانان افتاد. «۱» ۶. جنگ بنی قریظه برای مسلمانان نتایج مهمی در برداشت که عبارت‌اند از: الف) پاک شدن جبهه‌ی داخلی از دشمن در مدینه؛ ب) تقویت بنیه‌ی مالی مسلمانان به وسیله‌ی غنایم؛ ج) تثبیت موقعیت حکومت اسلامی و هموار شدن راه پیروزی‌های آینده. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر کسی عهدشکنی کند و به حمایت دشمن مسلمانان برخیزد، سزای او اسارت و مرگ است. ۲. خدا به وسیله‌ی وحشت اندازی در دل دشمنان، مسلمانان را یاری می‌کند و قلعه‌های محکم را به تصرف آنان درمی‌آورد. ۳. مؤمنان وارثان اموال دشمنان اسلام می‌شوند. ۴. به امدادهای خدا در صحنه‌های نبرد و پیروزی خود بنگرید و به تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۱ قدرت خدا پی ببرید. ***

خانواده پیامبر (ص)

قرآن کریم در آیات بیست و هشتم و بیست و نهم سوره‌ی احزاب همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را بین انتخاب زرق و برق دنیا و سعادت اخروی آزاد می‌گذارد و می‌فرماید: ۲۸ و ۲۹. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجُكَ إِن كُنْتَ تُرِيدُ الْخَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتُّكَ وَأَسِرِّحُكَ سِرَاحًا جَمِيلًا * وَإِن كُنْتَ تُرِيدُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر زندگی دنیا و زیور آن را می‌خواهید، پس بیایید تا شما را بهره‌مند سازم و شما را با آزادی نیکویی رها سازم؛* و اگر خدا و فرستاده‌اش و سرای آخرت را می‌خواهید، خدا برای نیکوکاران از شما، پاداش بزرگی آماده ساخته است.» شأن نزول: داستان نزول آیات فوق را این گونه حکایت کرده‌اند که پس از جنگ بنی قریظه و مانند آن که غنایم زیادی به دست مسلمانان افتاد، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضاهای گوناگونی از ایشان می‌کردند و کنیز، پارچه، لباس مخصوص و مانند آن می‌خواستند. پیامبر صلی الله علیه و آله که می‌دانست این درخواست‌ها پایانی ندارد و رفاه‌زدگی با شأن رهبر اسلام سازگار نیست، یک ماه از همسران خود کناره‌گیری کرد، تا این که آیات فوق فرود آمد و همسران ایشان را بین زرق و برق دنیا و سعادت اخروی مخیر ساخت و پاسخ قاطعی به آنان داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اوایل سوره‌ی احزاب همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به افتخار بزرگی نایل شدند و مادران مؤمنان نامیده شدند، ولی بعد از آن که آنان تقاضای زرق و برق دنیا را کردند، خدای متعال به طور قاطع با آنان برخورد کرد و آنها را بین تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۲ انتخاب دنیا و جدا شدن از پیامبر و بین ماندن در کنار او و قانع بودن به زندگی ساده مخیر کرد. ۲. در طول تاریخ بشریت همسران پادشاهان و رهبران حکومت‌ها بهترین زیورها و کنیزها را برای خود انتخاب می‌کردند و در حالی که در جامعه افرادی فقیر و گرسنه زندگی می‌کردند آنان رفاه‌زدگی را پیشه می‌ساختند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با این روش مخالف بود؛ چون این تبعیض ناروایی بود که با عدالت و روح تعالیم اسلامی ناسازگار بود. ۳. در این آیات به زنان پیامبر پیشنهاد شده است که اگر می‌خواهید پیامبر هدیه‌ای علاوه بر مهریه به شما بدهد و شما را آزاد سازد، یعنی شما را طلاق دهد، یا این که به طور مخصوصی از شما جدا شود. «۱» یعنی اگر دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید، باید از رهبر اسلام جدا شوید، ولی در همان حال زندگی شما با هدیه‌ای مناسب تأمین می‌شود. ۴. در این آیات به زنان پیامبر پیشنهاد شده که با دو شرط می‌توانید در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بمانید: الف) خواهان خدا، پیامبر و سرای آخرت باشید (و به دنبال زرق و برق دنیا نباشید بلکه پارسایی و زهد پیشه سازید). ب) ایمان و عشق کافی نیست بلکه باید در عمل نیز از نیکوکاران باشید. ۵. در این آیات وظیفه‌ی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مشخص شده، اما در حقیقت راه همه‌ی رهبران الهی و همسران آنان روشن شده است. آری؛ کسی که می‌خواهد پیشوای اسلام باشد باید خود و خانواده‌اش الگوی ایمان، آخرت‌طلبی، زهد و پارسایی باشند و از موقعیت خویش برای رسیدن به زندگی مرفه مادی و جمع‌آوری ثروت و زیور دنیا سوء استفاده نکنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی با خانواده‌ی خویش صریح و شفاف

صحبت کنند. ۲. اگر خانواده‌ی رهبران الهی دنیا طلب‌اند، از آنها به طرز شایسته‌ای جدا شوند. ۳. خانواده‌ی رهبران اسلامی، دنیا طلب نباشند، بلکه آخرت طلب و نیکوکار باشند. *** قرآن کریم در آیات سی‌ام و سی و یکم سوره‌ی احزاب به دو برابر بودن پاداش و مجازات همسران پیامبر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰ و ۳۱. يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا* وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ای زنان پیامبر! هر کس از شما [کار] زشت آشکاری [به جا] آورد، برای او عذاب دو چندان افزوده می‌شود؛ و آن (کار) بر خدا آسان است.* و هر کس از شما برای خدا و فرستاده‌اش با فروتنی فرمان‌برداری کند و [کار] شایسته‌ای انجام دهد، پاداشش را دو بار به او خواهیم داد؛ و روزی ارجمندی برای او آماده کرده‌ایم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات اشاره دارد که کار خوب و بد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هم‌چون دیگران نیست و گناهان آنان چند برابر مجازات دارد و کارهای نیک آنها چند برابر پاداش؛ زیرا از طرفی این زنان در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و منسوب به او هستند و هر کار بدی که انجام دهند به آبروی پیامبر صلی الله علیه و آله ضربه می‌زند و او را ناراحت می‌سازد و از طرف دیگر این زنان الگوی زنان دیگر هستند و هر کار آنان الگو قرار می‌گیرد و در جامعه شایع می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۴. ۲. معیار افزایش پاداش و گناه، موقعیت اجتماعی و مقام و شخصیت افراد است؛ بنابراین این حکم شامل زنان پیامبر و همسران رهبران الهی و هر کس که دارای موقعیت و مقام اجتماعی است می‌شود. در احادیث اسلامی آمده است که در مورد گناهان افراد دانشمند سخت‌گیری بیش‌تری می‌شود (۱) و ثواب افراد به اندازه‌ی عقل آنان داده می‌شود (۲) و در مورد اهل بیت علیهم السلام (و سادات) پاداش و کیفر افراد دو چندان می‌شود. (۳) ۳. مقصود از «فاحشه» در این جا گناهان آشکار است که در جامعه افشا می‌شوند و مردم از آنها اطلاع می‌یابند و فساد بیش‌تری دارد. ۴. تعبیر مضاعف و دو برابر، ممکن است برای تکثیر باشد؛ یعنی مجازات و پاداش زنان پیامبر چندین برابر خواهد بود. ۵. مجازات چند برابر زنان پیامبر برای خدا آسان است؛ یعنی ارتباط آنان با پیامبر مانع عذاب آنان نخواهد بود و خدا با قاطعیت با آنان برخورد می‌کند. ۶. در این آیات دو شرط برای دو برابر شدن پاداش زنان پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده شده است: الف) آنان در برابر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله فروتن و مطیع باشند. ب) اهل عمل باشند و کارهای شایسته انجام دهند و تنها ادعای ایمان و اطاعت نکنند. ۷. مقصود از «رزق کریم» تمام مواهب معنوی و مادی و علمی است که یکی از موارد آن بهشت است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۵ آری؛ کسی که در خانه‌ی شخصیت‌های الهی زندگی می‌کند یا از نزدیکان آنهاست، اگر فروتن و مطیع باشد، می‌تواند استفاده‌های علمی و معنوی زیادی از آنان ببرد که این‌ها رزق ارجمندی است، ولی اگر متکبر و سرکش باشد، خود را محروم می‌سازد هر چند در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس به رهبران الهی منتسب است و موقعیت اجتماعی دارد، بیش‌تر مراقب اعمال خود باشد که کیفر و پاداش او دو برابر است. ۲. کارهای زشت آشکار و ابستگان شخصیت‌ها (الگوی مردم می‌شود) مجازاتی دو چندان دارد. ۳. اطاعت و کارهای شایسته‌ی نزدیکان شخصیت‌ها (سرمشق دیگران می‌شود) پاداشی دو چندان دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی احزاب به جایگاه همسران پیامبر و شیوه‌ی شایسته‌ی گفت‌وگویی زنان با مردان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۲. يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ای زنان پیامبر! (شما) هم‌چون یکی از زنان (معمولی) نیستید؛ اگر خودنگه‌داری می‌کنید، پس به نرمی (و ناز) سخن‌نگوید، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است طمع ورزد؛ و سخنی پسندیده بگویند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه جایگاه و مسئولیت بزرگ زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است. آنان از طرفی منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و از طرف دیگر الگوی زنان مسلمان می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۶ آنها می‌توانند دستورات خدا و پیامبر را در زندگی خود پیاده کنند و با تقوا باشند و سرمشق دیگران قرار گیرند. این مقام ممتازی است که برای زنان عادی نبود. ۲. در این آیه به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله آموزش می‌دهد که چگونه با مردان بیگانه سخن

بگویند. بانوان باید با مردان بیگانه جدی، خشک و معمولی سخن بگویند و از شوخی و تعبیرات هوس‌انگیز پرهیز کنند تا افراد بیمار دل و شهوت‌ران در مورد آنان طمع نورزند. ۳. در این آیه از افراد هوس‌ران با عنوان «کسانی که در دلشان بیماری است» یاد شده است. این جمله اشاره به آن است که اگر شهوت انسان به صورت متعادل باشد آن انسان سالم است اما اگر کسی شهوت‌ران و هوس‌ران باشد از حالت تعادل و سلامت خارج شده و گرفتار نوعی بیماری درونی و روانی شده است که در برخی مراحل به سرحد جنون جنسی می‌رسد. «۱» ۴. مقصود از گفتار شایسته آن است که گفتار بیهوده و باطل و گناه‌آلود و مخالف حق نگویند و شایسته و نیکو و پسندیده و طبق عرف صحیح با مردان سخن بگویند. ۵. هر چند مخاطب این آیه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند اما مقصود همه‌ی زنان مسلمان است و این آیه نوعی آموزش همگانی برای گفت‌وگوی زن و مرد بیگانه است. ۶. سخن گفتن زن و مرد بیگانه، اگر بدون هوس‌رانی و به طور شایسته باشد جایز است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زنان مسلمان می‌توانند با مردان بیگانه به طور شایسته و طبق عرف صحیح گفت‌وگو کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۷. ۲. هرگاه زنی هوس‌انگیز سخن بگوید، خود را در معرض طمع بیمار دلان قرار داده است. ۳. زنان وابسته به شخصیت‌ها و کسانی که جایگاه اجتماعی دارند مراقب طرز سخن گفتن خود باشند. ***

آیه تطهیر

قرآن کریم در آیات سی و سوم و سی و چهارم سوره‌ی احزاب شش دستور و برنامه‌ی سازنده برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مشخص می‌سازد و با تأکید بر پاکی اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید: ۳۳ و ۳۴. وَقَوْلَ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَمَّا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتَيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطَعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً* وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا و در خانه‌هایتان قرار گیرید و همانند خودآرایی (دوران) جاهلیت نخستین، (با زیورها) خودنمایی نکنید و نماز را برپا دارید و [مالیات زکات را بپردازید و خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کنید؛ خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما خاندان (پیامبر) ببرد و کاملاً شما را پاک سازد.* و آنچه را در خانه‌های شما از آیات خدا و حکمت خوانده می‌شود یاد کنید؛ که خدا لطیف آگاه است. شأن نزول: داستان نزول این آیه را در منابع تفسیری شیعه و اهل سنت این گونه حکایت کرده‌اند که پیامبر ۹، علی، فاطمه، حسن و حسین: را فراخواند و عبایی بر آنان افکند و گفت: خدایا این‌ها خاندان من هستند؛ آلودگی را از آنها دور کن و آنها را پاک گردان. پیامبر سه بار این جمله را تکرار کردند و در این هنگام این آیه فرود آمد و تطهیر و پاکی اهل‌بیت: را اعلام کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات پنج برنامه‌ی سازنده برای همسران پیامبر مشخص شده است؛ برنامه‌ها و دستوراتی که ابعاد مختلف زندگی آنان را در برمی‌گیرد و جایگاه بلند آنان را به عنوان مادران امت حفظ می‌کند و کمال می‌بخشد. ۲. در این پنج برنامه، دو برنامه‌ی اجتماعی برای حفظ جایگاه و شخصیت آنان است و یک برنامه‌ی عبادی برای ارتباط با خدا و یک برنامه‌ی اقتصادی برای کمک به مردم و یک خط اساسی در پیروی از دستورات الهی. ۳. «قَوْلَ» به معنای وقار و سنگینی و متانت و کنایه از قرار گرفتن در خانه است؛ یعنی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نباید هر روز در کوچه و بازار روان شوند و در همه‌ی مسائل دخالت کنند تا مبادا بیمار دلان از آنان در مسائل سیاسی و اجتماعی سوء استفاده کنند. «۱» ۴. «تَبَرُّجَ» به معنای آشکار شدن در برابر مردم است و مقصود از جاهلیت همان جاهلیت قبل از ظهور اسلام است. زنان در آن هنگام زینت‌ها و زیورهای خود را آشکار می‌کردند و حجاب درستی نداشتند. «۲» یعنی زنان پیامبر نباید آن گونه که در جاهلیت مرسوم بود عمل کنند، بلکه لازم است حجاب خود را کاملاً رعایت کرده، زیورآلات خود را از نامحرمان بپوشانند. ۵. غیر از جاهلیت اول که قبل از اسلام بود، جاهلیت دومی نیز در راه است که در این عصر به ویژه در کشورهای غربی نمایان شده است. عصری که زنان وسیله‌ی تبلیغات کالاهای سرمایه داران شده‌اند و فرهنگ برهنگی در بشریت

ترویج می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۹. ۶. در این آیات در میان عبادات بر نماز و زکات تأکید شده است؛ چرا که نماز مهم‌ترین وسیله‌ی پیوند با خداست و زکات پیوندی با مردم است. ۷. واژه‌ی «آیات» اشاره به وحی قرآن است که در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله تلاوت می‌شد و جنبه‌ی اعجاز داشت «۱» و می‌توانست سرمشق و راه‌نمای زنان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. ۸. «حکمت» در این جا یا اشاره به دانشی است که در قرآن نهفته و یا اشاره به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اندرزهای حکیمانه‌ی ایشان است که می‌توانست روشنگر راه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. ۹. «لطیف» یا به معنای صاحب لطف است و یا به معنای کسی که از دقایق امور آگاه است. اشاره به این که خدا نسبت به شما همسران پیامبر صلی الله علیه و آله لطف دارد و از دقیق‌ترین کارهای شما آگاه است. «۲» ۱۰. این دستورات و برنامه‌ها خطاب به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت برنامه‌ای برای همه‌ی زنان است؛ همان طور که نماز و زکات مخصوص همسران پیامبر نیست اما در مورد آنان تأکید بیش‌تری شده است. ۱۱. در میان جملات این دو آیه، آیه‌ی تطهیر وجود دارد که به پاکی و عصمت اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده است. آیه‌ی تطهیر مربوط به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ چرا که: اولاً، تمام ضمیرهای قبل و بعد آیه، مؤنث هستند، ولی ضمیرهای آیه‌ی تطهیر مذکرند. ثانیاً، روایات زیادی در منابع تفسیری شیعه و اهل سنت آمده است که بیان می‌کند آیه‌ی تطهیر مخصوص پنج نفر، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۰ بسیاری از این روایات را زنان پیامبر نیز حکایت کرده‌اند «۱» و «حدیث کساء» در این مورد مشهور است. بنابراین چنان که گفته شد، واژه‌ی «اهل بیت» در این جا افراد مخصوصی از اهل خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. ۱۲. «رِجَس» در اصل به معنای چیز ناپاک است، خواه ناپاکی از نظر طبع آدمی باشد یا بر اساس حکم شرع یا عقل و خواه پلیدی و آلودگی درونی باشد یا ظاهری و در این جا به معنای هر گونه پلیدی و گناه است و تطهیر به معنای پاک ساختن است که در این جا تأکید بر نفی آلودگی و پلیدی است. «۲» ۱۳. واژه‌ی «یُرید» شامل اراده‌ی تکوینی و تشریحی خدا می‌شود. اراده‌ی تشریحی همان قانون‌گذاری و خواستن از مردم است. و اراده‌ی تکوینی، یعنی اراده‌ی وجودی و ایجاد چیزی به صورتی خاص. اما در این جا اراده‌ی تکوینی مقصود است؛ چرا که اراده‌ی تشریحی مخصوص اهل بیت علیهم السلام نیست. پس مقصود آیه آن است که خدا علاوه بر هدایت و ارشادات تشریحی، مقدمات و اسباب پاکی را برای فرهیختگان امت (: اهل بیت علیهم السلام) فراهم ساخته است، و می‌خواهد که آنان پاک گردند. ۱۴. این آیه بر عصمت اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد؛ زیرا اراده‌ی خدا تخلف‌ناپذیر است و واژه‌ی «أَئْمَنَّا» نیز برای حصر است و روشن می‌شود که اراده‌ی حتمی خدا فقط آن است که اهل بیت پاک شوند و از هر گونه پلیدی دور باشند. ۱۵. معصوم بودن اهل بیت علیهم السلام به معنای حُرّی نیست، چون آنان علاوه بر لیاقت ذاتی و موهبتی از طرف خدا، دارای شایستگی‌های اکتسابی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۱ هستند و با اراده‌ی خویش گناه نمی‌کنند و با این عصمت ارادی می‌توانند الگوی دیگران قرار گیرند. ۱۶. چرا آیه‌ی تطهیر در لابه‌لای آیات مربوط به زنان پیامبر قرار گرفته است و به وسیله‌ی ضمائر و روایات از جملات قبل و بعد متمایز شده است؟ مفسران در پاسخ به این پرسش چند مطلب بیان کرده‌اند: الف) این نخستین بار نیست که قرآن یک جمله‌ی معترضه در لابه‌لای آیات می‌آورد، برای مثال در آیه‌ی سوم سوره‌ی مائده نیز آیه‌ی «اکمال» به صورت معترضه بین آیات مربوط به غذاهای حرام آمده است و این روش ادیبان عرب است که در اشعار آنان نیز نمونه دارد؛ همان طور که در ادبیات فارسی و غیر آن نیز از این شیوه استفاده می‌شود تا مطلبی برجسته شود یا تذکری در لابه‌لای مطلب آورده شود. ب) قرآن با بیان «آیه‌ی تطهیر» می‌خواهد به زنان پیامبر گوش‌زد کند که شما در کنار افرادی معصوم قرار دارید؛ پس مراقب اعمال خود باشید؛ به عبارت دیگر عصمت اهل بیت پیامبر را به رخ همسران پیامبر می‌کشد، تا آنان را برای پذیرش دستورات قبل و بعد این آیه بیش‌تر آماده کند، و لازمه‌ی این مطلب آن بوده که آیه‌ی تطهیر در کنار آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خانواده‌های رهبران الهی باید به برنامه‌ها و دستورات الهی توجه

بیش تری داشته باشند. ۲. زنان متانت خود را حفظ کنند. ۳. زنان پیرو خرافات جاهلیت نشوند. ۴. زنان به نماز، زکات .. و استفاده از آیات و حکمت‌ها توجه بیش تری بنمایند. ۵. اهل بیت علیهم السلام الگوی کامل پاکی هستند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۲

صفات ارزشمند و همگون زن و مرد

قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی احزاب به صفات ارزشمند و همگون زن و مرد و پاداش آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۵. **إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصِدِّقِينَ وَالْمُتَصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا** در حقیقت، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان فرمانبردار [فروتن و زنان فرمانبردار] فروتن، و مردان راست‌گو و زنان راست‌گو، و مردان شکیبیا و زنان شکیبیا، و مردان فروتن و زنان فروتن، و مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده، و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، و مردانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند و زنانی که (دامان خویش را) حفظ می‌کنند، و مردانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند و زنانی که (خدا را فراوان) یاد می‌کنند، خدا برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی آماده کرده است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که وقتی اَسْمَاء و همسرش جعفر از حبشه به مدینه آمدند، اسماء از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید که: آیا چیزی در مورد زنان نازل شده است؟ و آنان پاسخ منفی دادند. اسماء نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به این مطلب اعتراض کرد. سپس این آیه فرود آمد و صفات همگون زن و مرد و پاداش آنان را برشمرد و ارزش و فضیلت زنان را تأیید کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در عصر جاهلیت قبل از اسلام، زنان از جایگاه و ارزش چندانی برخوردار نبودند، ولی با ظهور اسلام حقوق زنان بازگردانده شد. آیه‌ی فوق یکی از آیاتی است که بر این حقیقت مهر تأیید می‌زند. ۲. در این آیه از ده صفت و ویژگی مردان و زنان به طور همگون یاد شده و روشن ساخته است که مرد و زن از نظر انسانی و مقامات معنوی با هم دیگر همسان هستند و اگر تفاوت‌هایی در زمینه‌های حقوقی وجود دارد، بر اساس تفاوت‌های طبیعی زن و مرد است که هر کدام فلسفه‌ی خاص خود را دارد. ولی شخصیت واقعی و ارزش روحی و معنوی زن و مرد، به ارزش‌های والای دیگری است که زن و مرد در آنها مساوی هستند. ۳. آیا مسلمان و مؤمن تفاوتی دارند؟ پاسخ آن است که در قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام ایمان را امری قلبی معرفی کرده‌اند که در کردار انسان ظاهر می‌شود، اما اسلام مرتبه‌ای پایین‌تر است که همان اقرار و گواهی به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است. «۱» یعنی هر مؤمنی مسلمان نیز هست اما هر مسلمانی مؤمن نیست. ۴. در این آیه به اطاعت همراه با فروتنی، راست‌گویی، صبر، خشوع، روزه، پاک‌دامنی و یاد فراوان خدا اشاره شده است که همه‌ی این‌ها از آثار عملی ایمان است. ۵. مقصود از «ذکر کثیر» و یاد فراوان خدا چیست؟ در احادیث اسلامی آمده است که نماز در دل شب و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام (یعنی سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله) ذکر کثیر است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۴ البته روشن است که این گونه احادیث مصداق‌های ذکر کثیر را برمی‌شمارند، و گرنه یاد فراوان خدا مراتب و مصادیق متعددی دارد. ۶. در این آیه پاداش مردان و زنانی که چنین صفاتی دارند را آمرزش و پاداش بزرگ معرفی کرده است و وقتی خدای بزرگ چیزی را بزرگ بخواند، دلیل بر دامنه‌ی وسیع و عظمت آن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زن و مرد در مسابقه‌ی معنوی و ارزش‌های انسانی و کسب پاداش و آمرزش الهی همگون هستند. ۲. اسلام، ایمان، اطاعت، راست‌گویی، شکیبایی، فروتنی، بخشش، روزه، پاک‌دامنی و یاد فراوان خدا، از صفات نیکو و ارزش‌های مشترک زنان و مردان است. ۳. اگر خواهان آمرزش و پاداش بزرگ هستید این صفات دهگانه را در وجود خود پیاده کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی احزاب به تسلیم محض مردان و زنان

مؤمن در برابر دستورات خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶. وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا و هیچ (حقّی) برای مرد با ایمان و زن با ایمان نیست، که هنگامی که خدا و فرستاده‌اش (حکم) چیزی را تمام کنند، در کارشان اختیاری داشته باشند؛ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی نماید، پس حتماً به گمراهی آشکاری تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۵ گمراه شده است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله پسر خوانده‌ای به نام «زید» داشت. او غلامی بود که خدیجه علیها السلام به آن حضرت بخشیده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله وی را آزاد و سپس دختر عمه‌ی خویش، زینب را برای زید خواستگاری کردند. اما زینب که از خانواده‌ی بزرگ قریش بود، زیر بار ازدواج با غلامی هم‌چون زید نمی‌رفت. و از آن جا که مصلحتی در این ازدواج بود، آیه‌ی فوق فرود آمد و هشدار داد که در برابر فرمان خدا و پیامبر تسلیم باشید و زینب تسلیم شد و این ازدواج سر گرفت. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بر اساس شأن نزولی که گذشت این آیه در مورد فرمان ازدواج زید و زینب نازل شده است تا مقدمه‌ی شکستن یک سنت جاهلی و خرافی باشد که در ذیل آیه‌ی بعد توضیح می‌دهیم. اما این شأن نزول معنای آیه را منحصر در این مورد نمی‌کند، بلکه یک قانون کلی را در مورد همه‌ی مؤمنان بیان می‌دارد. ۲. روح اسلام تسلیم مطلق بودن در برابر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ چرا که اولاً، ما هر چه داریم از خداست از این رو باید از این رو باید تسلیم او باشیم. ثانیاً، خدا آگاه و مهربان است و جز به مصلحت بشر فرمان نمی‌دهد. پس اطاعت ما از او هم‌چون اطاعت بیمار از پزشک و فرزند از پدری مهربان و حکیم است و گرنه او نیازی به فرمان‌بری ما ندارد. فاش می‌گوییم و از گفته‌ی خود دلشادم بنده‌ی عشقم و از هر دو جهان آزادم (حافظ) تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تسلیم محض خدا و پیامبرش باشید. ۲. انسان در برابر فرمان خدا و پیامبر حق انتخاب دیگری ندارد. ۳. نتیجه‌ی مخالفت با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله گمراهی است. ***

پیامبر (ص) و رسالت‌ها و قوانین

قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی احزاب به سنت‌شکنی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان ازدواج با همسر پسر خوانده‌اش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۷. وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَلْمَمْتَ عَلَيْهِ اللَّهُ عَلَيَّ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا و (یادکن) هنگامی را که به آن کس که خدا به او نعمت داده بود و (تو نیز) به او نعمت داده بودی (: زید) می‌گفتی: «همسرت را برای خود نگاه دار و خود را از (عذاب) خدا حفظ کن!» و چیزی را در دلت پنهان می‌داشتی که خدا آشکار کننده‌ی آن است؛ و از مردم می‌هراسیدی، در حالی که خدا سزاوارتر است که از او بهراسی؛ و هنگامی که زید نیاز (خویش) را از آن (زن) به پایان برد (و او را طلاق داد)، او را به ازدواج تو درآوردیم، تا هیچ تنگی (و محدودیتی) برای مؤمنان (در ازدواج) با همسران پسر خوانده‌هایشان نباشد، هنگامی که نیاز (خود) را از آنان به پایان بردند (و آنها را طلاق دادند)؛ و فرمان خدا تحقق یافته است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه ادامه‌ی ماجرای ازدواج زینب (دختر عمه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله) با زید (پسر خوانده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله) است که در ذیل آیه‌ی قبل بیان شد. این ازدواج به فرمان و خواست پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت و پس از مدتی در اثر تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۷ ناسازگاری به طلاق منتهی شد، سپس به دستور خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب، همسر پسر خوانده‌اش ازدواج کرد تا روشن شود که ازدواج با همسر پسر خوانده ممنوع نیست. ۲. میان زید و زینب اختلاف به وجود آمده بود و در نهایت از هم‌دیگر جدا شدند و خدا به خاطر درهم شکستن یک سنت جاهلی (یعنی ممنوعیت ازدواج با همسران پسران) به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که با زینب ازدواج کند. ۳. پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم می‌ترسید که مسأله‌ی ازدواج با زینب را به طور علنی اعلام کند، البته این یک ترس

طبیعی از شایعات اجتماعی بود. ۴. پیامبر صلی الله علیه و آله بارها به زید سفارش کرده بود که همسرش زینب را نگاه دارد و طلاق ندهد، ولی این سخنان مؤثر واقع نشده بود. ۵. برخی از دشمنان اسلام مدعی شده‌اند که ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب بر اساس میل جنسی و زیبایی زینب بوده است، «۱» ولی این سخن گزاف و تهمت بر پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ چرا که: اولاً، پیامبر خود به خواستگاری زینب برای زید رفت و با توجه به این که زید غلام آزاد شده بود و زینب از خانواده‌ای بزرگ، زیر بار این ازدواج نمی‌رفت. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست، می‌توانست از اول زینب را برای خود خواستگاری کند و زینب هم مایل به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله بود. ثانیاً، زینب در میان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کرده بود و آن حضرت از جمال و کمال او اطلاع داشت و چیزی نبود که بعد از ازدواج با زید روشن شود بلکه برخی همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله از زینب بهتر بودند. ثالثاً، پیامبر با طلاق زینب و جدایی زید از او مخالف بود که در آیه بیان شده است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۸ رابعاً، همان طور که در این آیه بیان شده است این یک ازدواج الهی بود و خدا زینب را به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله در آورده بود و زینب به این عقد آسمانی افتخار می‌کرد. «۱» خامساً، در این آیه هدف این ازدواج بیان شده است که همان مبارزه با سنت خرافی جاهلی در مورد ممنوعیت ازدواج با همسر پسرخوانده است؛ پس هدف اساسی ازدواج عشق شهوانی و جنسی نبوده است. ۶. در این آیه از نعمت خدا بر زید یاد شده است، که همان نعمت ایمان و هدایت بود. زید مؤمنی مخلص و پیش‌تاز بود و سرانجام از فرمان‌دهان سپاه اسلام در جنگ موته شد و در همان جنگ به فیض شهادت رسید. ۷. در این آیه از نعمت پیامبر صلی الله علیه و آله بر زید یاد شده است که همان آزادی او بود؛ او برده‌ای بود که خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشیده و آن حضرت او را آزاد کرده بود. ۸. ازدواج زینب و زید آغاز و انجامش سنت شکنی بود؛ زیرا ازدواج یک زن از بزرگان عرب با غلامی آزاد شده سابقه نداشت و با مخالفت برادر زینب نیز روبه‌رو شده بود، ولی آنان این سنت غلط را شکستند و در پایان نیز پیامبر صلی الله علیه و آله سنت شکنی کرد و با همسر پسرخوانده‌اش ازدواج کرد. ۹. تعبیر «وَطَرًا» به معنای نیاز و حاجت مهم است. استفاده از تعبیر «بی‌نیازی» به جای طلاق به خاطر رعایت احترام زید و زینب بود. گویی آنان تا مدتی در زندگی نیازمند هم بودند، سپس این نیاز برطرف شد و جدا شدند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام با فرهنگ‌های غلط مبارزه می‌کند. ۲. رهبران الهی شخصاً سنت‌های غلط و خرافی جامعه را درهم تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۹ بشکنند (تا الگوی دیگران شوند). ۳. تا حد امکان جلوی فروپاشی زندگی زناشویی را بگیرید. ۴. در مورد دستورات الهی از مردم نهراسید بلکه از مخالفت خدا بپرهیزید. ۵. برخی ازدواج‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور خدا و هدف‌دار بوده است. ۶. مشکلات راه ازدواج‌های حلال را برطرف کنید. ۷. فرمان خدا حتماً انجام می‌شود (پس در برابر آن مقاومت نکنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی احزاب با دل‌داری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، روش پیامبران الهی در سنت شکنی را تأیید می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. مَيَّا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرْجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سِنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا هَيْجُ كَوْنَهُ تَنَكُّيَ اِي بِرِ پيامبر، در آنچه خدا بر او واجب کرده، نیست؛ (این قانون و) روش خدا در مورد کسانی است که پیش از (این) در گذشتند؛ و فرمان خدا به اندازه‌ای معین است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران و رهبران الهی در مورد اجرای قوانین الهی نباید از جوسازی‌های سیاسی و اجتماعی بهراسند، بلکه باید فرمان خدا را با قاطعیت اجرا کنند و بدانند که هیچ مشکلی برای آنان پیش نخواهد آمد و از دست مخالفان هیچ کاری ساخته نیست. ۲. روش پیامبران و امت‌های گذشته نیز چنین بوده است؛ یعنی آنان نیز با سنت‌های غلط و خرافات اجتماعی مبارزه می‌کرده‌اند و با مخالفت برخی مردم، جوسازی‌ها، شایعه پراکنی‌ها و عیب‌جویی دشمنان روبه‌رو می‌شدند ولی با مقاومت قانون الهی را اجرا می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۰. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مصداق کامل این قاطعیت در اجرای فرمان الهی بود؛ از این رو در هنگام ازدواج با زینب، مردم را برای غذای عروسی فراخواند و آن‌چنان مهمانی داد که در مورد هیچ یک از همسرانش نداده بود «۱» تا همه‌ی مردم از این ازدواج و اجرای فرمان خدا

اطلاع یابند و سنت غلط اجتماعی در مورد ممنوعیت ازدواج با همسر پسرخوانده در هم شکسته شود. ۴. تعبیر «قَدْرًا مَقْدُورًا» اشاره به حتمی بودن فرمان خدا و یا اشاره به رعایت حکمت و مصلحت (و برنامه‌ریزی دقیق) در کارهای خداست. البته بهتر است که بگوییم آیه به هر دو مطلب اشاره دارد و فرمان خدا بر اساس حساب و برنامه‌ریزی و حتمی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دستورات واجب الهی را اجرا کنید و از مشکلات آن نهراسید. ۲. اجرای فرمان خدا و برخورد با فرهنگ زمانه‌ی جاهلی و سنت‌های غلط و خرافات، روش مستمر پیامبران الهی بوده است. ۳. دستورات خدا، دقیق و قطعی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی احزاب به شجاعت پیام‌آوران دین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹. الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (همان) کسانی که پیام‌های خدا را می‌رسانند و از او می‌هراسند و از هیچ کس جز خدا نمی‌هراسند؛ و حسابگری خدا کافی است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و همه‌ی مبلغان دینی اشاره می‌کند که از غیر خدا ترسند و از غوغاسالاری و جو سازی مخالفان هراسی به دل راه ندهند و با شجاعت، پیام الهی را به مردم برسانند که این شرط پیروزی در تبلیغات دینی است. «۱» موحد چه زر ریزی اندر برش و یا تیغ هندی نهی بر سرش امید و هراسش نباشد زکس بر این است مبنای توحید و بس (سعدی) ۲. مقصود از تبلیغ رسالت‌های الهی همان رساندن پیام خدا به مردم است که به صورت وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و در قالب آیات و هشدار و بشارت و اندرز برای مردم بیان می‌شود. ۳. «خشیت» به معنای ترس همراه با تعظیم و احترام است؛ آن حالتی که در هنگام درک عظمت خدا و ترس از دوری او حاصل می‌شود؛ «۲» یعنی پیامبران از خدا می‌هراسند که مبدا مسئولیت خویش را به خوبی انجام ندهند و از او دور شوند. ۴. ترس نداشتن پیامبر و مبلغان دینی در مورد رساندن پیام الهی است، و گرنه ترس طبیعی انسان‌ها از صحنه‌های وحشت‌آور در زندگی «۳» و یا ترس پیامبران از این که ایمان مردم متزلزل شود، مذموم نیست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیام‌آوران الهی فقط از خدا می‌ترسند، نه دیگران. ۲. ترس از مردم مسیر تبلیغات و رسالت شما را تغییر ندهد. ۳. از حسابگری خدا بهراسید نه از حسابگری مردم. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی احزاب به خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و بی‌پسر بودن او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰. مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛ و لیکن فرستاده خدا و پایان بخش پیامبران است؛ و خدا به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چهار پسر به نام‌های «قاسم، طیب، طاهر و ابراهیم» داشته است که همگی قبل از بلوغ و در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند؛ «۱» از این رو نام «رجال» (مردان) بر آنان صادق نبود و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله پسرخوانده‌ای به نام «زید» داشت که فرزند حقیقی حضرت نبود. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرزند پسر نداشت تا جانشین ایشان شود و نبوت را به ارث ببرد و نبوت سلطنتی گردد و فقط فرستاده‌ی خدا و پایانگر نبوت بود و شاید اشاره به علم بی‌کران الهی در پایان آیه برای همین است که خدا مصالح بشر را می‌داند و از این رو به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرزند پسر نداد تا شبهه‌ای در مورد خاتمیت او پیدا نشود. ۳. در این آیه رابطه‌ی نسبی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مردم قطع شده است ولی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۳ رابطه‌ی معنوی و روحانی ایشان از طریق رسالت وصل شده است؛ یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پدر جسمانی مردم نبود اما پدر روحانی آنان بود؛ از این رو در حدیث حکایت شده که فرمودند: «من و علی پدران این امت هستیم». «۱» ۴. «خاتم» به معنای چیزی است که به وسیله‌ی آن پایان داده می‌شود؛ از این رو به انگشتی یا مهری که در پایان نامه‌ها یا روی قفل‌ها و مانند آن می‌زنند تا کسی آن را باز نکند، خاتم گفته می‌شود. «۲» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پایانگر پیامبران و رسولان الهی بودند و مهر پایانی به خط نبوت زدند. ۵. از این آیه و برخی آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود «۳» که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای همه‌ی مردم جهان آمده است و بعد از او پیامبری نیست؛ زیرا کلاس‌های تربیتی و دینی بشریت در طول تاریخ به وسیله‌ی پیامبران کامل شد و آخرین کلاس توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برگزار

شد. ۶. در احادیث اسلامی نیز مسأله‌ی خاتمیت پیامبر اسلام بیان شده و روشن گشته است که احکام ثابت دین اسلام تا روز رستاخیز پابرجاست. «۴» ۷. خاتمیت پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر کامل شدن دین توسط ایشان و بلوغ فکری بشر است؛ یعنی اسلام برنامه‌ای جامع است که می‌تواند سعادت بشر را در دنیا و آخرت تا ابد تأمین کند و مردم نیز به آن حد از بلوغ فکری و فرهنگی رسیده‌اند که دین اسلام و قرآن را حفظ کنند و به اصول و برنامه‌های آن عمل کنند و مسیر تکاملی خویش را بدون نیاز به وحی جدید و شریعت تازه ادامه دهند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۴ به عبارت دیگر، پیامبران پیشین هر کدام قسمتی از نقشه‌ی سعادت بشر را به اندازه‌ی ظرفیت فکری مردم عصر خویش آوردند ولی پیامبر اسلام نقشه‌ی کامل سعادت بشر را آورد. ۸. نقش امامت و رهبری دینی بعد از خاتمه یافتن نبوت چیست؟ پاسخ آن است که نیاز به امام در چند مورد است: اول، نظارت بر اجرای دین؛ دوم، بیان جزئیات دین؛ و سوم، راه‌نمایی مردم و دست‌گیری در راه ماندگان. بنابر این، نیاز به امامت ضروری است و ادامه می‌یابد. «۱» ۹. چگونه دین ثابت اسلام با نیازهای متغیر بشر تا رستاخیز سازگار می‌شود؟ اولاً، اسلام یک سلسله اصول کلی بیان کرده که می‌تواند بر نیازهای متغیر بشر منطبق شود و پاسخ‌گوی آنها باشد؛ برای مثال، اصل وفای به عقد و پیمان که شامل معاملات قدیمی و مسائلی هم‌چون بیمه و مصادیق جدید دیگر می‌شود. ثانیاً، اختیارات حکومت اسلامی، از طریق اصل متریقی ولایت فقیه، بسیاری از مشکلات جامعه را در چهار چوب کلی اسلام حل می‌کند. ثالثاً، باز بودن راه اجتهاد و استنباط احکام از منابع اسلامی، می‌تواند پاسخ‌گوی پرسش‌های جدید بشر باشد. رابعاً، قرآن کریم دارای بطن‌ها و لایه‌ها و مصادیق مختلف است که در هر زمان مطالب جدید از آن کشف می‌شود و بر رخدادهای آن عصر تطبیق می‌گردد و پاسخ‌گوی نیازهای زمان است. ۱۰. هر چند نبوت در عصر ما خاتمه یافته است و فرشته‌ی وحی بر کسی نازل نمی‌شود تا وحی تشریحی و شریعت تازه بیاورد، ولی ارتباط انسان‌ها با عالم تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۵ غیب قطع نشده است و گاهی سروش الهامات و اشراقات الهی بر قلب‌های مستعد فرود می‌آید و ارتباط معنوی بشر با ماوراء الطبیعه برقرار می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر اسلام فرزند پسری نداشت (تا نبوت سلطنتی گردد). ۲. پیامبر اسلام را پایانگر نبوت بدانید (ولی اسلام را متوقف و جامد ندانید). *** قرآن کریم در آیات چهل و یکم و چهل و دوم سوره‌ی احزاب مؤمنان را به یاد فراوان خدا و تسبیح او فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۴۱ و ۴۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را با یادمانی فراوان یاد کنید؛ * و صبحگاهان و عصرگاهان [و شب هنگام او را تسبیح گوئید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ذکر کثیر» به معنای یاد فراوان خداست. این تعبیر مصادیق فراوانی دارد؛ از جمله: نماز خواندن، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام و یاد لفظی، قلبی و عملی خدا در همه‌ی صحنه‌های زندگی. ۲. روایت شده که یکی از صحابی‌ان از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: با فضیلت‌ترین مردم در روز رستاخیز نزد خدا کیست؟ حضرت پاسخ داد: «کسانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند.» «۱» ۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که هر چیزی حدی دارد مگر یاد خدا که انتها ندارد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۶ و نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که خدا به هر کس زبانی ذاکر عطا کند، خیر دنیا و آخرت را به او عطا کرده است. «۱» ۴. مقصود از تسبیح و تنزیه خدا در صبح و عصر، همان استمرار تسبیح اوست که یکی از مصادیق آن نماز صبح و عصر و مانند آن است. «۲» البته ممکن است که زمان صبح و عصر تأثیری خاص داشته باشد و این ظرف زمانی برای تسبیح حق مطلوب‌تر باشد. ۵. یاد خدا در همه حال هم‌چون آبی روح انسان را سیراب می‌کند و جان او را آرامش می‌بخشد. یاد موجودی بدون نقص و با کمالات عالی، این اوصاف را در انسان زنده می‌کند و رشد می‌دهد. یاد خدا انسان را از گناه و آلودگی دور می‌دارد. ۶. ذکر محبوب، حجاب‌ها را بر می‌دارد و درهای ملکوت را باز می‌کند: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: پس ای عزیز! ... اگر طالب کمالات صوریه و معنویه هستی و سالک طریق آخرت و مسافر و مهاجر الی الله هستی، قلب را عادت بده به تذکر محبوب و دل را عجین کن با یاد حق تبارک و تعالی. ... «۳» آری؛ با ذکر حقیقی، حجاب‌های بین عبد و حق خرق [پاره شود و موانع حضور مرتفع گردد و قسوت]: سختی و غفلت تفسیر

قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۷ قلب برداشته شود و درهای ملکوت اعلی به روی سالک باز شود و ابواب لطف و رحمت حق به روی او گشوده گردد. ولی عمده آن است که قلب در آن ذکر زنده باشد و مرده نباشد و با مردگان انس نگیرد و آنچه غیر حق و وجه مقدس اوست، از مردگان است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از یاد خدا غافل نشوید. ۲. مداومت بر ذکر و تسبیح خدا نیکوست. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۸ ذکر در قرآن و حدیث الف) ذکر عبارت است از یاد خدا که گاهی به صورت لفظی و گاهی قلبی و گاهی در عمل است. ب) اهمیت ذکر: ۱. یاد خدا بالاترین ذکر است (عنکبوت، ۴۵). ۲. ای مؤمنان! فراوان خدا را یاد کنید (احزاب، ۴۱). ۳. ثروت و فرزند شما را از یاد خدا باز ندارد (منافقون، ۹). ۴. تجارت و معامله شما را مشغول نکند و از یاد خدا باز ندارد (نور، ۳۷). ۵. یاد خدا در حال ایستاده و نشسته و خوابیده نیکوست (نساء، ۱۰۳ و آل عمران، ۱۹۱). ۶. نماز را برای یاد خدا به پا دارید (طه، ۱۴). ۷. در برابر دشمن (در میدان جنگ) زیاد یاد خدا کنید (انفال، ۴۵). ۸. خدا را مخفیانه در دل بخوانید (اعراف، ۲۰۵). ۹. «ذکر لذت دوستداران (خدا) است.» (علی علیه السلام). «۱» ج) ذکر کثیر چیست؟ ۱. «اگر بنده‌ای در هر روز صد مرتبه پروردگارش را یاد کند، این ذکر کثیر است.» (امام صادق علیه السلام). «۲» ۲. «تسبیح حضرت زهرا علیها السلام از مصادیق ذکر کثیر است.» (امام صادق علیه السلام). «۳» تذکر: تسبیح حضرت زهرا علیها السلام ۳۴ مرتبه الله اکبر و ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۳ مرتبه سبحان الله است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۹ د) پیامدهای ذکر: ۱. با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد (و بهداشت روانی انسان تأمین می‌شود). (رعد، ۲۸). ۲. هر کس خدا را یاد کند خدا او را یاد می‌کند (بقره، ۱۵۳). ۳. «ذکر موجب آبادی و حیات و نور قلب، نیکو شدن کارها در آشکار و پنهان، اصلاح قلب، قوت روح و شرح صدر می‌شود و کلید صلاح است.» (امیرالمؤمنین علی علیه السلام). «۱» ۴. «هر کس زیاد یاد خدا کند محبتش زیاد می‌شود.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ه) موانع یاد خدا: ۱. شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار دشمنی بین شما ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد (مائده، ۹۱). ۲. «پیروی از شهوت انسان را از یاد خدا بازمی‌دارد.» (امام علی علیه السلام). «۳» و آثار روی برتافتن از ذکر: ۱. هر کس از یاد خدا بازماند زیانکار است (منافقون، ۹). ۲. یکی از نشانه‌های منافقان آن است که کم‌تر خدا را یاد می‌کنند (نساء، ۱۴۲). ۳. هر کس از یاد خدا روی گرداند، زندگی سختی خواهد داشت و در رستخیز کور محسور می‌شود (طه، ۱۲۴). ۴. هر کس از یاد خدای مهرگستر روی برتابد، شیطانی به سراغ او می‌آید و هم‌نشین او می‌گردد (زخرف، ۳۶). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۰ قرآن کریم در آیات چهل و سوم و چهل و چهارم سوره‌ی احزاب به درود خدا و فرشتگان بر مؤمنان و لطف و پاداش الهی برای آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۳ و ۴۴. هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا * تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا او کسی است که (خود) و فرشتگانش برای شما دعا می‌کنند (و رحمت می‌فرستند)، تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج کند؛ و نسبت به مومنان مهرورز است. * زنده باد آنان در روزی که او را ملاقات می‌کنند سلام است؛ و برای آنان پاداش ارجمندی آماده کرده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات بشارت بزرگی برای مؤمنان است و به آنان نوید می‌دهد که از طرف معشوق کشش نیرومندی وجود دارد، تا کوشش عاشق به جایی برسد. ۲. مقصود از صلوات و درود خدا بر مؤمنان همان توجه و عنایت خاص الهی است که به صورت رحمت مستمر بر آنان فرو می‌فرستد «۱» و درود فرشتگان نیز استغفار و تقاضای رحمت الهی است. ۳. عنایت و رحمت خاص خدا و فرشتگان نسبت به مؤمنان آنان را از تاریکی‌های شرک، کفر، نفاق، شهوات و وسوسه‌های شیطانی بیرون می‌آورد و آنان را به نور یقین، علم، ایمان، اطمینان و تسلط بر نفس رهنمون می‌گردد. ۴. «تَحِيَّتِ» به معنای دعا برای سلامت و زندگی دیگران است و این سلام و تحیت نشانه‌ی سلامتی از هر گونه عذاب، درد و ناراحتی است. ۵. مقصود از تحیت و سلام در این آیه، همان زنده‌باد و سلام مؤمنان به یک‌دیگر و یا سلام و زنده‌باد فرشتگان است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۱ ولی بعید نیست که هر دو مقصود آیه باشد؛ یعنی جو حاکم بر مؤمنان و فرشتگان در آخرت سلام و سلامتی است. ۶. مقصود از روز ملاقات، همان روز رستخیز است که حجاب‌ها کنار می‌رود

و افراد با چشم دل خدا را ملاقات می‌کنند و محضر او را با علم شهودی درک می‌کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا و فرشتگان به مؤمنان عنایت و رحمت خاص دارند. ۲. خدا و فرشتگان زمینه‌ی برطرف شدن تیرگی‌ها و نورانی شدن شما را فراهم می‌کنند. ۳. مؤمن شوید تا زنده‌باد و سلام و پاداش ارجمند شامل حال شما شود. *** قرآن کریم در آیات چهل و پنجم و چهل و ششم سوره‌ی احزاب به شش صفت نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهداف رسالت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵ و ۴۶. **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا* وَذَاعِيًا إِلَى اللَّهِ يَذُنُهُ وَسِرَاجًا مُنِيرًا** ای پیامبر! در حقیقت، ما تو را گواه و مژده‌آور و هشدارگر فرستادیم؛* و (تو را) فراخواننده به سوی خدا، با رخصت او، و چراغی روشنی‌بخش (فرستادیم). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. طبق آیات قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شاهد اعمال امت خویش و گواه اعمال پیامبران پیشین است؛ «۲» یعنی اعمال مسلمانان بر پیامبر صلی الله علیه و آله (و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۲ امامان علیهم السلام) عرضه می‌شود «۱» و از طرف دیگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با اوصاف و برنامه‌هایش گواه حقایق مکتب اسلام است. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم بشارتگر و هم هشدارگر است. در برنامه‌های تربیتی لازم است که با بیان نعمت‌ها و مژده‌رسانی افراد را به سوی آنها تشویق کنیم و نیز با بیان عذاب الهی بدکاران را بترسانیم تا دست از خلافکاری بردارند. بشارت و هشدار باید همراه هم باشد؛ زیرا نیمی از وجود انسان طالب منفعت و نیم دیگر دفع‌کننده ضرر است. ۳. پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت‌کننده به سوی خداست و این مرحله‌ای بعد از هشدار و بشارت است؛ چرا که این‌ها وسایلی برای آماده کردن افراد برای پذیرش حق است و هنگامی که فرد آماده شد، به سوی حق دعوت می‌شود. ۴. در این آیه بر رخصت و فرمان الهی تأکید شده است؛ یعنی دعوت پیامبران به فرمان خداست و آنها چیزی از خود ندارند و بدون رخصت الهی گامی بر نمی‌دارند. ۵. «سراج» به معنای چراغ و «منیر» به معنای نورافشان است. این تعبیر شاید اشاره به معجزات و دلایل حقایق پیامبران باشد. ۶. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چراغ روشنی‌بخش است که دل‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و تاریکی‌های شرک و کفر را از آسمان روح انسان می‌زداید و شب‌پرستان را دور می‌سازد. ای ماه که در گردش، هرگز نشوی لاغر انوار جلال تو بدریده ضلالت را (کلیات شمس) ۷. نور مایه‌ی رشد گل‌ها و عامل جمع شدن افراد در گرد آن و مایه‌ی آرامش افراد درستکار و فرار افراد خلافکار است. آری؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عامل رشد و حرکت مردم و محور وحدت و مایه‌ی آرامش مؤمنان است و نور وجود او دزدان ایمان و دین را فراری می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. صفات برجسته و نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله را بشناسید (تا از وجود ایشان بیش‌تر بهره‌مند شوید). ۲. در برنامه‌ی تربیتی اسلام هشدار و بشارت با هم است. ۳. رهبران الهی گواه (و الگوی) مردم باشند. ۴. رهبران الهی ستاره‌های نورافشان آسمان هدایت هستند. ۵. دعوت به خدا هم، با اجازه‌ی خدا باشد. ۶. مردان الهی (مردم را) به سوی خدا بخوانند (نه به سوی خود). *** قرآن کریم در آیات چهل و هفتم و چهل و هشتم سوره‌ی احزاب، چهار دستور سازنده به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دهد و می‌فرماید: ۴۷ و ۴۸. **وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا* وَلَمَّا تَطَّعَ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعَّ أَدَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا** و مؤمنان را مژده ده به این که از طرف خدا بخششی بزرگ برای آنان (فراهم) است.* و از کافران و منافقان اطاعت نکن و آزار (های) آنان را رهاکن (و از آنها درگذر)، و بر خدا توکل کن؛ و کارسازی خدا کافی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا علاوه بر پاداشی که به اعمال مؤمنان می‌دهد، بخشش‌های اضافی نیز برای آنان خواهد داشت؛ همان طور که در آیات دیگر آمده که گاهی یک عمل نیک را تا ده برابر پاداش می‌دهد. ۲. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله از کافران و منافقان اطاعت نمی‌کند و بر خدا توکل می‌کند پس چرا در این آیات این دستورات به آن حضرت داده شده است؟ پاسخ آن است که اولاً، این دستورها برای تأکید و هشدار است که پیامبر مراقب خطر و سوسه‌ها و توطئه‌های منافقان و کافران باشد. ثانیاً، این دستورها نوعی سرمشق برای مؤمنان است و در حقیقت روی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۴ سخن با همه‌ی مؤمنان است. ۳. خطر کافران و منافقان در تاریخ اسلام بر کسی پوشیده نیست. آنان از هر فرصتی برای ضربه زدن به اسلام و به انحراف کشیدن

مسلمانان بهره می‌برند و بارها به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امتیازات مالی و مقام‌های حسّاس و زنان زیبا پیشنهاد کردند. ۴. در این آیات به آزارهای کافران و منافقان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است. اذیت‌هایی هم چون زخم زبان‌ها، جسارت‌ها، آزارهای بدنی، محاصره‌ی اقتصادی و جنگ که به وسیله‌ی آنها پیامبر صلی الله علیه و آله را تحت فشار قرار دادند که به برخی موارد آنها در قرآن نیز اشاره شده است. «۱» ولی پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر همه‌ی آنها مقاومت کرد و بر خدا توکل نمود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا علاوه بر پاداش، بخشش‌های بزرگی به مؤمنان می‌دهد. ۲. رهبران الهی با مزدورسانی، مؤمنان را دل‌گرم و تشویق کنند. ۳. در برابر آزارهای مخالفان مقاومت کنید و پیرو آنان نشوید. ۴. کارسازی بهتر از خدا وجود ندارد، پس بر او توکل کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی احزاب به زنانی که عده‌ی طلاق ندارند اشاره می‌کند و با سفارش در مورد آنها می‌فرماید: ۴۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان با ایمان را به همسری گرفتید، سپس قبل از تماس با آنان، طلاقشان دادید، پس برای شما هیچ عده‌ای که آن را بشمارید، بر عده‌ی آنان نیست؛ پس آنان را (با هدیه‌ای) بهره‌مند کنید و با آزادی نیکویی رهایشان سازید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عده نگاه داشتن زنان بدان معناست که زن پس از طلاق مدتی صبر می‌کند، سپس ازدواج مجدد می‌کند. از این آیه استفاده می‌شود که این مطلب حقی برای شوهر است «۱»؛ زیرا ممکن است زنی که همسر کسی بوده سپس طلاق داده شده، آبتن باشد و اگر بلافاصله پس از طلاق ازدواج کند سرنوشت فرزند او نامعلوم می‌شود؛ علاوه بر آن که مدت عده به زن و مرد فرصت می‌دهد که به دور از هیجانات در مورد جدا شدن از هم‌دیگر بیشتر فکر کنند و چه بسا که در این مدت پشیمان شوند. «۲» ۲. مسأله‌ی عده نگاه داشتن زنان قبلاً برای مسلمانان بیان شده بود، و در سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۲۸ این مطلب تصریح شده که زنان مطلقه باید پس از طلاق به مدت سه مرتبه عادت ماهیانه (و پاک شدن) انتظار بکشند و عده نگاه دارند، سپس اگر خواستند، ازدواج مجدد کنند. و اینک در این آیه یک دسته از زنان مطلقه را استثنا کرده و بیان نموده است که اگر زنان مطلقه قبل از طلاق آمیزش نکرده باشند لازم نیست که عده نگاه دارند. ۳. در این آیه به مردان دستور می‌دهد که در هنگام طلاق دادن این گونه زنان هدیه‌ی مناسبی به آنان بدهند. برخی مفسران احتمال داده‌اند که این حکم مخصوص مواردی است که مهریه‌ای برای زن مشخص نشده باشد، و گرنه هنگام طلاق پرداخت نصف مهریه واجب می‌شود. ولی برخی فقها و مفسران فرموده‌اند که دادن هدیه در صورت تعیین مهریه، مستحب و در صورت عدم تعیین، واجب است. «۴» ۴. مقدار هدیه‌ای که به زن مطلقه داده می‌شود، به اندازه‌ی متعارف و بر اساس توانایی شوهر است که شامل مواردی هم چون لباس، خانه و پول می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۶. ۵. سفارش شده که همسر مطلقه را با آزادی نیکویی رها کنید؛ یعنی همراه با محبت و احترام و بدون خشونت و ظلم از او جدا شوید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام حامی حقوق زنان است. ۲. مردان حقوق زنان را رعایت کنند. ۲. حتی پس از طلاق، رعایت حال همسر قبلی خود را بکنید و به او هدیه بدهید و با او خوش‌رفتاری کنید. ۳. عده حق شوهر است، ولی برخی زنان بعد از طلاق عده ندارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی احزاب به زنانی که همسری آنان برای مؤمنان جایز است و نیز مورد خاص پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۰. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتِ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ای پیامبر! در واقع، ما برای تو حلال کردیم همسرانت را که مهرشان را پرداخته‌ای، و آنچه (از کنیزان) که مالک شده‌ای از آنچه (از غنایم و انفال) که خدا به تو بازگردانده است و دختران عمویت و دختران عمه‌هایت و دختران دایی‌ات و دختران خاله‌هایت، که با تو مهاجرت کردند؛ و (نیز حلال کردیم) زن با ایمان را، در صورتی که خودش را به پیامبر ببخشد، اگر

پیامبر بخواهد که او را به همسری برگزیند؛ در حالی که (چنین ازدواجی) مخصوص توست، نه سایر مومنان؛ به یقین، می‌دانیم آنچه را واجب کردیم برای آنان در مورد همسرانشان و آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند. (این اجازه‌ی ازدواج) بدین خاطر است که هیچ تنگی (و محدودیتی) بر تو نباشد؛ و خدا بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۷ نکته‌ها و اشاره‌ها:

۱. مقصود از زنانی که مهریه‌ی آنان را پرداخته‌اید، زنان غیر خویشاوند هستند. البته پرداخت اصل مهریه واجب است اما پرداخت فوری آن واجب نیست و زن و شوهر می‌توانند با توافق هم‌دیگر پرداخت آن را به تأخیر اندازند. ۲. مقصود از «ما أفاء الله» اموالی است که بدون زحمت به دست می‌آید؛ از این رو به غنایم جنگی، انفال (یعنی ثروت‌های طبیعی و عمومی مسلمانان) گفته می‌شود. گفته شده که برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هم‌چون صفیه و جویریة از انفال بودند «۱» که پیامبر آنان را از بردگی آزاد کرد و به ازدواج خود پذیرفت که این عمل در راستای مبارزه‌ی اسلام با برده‌داری و شخصیت دادن به بردگان آزاد شده بود. ۳. مقصود از دختران خاله‌هایی که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله مهاجرت کردند، دختران با ایمان آنها هستند؛ چرا که هجرت در آن زمان یکی از نشانه‌های ایمان افراد و نیز امتیاز و نشانه‌ی زنان با شخصیت بود که لایق همسری پیامبر را داشتند. از جمله‌ی این دختر خاله‌ها همان زینب همسر زید بود که در اوایل سوره‌ی احزاب ماجرای ازدواج او با پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شد. ۴. برخی از زنان با ایمان خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌بخشیدند و مهریه‌ای از حضرت نمی‌خواستند، هدف این زنان آن بود که شرافت همسری با پیامبر صلی الله علیه و آله را پیدا کنند. گفته شده که میمونه، زینب دختر خزیمه و ام شریک و خوله از این زنان بوده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۸. ۵. از نظر فقه اسلامی زنی حق ندارد خود را به دیگری ببخشد یا بدون مهریه به ازدواج مردی درآید و ازدواج اگر بدون مهریه صورت گیرد، مهر المثل واجب می‌شود. «۱» از آیه استفاده می‌شود این حکم که زنی خود را با لفظ «هبه» و بخشش و بدون مهریه به ازدواج مردی درآورد مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله است. ۶. در برخی روایات تاریخی آمده است که هنگامی که «خوله» خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشید و همسر او شد، عایشه اعتراض کرد و گفت: چرا برخی زنان بدون مهر خود را در اختیار ازدواج قرار می‌دهند. و آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و عایشه رو به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله کرد و گفت: «می‌بینم که خدا به سرعت مقصود تو را انجام می‌دهد.» و پیامبر فرمود: «تو نیز اگر از خدا اطاعت کنی مقصودت را به سرعت انجام می‌دهد.» «۲» ۷. از این آیه فلسفه‌ی تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه و آله روشن می‌شود که همان رفع برخی مشکلات و محدودیت‌ها از دوش پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است؛ یعنی ازدواج‌های پیامبر صلی الله علیه و آله با برخی زنان، مشکلات سیاسی و اجتماعی ایشان را برطرف و راه پیشرفت اسلام را هموار می‌کرد؛ قبایل عرب نسبت به پیوند خویشاوندی حساس بودند و از این رو برخی ازدواج‌های پیامبر صلی الله علیه و آله سیاسی و برای جلب دوستی قبایل بود و برخی دیگر برای سنت‌شکنی در مورد ازدواج با همسر پسر خوانده و زنان کنیز بود. و در برخی موارد به صرف خواستگاری بسنده می‌کردند، تا رابطه‌ی اجتماعی ایشان با قبایل دیگر محکم‌تر شود. آری؛ پیامبر صلی الله علیه و آله مردی شهوت‌ران نبود؛ چرا که در اوج جوانی تا حدود پنجاه سالگی یک همسر داشت و اکثر زنانی که در ده سال آخر عمر گرفت زنان بیوه بودند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زنان حلال را بشناسید و با آنان ازدواج کنید (تا به حرام و خطا نیفتید). ۲. برخی ازدواج‌ها مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله است تا مشکلات ایشان حل شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی احزاب به تنظیم روابط پیامبر صلی الله علیه و آله با همسرانش توجه می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. تُرْجَىٰ مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوَىٰ مَنْ تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَمَّا يَخَرْنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْنَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (نوبت) هر کدام از آن (همسر) ان را که می‌خواهی به تأخیر می‌اندازی و هر کدام را که می‌خواهی پیش خود جای می‌دهی؛ و هیچ گناهی بر تو نیست که هر کدام از کسانی را که (از او) کناره‌گیری کرده‌ای، طلب کنی؛ این [کار] نزدیک‌تر است به این که چشمان آنان روشن گردد و اندوهیگن نشوند و همگی آنان به آنچه به ایشان می‌دهی خشنود گردند؛ و

خدا آنچه را در دل‌های شماست می‌داند؛ و خدا دانای بردبار است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد اوقات زندگی با او رقابت داشتند و از این جهت پیامبر صلی الله علیه و آله که گرفتار مسائل مهم اجتماعی بود در مضیقه‌ی زمان قرار می‌گرفت. آیه‌ی فوق فرود آمد و پیامبر را در تقسیم اوقاتش آزاد گذاشت. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از مشکلات رهبران و مدیران جامعه آن است که در بیرون خانه درگیر مشکلات اجتماعی می‌شوند و از رسیدگی کامل به خانواده‌ی خویش باز می‌مانند و گاهی برخی افراد خانواده از آنان توقع صرف وقت بیش‌تر برای آنان دارند. اگر این توقع به اصرار زیاد برسد، رهبران جامعه را گرفتار مشکلات جدی می‌کند و از مسئولیت‌های خویش بازمی‌دارد. در حالی که افراد خانواده باید محیطی آرام بخش برای آنان آماده کنند تا بتوانند به امور مهم اجتماعی بهتر رسیدگی کنند. آیه‌ی فوق در صدد آن است که چنین محیط آرامی در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد کند و در مدیریت زمان در خانه دست پیامبر صلی الله علیه و آله را باز بگذارد. ۲. کسانی که همسران متعدد دارند باید طبق دستورات اسلامی عدالت را در بین آنان رعایت کنند و در هر زمان نزد یکی از آنان بروند و شب‌ها را بین آنان تقسیم کنند. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که مشکلات اجتماعی، سیاسی و نظامی فراوان داشت و در مدینه به طور متوسط در هر ماه یک جنگ بر ایشان تحمیل می‌شد. این تقسیم شب‌ها و اوقات بین زنان از عهده‌ی او ساقط بود اما در همان حال تا حد امکان رعایت مساوات و عدالت را می‌کرد. ۴. زنان پیامبر رقابت‌هایی در مورد تقسیم اوقات پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند و گاهی کشمکش‌های زنانه‌ی آنان طوفانی درون خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله به پا می‌کرد و فکر رهبر اسلام را به خود مشغول می‌داشت. این آیه دست پیامبر صلی الله علیه و آله را در تقسیم اوقات باز گذاشت و این حکم الهی را به طور دائمی قرار داد تا کسی به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تقسیم اوقات یا تغییر اوقات اعتراض نکند. ۵. این حکم الهی برای زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بهتر بود؛ چرا که اولاً، یک حکم عمومی در مورد همه‌ی آنها بود و تفاوتی بین آنان نمی‌گذاشت. ثانیاً، خدا مصلحت پیامبر صلی الله علیه و آله و جامعه‌ی اسلامی و آنان را در نظر گرفته بود؛ بنابراین باید با رضایت به آن حکم تن می‌دادند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۱ ثالثاً، همسری پیامبر صلی الله علیه و آله مایه‌ی افتخار و چشم‌روشنی آنان است؛ از این رو باید از کمبود وقت او اندوهگین نشوند و بدان راضی باشند. ۶. همه‌ی مردانی که چند همسر دارند باید مساوات را در تقسیم وقت رعایت کنند و مشهور آن است که حکم اختیار داشتن پیامبر صلی الله علیه و آله در تقسیم اوقات بین زنان، استثنا است، ولی بعید نیست که این حکم شامل جانشینان پیامبر و رهبران الهی نیز بشود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی در مدیریت زمان و زنان، در خانواده‌ی خویش آزادند. ۲. همسران رهبران الهی از کمبود وقت آنان در زندگی خصوصی ناراحت نباشند و بدان راضی شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی احزاب ازدواج مجدد و تغییر همسر را برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ممنوع می‌سازد و می‌فرماید: ۵۲. لَایَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا بَعْدَ از (این همسران، ازدواج با) زنان و این که همسران (دیگری) جای‌گزین آنان کنی، بر تو حلال نیست؛ هر چند نیکویی آنان تو را به شگفت آورد، مگر آنچه (از کنیزان) مالک شده‌ای؛ و خدا نگهبان هر چیزی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. طبق شواهد تاریخی، پس از آن که در آیات پیشین به پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه داده شد که زنان بخششی را به ازدواج خود درآورد، و این ازدواج‌ها موجب ام المؤمنین شدن زنان و مایه‌ی افتخار آنان می‌شد، هر یک از قبایل افتخار می‌کردند که زنی را به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله در آورند و این کار تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۲ برای پیامبر صلی الله علیه و آله مشکل‌آفرین شد و از این رو آیه‌ی فوق با یک حکم قاطع جلوی این ازدواج‌ها را گرفت. «۱» ۲. ازدواج با کنیزان در این آیه استثنا شد؛ چرا که آنان خود را بر پیامبر صلی الله علیه و آله تحمیل نمی‌کردند و مشکلات زنان آزاد را نداشتند. البته طبق گواهی تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از این استثنا استفاده نکرد. ۳. «مِنْ بَعْدِ» به معنای بعد از این است. و مقصود از این تعبیر در این آیه، یا آن است که بعد از این زمان که زیادی تعداد همسران

برای تو مشکل آفرین شده، دیگر همسری برنگزین و یا آن که بعد از آن که همسران بین ماندن و رفتن مخیر شدند و زندگی با تو را انتخاب کردند، تو نیز این وفاداری آنان را ارج بگذار و همسر دیگری انتخاب نکن. «۲» ۴. از این آیه استفاده می‌شود که برخی از زنانی که به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد می‌شدند زیبا بوده‌اند، «۳» و مفسران از این تعبیر آیه استفاده کرده‌اند که هر کس می‌خواهد با زنی ازدواج کند، حق دارد او را نگاه کند. این مطلب در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که به یکی از یاران خویش که قصد ازدواج داشت فرمودند: به آن زن نگاه کن که این سبب می‌شود که (محبت و دوام زندگی) بین شما پایدارتر شود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۳

البته در برخی احادیث آمده که این نگاه نباید به قصد شهوت‌رانی و لذت بردن باشد (بلکه به قصد ازدواج و برای تحقیق باشد). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اختیار ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به دست خداست. ۲. زیبایی زنان موجب نشود که احکام الهی را نقض کنید. ۳. خدا همه چیز را تحت نظر دارد (پس مراقب کردار خود باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنج‌جاه و سوم سوره‌ی احزاب، آداب و احکام معاشرت مؤمنان با پیامبر صلی الله علیه و آله و خانواده‌اش را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۵۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمَّا تَدْخُلُوا بَيْتَ النَّبِيِّ إِنْ أُنِيبَ إِلَيْكُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَبِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَعِجِلُ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجُوجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَيُّدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا أَي کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌های پیامبر داخل نشوید، مگر این که به شما برای [صرف غذا رخصت داده شود، در حالی که منتظر رسیدن آن (غذا) نیستید؛ و لیکن هنگامی که فراخوانده شدید، پس داخل شوید و هنگامی که غذا خوردید پس پراکنده شوید؛ و با سخن گفتن مأنوس نشوید [چرا] که این (کار)، پیامبر را می‌آزارد و (او) از شما شرم می‌کند، و [لی خدا از (بیان) حق شرم نمی‌کند؛ و هنگامی که وسیله‌ای از آنان (: همسران پیامبر) خواستید، از پشت مانعی بخواهید؛ این (کار) برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاک‌تر است؛ و برای شما (جایز) نیست که فرستاده‌ی خدا را آزار دهید و نه هرگز همسرانش را بعد تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۴ از او به همسری (خود) درآورید که این (کار) نزد خدا بزرگ است! شأن نزول: داستان‌های متعددی در مورد نزول بخش‌های مختلف این آیه بیان شده است؛ از جمله این که در هنگام ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب دختر جحش، مردم به میهمانی در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت شدند و گروه گروه آمدند و پس از غذا خوردن خارج شدند و سفره را نیز برچیدند ولی سه نفر در اطاق آن حضرت باقی ماندند و به گفت‌وگو پرداختند. بخش اول آیه‌ی فوق فرود آمد و آنان را از این کار منع کرد، زیرا این کارها موجب اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شد. «۱» در مورد بخش دوم آیه حکایت شده که برخی از همسایگان و مردم عادت داشتند برای گرفتن وسایل عاریه‌ای به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مراجعه کنند که این کار با حیثیت همسران پیامبر صلی الله علیه و آله سازگار نبود. این آیه نازل شد و به آنان دستور داد که از پشت پرده مراجعه کنند و از زنان پیامبر چیزی بگیرند. «۲» و در مورد بخش سوم آیه حکایت شده که برخی از مخالفان و منافقان تصمیم گرفتند که پس از فوت پیامبر صلی الله علیه و آله با همسران او ازدواج کنند و حرمت او را بکشند. این آیه فرود آمد و ازدواج با زنان پیامبر را به کلی ممنوع ساخت. «۳» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه آداب معاشرت اجتماعی بیان شده است؛ از جمله این که بدون اجازه داخل خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله نشوید. البته این حکم برای همه‌ی خانه‌هاست و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی می‌خواست داخل خانه‌ی دخترش فاطمه علیها السلام شود، بیرون می‌ایستاد و به نوعی اجازه می‌گرفت. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۵. ۲. در این آیه به آداب مهمانی رفتن نیز اشاره شده است؛ بدین ترتیب که اولاً، زودتر از وقت مقرر مهمان کسی نشوید که هم خودتان معطل غذا شوید و هم مزاحم او شوید. ثانیاً، بعد از صرف غذا مدت طولانی درنگ نکنید و مجلس انس تشکیل ندهید که مزاحم میزبان شوید. البته؛ اگر از آغاز افرادی برای جلسه‌ی گفت‌وگو و انس دعوت شده باشند می‌توانند به اندازه‌ی لازم بمانند. ۳. پیامبر

اسلام صلی الله علیه و آله اهمیت ویژه‌ای برای مهمان قایل بودند، به طوری که در مسائل عمومی حق را آشکارا بیان می‌کردند ولی در مورد مهمان حیا کرده، اصول اخلاقی را رعایت می‌کردند و از حق شخصی خود می‌گذشتند، ولی به زیاد ماندن مهمانان اعتراض نمی‌کردند. ۴. در اسلام بر مهمان نوازی تأکید شده است و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که مهمان راه‌نمای بهشت و هدیه‌ای الهی است که همراه رزق خود می‌آید و گناهان اهل خانه را می‌برد (یعنی به برکت او گناهان بخشوده می‌شود) «۱» و سفارش شده که در مورد مهمان به زحمت نیفتید و چیزهایی را که ندارید تهیه نکنید بلکه هر چه (از غذا) دارید برای او آماده کنید؛ «۲» و همراه مهمان بروید تا از خانه شما به خوبی بیرون رود «۳» و نیز سفارش شده که مهمان در هر کجا که صاحب خانه دستور داد بنشیند. «۴» ۵. در این آیه در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است که هرگاه مؤمنان خواستند از آنان وسیله‌ای بگیرند، از پشت پرده بگیرند، که این برای پاکی دل‌های طرفین بهتر است و شخصیت آنان را بهتر حفظ می‌کند. البته این حکم در مورد غیر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله وارد نشده است، ولی با توجه به دلیل آن، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۶ که شامل بقیه‌ی زن‌ها نیز می‌شود، «۱» می‌تواند این کار برای تماس با زنان دیگر نیز مطلوب باشد. «۲» ۶. چرا ازدواج زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، بعد از وفات ایشان ممنوع شده است؟ اولاً، در شأن نزول بیان شد که برخی مخالفان و منافقان تصمیم گرفته بودند با ازدواج با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به حیثیت ایشان ضربه بزنند و این ممنوعیت جلوی این انتقام‌جویی را می‌گرفت. ثانیاً، ممکن بود برخی افراد با ازدواج با همسران پیامبر ادعاهای بی‌مورد کنند و از این کار سوء استفاده نمایند که با ممنوعیت ازدواج جلوی توطئه‌ی آنان گرفته شد و شاید از این روست که فرمود این کار نزد خدا (گناه) بزرگی دارد. ثالثاً، حفظ احترام هر کس در احترام به خانواده‌ی او متجلی می‌شود. از این رو قرآن همسران پیامبر را ام‌المومنین نامید و ازدواج با آنان را حرام کرد تا حریم و شخصیت این خانواده محفوظ شود و در جامعه محترم بمانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حریم رهبران الهی را محترم بشمارید. ۲. مهمان نباید برای میزبان خود مزاحمت ایجاد کند. ۳. در گفتن حق صریح باشید. ۴. مردان در ارتباط با زنان نامحرم، طوری رفتار کنند که پاک بمانند. ۵. حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله را بعد از وفات او نیز نگاه دارید و با همسرانش ازدواج نکنید. ۶. همسران رهبران الهی، حرمت مقام آنان را حفظ کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۷ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی احزاب با بیان آگاهی کامل خدا از امور می‌فرماید: ۵۴. *إِنْ تُبَدُّوا شَيْئًا أَوْ تُخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا* اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهانش سازید، پس، در حقیقت خدا به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. علم خدا شهودی و حضوری است؛ از این رو از همه‌ی امور پیدا و پنهان اطلاع دارد و چیزی بر او پوشیده نیست و حتی از نیت‌های افراد آگاه است. ۲. این آیه هشدار می‌دهد که کسانی که مخفیانه با دستورات الهی مخالفت می‌کردند و به پیامبر صلی الله علیه و آله آزار می‌رسانند، یا حریم ایشان را رعایت نمی‌کردند و یا قصد اذیت خانواده‌ی آن حضرت را بعد از فوت ایشان داشتند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. علم خدا بر همه چیز احاطه دارد. ۲. مخفی کردن چیزها از خدا بی‌فایده است. ۳. همه چیز را تحت نظر خدا بدانید (و مراقب کردار خود باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی احزاب به موارد استثنا در روابط زن و مرد اشاره می‌کند و با سفارش به تقوا می‌فرماید: ۵۵. *لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا* بر آنان [همسران پیامبر] هیچ گناهی نیست در مورد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و زنان (هم‌کیش) آنان و آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند (که بدون مانع از آنان وسیله‌ای بخواهند)؛ و خودتان را از (عذاب) خدا حفظ کنید، که خدا بر هر چیزی گواه است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۸ شأن نزول: حکایت شده که پس از اعمال محدودیت در مورد روابط مردان با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، بستگان آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند که ما نیز باید از پشت پرده با همسران تو سخن بگوییم؟ آیه‌ی فوق فرود آمد و موارد استثنا را بیان کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از افرادی یاد شده است که با زنان

پیامبر صلی الله علیه و آله محرم بودند و می توانستند بدون حجاب با آنان سخن بگویند و ارتباط داشته باشند. ۲. در این آیه از عموها و دایی‌های همسران پیامبر یاد نشده است؛ زیرا از فرزندان برادر و فرزندان خواهر آنان یاد شد و از آن جا که نسبت محرمیت دو طرفی است، بنابر این عکس آن نیز برای دایی و عمو اثبات می‌شود. ۳. در این آیه از پدر شوهر و پسر شوهر همسران پیامبر به عنوان محرم یاد نشد؛ چرا که در آن زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پدر و فرزند پسر نداشت تا مستثنا شوند. ۴. در این آیه به تقوا و گواه بودن خدا اشاره شده است تا نشان دهد که این قوانین و پرده و حجاب وسایلی برای حفظ از گناه است، ولی ریشه‌ی اصلی همان تقوا و ناظر دانستن خداست. ۵. برخی مفسران برآنند که مقصود از زنان و بردگان در این آیه، زنان مسلمان و کنیزان هستند که در مورد تماس بدون حجاب آنان با زنان پیامبر مستثنا شدند؛ چرا که بر اساس روایات، غلامان از این حکم خارج می‌شوند. «۲» ۶. هر چند این آیه در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله فرودآمده است اما محارمی که در آیه شمرده شده‌اند مخصوص آنان نیستند و زنان دیگر نیز می‌توانند با این محارم بدون حجاب ارتباط داشته باشند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در اسلام، روابط زن و مرد، براساس دستورات الهی شکل می‌گیرد. ۲. زنان محارم خود را بشناسند. ۳. زنان خدا را گواه کارهای خود بدانند و تقوا پیشه سازند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و ششم سوره‌ی احزاب به سلام و درود خدا و فرشتگان و مردم بر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۶. إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا در حقیقت، خدا و فرشتگانش بر پیامبر دعا (: صلوات) می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او دعا (: صلوات) بفرستید و به طور کامل سلام کنید (و کاملاً تسلیم او باشید). نکات و اشارت: ۱. «صلوات» در اصل به معنای دعاست و هرگاه به خدا نسبت داده شود، به معنای فرستادن رحمت است و هرگاه به فرشتگان و مؤمنان نسبت داده شود، به معنای طلب رحمت است. «۱» ۲. در این آیه نخست با فعل مضارع از صلوات خدا و فرشتگان بر پیامبر صلی الله علیه و آله یاد شده است تا نشان دهد که آنان به طور مستمر بر ایشان صلوات می‌فرستند و مؤمنان از این کار خدا و فرشتگان الگو بگیرند و از آنان پیروی کنند و بر پیامبر صلوات بفرستند. ۳. مقصود از «تسلیم» در این آیه سلام فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و تقاضای سلامتی برای ایشان است و یا تسلیم مسلمانان در برابر دستورات ایشان است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۰ البته معنای اول با لغت سازگارتر است و معنای دوم در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است. «۱» که جمع آن در تسلیم قولی و عملی در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله است. ۴. این آیه مقام والای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را نزد خدا و فرشتگان نشان می‌دهد که همگی بر او درود و رحمت می‌فرستند. ۵. صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله در تشهد نماز بر مسلمانان واجب و در غیر آن مستحب است «۲» و حتی در حدیثی از عایشه حکایت شده که پیامبر فرمود: «نماز بدون طهارت و صلوات بر من قبول نمی‌شود». «۳» ۶. در روایات متعددی از شیعه و سنی آمده است که مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: روش سلام کردن بر شما را می‌دانیم اما چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگو: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید، اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید». «۴» ۷. در برخی احادیث از صلوات ناقص (یعنی: اللهم صل علی محمد) منع شده و دستور داده‌اند که بگویند: اللهم صل علی محمد و آل محمد. «۵» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از صدر تا ذیل هستی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله احترام می‌گذارند و به او تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۱ درود می‌فرستند (شما هم این گونه باشید). ۲. سلام و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله شیوه‌ای الهی است. ۳. از صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله غفلت نکنید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هفتم و پنجاه و هشتم سوره‌ی احزاب به پیامدهای عذاب آلود آزاررسانی به خدا، پیامبر و مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷ و ۵۸. إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كُتِبَ لَهُنَّ فَأَئْتَلُوا بِهِنَّ تَأْتًا وَإِنَّمَا مُؤْمِنًا فِي حَقِّهِمْ، کسانی که خدا و فرستاده‌اش را آزار می‌دهند، خدا آنان را در دنیا و آخرت از رحمت خود دور ساخته و

برای آنان عذاب خوار کننده‌ای آماده کرده است.* و کسانی که مردان با ایمان و زنان با ایمان را بدون آن که چیز (بد)ی کسب کرده باشند، آزار می‌دهند، به یقین، [بار] تهمت و گناه آشکاری بردوش گرفته‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از آزار خدا، همان کفر ورزیدن و مخالفت با دستورات او و یا آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان است که در حقیقت آزار خداست. «۱» ۲. مقصود از آزار پیامبر صلی الله علیه و آله هر گونه کاری است که موجب اذیت ایشان شود، که شامل کفر ورزیدن، مخالفت با دستورات، تهمت زدن، مزاحمت بر ایشان و حتی آزار بستگان ایشان، هم چون فاطمه علیها السلام می‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۲. «لعنت» به معنای دوری از رحمت خداست، که از بدترین عذاب‌های الهی است؛ زیرا خدایی که رحمتش گسترده و شامل همگان می‌شود، انسانی را از رحمتش محروم گردانده است. ۴. آزار مؤمنان از گناهان آشکار و بزرگ است و در ردیف آزار خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح شده است و در احادیث اسلامی از امام صادق علیه السلام روایت شده که خدا می‌فرماید: «هر کس بنده‌ی مؤمن مرا بی‌آزارد اعلان جنگ با من می‌دهد». «۱» ۵. آزار مؤمنان بدون آن که کاری کرده باشند که مستحق مجازات باشند ممنوع است، اما اگر مؤمنی کار خلافی انجام دهد و مستحق حد یا تعزیر شود و یا در مقام امر به معروف و نهی از منکر به مؤمنی چیزی بگویند و آزرده خاطر شود، مانعی ندارد. ۶. «بهتان» از بزرگ‌ترین گناهان است که دل انسان را می‌آزارد و از زخم شمشیر بدتر است؛ زیرا ماندگار است. در حدیثی از امام رضا علیه السلام روایت شده که هر کس به مرد یا زن با ایمانی بهتان بزند و یا در باره‌ی او چیزی بگوید که در او نیست، خدا او را در رستاخیز بر تلی از آتش قرار می‌دهد تا از عهده‌ی آنچه گفته برآید. «۲» ۷. برخی مفسران نوشته‌اند که گروهی در مدینه که علیه مؤمنان شایعه‌پراکنی می‌کردند و به آنان تهمت می‌زدند. قرآن کار این افراد را بهتان و گناه آشکار معرفی کرده است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آزار خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، عامل عذاب و لعنت است. ۲. با آزار مؤمنان بی‌گناه، بار گناه خود را سنگین نکنید. ۳. دگر آزار نباشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و نهم سوره‌ی احزاب با دستور حجاب جلوی سوء استفاده و آزار زنان را می‌گیرد و می‌فرماید: ۵۹. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مومن بگو: «از پوشش‌های بلند (چادر مانند) شان به خودشان نزدیک کنند، این [کار] برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند نزدیک‌تر است؛ و خدا بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است. شأن نزول: حکایت شده که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله زنانی که برای نماز عشا به مسجد می‌رفتند، توسط جوانان هرزه مورد آزار و مزاحمت قرار می‌گرفتند؛ این آیه بدین مناسبت فرود آمد و به زنان دستور داد که حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا مورد آزار قرار نگیرند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به مزاحمت‌های خیابانی علیه زنان مؤمن اشاره شده و حفظ حجاب را یکی از راه حل‌های آن معرفی کرده است. ۲. مفسران حکایت کرده‌اند که در آن زمان، کنیزان بدون پوشش تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۴ مناسب سروگردن از خانه‌ها بیرون می‌آمدند و برخی از آنان از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند؛ از این رو برخی از جوانان مزاحم آنان می‌شدند اما زنان آزاد مسلمان که شناخته می‌شدند، از تعرض در امان بودند؛ از این رو در این آیه دستور داده شد که زنان حجاب کامل خود را رعایت کنند تا از کنیزان و آلودگان باز شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند. ۳. مفهوم این آیه آن نیست که جوانان حق مزاحمت برای زنان غیرمؤمن و کنیزان را دارند، بلکه مقصود آیه آن است که بهانه از دست افراد فاسد گرفته شود. در اجتماع امروز نیز چنانچه زنان حجاب و شخصیت اجتماعی خویش را حفظ کنند، جوانان هرزه به آنان طمع نمی‌ورزند؛ چون زمینه‌ی انحراف را در آنان نمی‌بینند. ۴. «جلباب» یا به معنای پارچه‌ی بزرگ (چادر مانند) است که سر و گردن و سینه‌ها را می‌پوشاند، یا به معنای روسری و مقنعه و یا پیراهن گشاد. «۱» قدر مشترک همه‌ی این معانی آن است که بدن زن به وسیله‌ی این پارچه‌ها پوشیده می‌شود؛ و معنای اول مورد تأکید برخی لغت‌شناسان است. «۲» ۵. مقصود از نزدیک ساختن روسری و چادر آن است که زنان آن را به بدن خویش نزدیک کنند تا به درستی محفوظ بمانند و آن را رها نسازند تا مبادا کنار

برود و بدن آنها آشکار شود. «۳» ۶. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که اصلاح جامعه را نخست از خانه‌ی خویش شروع کن و اول به همسرانت دستور حفظ حجاب بده، دوم به دخترانت «۴» و سوم به زنان مؤمن. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حجاب (شخصیت) زنان مؤمن را معرفی می‌کند. ۲. حجاب، شما را از شرّ دگرآزاران حفظ می‌کند. ۳. با حفظ کامل حجاب، بهانه را از دست دگر آزاران بگیرد. ۴. اصلاح جامعه را از خانواده‌ی خویش شروع کنید. ۵. خانواده‌ی رهبران الهی، در انجام دستوره‌ای الهی پیش گام باشند. ۶. خدا خطاهای گذشته‌ی شما را به لطف خویش می‌آمرزد.

*** قرآن کریم در آیات شصتم و شصت و یکم سوره‌ی احزاب به منافقان، بیمار دلان و شایعه پراکنان شدیداً هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶۰ و ۶۱. لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَمَّا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلاَّ قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخِذُوا وَقْتًا لَكُمْ أَنْ تَقْتُلُوا أَوْ تَكْتَلِبُوا إِكْرَامًا كَذِبًا أُولَئِكَ يُجَاهِدُونَكَ فِيهَا وَمَا يُخْلِقُونَ شَيْئًا سِوَا نَفْسِهِمْ فَطَمَسُوا أَسْمَاءَهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي سَكْوَةٍ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَمَّا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلاَّ قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخِذُوا وَقْتًا لَكُمْ أَنْ تَقْتُلُوا أَوْ تَكْتَلِبُوا إِكْرَامًا كَذِبًا أُولَئِكَ يُجَاهِدُونَكَ فِيهَا وَمَا يُخْلِقُونَ شَيْئًا سِوَا نَفْسِهِمْ فَطَمَسُوا أَسْمَاءَهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي سَكْوَةٍ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَمَّا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلاَّ قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخِذُوا وَقْتًا لَكُمْ أَنْ تَقْتُلُوا أَوْ تَكْتَلِبُوا إِكْرَامًا كَذِبًا أُولَئِكَ يُجَاهِدُونَكَ فِيهَا وَمَا يُخْلِقُونَ شَيْئًا سِوَا نَفْسِهِمْ فَطَمَسُوا أَسْمَاءَهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي سَكْوَةٍ

اضطراب‌انگیز در مدینه، به آن (کارها) پایان ندهند، قطعاً تو را بر آنان مسلط می‌گردانیم، سپس جز اندکی در این (شهر) همسایه‌ی تو نخواهند بود؛* در حالی که طرد شده‌اند، هر کجا یافته شوند دستگیر گردند و به سختی کشته شوند. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از منافقان در مدینه، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به جهاد می‌رفتند، شایعاتی درباره‌ی کشته شدن و اسارت آن حضرت می‌ساختند، برخی از مسلمانان شکایت آنان را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بردند و آیه‌ی فوق فرود آمد و به منافقان و شایعه‌پراکنان شدیداً هشدار داد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به فعالیت‌های ایذایی سه گروه در مدینه اشاره کرده است: الف) منافقان؛ ب) اراذل و اوباش؛ ج) شایعه پراکنان. اینان با اعمال موزیانه و توطئه‌آمیز و با پراکنده ساختن شایعات و خبرهای دروغ تلاش می‌کردند در روحیه‌ی مردم مدینه تزلزل ایجاد کنند. ۲. واژه‌ی «مُرْجِفُونَ» یا به معنای اشاعه‌ی مطالب باطل به منظور غمگین کردن دیگران است و یا به معنای اضطراب و تزلزل؛ و از آن جا که شایعات موجب اضطراب عمومی می‌شود در مورد این گروه این تعبیر به کار رفته است. ۳. در این آیه سه گروه منافقان، بیماردلان و شایعه‌پراکنان شدیداً مورد تهدید قرار گرفته‌اند که اگر به کارهای خود ادامه دهند، چتر حمایتی اسلام از آنان برداشته می‌شود و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان بر آنان یورش می‌برند و در هیچ جا در امان نخواهند بود. «۱» ۴. در این آیات برای پیش‌گیری از آزار مردان و زنان مؤمن در مدینه دو راه پیش‌بینی شد: الف) حفظ حجاب کامل زنان و گرفتن بهانه از دست مزاحمان که در آیه‌ی قبل بیان شد. ب) هشدار شدید به دگرآزاران که در این آیات بیان شد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۷. ۵. در این آیات اشاره شده که رهبری اسلام در صورتی که از ناحیه‌ی منافقان و شایعه‌پراکنان احساس خطر کند، می‌تواند بر فسادگران یورش برد و ریشه‌ی آنان را بکند. البته این حکم اختصاص به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد و رهبر حکومت اسلامی هم در شرایط مشابه می‌تواند از این روش استفاده کند. سر گرگ باید هم اول برید نه چون گوسفندان مردم درید (سعدی) ۶. پس از جنگ احزاب موقعیت حکومت اسلامی در مدینه تثبیت گشت و برخورد با منافقان شدیدتر شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر منافقان، بیماردلان و شایعه‌پراکنان جامعه به شدت ایستادگی کنید. ۲. در صورت لزوم، حکومت اسلامی می‌تواند با پایگاه‌های تبلیغاتی دشمن در جامعه با شدت برخورد کند. ۳. هدف شایعه‌پراکنان، ایجاد اضطراب عمومی و ناراحت کردن مردم است. ۴. عوامل نفوذی دشمن را طرد کنید و از لانه‌هایشان بیرون بکشید و به هلاکت برسانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی احزاب به قوانین تغییرناپذیر خدا در جامعه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۲. سِنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسِنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (این) روش خداست در مورد کسانی که پیش از (این) گذشتند؛ و هیچ تغییری برای روش (و قانون) خدا نخواهی یافت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعددی از قرآن مشابه تعبیر فوق تکرار شده است که قانون تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۸ و روش خدا در طول تاریخ یکسان است و تغییر نمی‌کند. «۱» این مطلب وحدت قوانین حاکم بر جهان را نشان می‌دهد و مؤمنان را دل گرم می‌سازد. ۲. برخی از سنت‌های تغییرناپذیر الهی عبارت‌اند از: الف) یاری پیامبران توسط خدا؛ ب) شکست نهایی کافران؛ ج) لزوم عمل به

دستورات الهی؛ د) بی‌فایده بودن توبه‌ی گناهکاران در هنگام نزول عذاب؛ ه) مجازات منافقان، بیماردلان و شایعه‌پراکنان لجوج. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روش‌ها و سنت‌های الهی (از اراده‌ی ثابتی برخاسته و) در طول تاریخ همسان است. ۲. جامعه و تاریخ قانونمند است. ۳. قوانین اجتماعی خدا (را بشناسید و مراقب باشید که مجازات‌های آنها در مورد شما اجرا نشود که) قطعی است. ***

رستاخیز

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و سوم سوره‌ی احزاب به نامعلوم بودن زمان رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳. يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ اِنَّمَا عَلِمَهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۹ مردم از تو درباره‌ی ساعت (: رستاخیز) می‌پرسند، بگو: «علم آن فقط نزد خداست.» و چه می‌دانی شاید ساعت (: رستاخیز) نزدیک باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد پرسشگری که از رستاخیز پرسیده است، دو احتمال وجود دارد: الف) منافقان یا کافران با ریشخند می‌پرسیدند که قیامت که محمد صلی الله علیه و آله می‌گوید چه زمانی برپا می‌شود؟ ب) برخی مؤمنان از روی حس کنج‌کاوی در مورد زمان رستاخیز می‌پرسیدند. البته تفسیر اول با آیات بعد که در مورد عذاب کافران است سازگارتر است. ۲. یکی از چیزهایی که علم آن منحصر به خداست و هیچ کس جز او از آن اطلاع ندارد، زمان رستاخیز است. ۳. فلسفه‌ی مخفی بودن زمان برپایی رستاخیز نکته‌ای تربیتی است که هیچ کس قیامت را دور نیندازد و خود را از عذاب‌های آن در امان نیند و کم‌تر گناه و ستم کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ممکن است زمان رستاخیز نزدیک باشد (پس غفلت نورزید و خود را برای حضور در دادگاه عدل الهی آماده کنید). ۲. مردم مشکلات عقیدتی خود را از رهبران الهی بپرسند. ۳. آگاهی از زمان برپایی قیامت، مخصوص خداست (و کس دیگری از آن خبر ندارد). *** قرآن کریم در آیات شصت و چهارم و شصت و پنجم سوره‌ی احزاب به فرجام عذاب آلود کافران و تنهایی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۴ و ۶۵. اِنَّ اللّٰهَ لَعَنَ الْكٰفِرِيْنَ وَاَعَدَّ لَهُمْ سَعِيْرًا* خَالِدِيْنَ فِيْهَا اَبَدًا لَا يَجِدُوْنَ وَلِيًّا وَلَا نٰصِيْرًا در واقع، خدا کافران را از رحمت (خود) دور ساخته و برای آنان شعله‌ی فروزان (آتش) آماده ساخته است. * در حالی که جاودانه در آن ماندگارند؛ [و] هیچ سرپرست و یآوری نخواهند یافت. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات با بیان گوشه‌ای از عذاب دردناک کافران به آنها هشدار می‌دهد تا دست از عقاید کفرآمیز و ستمکاری بردارند و به سوی توحید بازگردند. ۲. در این جا واژه‌ی «ولی» به معنای سرپرست است که انجام همه‌ی کارها را بر عهده می‌گیرد، ولی واژه‌ی «نصیر» به معنای امدادرسان است که فقط به انسان کمک می‌کند ولی کافران در رستاخیز تنها هستند؛ نه سرپرست و نه یاور دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران از عذاب و تنهایی رستاخیز بهراسند (و دست از انحراف کفر بردارند). ۲. کفر زمینه‌ساز لعنت و عذاب الهی و باعث تنهایی انسان در رستاخیز است. *** قرآن کریم در آیات شصت و ششم تا شصت و هشتم سوره‌ی احزاب به پشیمانی کافران و شکایت آنان از رهبران کفر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۶-۶۸. يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوْهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُوْلُوْنَ يَا لَيْتَنَا اَطَعْنَا اللّٰهَ وَاَطَعْنَا الرَّسُوْلًا* وَقَالُوْا رَبَّنَا اِنَّا اَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَاَضَلُّوْنَا السَّبِيْلًا* رَبَّنَا اَتَيْهِمْ مِنْ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيْرًا رُوْزِيْ كَمَا صُوْرَتُهَايْ اِنَّا فِي النَّارِ (دوزخ) چرخانده خواهد شد، در حالی که می‌گویند: «ای کاش ما از خدا اطاعت کرده بودیم و از فرستاده (اش نیز) اطاعت کرده بودیم.» * و گویند: «[ای پروردگار ما! در واقع ما از سرورانمان و بزرگانمان اطاعت کردیم و ما را از راه گمراه کردند.» [ای پروردگار ما! آنان را از عذاب، دو چندان ده و آنان را با لعنتی بزرگ لعنت نما! تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «سادات» در این آیه مالک بزرگی است که تدبیر شهرهای مهم یا کشور را بر عهده دارد و منظور از «بزرگان» افرادی هستند که از نظر سن یا علم یا موقعیت اجتماعی و ثروت و قدرت بزرگ هستند. آری؛ اطاعت از این افراد به جای اطاعت از خدا و پیامبر، عامل انحراف و گمراهی کافران شد و اکنون در رستاخیز پشیمانی و شرمساری به بار آورده است. فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد (حافظ) ۲. کافران در دوزخ با بیان این سخنان و بهانه‌جویی‌ها می‌خواهند گناهان و

گمراهی خویش را به گردن رهبرانشان بیندازند و برای رهبران خود تقاضای عذاب دو برابر می‌نمایند. ولی قرآن کریم در آیات دیگر به آنان پاسخ منفی می‌دهد و کافران را مستحقّ عذابی دوجندان می‌داند، «۱» زیرا از رهبران کفر اطاعت کردند و گمراه شدند و ستمکاران را نیز تقویت نمودند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران قبل از آن که به آتش دوزخ بازگردند از خدا و پیامبرش اطاعت کنند. ۲. اطاعت از رهبران کفر، عامل گمراهی بشر و عذاب اخروی است. ۳. در رستاخیز، کافران فرانکنی می‌کنند و گناهان خود را به گردن هم‌دیگر می‌اندازند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۲ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هشتم سوره‌ی احزاب با اشاره به آزارهای مردم نسبت به موسی علیه السلام، به مسلمانان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا أَي كسانی که ایمان آورده‌اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند؛ و خدا او را از آنچه (در باره‌ی او) گفتند مبرا ساخت؛ و (وی) نزد خدا آبرومند بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد که اگر کسی تو را آزار داد نگران مباش، مردم موسی علیه السلام را نیز آزار دادند ولی ما او را مبرا و آبرومند ساختیم. ۲. این آیه هشدار است به مسلمانان که مراقب رفتار و سخنان خود باشند که موجب آزار پیامبر صلی الله علیه و آله نشود، هر چند خدا حامی پیامبرش است. ۳. مقصود از آزارهای مردم نسبت به موسی علیه السلام چیست؟ مفسران قرآن در این مورد چند پاسخ داده‌اند که عبارت‌اند از: الف) منظور شایعه‌ی مرگ موسی بود که پس از رفتن موسی و هارون به کوه طور پخش شد. ب) منظور اتهام سحر و جنون به موسی بود. ج) مقصود متهم کردن موسی به بیماری‌های جسمی (هم‌چون برص) یا روابط نامشروع بود. د) منظور بهانه‌جویی‌های بنی اسرائیل از موسی بود «۱» که همه‌ی این موارد موجب آزار موسی شد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و موسی علیه السلام مورد آزارهای مشابهی قرار می‌گرفتند مثل: بهانه‌جویی و شایعه‌پراکنی. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۳. هر گاه کسی در راه خدا گام بردارد و در نزد او آبرومند و صاحب منزلت شود، خدا از او دفاع می‌کند و نسبت‌های ناروا و آزارهای مردم را از او دفع می‌کند و پاکی او را آشکار می‌سازد. ۵. آزار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تنها در صدر اسلام نبود، بلکه ممکن است در عصرهای بعدی نیز کارهایی صورت گیرد که زحمات ایشان را بر باد دهد و موجب آزار روح پیامبر صلی الله علیه و آله شود. از این رو در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که هر کس علی علیه السلام و فرزندان او را آزار دهد، مشمول این آیه می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی را اذیت نکنید. ۲. رهبران الهی نزد خدا آبرومندند و او از ایشان دفاع می‌کند. ۳. از سرنوشت دگرآزاران بنی اسرائیل عبرت بیاموزید و رهبران اسلام را آزار ندهید. *** قرآن کریم در آیات هفتادم و هفتاد و یکم سوره‌ی احزاب با بیان پیامدهای شیرین پارسایی و استواری در گفتار و اطاعت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ۷۰ و ۷۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُضِلِّحْ لَكُمْ أَعْمِيَ الْكُفْمِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا أَي كسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان را از [عذاب خدا حفظ کنید و سخن استوار بگویید. * تا (خدا) کارهای شما را برایتان اصلاح کند و پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد؛ و هر کس از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کند، پس حتماً به کام‌یابی بزرگی نایل شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قول سدید» به معنای سخن استوار است؛ گفتاری که خلل‌ناپذیر و موافق حق و عدل باشد و هم‌چون سدّ استواری جلوی امواج فساد و باطل را بگیرد. «۱» دلایل قوی باید و معنوی نه رگ‌های گردن به حجّت قوی (سعدی) ۲. در این آیات به چند مطلب اشاره شده که هر کدام عامل و زمینه‌ساز دیگری است؛ یعنی: - تقوا عامل اصلاح زبان و سخن استوارگفتن است؛ - سخن استوار و حق گفتن عامل اصلاح اعمال انسان است؛ - و اصلاح کارها عامل آمرزش گناهان است؛ چرا که کارهای نیک، گناهان را از بین می‌برند. «۲» ۳. در روایتی تاریخی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه بر منبر می‌نشست آیه‌ی فوق را تلاوت می‌کرد (تا به مردم یادآوری کند که تقوا داشته باشند و سخن استوار بگویند). ۴. زبان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین اعضای بدن است که می‌تواند بیش از سی گناه کبیره انجام دهد؛ «۳» همان طور که می‌تواند عامل خیر و برکت و اصلاح باشد. در

حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که ایمان هیچ بنده‌ای به راستی نمی‌گراید مگر این که قلبش مستقیم گردد و قلبش مستقیم نمی‌شود مگر آن که زبانش راست گردد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۵. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از پیروی خدا و پیامبر که موجب پیروزی و سعادت بزرگ می‌شود، اطاعت از آنها در ولایت علی علیه السلام است. «۱» البته روشن است که این حدیث یکی از مصادیق اطاعت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند و گرنه مفهوم آیه وسیع است و شامل هر گونه اطاعت می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تقوا و سخن استوار، عامل اصلاح کارها و آموزش گناهان است. ۲. هر کس رستگاری و پیروزی می‌خواهد از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت کند. ۳. سخن درست و استوار بگویند تا کارهایتان اصلاح شود. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و دوم و هفتاد و سوم سوره‌ی احزاب به قبول امانت الهی توسط بشر و اهداف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۲ و ۷۳. *إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا* * *لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا* در حقیقت، ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، و [لی از برداشتن آن سر باز زدند و از آن بیمناک بودند و انسان آن را بر دوش کشید؛ در واقع، او بسی ستمگر و بسیار نادان است. * تا خدا مردان منافق و زنان منافق و مردان مشرک و زنان مشرک را عذاب کند، و خدا (با رحمت خویش) تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۶ بر مردان باایمان و زنان باایمان بازگردد (و توبه‌ی آنان را بپذیرد)؛ و خدا بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از امانت الهی در این آیه چیست؟ مفسران احتمال داده‌اند که منظور آزادی اراده و اختیار یا عقل و ولایت الهی یا معرفت خدا و واجبات و تکالیف الهی باشد. «۱» ولی می‌توان در یک جمع بندی گفت که امانت الهی همان قابلیت تکامل نامحدود بشر، آمیخته با اراده و اختیار و رسیدن به مقام انسان کامل و بنده‌ی خاص خدا شدن و پذیرش ولایت الهی است. به عبارت دیگر، اراده و عقل و معرفت انسان که زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری و قبول ولایت الهی است، همان امانت بزرگ خداست که به بشر داده شده است. ۲. در برخی احادیث آمده است که مقصود از این امانت، قبول ولایت امام علی علیه السلام و فرزندانش است. «۲» البته این گونه احادیث یکی از شعاع‌های ولایت الهی را بیان می‌کند که از امانت الهی بود. ۳. هر چند که همه‌ی نعمت‌های الهی و حتی وجود انسان امانت خداست ولی به خاطر اهمیت این امتیاز بزرگ انسان از آن به امانت تعبیر شده است. ۴. مقصود از عرضه کردن امانت بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و ابا کردن آنها از پذیرش آن چیست؟ در این جا یا مقصود عرضه‌ی مستقیم است که لازمه‌ی آن اعطای عقل و شعور و اراده به آنها و سخن گفتن آنهاست و یا به معنای مقایسه؛ یعنی استعدادهای این موجودات با این امانت مقایسه شد و آنها با زبان حال گفتند که ما شایسته و پذیرای این امانت نیستیم. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۷ اما انسان که استعداد و قابلیت این امانت را داشت آن را پذیرفت. آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه‌ی کار به نام من دیوانه زدند (حافظ) ۵. مقصود از «ظلوم و جهول» بودن انسان، یا آن است که برخی انسان‌ها این امانت الهی و امتیاز بزرگ را فراموش کردند و به بیراهه رفتند و بر خود ستم کردند و قدر خود را نشناختند «۱» و یا آن که انسان‌ها شأن ظلم و جهل را دارند؛ یعنی زمینه‌ی جهل و ستم در انسان‌ها هست. «۲» پس آیه در مقام سرزنش انسان نیست و پذیرش امانت الهی ناپسند نبوده است، بلکه فراموش کردن آن ناپسند بوده که زمینه‌ساز ظلم و جهل انسان‌ها شده است. ۶. هدف از امانت دادن به انسان‌ها آزمایش آنها بود که در اثر این آزمایش انسان‌ها به سه گروه منافق، مشرک و مؤمن تقسیم شدند. آری؛ در نهایت انسان‌ها به سه دسته شدند و هر کدام به سوی سرنوشت خود رهسپار گردند. «۳» *مَرَاتِحِلِّ بَارِي* چگونه دست دهد که آسمان و زمین برنافتند و جبال (سعدی) ۷. مقدم شدن منافقان و کافران بر مؤمنان، شاید به خاطر آن است که در آخر آیه‌ی قبل از ظلوم و جهول یاد شد و این‌ها با منافق و مشرک تناسب دارند. ۸. مقصود از توبه‌ی خدا بر مؤمنان، همان فرستادن رحمت اوست و یا آن که مؤمنان از لغزش‌های خود نهراسند که خدا آنها را می‌بخشد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان شجاع‌ترین و بزرگ‌ترین امانت‌دار نظام

آفرینش است. ۲. شما امانت و مسئولیتی دارید که زمین و آسمان ندارند (قدر آن را بدانید). ۳. ظلم و جهل، انسان را از امانت الهی دور می‌سازد. ۴. همه‌ی انسان‌ها امانت‌دار خوبی نبودند (شما این گونه نباشید). ۵. هدف از امانت‌دار کردن انسان، لطف به مؤمنان و مجازات منافقان و کافران است. ۶. امانت‌دار خوبی برای امانت الهی باشید. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۹

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران-قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المكتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبه‌الدین شهرستانی، مطبعة الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیة، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۰. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیة (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، موسسه التمهید، قم، الطبعة الاولى، ۱۳۸۳ ش. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۱. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب الله المنیر، محمد الکریمی، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر والمفسرون، دکتر محمد حسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانہ، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی تا. ۳۴.

الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدر المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالة الذهبیه (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، دار المعرفه، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفه السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۲ ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقى التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقه الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۳۰ هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد بن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبه الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوه، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۳ مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، مؤسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسيله، روح الله موسوی خمینی قدس سره، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م

تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۴ ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبه الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبدالله الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعه و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمآلهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، بی تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه، الطبعة الثانية. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۵ ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجة بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامی، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۶ معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاء‌الدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر

سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می‌باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۷ احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفه، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، احمد بن محمد میدی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقائق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب فروشی اسلامی، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدرضا تقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۸ ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرة المعارف اسلامی، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف (مجموعه ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی‌نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، مرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح الله خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادئ العامه

لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبه الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۹ مؤسسه علوم القرآن، دمشق، الطبعة السابعة، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفطی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح الله، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید الله، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیره النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبه العربیة، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبه الله، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیدالله قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۲۰ ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العکک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمه للطباعة و النشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدة الداعی، ابن فهد حلّی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلّی، انتشارات دارد کتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبه الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسن) سعید، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلا-کر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۲۱ چاپ دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبدالله بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامی به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسن) سعید، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایه الاصول، آخوند محمد کاظم خراسانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.

۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیه الله علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۲۲ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۲۳ علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیه الله حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجره، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد

فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

